

# کتاب مزامیر

## پیشگفتار

مزامیر را مشاهده می کنیم که به خاطر نامی که برای خدا به کار برده اند با یکدیگر تفاوت دارند، یعنی نام خاص خدای اسرائیل (کلمه چهار حرفی یهوه در ۴۱-۳؛ ۹۰-۱۵۰؛ ۸۲-۴۲)، یا نام عام الوهیم یعنی خدا (۸۳-۴۲). همچنین چندین دسته بندهی داخلی نیز وجود دارد، نظیر «نیایشهای داود پسر یسّا» (ر.ک. ۷۲: ۲۰؛ ۷۲: ۴۹-۴۲)، کتابچه های بنی قورح (۸۴-۸۲؛ ۸۵-۸۷)، و آساف (۷۳-۸۳)، (۵۰)، سرودهای «برآمدنها» (۱۲۰-۱۳۴)، سرودهای معروف به سلطنت خدا (۹۳-۹۹)، «هلل های» سه گانه (۱۱۳-۱۱۸؛ ۱۳۶-۱۳۶) که در آنها ندای آیینی «هللوبیا» مکرراً طنین افکن است. مزامیر احتمالاً در اوخر سده سوم پیش از میلاد به شکل مجموعه ای واحد درآمده، اما ارائه تاریخی دقیق ممکن نیست. ولیکن پیش از این زمان، به صورت مجموعه هایی کوچکتر، مستقل و نابرابر وجود داشته است. شکل گیری تدریجی این اثر می تواند توجیه کننده برخی از موارد غیر عادی باشد، خصوصاً گونه های متفاوت شعری واحد (۱۴: ۵۳=۴۰؛ ۷۰: ۷۰=۱۴-۱۴: ۴۰؛ ۶۰: ۷-۱۴=۱۰۸). خارج از کتاب مزامیر، مزمورهای منفردی را در سایر کتاب ها مشاهده می کنیم که متعلق به دوره های مختلف

کتاب  
این کتاب مجموعه ای از «ستایشهای» است. در کتاب مقدس عبری، این مجموعه پس از شربعت و کتاب های انبیا و در آغاز بخش سوم، یعنی «نوشته ها» قرار دارد. این مجموعه که قبل از کتاب ایوب و امثال آمده، با آنها گروه سه گانه مشخصی را تشکیل می دهد؛ در متن ماسورتی برای این گروه سه گانه روش اعراب گذاری خاصی به کار رفته است. نام این مجموعه از «ستایشهای» در زبان عبری «میزمور» است، به معنی نواختن موسیقی، یا نواختن ساز، یا خواندن آواز. این کلمه به صورت «مزمار» یا «مزمور» وارد زبان عربی شده، و جمع آن «مزامیر» است که به معنی «نی لبک» یا آوازی است که به همراه نی لبک خوانده می شود. این مجموعه که در ترجمه یونانی «هفتادتنان» آن را «پسالتريون» یا «پسالموی» نامیده اند، شامل یکصد و پنجاه شعر می باشد.

کتاب مزامیر، مانند تورات، به پنج بخش تقسیم شده است (۱-۱: ۴۱-۴۲؛ ۷۲-۷۳: ۸۹-۸۹؛ ۹-۹: ۱۰۶-۱۰۷؛ ۱۰۷-۱۵۰) که این امر می تواند تعمدی بوده باشد. هر بخش با یک فرمول برکت یا ستایش پایانی خاتمه می یابد. اما این تقسیم بندهی کلی شامل جنگهایی کوچکتر نیز می گردد. به این ترتیب، دسته هایی از

نخستین جُنگ از کتاب مزامیر که «مجموعه بزرگ داود» نامیده می‌شود. ذکر نام داود سیزده بار با اشاره به یکی از رویدادهای زندگی این پادشاه همراه است. در ک برتری این «سراینه سرودهای اسرائیل» آسان است (۲-سمو:۲۳؛ ر.ک. بنی:۴۷). داود همچون شاعر (۲-سمو:۱، ۱۷:۱۹-۲۷) و نوازنده (۱-سمو:۱۶-۳۴-۳۳:۳) معروف بود، و سازماندهی عبادات و سرودهای آیینی به او نسبت داده شده است (۱-توا:۱۵-۱۶:۱۶؛ عز:۵:۲۳؛ نح:۱۲:۳۶). البته تردیدی نیست که شعر در اسرائیل بسیار پیش از داود وجود داشته است. از این میان، می‌توان به فریاد انتقام لمک (پید:۴-۲۳:۴)، سرود چاه (اعد:۱۸-۱۷:۲۱)، سرود موسی و سرود مریم (خروج:۱۵-۲۱:۱)، و سرود پیروزی دبوره (داور:۵-۲:۳۱) اشاره کرد. اما بر اساس سنت، این داود بود که شعر مذهبی را اعتلا بخشید؛ او به خاطر اینکه عادلی آزاردیده، توبه کاری مصالحه یافته، و چهره مسیح موعود بود، برجسته ترین نگارنده و سازماندهنده مزامیر، و پدر روحانی مزمورنگاران تلقی شده است.

سؤالات مربوط به اصالت ادبی، مطالب بسیاری برای بحث در اختیار مفسران معاصر قرار می‌دهد. در واقع، حرف اضافه‌ای که در عربی در عنوان هر مزمور، پیش از نام اشخاص آمده، به گونه‌های مختلف تفسیر می‌شود، به این ترتیب که می‌تواند اشاره‌ای به نگارنده باشد، و همچنین، مانند ادبیات اوگاریتی، تعلق آن را به یک مجموعه ادبی نشان دهد، یا اشاره‌ای باشد به قهرمان شعر. به هر حال،

می‌باشد، نظیر ۱-سمو:۱:۲-۱۰:۱؛ اش: ۲۰-۱۰:۲؛ یون:۱۰-۳:۲؛ نا: ۱۱-۲:۱؛ حب: ۳:۱-۱۹؛ مرا: ۵؛ دان: ۲-۲۰:۲؛ طو: ۱۳.

دو مزمور اول که گاه مزموری واحد به شمار می‌آیند (اع:۳۳:۱۳)، در حکم مقدمه کتاب می‌باشد، و ستایش عظیم پایانی (مز: ۱۵۰) نه تنها بخش پنجم، بلکه تمام کتاب را به پایان می‌برد.

## عناوین

مزامیر در کتاب مقدس عبری، به جز مزمور سی و چهارم، دارای عناوینی هستند که طول و خصوصیتشان با یکدیگر تفاوت دارند. این عناوین که نوعی برگه هویت انفرادی می‌باشد، به دوره‌ای نسبتاً کهن مربوط می‌شوند، زیرا نخستین مترجمان یونانی دیگر معنی دقیق آنها را درک نمی‌کرده‌اند. امروز نیز با وجود تلاشهای مفسران، اغلب ناگزیریم یا به حدس و گمان متوصل گردیم، یا به سکوت.

اکثر این عناوین مربوط هستند به نگارنده‌گان سنتی: موسی (۹۰)، سلیمان، (۷۲:۷۲)، آسف (۵۰:۸۳-۷۳)، ر.ک. (۱۲۷)، توا:۱۶:۴-۷:۲-۱:۲۵؛ نح:۴۴:۷)، بنی قورح (۴۲:۴۴-۴۹؛ ۸۴-۸۵:۸۷)، ر.ک. (۱۹:۲۰-توا:۲۰)، هیمان (۸۸)، ایتان (۸۹)، ر.ک. (۱۵:۱۷-۱۹:۱۵)، و یدوتون (۳۹:۶۲؛ ۷۷:۶۲)، ر.ک. (۱-توا:۱۶-۴۱:۴۲-۲:۳، ۱:۲۵)، توا:۱۲:۵؛ ۲۹:۱۷-۱۱:۱۴)، در میان این اسماء، نام داود به طور برجسته دیده می‌شود که در آغاز هفتاد و سه مزمور ذکر شده، خصوصاً در

«مسکیل» (۳۲: ۴۵؛ ۴۴: ۴۲؛ ۴۵: ۵۲-۵۵؛ ۷۴: ۸۸؛ ۸۹: ۱۴۲)، «شیگگایون» (۷) که اولی را «شعر» و دومی را «شکایت» ترجمه کرده ایم. گاه نیز معنی عنوانی را بر اساس حدس و گمان آورده ایم و آن را با علامت (?) مشخص کرده ایم. این کلمات با وجود ابهامی که دارند، قطعاً دارای ارزشی بسیارند و نشان می دهند که در اسرائیل انواع گوناگونی از مزامیر وجود داشته اند. این کلمات مفسران را در تحقیق خود در خصوص «سبکهای ادبی» انگیزش داده اند. تلاش‌های ایشان در سالهای اخیر سبب شکوفایی طبقه بندی های مختلف شده است.

بعضی دیگر از عناوین دلالت دارند بر شیوه اجرای موسیقی. آنها کراراً (۵۵ بار) به رهبر دسته سرایندگان اشاره می کنند. این معنی احتمالی (ر.ک. ۱-توا ۱۵: ۲۱؛ ۲۳: ۴) کلمه ای است که مترجمان ترجمه های قدیمی درک نکرده اند. همچنین به آلات مختلف موسیقی اشاره شده است: نی (۵)، سازهای زهی (۶: ۵۴؛ ۵۵: ۵۵؛ ۶۱: ۶۷؛ ۷۶)، آلاتی با هشت زه (۶: ۱۲)، سه تار جت (۸: ۸۱؛ ۸۴)، مگر آنکه اینها بر نوایی خاص دلالت داشته باشند. برای همراهی دسته سرایندگان از آلات مختلف موسیقی استفاده می شد: کرنا و شیپور، چنگ، بربط و قانون، سنج و دف. مزمور ۱۵۰ عناصر ارکستر مقدس و «سرودهای خدا» را بر می شمارد (۱-توا ۱۶: ۴۲). در پس بعضی از اصطلاحات معماگونه، اشاراتی را به حالت اجرای سرود می توان حدس زد: غزال سپیده دم (۲۲)، سوسنها (۴۵: ۶۹)، ویران مساز (۵۷: ۵۸؛ ۵۹: ۷۵). گاه نیز آنها را رازگونه باقی

نمی تواند خصلت پویای مزامیر را از یاد برد. این سرودها را در هر نسلی می خوانند، بی آنکه تکراری شود: مؤمنین آنها را با شرایط خود انطباق می دادند و زنده می ساختند؛ به علاوه، مزامیر به سبب پیوند فرهنگی خود، در آیین نیایش مطابق نیاز روز، یا به بیانی دیگر، مطابق شرایط جدید به کار می رفتند. در گذشته، در خصوص موضوع نگارنده یا مالکیت ادبی مانند امروز سختگیری نمی کردند. بنابراین، تعیین زمان نگارش این اشعار و ترتیب زمانی این امر با مشکل مواجه می شود. در نوشته ای نسبتاً متأخر می توانستند از سنت های بسیار قدیمی استفاده کنند؛

نگارنده‌گان جدیدتر ممکن بود از آثار پیشینیان خود بهره ببرند، و مطالب قدیمی تر را به کار بگیرند و مورد انطباق قرار دهنند؛ گاه نیز قطعاتی کهنه را در چارچوبی جدید قرار می دادند، و حتی احتمالاً از بقایای ادبیات اقوام مجاور استفاده می کردند. بحث در باره مسائل پیچیده و دشوار قدمت متون و تأثیرات خارجی بر آنها کماکان ادامه خواهد داشت. اما خوشبختانه، تاریخ دقیق نگارش مزامیر برای درک مفهوم بنیادین و اهمیت روحانی آن معمولاً حیاتی نیست.

عناوین مزمورها حکایت از خصوصیت و طبیعت آنها دارند. آنها مشخص می سازند که در مقابل شعری قرار داریم که با سازهای زهی (میزمور، ۵۷ بار) همراهی می شوند، یا اینکه با نیایش (تفیلا، ۸۶: ۹۰؛ ۱۰۲: ۱۴۲)، یا ستایش (تهیلا، ۱۴۵)، یا ترانه ای عاشقانه یا مربوط به شب زفاف (۴۵)، یا سرودی ساده (شیر، ۳۰ بار) سر و کار داریم. بعضی از اصطلاحات را نمی توان ترجمه کرد، نظیر

عمل می کردند. همچنین باید تصدیق کرد که برخی از قطعات منظوم به نثر بسیار نزدیک هستند.

بندگردان‌هایی که در فواصل مرتب تکرار می‌شوند (۴۲؛ ۴۳؛ ۴۶؛ ۵۹؛ ۶۷؛ ۸۰؛ ۹۹؛ ۱۰۷) امکان این را می‌دهد که ابیات را در یک بندگرد آورد. کلمه «سلا» که در درون سرودها مشاهده می‌شود، خصوصاً در سه جُنگ اول، احتمالاً در برخی موارد به معنی طبقه بندی ابیات در یک بند است. معمولاً تصور می‌شود که این کلمه به معنی «مکث» است. در اغلب موارد، وحدت موضوع یا مفهوم، قسمت‌های داخلی را توجیه می‌کند که به واسطه ترکیب نمایشی متن برجسته شده است. در این زمینه، مزمور ۱۱۹ جایگاه خاصی دارد که در آن می‌توان بندهایی را به تعداد الفبای عبری مشاهده کرد. این شعر از بیست و دو بند تشکیل شده که هر یک هشت بیت دارد و به ترتیب با یکی از حروف الفبا آغاز می‌گردد (ر. ک. مز ۹؛ ۲۵؛ ۳۷؛ ۱۰-۹).

عنصری که قطعاً در مزامیر عبری به چشم می‌خورد، مانند شعر سامی، «توازی کلام» می‌باشد، یعنی نوعی تقارن میان اجزاء جمله وجود دارد، چیزی شبیه قافیه در اندیشه. این توازی به چند شکل دیده می‌شود. گاه همان اندیشه یا همان تصویر به کمک اصطلاحاتی متراffد تکرار می‌شود که این را توازی متراffد می‌نامند، نظیر ابیات زیر:

«چرا این ملت‌ها (وجود دارند) که بر خود می‌لرزند،  
این قوم‌ها که بیهوده زمزمه می‌کنند؟.....

گذاشته ایم (۹؛ ۴۶؛ ۵۳؛ ۵۶؛ ۶۰؛ ۸۰؛ ۸۸).

برخی عناوین نیز سرودها را به آینهای خاص مرتبط می‌سازند: مزمور ۳۰ به تقسیس خانه اختصاص یافته است؛ مزمور ۹۲ مربوط به روز سبت است، و مزمور ۱۰۰ مربوط به شکرگزاری. در نتیجه، شاید مناسب باشد که فرمول «برای یادبود» (۳۸؛ ۷۰) را به رسم عبادتی خاصی مرتبط سازیم. مزامیر «برآمدنها» نیز احتمالاً سرودهای زائرینی است که به اورشلیم بر می‌آمدند.

## شعرها

کتاب «ستایشها» تماماً به شعر نوشته شده است. این امر را به راحتی می‌توان در ترجمه نیز مشاهده کرد، زیرا آیات مزامیر، آن گونه که در متن حاضر نمایش داده شده اند، عملاً با ابیات متن عبری همسان هستند.

در اغلب موارد، یک بیت از دو جزء تشکیل یافته، گاه نیز از سه جزء. وزن آن مانند اشعار یونانی و لاتین مبتنی بر کمیت

نیست، یعنی بر ترکیب هجاهای طولانی یا کوتاه، و همچنین مبتنی بر تعداد هجاهای نیز نیست، مانند اشعار کلاسیک فرانسوی، بلکه بر تأکید آوایی، مانند اشعار آنگلو-ساکسون. وزنی که بیشتر به کار رفته، مبتنی است بر سه تأکید در هر جزء بیت (۳+۳)؛ این ضرب سه تایی گاه در جزء دوم جای خود را به ضرب دو تایی می‌دهد (۲+۳). این وزن شکسته اغلب در ترجمه نیز محسوس است، زیرا بخش دوم بیت کوتاهتر از بخش اول است. باید توجه داشت که شعرای عبرانی در انتخاب اوزان و سامان بخشیدن به آنها بسیار آزادانه

## پیشگفتار مزامیر

موقعیت‌هایی مشابه اشاره می‌کنند، یا به موضوعاتی مشابه می‌پردازنند، یا در هم می‌آمیزند تا اشعاری پیچیده به وجود آورند. لذا ما اصطلاح «خانواده‌های» مزامیر را به کار برد، این قرابت را با ظرافت کامل مورد توجه قرار خواهیم داد. دسته‌بندی ای که می‌کوشد مزامیر را در گروههای مشخص قرار دهد، باید به احتمالات و حدسیات نیز توجه کند. ما با توجه به این نکات، سه خانواده بزرگ را پیشنهاد می‌کنیم:

- ۱- ستایشها.
- ۲- نیایشهای درخواست کمک، اعتماد، و فدردانی.
- ۳- مزامیر تعلیمی.

### ۱- ستایشها

این خانواده شامل مزامیر سیاری است که در همه جنگهای این کتاب پراکنده هستند. مطابق عقیده ای که مقولیت گسترده‌ای دارد، اکثر این «ستایشها» به منظور آینهای نیایشی تصنیف شده بودند و به هنگام اعیاد اسرائیل به اجرا در می‌آمدند. بنا بر دلایلی قابل قبول، می‌توان بعضی از این مزامیر را به یکی از اعیاد خاص نسبت داد، اما چنین کاری مبتنی خواهد بود بر حدس و گمان. جنبه گروهی مزامیر از گفتگوها، دسته سرایندگان، بندگران‌ها، فریادهای شادی، و کلماتی نظری «آمین!» و «هَلْلُوِيَّاه!» نمودار می‌گردد. همچنین موکب‌ها، راهپیمایی‌ها، و تظاهراتی خاص نظری رقص، کف زدن، زانوزدن، و سجده کردن حکایت از شرکت مردم در این سرودها دارد.

ستایشها معمولاً بر طرحی واحد بنا

و اکنون، ای پادشاهان، در ک کنید، ای داوران زمین، فرگیرید.» (۱۰:۲).

گاه نیز شاعر از توازی متضاد استفاده می‌کند، نظیر:

«برکت یافتگان [یهُوه] مالک سرزمین خواهند شد،

اما آنان که او لعنتشان می‌کند از میان خواهند رفت.» (۲۲:۳۷).

در توازی ترکیبی، همان مفهوم با بسط

اندیشه بیان می‌شود، نظیر:

«برای یهُوه سرودی تازه بسراید!

ای تمامی زمین، برای یهُوه بسراید!»

(۱:۹۶).

توازی همواره کامل نیست: با اینکه آن را وجه تمایز مشخص شعر عبری تلقی می‌کنند، اما آن را در همه جا نمی‌بینیم. عباراتی مبتنی بر تکرار حروف بی صدا یا صدادار نیز مکرراً به کار رفته که ترجمه آنها غیر ممکن است؛ مواردی از این دست در توضیحات آیات تذکر داده شده‌اند.

### خانواده‌های مزامیر

خویشاوندی جسمانی میان اعضای خانواده به واسطه خصوصیات مشترک ایشان نمودار می‌شود، یعنی به واسطه شباهت چهره، اندام، و رفتار؛ و نیز شباهت زبان و لهجه؛ و بالاخره شباهت افکار، احساسات، مشکلات، و سنت. میان خانواده‌ها پیوندهایی صورت می‌گیرد که قرابت‌ها و آمیزه‌های جدیدی پیدید می‌آورد. گاه نیز خویشاوندان شباهتی به هم ندارند. این امر در خصوص مزامیر نیز صدق می‌کند. بسیاری از آنها به لحاظ ساختار، جمله‌بندی، و لحن مشترک به یکدیگر شباهت دارند، یا به

مزامیر تاریخی، نظیر ۷۸ و ۱۰۵، کارهای عظیم خدا، «شگفتگانها» یا «معجزات» او، آن گونه که در تاریخ نجات مشاهده می‌شود، ستوده شده‌اند. این اعمال الهی عبارتند از سخنان، نشانه‌ها، تجلیات خدا، و نیز سخنان او که برابر با عمل می‌باشد. اسرائیل در اثر تأملات فلسفی نبوده که به ستایش خداش می‌پردازد، بلکه در اثر تجربه روحانی خود.

مزمورنگاران در توصیفی که از طبیعت به دست می‌دهند، متکی به مفاهیم عصر خود می‌باشند؛ ایشان بیشتر تأملات مذهبی خود را در باره عالم هستی مورد تأیید قرار می‌دهند تا برداشتی شاعرانه از آن را. پدیده‌های جوّی و تناوب فصل‌ها مداخلت‌های الهی را پنهان و آشکار می‌سازند. طبیعت با شفافیت، حضور خالق خود را به نمایش می‌گذارد.

تفسران برخی از بخش‌های ستایشهای خالق را به ادبیات خارج از کتاب مقدس مرتبط دانسته‌اند. برای مثال، می‌گویند که سرود طوفان (۲۹) شبیه سرودهایی است که کنعانیان برای خدای بعل می‌خوانند؛ ابتدای مزמור ۱۹ تداعی کننده نیایش خدای خورشید است؛ و سرود آفرینش (۱۰۴) الهام یافته از سرود مصریان برای خدای آتون می‌باشد. اما باید دانست که مزمورنگاران دست به تقلید نزده‌اند؛ ایشان الگوهای را که احتمالاً از راس شمرا-اوگاریت، بابل، و مصر به عاریت گرفته‌اند، کاملاً تغییر داده‌اند؛ چرا که ایشان برای خدای یکتا می‌سرایند؛ حتی اگر چیزی را به عاریت گرفته باشند، آنها را با اعتقادات خود همشکل ساخته‌اند؛ کیمیای ایشان همه چیز را دگرگون می‌سازد؛ لذا یهوه با نیرویی کیهانی اشتباه نمی‌شود؛ او پیش از هر چیز

شده‌اند. از همان ایيات اول، فراخوانی کم و بیش بلند، و گاه فقط یک کلمه، ندا را در می‌دهد. مزمورنگار گاه خود را مخاطب قرار می‌دهد (۱۰۳: ۱۰۴؛ ۱۴۶)، گاه نیز، که اغلب چنین است، جماعت، طبقات مختلف قوم، عناصر طبیعت (۱۴۸)، و حتی عبادت کنندگان آسمانی (۱۴۸: ۲۹) را. این مقدمه لحن مزمور را مشخص می‌سازد و فضایی شاد را به وجود می‌آورد. در بعضی موارد، شاعر از همان آغاز، موضوعات ستایش را مطرح می‌سازد و بعد، در طول شعر، به بسط آنها می‌پردازد. مزمور به آشکال گوناگون خاتمه می‌پذیرد؛ تکرار کامل مقدمه یا بخشی از آن، ارائه خلاصه‌ای از موضوعات، فرمول برکت دادن، نیایش، یا آرزو. یکپارچگی این ساختار در اثر عوامل مختلف بر هم می‌خورد که ناشی از موقعیت‌های متفاوت هستند؛ عامل دیگر این است که ستایشها همگی مخاطبی واحد ندارند، بلکه می‌توانند خطاب به خدا، صهیون، معبد، و پادشاه سروده شده باشند.

(الف) سرودهایی که خطاب به خداوند عهد می‌باشند، گروه منسجمی را تشکیل می‌دهند (۸: ۱۹؛ ۳۳: ۱۰۰؛ ۱۰۴: ۱۰۳؛ ۱۱۱: ۱۱۳؛ ۱۱۴؛ ۱۱۷: ۱۳۵؛ ۱۳۶: ۱۱۳؛ ۱۱۴: ۱۱۳؛ ۱۱۱: ۱۱۰-۱۴۵؛ ۱۵۰: ۷۸؛ ر.ک. ۱۰۵). اسرائیل ایمان خود را برای خدایی می‌سراید که یکتا، ابدی، قادر مطلق، دانای کل، خالق، و صاحب تاریخ می‌باشد و همیشه به قومی که برای خود برگزیده وفادار است. این ستایشها پاسخ جماعت است به کلام خداوندش؛ واکنش قومی است که همواره خدا را در تاریخ خود ملاقات کرده است، خدایی زنده که هادی، داور، مدافع، و رهایی دهنده ایشان است. در

آن را بر می افرازند (۴۶: ۴۸؛ ۷۶: ۸۴؛ ۸۷: ۱۲۲؛ ر. ک. ۲۴: ۶۸؛ ۱۳۲). عنوانی صهیون چشمگیر است: پایتخت سلسله داود، شهر مرکزی مذهب، مقدس ترین مسکن خدای متعال، شهر خدا، شهر پادشاه بزرگ. این آیینهای ستایشی آخرالامر به خود یهوه خطاب می شوند که کوه صهیون را برای سکونت و همچون مکان استراحت خود برگزیده است. مزمور ۱۳۲ که احتمالاً به یاد انتخاب شهر و پادشاهش سروده می شد، ظاهراً الهام یافته از پادشاهش سروده می باشد. نگارنده مزمور ۶۸ با ۲-سمو ۷ می باشد. آنکه از یادآوری های اشعار کهن، حرکت شکوهمند صندوق عهد را به سوی مکان نهایی اش بازگو می کند. پایتخت جدید که بر کوههای مقدس بنا شده، عنوان «ژرفاهای شمال» را به خود اختصاص می دهد (۴۸: ۳)، عنوانی که اسطوره های کنعانی برای مسکن بعل قائل شده بود. افزون بر این، سینا نیز به قدم مرتبط شده است (۶۸: ۱۸). حضور دائمی آن قادر مطلق ضامن ثبات و امنیت این شهر است، شهری که به پناهگاهی تسخیر ناپذیر تبدیل می شود. به همین دلیل است که قوم در شرایط بسیار سخت نیز از اطمینانی مطلق برخوردارند. سرودهای صهیون نوعی عرفان را طرح می ریزند که حالتی آرمانی به این شهر می بخشند، شهری که پایتخت آتی قوم ها خواهد بود (۸۷). مفسران این را به موضوع آخرت شناسی مرتبط می دانند. به این ترتیب، یک بار دیگر شاهد این هستیم که آیین نیایش به آینده اشاره می کند و در عبادت امروز، شکوفایی فدا را می بیند، آینده شهری را که از پیش مقرر شده بوده است (ر. ک. اش ۲: ۴-۶؛

خدای کل تاریخ است، و خدای تاریخ اسرائیل.

(ب) سرودهای «سلطنت» (۹۳: ۹۶-۹۹؛ ر. ک. ۴۷) با سرودهای خطاب به یهوه خویشاوندی دارند. این سرودها در کتاب مزامیر به سبب قربات خاص آنها با یکدیگر، تأکید جهانی شان، و فربادهای شادی که در تعدادی از آنها طنین افکن است، در یک گروه دسته بندی شده اند، این فرباد که یهوه پادشاه است! (۹۳: ۹۶؛ ۱۰: ۹۶؛ ۱: ۹۷؛ ۱: ۹۹؛ ر. ک. ۶: ۹۸). در آنها خدایی که همچون پادشاه و داور اسرائیل و سرور قوم ها بر تخت جلوس فرموده، با شور و حرارت ستوده می شود. آنها ریشه در مراسم عبادی دارند (۹۶: ۹-۸؛ ۹: ۹؛ ۵: ۹). شادی ای که آنها را آکنده می سازد، مانند شادی در روز تقدیس پادشاه است: اسرائیل، قوم ها، جزیره ها، و همه عناصر عالم هستی فربادهای شادمانی سر می دهند. شاید این مزمورها که به زعم مفسران سرودهای مراسم جلوس بر تخت می باشند، به مناسبت آیین نیایشی خاصی به کار می رفته اند، نظیر عید آلونکها، یا اورشلیم، یا سال نو. اما در این زمینه قطعی وجود ندارد. مفسران وجوه اشتراکی میان آنها و بخش آخر کتاب اشیاعا مشاهده می نمایند (ر. ک. اش ۵۲: ۷) و در این سرودهای «تسازه» (۹۶: ۱؛ ۹۸: ۱) چشم اندازهایی آخرت شناختی کشف می کنند. اما نمایند از نظر دور داشت که در مذهب اسرائیل، گذشته در زمان حال تجلی می یابد و به آینده نظر دارد: آیین نیایشی ای که گذشته را زنده می سازد، امیدی برای آینده به دست می دهد.

(ج) «سرودهای صهیون» اورشلیم و معبد

که از رئیس ملتی خداسالار به عمل می‌آید، در نهایت به یهوه باز می‌گردد. پادشاه در واقع، پسرخوانده خدا و وارت او می‌باشد. این «مسيح» بر دست راست خدای متعال جلوس می‌کند؛ او از ثبات و دوام تخت سلطنت داود که در عین حال، تخت سلطنت یهوه بر اسرائیل می‌باشد (۱-توا ۵:۲۸). بهره‌مند است. وعده‌ای که از طریق ناتان به داود داده شد، بارها در این مزامیر به چشم می‌خورد (۲:۴۵؛ ۷:۴۵؛ ۷:۳۸-۲۰، ۵:۸۹، ۴:۵-۶). میان اشعار سلطنتی، سرودهای سلطنت، و سرودهای صهیون، پیوندی نزدیک وجود دارد؛ همه این مزامیر حاوی وعده‌ای هستند، وعده‌پری برکات: انتظار مسیح موعود، انتظار سلطنت نهایی خدا، و انتظار شهر آرامی.

**۲- نیایش‌های مرسوط به درخواست کمک، اعتماد، و قدردانی**

این نیایشها مانند «ستایشها»، خداوند قادر، عادل، و نیکوکار کل را می‌ستایند. اما این سه گروه را می‌توان در یک خانواده مشخص گرد آورد، زیرا همگی از موقعیتی نشأت می‌گیرند که پریشانی بر آن حاکم است، به این ترتیب که نیایش درخواست کمک، مانند نیایش اعتماد، یا در بحبوحه یک بحران نوشته شده، یا پیش از آن؛ نیایش شکرگزاری نیز سرانجام خوش این بحران را توصیف می‌کند و از خدا برای امدادش قدردانی می‌نماید. گاه در مزموری واحد (۲۲: ۶۱؛ ۵۶: ۳۱)، درخواست، اعتماد، و قدردانی پیوندی تنگاتنگ با یکدیگر می‌یابند. این نیایشها گاه برخاسته از

عاملی مشابه الهام بخش «مزامیر برآمدنها» می‌باشد (۱۲۰-۱۳۴). بر اساس میشنا، لاویان این سرودها را بر روی پائزده پله دروازه نیکانور اجرا می‌کردند. این نظر اکثر مورد قبول است که زائران از این مزامیر به هنگام «برآمدن» به اورشلیم استفاده می‌کردند. این اشعار با وجود قربتی که با یکدیگر دارند و اغلب نسبتاً کوتاه هستند و احتمالاً متأخر نیز می‌باشند، شکل‌های ادبی متفاوت، و حتی ترکیبی، دارند؛ موضوعات آنها نیز متفاوت است.

(د) در حالی که «مزامیر سلطنت» به ستایش یهوه، این پادشاه برین می‌پردازند، هدف «مزامیر سلطنتی» تجلیل از پادشاهان دنیا ای است (۲: ۱۸؛ ۲۱؛ ۲۰؛ ۴۵؛ ۷۲؛ ۸۹: ۱۰۱؛ ۱۳۲؛ ۱۱۰؛ ۱۴۴). به مناسب تقدیس پادشاه، جلوس او بر تخت و تاجگذاری اش، سالگرد جلوس او بر تخت، ازدواج شاهزادگان، پیش از اقدام به جنگ یا پس از کسب پیروزی، در سختیها و نیز در کامیابی‌ها، مراسمی در کاخ سلطنتی و در معبد برگزار می‌شد. تنوع موقعیت‌ها سبب شده سرودهای متنوعی به شکل تجلیل از پادشاه و سلسله او، سرودهای عبادتی، شکرگزاری، استغاثه، آرزو، وحی و غیره تصنیف شوند. به این ترتیب، این سرودها که به مناسبت‌های مختلف تصنیف شده‌اند به لحاظ ساختار، جمله بنده متأثر از تشریفات دربار، و موضوعاتشان، بسیار متنوع می‌باشند. حالت خانوادگی آنها ناشی از محیط اصلی شان، یعنی دربار است، و نیز از شخصیت اصلی شان، یعنی پادشاه. تکریمی

۳۵: ۳۶؛ ۳۸: ۳۹؛ ۴۲: ۴۳؛ ۵۱: ۵۷-۵۴، ۵۹: ۶۰؛ ۶۹: ۶۴؛ ۶۳: ۶۱؛ ۵۹: ۴۰=) ۷۰: ۷۱؛ ۱۸- (۱۸: ۸۶؛ ۸۸: ۱۰۲؛ ۱۰۹: ۱۲۰). انسان بیشتر گله و شکایت می کند تا شادی! با مطالعه شرح پریشانی می توان موقعیت واقعی استغاثه کنندگان، مشکلات شخصی یا سختی های قوم ایشان را در بطن شکایاتشان کشف کرد؛ کسانی بودند که پیشیمان شده، توبه می کردند، بیمار بودند، شکنجه می شدند، مورد اتهام قرار می گرفتند، پناهندۀ بودند، به تبعید می رفتند یا به اسارت در می آمدند. در بیشتر این شکایت‌ها و ناله‌ها، سخن از گروهی از دشمنان به میان می آید که در فعالیت و جنب و جوش هستند و بر قربانیان خود می تازند و حتی بیماران را نیز زنده باقی نمی گذارند. مزمورنگاران در توصیف این متعدیان کلمات فراوانی به کار برده‌اند، آن سان که مترجمان و مفسران در تعیین هویت ایشان دچار اشکال می شوند. در مزامیر، فعالیت مهاجمان به کمک نشانه‌های متداول که از نوشتۀ‌های حکمت‌آمیز کتاب مقدس به عاریت گرفته شده، و نیز به وسیله تصاویر و کنایه‌های مختلف و متعدد ترسیم شده است: آنان جنگجو، شکارچیان مجهر به دام و کمند، درندگان و تشنگان خون، شیربچه، گاو، گاویش، سگ، افعی و غیره نامیده شده‌اند. این دشمنان برای نیل به هدف خود از هر وسیله‌ای بهره می برند، خصوصاً از سخنان بدخواهانه و زیانبار، شهادت‌های دروغ، افترا، بدگویی، لعنت و نفرین، و روش‌هایی که انسان را به یاد لعنت‌های جادوگران می اندازد. مزمورنگاران

دل یک فرد است و مربوط به دینداری شخصی می گردد، و گاه نیز برخاسته از دل جماعتی است که برای مراسم نیایشی گردآمده است (ر. ک. یول ۱۳: ۱؛ ۱۷: ۲). بهتر است نیایشهای فردی و گروهی را زیاد از یکدیگر متمایز نسازیم، زیرا شخص مؤمن حتی اگر به تنهایی دعا کند، منزوی نیست؛ او خود را با قوم خدا شریک می داند (ر. ک. ۲۲: ۲۵؛ ۲۸: ۶۱؛ ۹: ۶۳؛ ۱۲: ۶۹؛ ۳۶: ۶۹) و بـ عبادات بیگانه نیست (ر. ک. ۲: ۲۸؛ ۸: ۵؛ ۲: ۱۴- ۱۳: ۱۴۰). به علاوه، ضمیر «من» که از سوی مزمورنگار به کار می رود، گاه گروهی را در پس خود قرار می دهد، مثلاً زمانی که شخصیتی چون کاهن یا پادشاه به نام یک گروه سخن می گوید. و بالاخره، مزامیری که در اصل پرستش شخصی و خودجوش مؤمنی پریشان حال یا قدردان را بازگو می کنند، وقتی در کتاب مزامیر گردآمدند، تبدیل شدند به نیایشهای گروهی.

(الف) درخواستهای کمک، چه انفرادی و چه گروهی، معمولاً شامل چهار مرحله هستند: یاد کردن از نام خدا و فریاد کمک، شرح موقعیت، استغاثه، و اطمینان به احابت دعا. اما مزمورنگار گاه این ترتیب را بر هم می زند و بخش‌هایی به آن می افزاید یا از آن حذف می کند، مطالبی را ترکیب می کند، جایه جا می کند، یا به تکرار برخی از بخشها می پردازد. تظاهراتی شاعرانه و پرشور نمی تواند تابع منطقی خشک گردد. گاه نیز وحی‌هایی وارد جریان استغاثه می گردد.

نیایش‌های انفرادی به تنهایی حدود یک چهارم کتاب مزامیر را اشغال می کند: (۵: ۶؛ ۷: ۱۳؛ ۱۷: ۲۲؛ ۲۵: ۲۸؛ ۲۶: ۳۱؛

ظلمات و سکوت و فراموشی حکم فرما است، فرود می‌روند. این مکان مردگان را «شعلو» یا «اعماق زمین» می‌نامند، یعنی مکان‌های پایینی، اما آن را نباید با «جهنم» اشتباہ کرد. مداخلت رهایی بخش خدا محنت زدگان را تقویت کرده، جان تازه‌ای به آنان می‌بخشد. مردمان مصیبت‌زده و شوربخت رنج‌های خود را کیفر گناهان آشکار یا پنهان خود تصور می‌کردن؛ از این رو می‌خواستند با اعتراف به گناه، خشم الهی را فرو نشانند. اعتراف به خطایا موجب بخاشایش می‌شود، و لطف و رحمت الهی را فراهم می‌سازد. در آینین نیایش مسیحیت، هفت نیایش انتخاب شده که «مزامیر توبه» نامیده می‌شوند (۶:۳۲؛ ۳۸:۵۱؛ ۱۰:۱۳۰؛ ۱۴۳:۵۱). مزمور «رحم فرما» (۵۱) و «از عمق‌ها» (۱۳۰) که جزو این استغاثه‌ها هستند، پختگی روحانی زیادی دارند.

نیایش‌های گروهی درخواست کمک که همان ساختار مزامیر قبلی را دارند، مربوط به مصیبت یا بلای همگانی هستند، مثلاً شکست نظامی، هجوم و استیلای خارجی، قتل عام و ویرانیها، بی‌حرمتی به معبد، فشار بزرگان بر کوچکتران، تعدی بی‌دینان بر عادلان، و حکومت جبارانه اولیای امور. در این وقایع، اسرائیل با اضطراب و پریشانی فریاد بر می‌آورد و برای شتابانیدن رهایی خود، نزد خداوند استغاثه می‌کند و برای مداخلت الهی موضوعات مختلفی مطرح می‌سازد: خود را بی‌گناه نشان می‌دهد (۱۸:۴۴)، به گناه خود اقرار می‌کند (۹-۸:۷۸)، و قایع مهم دوران گذشته می‌کنند که به جایگاه مردگان، جایی که

در مصائب خود، به عدالت خدا متousel می‌شوند و گاه لعن‌هایی می‌کنند که از قانون قصاص الهام می‌گیرد. فریادهای ایشان شکایت‌های ارمیا و ایوب را به یاد می‌آورد.

برای درک این نیایشهای خصوصاً نیایشهای بیماران و آنانی که در خطر مرگ قرار داشتند، باید خود را به جای آن تیره بختان و در چارچوب اوضاع و احوال اجتماعی و مذهبی زمان ایشان قرار داد. مزمور نگاران به جز در سرزمین زندگان نمی‌توانستند از سعادت بهره مند باشند (۱۳:۲۷). این مفهوم شامل مجموعه نکاتی از قبیل ساختار جسمانی انسان، زندگی او، وضعیت او در دنیای دیگر، و آشکال مختلف عدالت خدا می‌شود که هنوز کاملاً شناخته شده نبودند. انسان‌شناسی کتاب مقدس با انسان‌شناسی ما مطابقت ندارد، خصوصاً به این دلیل که کتاب مقدس تمایزی را که ما بین روح و جسم قائلیم نمی‌شناسد. کلمه عبری ای که معمولاً روح ترجمه می‌کنیم، در آن زبان معانی و مفاهیم متعددی دارد که در ترجمه متون رعایت می‌کنیم. این مفاهیم عبارتند از گلو، حلقوم، اشتها، حرص، دم (نفس)، و زندگی. اکثر آنیز تنها در حکم ضمیر شخصی به کار می‌رود. لازم به یادآوری است که در آن روزگار تصور می‌شد زندگی نیرویی است که شدت آن تغییر می‌یابد، بدین معنی که بیماری، رنج، بدبوختی یا حمله دشمن می‌تواند نیروی زندگی را کاهش داده، آدمی را تحت تسلط و در معرض بزرگترین دشمن خود، یعنی مرگ قرار دهد. به این سبب، بیماران و ستمدیدگان شکایت می‌کنند که به جایگاه مردگان، جایی که

محفلی که از آن مزامیر سپاسگزاری، چه انفرادی و چه گروهی، پدید آمده‌اند، ظاهراً مراسمی نیایشی بوده است (۶۶:۶۷؛ ۱۱۸:۱۲۴؛ ۶۵:۶۸) ر. ک. ساختار این مزامیر معمولاً شامل این عناصر است: مزمورنگار، پس از مقدمه یا اظهاراتی که گاه موضوعاتی سرودمانند را بسط می‌دهند (۹:۳-۱۲؛ ۹:۶-۱۸؛ ۹:۲-۷؛ ۱۸:۵-۱۸)، خطری را که پیش آمده بود، نیایشی را که در مشکلات کرده بود، و تغییر شرایط به مدد خدا را به یاد می‌آورد، سپس با دعوتی خطاب به حاضران، مزمور را پایان می‌دهد. مزمور ۱۰۷ شایسته توجهی خاص است. در این مزمور تحت هدایت کسی که امور را رهبری می‌کند، چهار گروه از افراد یکی پس از دیگری ظاهر می‌شوند: کاروانیانی که از صحراء بازگشته‌اند، اسیرانی که آزاد شده‌اند، بیمارانی که بهبود یافته‌اند، و کسانی که از خطر دریا رهایی یافته‌اند. بندها که ساختاری مشابه دارند و سپاسگزاری کوتاهی را تشکیل می‌دهند، شامل یک توصیف، یک فرخوان، و یک بندهگران است. در مزمور ۱۱۸ وزن و آهنگ نیایش بیشتر احساس می‌شود، زیرا گرچه یک نیایش سپاسگزاری فردی است، اما قدردانی اسرائیل را نسبت به منجی خود بیان می‌کند.

### ۳- مزامیر تعلیمی

در دو خانواده بزرگ مزامیر که تا اینجا به آنها اشاره کردیم، شاهد عناصر حکمت‌آمیز و تعلیمی می‌باشیم. اما برخی از مزامیر به طور خاص هدفی تعلیمی را دنبال می‌کنند (ر. ک. عنوانی: «مسکیل»، یعنی «برای تعلیم دادن»، ۱:۶۰). اصولاً روش تعلیم منحصراً

خدا را یادآوری می‌کند (۲۰:۷۴). آنچه در نهایت مطرح است، حرمت خدا (۷۴:۷۸؛ ۱۲:۱۰)، و وفاداری و امانت او در حق اسرائیل (۴۴:۲۷) می‌باشد. مسئله قوم برگزیده با مسئله یهوه یکی می‌گردد.

ب) نیایشهای اعتماد که نتیجه درخواستهای کمک می‌باشد، در درجه اول اهمیت قرار دارد و موضوع غالب را در بعضی از مزامیر تشکیل می‌دهد (۳:۴؛ ۱۱:۱۶؛ ۲۳:۲۷؛ ۶۲:۱۲۱؛ ۱۳۱:۱؛ ر. ک. ۹۱). این سرودها که اهمیت روحانی بسیار دارند، احتمالاً برخاسته از محافل لاویان می‌باشند. نویسندهای این مزامیر در صلح و شادمانی نغمه سرایی می‌کنند زیرا در امنیت به سر می‌برند (۲۳:۴-۵؛ ۲۷:۳؛ ر. ک. ۳:۷؛ ۴:۹؛ ۱۳۱:۲-۳)، و همچنین در صمیمیت و نزدیکی دائمی با خدا هستند (۱۱-۱۶:۱۶)، ایمان خود را اظهار می‌کنند (۱۶:۲؛ ۴:۵)، و از هم میهنان خود دعوت می‌کنند از تجربه ایشان سرمشق بگیرند. امنیت خاطر و شادمانی ای که از مشارکت با خدا حاصل می‌شود، اکثراً با معبد مرتبط است که در آنجا خدا تحلی می‌نماید (۱۱:۱۶؛ ۱۱:۷؛ ۱۱:۱۱)، و از آنجا نیایش مؤمنیتی را که به او پناه می‌آورند مستجاب می‌فرماید (۳:۵؛ ۱:۱؛ ۲۳:۶؛ ۲۷:۴). در سه مزمور ۱۱۵، ۱۲۵، و ۱۲۹

اعتماد جمع ایمانداران بیان می‌شود.

ج) تعداد مزامیر قدردانی انفرادی نسبتاً کمتر است (۹:۱۰؛ ۳۰:۳۲؛ ۳۴:۳۲؛ ۴۰:۲-۱۲؛ ۱۲:۴۱؛ ۹۲:۱۱۶؛ ۱۳۸:۱؛ ر. ک. ۱۰۷).

فرد ایماندار پس از آنکه نیایش مستجاب می‌گردد، به همراه دوستان و خویشان خود به معبد بر می‌آید تا نذر خود را به جا آورد. لذا

نیایش» به چشم می‌خورد (۱۵: ۲۴؛ ۱۳۴: ۱۵). ر.ک. (۹۵: ۹۱). مراسمی چون رسیدن به دروازه قدس (ر.ک. ۲۰: ۱۱۸؛ ۷: ۲۴) موقعیتی فراهم می‌سازد تا شرایط لازم برای ورود به معبد، حضور یافتن در پیشگاه خدا، و ساکن شدن در حضور او یادآوری گردد.

(ج) اندرزهای نبوی (۱۴: ۵۰؛ ۵۲: ۵۳؛ ۸۱: ۷۵؛ ر.ک. ۹۵) که مطابق سبک تثنیه (۸۱) شامل وحی‌ها، وعده‌ها و تهدیدها می‌باشد، بر دینداری راستین و اقتضاهای عهد تأکید می‌گذارد، و تباہی‌ها و بی‌دینی را بر ملا می‌سازد (۱۴: ۵۲؛ ۷۵). در مزמור ۵۰، اعتقاد عامه مردم به کارآیی خود به خودی قربانی‌ها، بدون توجه به شروط اخلاقی، محکوم شده است: خداوند به انسان بدھکار نیست، بلکه این انسان است که مدیون خدا می‌باشد.

(د) وبالاخره، گروه دیگری به طور کامل شایستگی این را دارد که مزامیر تعلیمی خوانده شوند (۱: ۳۷؛ ۷۳: ۴۹؛ ۱۱۲: ۱۱۹؛ ۱۲۷: ۱۳۳؛ ر.ک. ۱۲۸: ۱۳۹). در میان موضوعاتی که در این اشعار حکمت آمیز مطرح شده‌اند، شریعت جایگاه خاصی را اشغال می‌کند (۱: ۱۱۹؛ ر.ک. ۱۹: ۸-۱۴). وقتی با شور و عشق به شریعت بنگریم، چشمه‌ای سرشار از خیر و برکت در آن مشاهده می‌کنیم. مزمورنگاران سعادت عادلان و هلاکت شریران را اعلام می‌دارند؛ ایشان مسئله مكافات را به میان می‌کشند. واقعیت‌ها همیشه با تعلیم سنتی مطابقت ندارند، به این معنی که بی‌دینان کامیان می‌شوند و عادلان به مقصود نمی‌رسند. این نظام که برخلاف قاعده است، باعث

وابسته به شکلی واحد از ادبیات نیست، و چنانکه مشاهده می‌شود، مزمورنگاران نیز روشهای مختلفی برای تعلیم به کار برده‌اند، برای مثال، ذکر درسهای از تاریخ، موعظه و اندرز به روش انبیاء، هشدارهایی در طی آیین نیایش، تفکرات و اندیشه‌های حکمت آمیز در باره مسائل اخلاقی وغیره. در این مزامیر به مانند روش حکیمان، از امثال و حکم استفاده می‌شود و روشهای آموزش مدرسه‌ای نظیر نظام الفبایی به کار می‌رود (۳۷: ۳۷؛ ۱۱۲: ۱۱۹) تا به یاد سپردن آنها ساده شود، یا اینکه منظور این بوده که همه چیز بیان گردد. لذا بین اعضای این خانواده پیوند سنتی حاکم است؛ خصوصیت مشترک این خانواده، قصد آن به تعلیم دادن است.

(الف) در سه مزמור (۷۸: ۱۰۵؛ ۱۰۶: ۱۰۶) تاریخ مقدس به تفصیل یادآوری شده و موضوعات اصلی آن در کنار هم قرار گرفته است، یعنی سنت پاتریارخ‌ها که تحت الشاعر «وعده» و «عهد» می‌باشد (۱۰۵: ۱۰۵)؛ خروج که شگفتیهای خدا پیش از آن و در طول آن صورت پذیرفته‌اند؛ حرکت در بیابان و مکاشفه در سینا؛ به مالکیت در آوردن میراث (۷۸: ۱۰۵؛ ۱۰۶: ۱۰۶). مزمورنگاران تنها به برشماری رویدادها نمی‌پردازند، بلکه مفهوم آنها و عناوین جلال خداوند را نیز برجسته می‌سازند (۴: ۷۸؛ ۱: ۱۰۵، ۵)، و آنچه را که بر وفاداری، امانت، بردباری و رحمت خدا گواهی می‌دهد ارائه می‌نمایند. این نگاه به گذشته ایجاب می‌کند که مردم به روش خاصی عمل کنند، همان‌گونه که کتاب تثنیه آن را تعلیم می‌دهد.

(ب) دغدغه تعلیمی در برخی «آیینهای

عبری را رعایت کرده ایم.  
مزامیری که در کتاب مقدس عبری «یتیم»

عبری	يونانی و وولگات
٨١ تا ١	= ٨١ تا ١
٩	= ١٠ و ٩
١١٢ تا ١٠	= ١١٣ تا ١١
١١٣	= ١١٤ و ١١٥
١١٤ و ١١٥	= ١١٦
١٤٥ تا ١١٦	= ١٤٦ تا ١١٧
١٤٧ و ١٤٦	= ١٤٧
١٤٨ تا ١٤٥	= ١٤٨ تا ١٥٠

اضطراب مؤمنین می‌گردد. آنگاه برخی از مزمور نگاران فریاد ناامیدی سر می‌دهند و دوره‌ای از بحران ایمان را می‌گذرانند (۷۳)، اما در اثر این آزمون، افکار و احساسات خود را تلطیف کرده، تغییر می‌دهند. شاید ایشان از پیش مکافاتی را در ماوراء احساس می‌کنند، مکافاتی که تعادلی را که در این دنیا وجود ندارد برقرار می‌سازد. گویا در اظهاراتی که هنوز روشن و واضح نیستند، امیدهایی در این راستا از پس پرده ظاهر می‌شود (۴۹: ۱۶؛ ۷۳: ۲۴؛ ر. ک. پید ۵: ۲۴؛ ۲: ۱۱-۲). پاد

بودند، یعنی عنوانی نداشتند، در ترجمه یونانی دارای توضیحات جدیدی شده‌اند، مزامیر بدلین معنی که ۸۴ مزمور به داود، و مزامیر دیگری به نویسنده‌گان مختلف، یعنی ارمیا، حزقیال، زکریا، حجی و بنی یوناداب نسبت داده شده‌اند و گاهی اطلاعات تازه‌ای ارائه شده که نشان می‌دهد مزمور در چه اوضاع و احوالی نگارش یافته است. مترجمان کتاب مقدس (هفتادتنان) اشارات مبهم در عنوان‌های عبری را به شیوه خود تعبیر کرده‌اند. اما متن مزامیر در این ترجمه، با وجود تغییراتی که در آن به عمل آمده، این امکان را می‌دهد که در خصوص بعضی نکات، بتوان متنی درست‌تر را بازسازی کرد. این ترجمه، متن رسمی و قانونی کلیساها یونانی زبان محسوب می‌شود و مبنای ترجمه‌های رسمی بسیاری از کلیساها شرقی قرار گرفته است. در اواسط قرن دوم میلادی، سه نفر، یعنی آکیلا، سیمّاک، و تئودوسیون، کتاب مقدس را به زبان یونانی ترجمه کردند

### کتاب مزامیر، در گذشته و امروز

در حدود اواسط قرن دوم پیش از میلاد، متن عبری مزامیر به زبان یونانی ترجمه شد تا مورد استفاده یهودیانی قرار گیرد که در سرزمینهای دیگر پرکنده بودند. در این ترجمه که «هفتادتنان» نامیده می‌شود، مجموعه مزامیر بین کتاب ایوب و کتب انبیا قرار دارد و دارای یک مزمور اضافی است (منز ۱۵۱)؛ در ضمن، ترتیب شماره‌گذاری اشعار کاملاً برابر شماره‌گذاری متن عبری (ماسورتی) نیست، زیرا در دو مورد یک مزمور عبری به دو قسمت تقسیم شده است (۱۱۶ و ۱۴۷)، و بر عکس، در دو مورد نیز دو مزمور عبری (۹ و ۱۰؛ ۱۱۳ و ۱۱۴) در ترجمه هفتادتنان به صورت یک مزمور در آمده است. در نتیجه، اختلافی در شماره‌گذاری مزامیر عبری و ترجمه یونانی آنها (هفتادتنان) به وجود آمده که در جدولی که در ادامه می‌آید نشان داده شده است.

ما در ترجمه خود ترتیب شماره‌گذاری

۴۶:۲۷)؛ و با زمزمه آیه‌ای از مزمور ۳۱ جان می‌سپارد (لو ۴۶:۲۳). رسم قرائت و سراییدن مزامیر که نزد مسیحیان اولیه مشاهده می‌شود (۱-قرن ۱۴:۲۶؛ افس ۵:۱۹؛ کول ۳:۱۶؛ یع ۵:۱۳)، بسیار زود به عبادات شخصی و آیین نیایش رسمی کلیسا راه یافت. در اوخر سده نخست یا اوائل سده دوم میلادی، کتاب مزامیر به سریانی برگردانده شد. این ترجمه کهن با نام «پیشیتا» شناخته شده و منعکس کننده متنی از عبری است که به عبری ماسورتی ما نزدیک است و برای بسیاری از مزامیر، عنایون خاصی به کار برده است. اندکی بعد، در اوخر قرن دوم، کهن ترین ترجمه‌های لاتین در شمال آفریقا و در روم پدیدار می‌گردند. در سده چهارم، ژروم قدیس به اصلاح ترجمه لاتین که مبتنی بر متنی یونانی بود همت گمارد؛ او آن را بر اساس ترجمه هفتادنан اصلاح کرد («کتاب مزامیر رومی»)؛ سپس با استفاده از هگزایلای اوریجن، دست به ویرایش آن زد («کتاب مزامیر گالیکان»)؛ و سرانجام ترجمه‌ای مستقیماً از متن عبری تهیه کرد («کتاب مزامیر عربانیان»). آنچه که کتاب مزامیر و ولگات لاتین را تشکیل می‌دهد، ویراست دوم ژروم می‌باشد؛ این متن پس از اصلاحاتی جدید و جالب، در سال ۱۹۷۱ منتشر شد و در سنت کلیسای رُم، در «آیین نیایش ساعات» به کار رفت.

در توضیحات این ترجمه حاضر، گونه‌هایی را از ترجمه‌های قدیمی آورده ایم که وجه مشخصه بارز آنها می‌باشد، یعنی از ترجمه‌های یونانی، آرامی، سریانی، آکیلا، سیماک، تئودوسیون، و ژروم؛ به وолگات تنها

که قسمت‌هایی از آنها به واسطه نقل قول‌های پدران یونانی، و خصوصاً بقایای «هگزایلای» اوریجن (اوائل سده سوم میلادی) به دست ما رسیده است.

مجموعه «ستایشها» در جامعه قمران بسیار گرامی داشته می‌شد. از غارهای بیابان یهودا قطعاتی از مزامیر از زیر خاک بیرون آورده شده و طومار بزرگی از مزامیر نیز از غار ۱۱ به دست آمد. به علاوه، «سرودهایی» که در قمران تصنیف شده این امکان را می‌دهد که آنها را با مزامیر قانونی مقایسه کنیم و به اصالحت متن کتاب مقدس پی ببریم. اسرائیل در طول تاریخ خود که اغلب متلاطم بوده، به هنگام اعیاد ملی و مذهبی اش، در مراسم کنیسه‌ها، و در کانون خانوادگی، به قرائت، تأمل، و سراییدن کتاب مزامیر ادامه می‌دهد، طوری که به درستی گفته شده که یهودیان از شکم مادر با این کتاب به دنیا می‌آینند. تارگوم مزامیر که ترجمه و تفسیر آرامی مزامیر است، در شکل شفاهی خود، به سنتی نسبتاً کهن باز می‌گردد، و به همین دلیل، مناسب است که مترجمان امروزی به آن و نیز به تفسیرهای ربی‌های قرون وسطی، نظری ابن عزرا و راشی توجه کنند.

مزامیر در عهد جدید جایگاه خاصی دارد و بیش از یکصد بار از آن نقل قول شده است. عیسی برای اینکه عظمت والای مسیح موعود را نشان دهد، استدلال خود را بر مزمور ۱۱۰ استوار می‌سازد (مت ۴۱:۲۲-۴۶)؛ او خود به همراه شاگردانش سرودهای «هَلَّ» را می‌سراید، سرودهایی که پایان بخش شام گذر بودند (مت ۳۰:۲۶)؛ او بر روی صلیب، ابتدای مزمور ۲۲ را بر زبان می‌آورد (مت

شانزدهم به بعد، ترجمه‌ها و آشکال شعرگونه آن به فراوانی تهیه گردید. در اینجا لازم است

به ترجمه معروف لوتر به زبان آلمانی اشاره کرد. احیای آیین نیایش که در کلیساها مشاهده می‌شود، باعث اشاعه کتاب «ستایشها» شده است. تردیدی نیست که دینداری راستین از دل بر می‌آید، نه از کلیشه‌های ادبی. اما کتاب مزامیر دعاها بی آماده را در اختیار ما قرار نمی‌دهد، بلکه ما را به سراییدن «سرودهای تازه» ترغیب می‌کند.

زمانی اشاره کرده‌ایم که با هفتاد تنان متفاوت است.

سیر تاریخ طولانی کتاب مزامیر که خلاصه‌ای از آن ارائه شد، همراه است با تاریخی روحانی آن. به واقع، نسل‌های متعددی از مؤمنین، چه یهودی و چه مسیحی از فرقه‌های مختلف، در دعا و زندگی خود از مزامیر الهام یافته‌اند. این متون مقدس از همان دوران پدران کلیسا، موعظه‌ها و تفسیرها را بر انگیخته‌اند، به دینداری فردی و گروهی جان بخشیده‌اند، و مفسران را به تحقیق و داشته‌اند. از میان کتاب‌های عهدتیق، کتاب مزامیر نخستین کتابی بود که به زبان فرانسه ترجمه شد (حدود سال ۱۱۰۰)، و از قرن

۱۳۰۴

# کتاب مزامیر

## کتاب اول

### (مزامیر ۱ تا ۴۱)

#### مزمور ۱<sup>a</sup>

۱ خوشابه حال آن آدمی  
که بنا بر رأی شریران رفتار نمی کند،  
که در راه گناهکاران نمی ایستد،  
و در حلقه ریشخندکنندگان<sup>b</sup> نمی نشیند،  
۲ بلکه از شریعت یهوده لذت می برد  
و روز و شب شریعت او را زمزمه<sup>c</sup> می کند.

۵-۴:۲۶

۳ او همچون درختی است کاشته شده در کنار جویبار  
که میوه خود را به موسمش می دهد  
و برگها یش پژمرده نمی شود،  
و هر آنچه می کند، کامیاب می گردد.<sup>d</sup>

بوشع ۸:۱

۴ برای شریران چنین چیزی نیست، هیچ چنین چیزی!  
بلکه همچون کاه هستند که باد می برد.  
۵ از این رو، به هنگام داوری، شریران تاب نخواهد آورد،  
و نه گناهکاران در جمع عادلان.

a مزامیر ۱ و ۲ که عنوانی ندارند، همچون مقدمه کتاب مزامیر به شمار می آیند. گاه این دو را یک مزمور به حساب آورده اند که با عبارت «خوشابه حال» آغاز و تمام می شود (مانند بعضی نسخ خطی یونانی مربوط به اع ۳۳:۱۳ و سنت های یهود). مزمور اول جزو مزامیر آموزشی به شمار می آید. ر. ک. «مقدمه» مزامیر.

b ر. ک. توضیح امث ۲۲:۱. ۲۲-۲۰:۲۸؛ بنسی ۱۴:۱؛ ۳۵ در اسرائیل، هر روز شریعت را با صدای آهسته و زمزمه وار مورد تعمق و مطالعه قرار می دادند؛ ر. ک. یوش ۱:۷-۸؛ مز

c قرائت عبری: «در هر چه می کند کامیاب می گردد». ترجمه ما مبتنی است بر قرائت یونانی.

عَچْرَا كَه يَهُوهَ رَاهِ عَادِلَانِ رَا مِي شَنَاسِدَ،  
اما راه شریرَان نابود خواهد شد.

۱۸:۳۷  
ار:۲۱:۱  
مت:۱۳:۷

## مزمور ۲

۱ چرا این ملت‌ها که بر خود می‌لرزند<sup>e</sup>، ۲۷-۲۵:۴  
این قوم‌ها که بیهوده زمزمه می‌کنند؟  
۲ پادشاهان زمین به پا می‌خیزند، ۶:۸۳  
سرواران با یکدیگر متخد می‌شوند  
بر ضد یهوه و بر ضد مسح شده<sup>f</sup> او:  
۳ «پیوند‌های ایشان را بگسلیم، ۱۷:۲۰:۵۱:۱۸  
قیدهایشان را از خود به دور بیندازیم.» ۱۰:۸۴:۸:۲۸  
۸:۱۴۹

۴ آن که بر آسمانها جلوس کرده از این امر تفریح می‌کند، ۱:۱۲۳  
خداآوند ایشان را به تمسخر می‌گیرد.  
۵ آنگاه در خشم خود با ایشان سخن می‌گوید، ۹:۵۹:۱۳:۳۷  
در غضب خود ایشان را به وحشت می‌اندازد:  
۶ «من پادشاه خود را تقدیس کرده ام  
بر صهیون، کوه مقدس خود<sup>g</sup>.» ۲:۱۱۰

۷ فرمان یهوه را اعلام خواهم کرد؛  
او مرا گفته: «تو پسر من هستی<sup>h</sup>، ۱:۳۳:۱۳:۱  
من، امروز، تو را تولید نمودم.  
۸ از من بخواه، و ملت‌ها را به تو به میراث خواهم داد،  
و سرحدات زمین را برای ملکیت تو؛ ۱-پاد:۳  
۹ آنان را با عصای آهنین سلطنت خرد خواهی کرد<sup>i</sup>، ۸:۸۲  
ایشان را همچون ظرف کوزه گر در هم خواهی شکست.» ۲:۲۷-۲۶:۲  
۱۵:۱۹:۵:۱۲  
۶-۵:۱۱۰:۲۲:۶۸

e در خصوص «مزامیر سلطنتی» که مزمور ۲ نیز جزو آنها است، ر.ک. «مقدمه» مزامیر.  
f «مسح شده» ترجمه کلمه عبری «ماشیاح» می‌باشد که دلالت دارد بر پادشاهی که از طریق مسح و تدهین با روغن منصوب می‌شود؛ ر.ک. توضیح خروج ۲۵:۳۰-۱-سمو ۱:۱۰-۱:۱۶ و ۱:۱۳.  
g قرائت یونانی: «من امروز به پادشاهی تقدیس شده‌ام، بر کوه مقدس او». h ر.ک. توضیح ۲-سمو ۷:۱۴.  
i قرائت‌های یونانی و ژروم، در اثر تلفظ متفاوت این فعل، آن را چنین ترجمه کرده‌اند: «به چرا خواهی برد».

۱۰ و اکنون، ای پادشاهان، در ک کنید،  
ای داوران زمین، فرا گیرید.

۱۱ یهُوه را با ترس خدمت کنید،  
پایهای او را لرزان ببوسید!

۱۲ مبادا که به خشم آید، و در راه از میان بروید،  
چرا که خشم او در مدتی کوتاه فروزان می‌گردد.  
خوشابه حال جمیع آنان که در او پناه می‌گیرند!

۱۱:۷۲  
دان:۷

۹:۳۴  
۹-۸:۱۱۸

### مزمور ۳

۱ مزمور داود هنگامی که از برابر پسر خود ابتداً لوم فرار می‌کرد.

۲ ای یهُوه، چه بسیارند مخالفان من<sup>۱</sup>،  
بسیارند آنان که بر علیه من بر می‌خیزند،  
۳ بسیارند آنان که در باره من می‌گویند:  
«برای او در خدایش نجاتی نیست!» سلا<sup>m</sup>.

۴ اما تو، ای یهُوه، تو سپری هستی که مرا احاطه می‌کند،  
جلال من، آن کس که سر مرا بلند می‌کند.

۵ با صدای خود به سوی یهُوه فریاد بر می‌آورم،  
او مرا از کوه مقدس خود پاسخ می‌گوید. سلا.

۷:۲۸:۳:۱۸  
۷:۱۱:۰:۶:۲۷  
۱۳:۴:۰:۰

۳:۲۰:۶:۲

۶ اما من می‌خوابم و به خواب می‌روم،  
بیدار می‌شوم؛ زیرا یهُوه مرا حمایت می‌کند.  
۷ هراسی ندارم از این هزاران مردمان  
که از هر سو بر علیه من صفت کشیده‌اند.

۹:۴  
۲۴:۳

۱:۲۷:۴:۲۳

۲۰:۹:۷:۷

۷:۵۸

۸ بر خیر، ای یهُوه! نجاتم ده، ای خدای من؛  
چرا که بر رخسار جمله دشمنانم می‌زنی،  
دندهای شریران را خُرد می‌کنی.

۹ متن مهم است؛ قرائت‌های یونانی و آرامی: «تّعلیم را دریافت کنید»؛ سیماک و ژروم (واراشی): «با خلوص بپرستید». قرائت تحت‌اللقطی: «پسر را ببوسید» (مانند ترجمه‌های سریانی و ابن عزرا)، زیرا بوسیدن نشان احترام بود. بسیاری از ترجمه‌های امروزی این عبارت را اصلاح می‌کنند.

۱۰ ر.ک. توضیح مزمور ۱.

۱ در خصوص «مزامیر اعتماد»، ر.ک. «مقدمه» مزامیر.

۲ معنی این اصطلاح آیین نیایشی مشخص نیست؛ نسخه یونانی: «مکث»، اما آکیلا، ژروم، و ترجمه آرامی آورده‌اند: «همیشه».

یون:۲

نجات از آن یهُوه است!  
برکت تو بر قوم تو است! سلا.

## مزمور ۴

<sup>۱</sup> به رهبر سرود. برآلات زهی. مزمور داود.

چون فریاد بر می آورم، مرا پاسخ‌گو، ای خدای عدالت من:  
در پیشانی مرا آسودگی داده‌ای،  
بر من ترحم فرما، به دعای من گوش فرا ده.

۳:۱۰۲

ای بني بشر، تا به کي دلتان سنگين خواهد بود،  
و بيهودگي ها را دوست خواهيد داشت و در پي دروغ خواهيد بود؟ سلا.  
<sup>۴</sup> اين را خوب بدانيد:  
يهُوه برای شخص وفادار خود کاري شگفت انگيز کرده است.  
يهُوه گوش فرا می دهد آن هنگام که به سوی او فریاد بر می آورم.

۲۶:۴

بلرزید، اما گناه مورزید،  
در دل خود سخن بگويد

بر بستر<sup>۹</sup> خود، و خاموشی گرینيد<sup>۱۰</sup>! سلا.  
<sup>۶</sup> قرباني هاي عادلانه تقديم نمایيد و به یهُوه اعتماد کنيد!

۲۱:۵۱  
۱۹:۳۳  
۹:۶۲  
۱۱-۹:۱۱۵

<sup>۷</sup> بسیارند آنان که می گویند: کدامین کس سعادت را به ما خواهد نمود?  
نور روی خود را بر ما بر افزای<sup>۸</sup>، ای یهُوه.  
<sup>۸</sup> بيش از زمانی که گندم و شراب ایشان فراوان شود  
در دل من شادمانی گذارده ای.

۲۵:۶  
۴:۴۴:۱۷:۳۱  
۱۶:۸۹:۴:۸۰

<sup>۱۱</sup> اصطلاح «رهبر سرود» (یا «رهبر سرایندگان») ۵۵ بار در مزمیر به کار رفته و احتمالاً دلالت دارد بر جنگی از مزمیر متعلق به فرد لاوی که مسؤول رهبری سرود در معبد بود (۱-۲۱:۱۵-تو). قرائت آرامی: «برای ستایش کردن»؛ یونانی: «برای پیروزی».  
پایان؛ آکيلا و ژروم: «به فاتح»؛ سیماک: «بیروزمند»؛ تئودوسیون: «برای پیروزی».  
<sup>۱۰</sup> در خصوص «مزامیر اعتماد»، ر. ک. «مقدمه» مزمیر.

<sup>P</sup> قرائت عبری: «ای مردمان، در خوار شمردن جلال من، عشق تهی، و تعاقب دروغ، تا به کجا پیش خواهید رفت؟» قرائت ما مبتنی است بر ترجمه یونانی. «بیهودگی» و «دروغ» ممکن است دلالت داشته باشند بر بتها (ر. ک. عا:۲).  
<sup>۹</sup> یا «حضریم»، ر. ک. ۱۴۹:۵.

<sup>۱۲</sup> در خصوص مفهومی مشابه، ر. ک. ۴-۲:۳۹؛ ایوب ۲:۱۰؛ حرق ۲۴:۱۷.

<sup>۸</sup> این ترجمه فاقد قطعیت می باشد و مطابق است با قرائت های آرامی و ژروم. قرائت یونانی: «نور روی تو بر ما همچون علمی بوده است»؛ سریانی: «بادا که نور روی تو بر ما پهن شود».

<sup>۶:۳</sup> در آرامش، با هم<sup>t</sup>، می خوایم و به خواب می روم؛  
زیرا تنها تو، ای یهُوهُ، مرا در امنیت ساکن می گردانی.<sup>u</sup>

## مزمور ۵

<sup>۱</sup> به رهبر سرود. برای نی‌ها. مزمور داد.

<sup>۲</sup> ای یهُوهُ، به سخنانم گوش بسپار،<sup>v</sup>

آه‌های مرا تشخیص ده؛

<sup>۳</sup> به فرباد وحشت من توجه بفرما،

ای پادشاه من، ای خدای من!

زیرا از تو است که درخواست می کنم،

<sup>۴</sup> ای یهُوهُ؛ از بامدادان تو صدای مرا می شنوی،

از بامدادان [جان خود را] به تو عرضه می دارم<sup>w</sup>

و گوش به زنگ می مانم.

۴:۸۴

۱۵

<sup>۵</sup> زیرا تو خدایی نیستی که از بدی خشنود گردی،

شریر میهمان تو نتواند بود،

<sup>۶</sup> [و نه] مردمان بی عقل توانند در مقابل چشمان تو ایستاد.

تو از جمله آنان که بدی می کنند نفرت می داری،

<sup>۷</sup> گویند گان دروغ را هلاک خواهی ساخت؛

شخصی خونریز و دغل را یهُوهُ نفرت می دارد.

۲۴:۵۵

<sup>۸</sup> اما من به خاطر کثرت وفاداری تو،

به خانه ات داخل می شوم،

به سوی معبد مقدس تو سجده می کنم،

آکنده از ترس تو.

۱۱:۲۷

<sup>۹</sup> ای یهُوهُ، مطابق عدالت مرا هدایت فرما،

به سبب آنان که در کمین من اند؛

راه خود را در مقابل من هموار ساز.

اش:۴۵-۶:۳

امث:۳

<sup>t</sup> تحتاللفظی: «با هم در سعادت»، یعنی در سعادت با ایشان یا با خدا؛ این گونه نیز می توان ترجمه کرد: «در آرامش می خواب و بی درنگ به خواب می روم».

<sup>u</sup> این گونه نیز می توان ترجمه کرد (مانند قرایت‌های آرامی و سریانی): «زیرا تو، ای یهُوهُ، مرا در تنها‌ی در امنیت ساکن می گردانی»؛ ر.ک. تث ۲۸:۳۳-۱۰:۱۲.

<sup>v</sup> درخصوص «نیایشهای انفرادی برای درخواست کمک»، ر.ک. «مقدمه» مزامیر.

<sup>w</sup> تحتاللفظی: «برای تو آماده می سازم»؛ مفعول این فعل می تواند «دعای خود» یا «قربانی خود» نیز باشد (لاؤ ۵:۶).

۴:۳۶

۱۳:۳

<sup>۱۰</sup> زیرا در دهان ایشان چیز مطمئنی نیست،  
دل ایشان نیست مگر تیره روزی؛  
گلویشان گوری است دهان گشاده،  
حال آنکه زبانشان تملق گو است!  
<sup>۱۱</sup> با ایشان همچون مجرمان عمل نما، ای خدا؛  
بادا که در طرح هایشان دچار شکست شوند!  
آنان را به سبب ستمهای بیشمارشان دور ساز،  
زیرا بر تو طغیان ورزیده اند.

۱۳:۳

۱۱:۶۴

۳۷:۶۹

<sup>۱۲</sup> آنگاه شادمان خواهند شد همه آنان که در تو پناه می گیرند،  
تا ابد از شادی فریاد برخواهند آورد؛  
تو ایشان را حفظ خواهی فرمود، و ایشان در تو شادی خواهند کرد،  
هم آنان که نام تو را دوست می دارند.  
<sup>۱۳</sup> زیرا که تو عادل را برکت می دهی، ای یهوه،  
همچون سپر، او را با التفات تاجدار می سازی.

## مزمور ۶

<sup>۱</sup> به رهبر سرود. برآلات زهی. به هشت<sup>XX</sup>. مزمور داد.

امث:۳  
۱۲-۱۱:۳  
ار:۱۰:۲  
۲:۳۸

۲ ای یهوه، در خشم خود مرا توبیخ مفرما<sup>X</sup>،  
در غضب خود مرا تأدیب منما.

۵:۴۱

<sup>۳</sup> بر من رحم فرما، ای یهوه، زیرا که هلاک می شوم،  
شفا ده مرا، ای یهوه، چرا که استخوانهایم هراسان است،  
<sup>۴</sup> جان مرا وحشت فرا گرفته.

۱۳:۹۰

و تو، ای یهوه، تا به کی؟  
<sup>۵</sup> باز آ، ای یهوه، جان مرا رهابی ده،  
به سبب وفاداری ات مرا نجات ده.

XX یا «به آکتاو». تفسیر این اصطلاح دشوار است. برخی را اعتقاد بر این است که این مزمور را سرایندگان به همراهی با آهنگی که با سازهای زهی (هشت زه) نواخته می شد می سراییدند. برخی نیز این کلمه را نشانه بلندی یا کوتاهی صدای خوانندگان تصور کرده اند. مشکل بتوان گفت که در زمان نگارش مزمیر که هنوز میانی و اصول موسیقی تنظیم نشده بود و روش ثبت آهنگهای موسیقی وجود نداشت، کلمه «آکتاو» به معنی امروزی آن به کار می رفته است. امروزه کلمه «آکتاو» دلالت دارد بر مجموعه فواصل هشتگانه نت های طبیعی (م).

<sup>X</sup> می توان این گونه نیز ترجمه کرد: «مرا بدون خشم توبیخ فرما». در خصوص «نیایشهای انفرادی برای درخواست کمک»، ر.ک. «مقدمه» مزامیر.

عُچرا که در مرگ یادی از تو نیست<sup>y</sup>:  
کدامین کس در شئول تو را تمجید می کند؟

۳:۴۵ ار  
خود را با ناله کردن خسته می کنم؛  
هر شب بستر خود را شستشو می دهم،  
با اشکهایم رختخواب خود را آبیاری می کنم.  
۱۰:۳۱  
چشم از اندوه تار می گردد،  
از این همه خصم پیر می شود.

۱۱۵:۱۱۹  
دور شوید از من، ای همه شما که بدی می کنید؛  
مت:۲۳:۷  
زیرا یهوه صدای گریه های مرا شنیده است.  
۲۷:۱۳  
۱۰ یهوه استغاثه مرا شنیده است،  
یهوه دعای مرا می پذیرد.  
۱۸:۸۳  
۱۱ بادا که همه دشمنانم شرمزار گردند، مالامال از وحشت،  
بادا که خجلت زده در یک آن، عقب بروند!

## مزمور ۷

<sup>۱</sup>اعتراف . از داود. او آن را برای یهوه به مناسبت کوش بنيامينی سرود.<sup>z</sup>

۲:۳۱:۱:۱۱  
۲ ای یهوه، ای خدای من، در تو پناه می گیرم<sup>a</sup>،  
مرا از تمام آزار کنندگانم نجات ده، مرا رهایی ده:  
۱۲:۱۷  
۳ مبادا که همچو شیر گلوی مرا بدارد  
آن کس که بر می کند، و کسی برای رهایی دادن نباشد!  
۱۱:۷۱:۲۲:۵۰  
ایوب:۷:۱۰

۵-۴:۲۶:۳:۱۷  
۴ ای یهوه، ای خدای من، اگر این را انجام دادم،  
اگر در دستانم بی عدالتی هست،  
۵ اگر به کسی که با من در صلح و صفا بود بدی روا داشتم،  
و اگر خصم خود را بی سبب غارت کردم<sup>b</sup>،

۶ یعنی: «نژد مردگان، کسی نام تو را بر زبان نمی آورد». ر. ک. Z  
۷ این شخصیت ناشاخته است، اما در ترجمه های قدیمی با آن کوشی که مرگ ابشاروم را به داود اعلام کرد (۲-سمو ۲۱:۱۸)، یا با قیس، پدر شائول بادشا، یکی انگاشته شده است.

۸ در خصوص «نيايشاهای انفرادي برای درخواست کمک»، ر. ک. «قدمه» مزامير.

۹ تحت اللفظی: «اگر کسی را که بی سبب با من دشمن بود گذاشت که جان سالم به در ببرد»؛ قرائت یونانی: «اگر به آنانی که به من بدبودند، بدی رسانده ام، باشد که در مقابل دشمنانم خلع سلاح گردم» (قرائت وولگات: «... رسانده ام، باشد که به حق در مقابل...»).

<sup>۶</sup> باشد که دشمن مرا تعاقب کند و به من دست یابد،  
حیات مرا بر زمین پایمال کند،  
و «جلال» مرا به خاک بکشد!

<sup>7</sup> برخیز، ای یهُوه، در خشم خود،  
بر علیه غضب های خصم‌نم به پا خیز،  
بیدار شو، ای خدای من، داوری ای صادر کن.  
<sup>8</sup> بادا که جماعت قوم‌ها تو را احاطه کنند،  
و آن بالا بر فراز ایشان جلوس فرما.  
<sup>۹</sup> ای یهُوه که قوم‌ها را داوری می‌کنی،  
مرا داد بد، ای یهُوه، مطابق عدالت،  
مطابق کاملیتم، ای حضرت اعلی.

۹:۹  
۱:۴۳:۱:۲۶

<sup>۱۰</sup> بادا که شرارت شریران پایان پذیرد،  
عادل را استوار فرما،  
تو که دلهای و گرده‌ها را تفتیش می‌کنی،  
ای خدای عادل!

۲:۲۶  
۲۰:۱۱:۲۳

<sup>۱۱</sup> سپر من خدا است،  
که دلهای راست را نجات می‌دهد.  
<sup>۱۲</sup> خدا داوری است عادل،  
خدایی که هر روز غضبناک می‌شود<sup>c</sup>،

۲۰:۱۱:۲۳  
۵:۹

<sup>۱۳</sup> اگر باز نگردند<sup>d</sup>،  
[شریر] شمشیر خود را تیز می‌کند،  
کمان خود را زه کرده، آن را تنظیم می‌کند؛  
<sup>۱۴</sup> و برای او است که ابزارهای مرگ را آماده می‌سازد،  
و تیرهای خود را آتشین می‌کند.

۳۵:۱۵

<sup>۱۵</sup> اینک ستم در حال عمل کردن است،  
بدکاری را در ذهن می‌پروراند،  
دروغ را می‌زايد.

<sup>c</sup> قرائت یونانی: «خدا داوری است عادل، قدرتمند و بربار که هر روز خشمناک نمی‌شود» (ر.ک. خروج ۶:۳۴).  
<sup>d</sup> این گونه نیز می‌توان ترجمه کرد: «اگر بر خود مسلط نشود»؛ برخی دیگر چنین ترجمه می‌کنند: «اگر بازگشت نکنند». فاعل افعال در آیات ۱۳ و ۱۴ مشخص نشده است.

۱۶ گودالی می گشاید، آن را حفر می کند:  
در حفره ای که می ساخت می افتد!  
۱۷ بدکاری اش بر سرمش بر می گردد،

ایوب: ۸:۴  
امث: ۲:۲  
غلا: ۷:۸

خشونتش بر جمجمه اش فرود می آید!

۱۸ یهُوه را مطابق عدالتیش تمجید خواهم کرد،  
می خواهم بنوازم برای نام یهُوه، آن حضرت اعلی.

## مزمور ۸

<sup>۱</sup> به رهبر سرود. بر «جَسَى».<sup>e</sup> مزمور داده.

۲ ای یهُوه، خداوند ما،  
چه شکوهمند است نام تو  
در تمام زمین!<sup>f</sup>  
تو که جیروت خود را بر فراز آسمانها قرار داده ای<sup>g</sup>,

۳ از دهان کودکان و شیرخوارگان  
قدرتی بناid نهاده ای<sup>h</sup>  
به سبب خصمانت،  
تا دشمن و یاغی را ساکت گردانی.

۴ چون آسمانهای تورا می بینم، عمل انگشتانت را،  
ماه و ستارگانی را که برقرار داشته ای،  
۵ شخص فانی چیست که او را به یاد آوری،  
و بنی بشر، تا او را تفقد نمایی؟

ایوب: ۷:۱۷-۱۸  
عبر: ۶:۸

۶ این کلمه ای است ناشناخته که ترجمه های قدیمی آن را یک آلت موسیقی متعلق به شهر جَت پنداشته اند، یا سرودی برای فصل انگورچینی و چرخشت (ر. ک. مز ۸۱ و ۸۴).

۷ در خصوص «سرودها»، ر. ک. «مقدمه» مزمیر.  
g متن مبهم است. می توان به این گونه ها نیز ترجمه کرد: «دزی بنا نهاده ای»؛ «این شکوه که از آن تو است، آن را بر فراز آسمانها قرار ده»؛ «او که (نام تو) شکوه فرا آسمانی تو را با دهان بیان می کند... تو آن را به سبب خصمانت دزی مقرر کرده ای». فرائت یونانی: «زیرا شکوه تو بر فراز آسمانها بر افراشته شده است». ترجمه ما مبتنی است بر فرائت های آرامی، سریانی، و ژروم.

۸ h فرائت یونانی: «ستایشی برای خود آماده کرده ای».

۶ او را اندکی پایین تراز یک خدا ساخته ای<sup>۱</sup>،  
با جلال و شکوه او را تاجدار نموده ای؛  
۷ او را بر عمل دستان خود سلطه بخشیده ای،  
همه چیز را زیر یابهای او گذارده ای،  
۸ گوسفندان و گواون، همگی را با هم،  
با حیوانات صحراء،  
۹ پرندگان آسمان و ماهیان دریا را،  
آنچه را که راههای آبها را می پیماید.

پیدا: ۲۶:۲-۲:۲۷  
حک: ۲۳:۲

بیدا: ۱:۲۸-۲:۹  
حک: ۳-۲:۹

قرن: ۱۵:۱-۲:۲۷  
آفس: ۱:۲۲

۱۰ ای یهُوهُ، خداوند ما،  
چه شکوهمند است نام تو  
در تمام زمین!

## مزمور ۹

<sup>۱</sup> برای رهبر سرود. بر «برای پسر بمیر»<sup>k</sup>. مزمور. ازدواد.

۱۱ ای یهُوهُ، تو را با تمامی دل خود تمجید خواهم کرد،  
می خواهم همه شگفتیهای تو را بازگو کنم؛  
۱۲ ۳ می خواهم شادی کنم، در تو به وجود آیم،  
می خواهم برای نام تو، ای حضرت اعلیٰ، بنوازم.

الف ۲:۷۵:۷-۲:۷۶

۲:۹۲:۱۸:۷

۱۳ ۴ دشمنانم چون عقب بروند  
لغش می خورند و در مقابل روی تو هلاک می شوند.  
۱۴ ۵ زیرا در حق من انصاف و عدالت را جاری ساخته ای،  
همچون داوری عادل بر تخت نشسته ای.

بیت ۱۲:۷

۱۵ آیات ۵-۷ را نقل قول  
۱۶ قرائت های یونانی، آرامی، و سریانی: «تو او را نسبت به فرشتگان کمی پایین تر آوردی». عبر: ۲-۶ آیات ۷-۸

می کند و آنها به مسیح فرمانروا نسبت می دهد.

۱۷ ز این مزمور و نیز مزمور بعدی (که می توان آنها را جزو خانواده «نیایشهای قدردانی» دانست، ر.ک. «مقدمه» مزمیر) در ترجمه های هفتاد تن و وولگات مزمور واحدی را تشکیل می دهند، و این امر سبب می شود که شماره گذاری مزمورهای ۱۰ تا ۱۱

یک شماره عقب بینند. در مزمورهای ۹ و ۱۰، ترتیب الفبایی رعایت شده، به این معنی که هر بند به ترتیب با

یکی از حروف الفبای آغاز می گردد (ر.ک. «مقدمه»). مزمور ۱۰ فاقد عنوان است.

۱۸ k این اصطلاحی است ناشناخته که ترجمه یونانی، آن را «بر اسرار پسر» و ترجمه آرامی «بر مرگ پسر» برداشت کرده اند؛ بعضی از ترجمه ها نیز آن را آلات موسیقی پنداشته اند.

<sup>۶</sup> بَتْ پَرْسِتَان رَا مَبْهُوت سَاخْتَه اَي، شَرِير رَا هَلَّاك نَمُودَه اَي،  
نَام اِيشَان رَا بَرَاي اَبَد و بَرَاي هَمِيشَه زَدَوَه اَي.  
<sup>۷</sup> دَشْمَنَان نَابُود شَدَه اَنَد، نَابُود بَرَاي هَمِيشَه؛  
شَهْرَهَا رَا وَبِرَان سَاخْتَه اَي، يَاد اِيشَان اَز مِيان رَفْتَه اَست.

<sup>۸</sup> يَهُوه تَا اَبَد جَلوس فَرْمُودَه،  
تَحْت خَوْد رَا بَرَاي دَاوَرِي بَرْقَار مَي دَارَد؛  
<sup>۹</sup> و او جَهَان رَا با عَدَالَت دَاوَرِي مَي كَنَد،  
بَرْ قَوم هَا با اَنْصَاف رَأَي مَي دَهَد.

<sup>۱۰</sup> يَهُوه بَرَاي شَخْص خَرْدَشَه دَر اَست،  
دَرَزِي بَه هَنَگَام پَرِيشَانِي.  
<sup>۱۱</sup> بَادَا كَه بَه تو اَعْتَمَاد كَنَنَد آنان كَه نَام تو رَا مَي شَنَاسِنَد،  
چَرا كَه تو آنان رَا كَه تو رَا مَي جَويِند رَهَا نَمِي سَازِي، اَي يَهُوه.

<sup>۱۲</sup> بَنوازِيد بَرَاي يَهُوه كَه در صَهِيون سَكُونَت دَارَد،  
در مِيان قَوم هَا كَارَهَاهِي عَظِيم او رَا اَعلَان نَمَایِد؛  
<sup>۱۳</sup> زَيرَا اَنتِقام گَيرَنَدِه خَون<sup>۱</sup> اِيشَان رَا به يَاد آورَدَه،  
فَريَاد تَيِّره بَختَان رَا اَز يَاد نَبرَدَه اَست.

<sup>۱۴</sup> بَر من تَرَحْم فَرْما، اَي يَهُوه، شُور بَختِي مَرَا بَيِّن،  
اَي تو كَه مَرَا اَز دروازَه هَا مَرَگ بَر مَي آورَد،  
<sup>۱۵</sup> تَا هَمَه اَعْمَال شَكُوهِمَنَد تو رَا باز گَو كَنَم  
در دروازَه هَاي شَهْر صَهِيون،  
[و] در نِجَات تو وَجَد نَمَايِم.

<sup>۱۶</sup> بَتْ پَرْسِتَان در گَوَالِي كَه كَنَدَه اَنَد فَرَو رَفْتَه اَنَد،  
در دَامِي كَه پِنهَان سَاخْتَه اَنَد پَايشَان گَرفَتَار آمَدَه اَست.  
<sup>۱۷</sup> يَهُوه خَوْد رَا آشَكَار فَرْمُودَه، عَدَالَت رَا جَارِي سَاخْتَه،  
در اَثَر عَمل دَستان او شَرِير در بَنَد شَدَه اَست. (هِيجَايون. سَلا.)

۱ تحت اللفظي: «او خون (ريخته شده) را جستجو می کند، آن را به ياد می آورد».

ید ۱۸ بادا که شریران به شئول باز گردند،  
جمله بت پرستانی که خدا را از یاد می برند!

کاف ۱۹ چرا که نیازمند برای همیشه فراموش نشده،  
و امید تیره روزان برای ابد از میان نرفته است.  
۲۰ بر خیز، ای یهوه، تا انسان فانی غالب نیاید،  
و بت پرستان در حضور تو داوری شوند؛  
۲۱ ای یهوه، ایشان را به وحشت بزن،  
تا این بت پرستان بدانند که فانی هستند! (سلا.) ۱۲،۵:۵۶

### مزمور ۱۰ (ادامه ۹)

<p>لامد ۱ ای یهوه، چرا دور می ایستی، و در زمان های پریشانی خود را پنهان می سازی؟ ۲ مسکین زیر تکبر شریر از میان می رود، در دسیسه هایی که می اندیشد گرفتار می آید. ۳ زیرا شریر خود را به خاطر آرزوهای جان خود می ستاید، مرد حریص کفر می گوید<sup>m</sup>، یهوه را خوار می شمارد؛</p> <p>نون ۴ شریر با پیشانی برافراشته، از چیزی نگران نیست: تمام اندیشه اش این است که «خدایی نیست»<sup>q</sup>. ۵ کارهایش همواره کامیاب است؛ داوریهای تو برای او بسیار بلند است، بر روی همه دشمنانش می دهد.</p> <p>ف ۶ در دل خود می گوید: «من جنبش ناپذیرم، از دوره تا به دوره ای دیگر از مصیبت دور خواهم بود.» ۷ پر از لعنت و دغل و خشونت است دهانش، بد کاری و ظلم زیر زبانش!</p>	<p>۲:۲۲</p> <p>۲:۳۶:۱:۱۴</p> <p>۶:۱۲</p> <p>۱۴:۳</p>
--	--

<sup>m</sup> تحتاللفظی: «تا ملت ها تصدیق کنند که انسان هستند».

<sup>n</sup> ر. ک. توضیح مزمور ۹.

<sup>o</sup> تحتاللفظی: «تکبر بی دین شخص بینوا را از میان می برد؛ ایشان در حیله هایی که آنان طرح ریخته اند گرفتار آمده اند».

<sup>p</sup> تحتاللفظی: «برکت می دهد» که در اینجا به معنی لعنت کردن است؛ ر. ک. ۱-پاد ۲۱، ۱۰:۱۳، ۱۳:۱، ۵:۲، ۱۱:۵، ۹.

<sup>q</sup> ر. ک. توضیح مزمور ۱۴.

عين

<sup>۸</sup> نزدیک دهات کمین می‌کند،  
در مخفی گاهها بی‌گناه را می‌کشد.

چشمانش مترصد آدم بینوا است.

<sup>۹</sup> در مخفی گاه خود، بمانند شیر در بیشه زار، در کمین است،  
در کمین است تا آدم سیه روز را برباید،  
او را می‌رباید و در دام خود می‌کشد.

<sup>۱۰</sup> خم می‌شود، کر می‌کند:

شخص بینوا در قدرت او می‌افتد<sup>۱</sup>:

<sup>۱۱</sup> در دل خود می‌گوید: «خدا فراموش می‌کند،  
روی خود را می‌پوشاند، هیچگاه چیزی نمی‌بیند.»

قوف

<sup>۱۲</sup> برخیز! دست خود را بلند کن، ای یهُوهُ،

شور بختان را از یاد میر.

<sup>۱۳</sup> چرا شریر خدا را خوار می‌شمارد،

در دل خود می‌گوید که تو مكافات نمی‌رسانی؟

رش

<sup>۱۴</sup> تورنچ و اندوه را می‌بینی،  
می‌نگری تا آنها را به دست بگیری؛

بینوا خود را به تورها می‌سازد،

تو یتیم را مدد می‌رسانی.

شين

<sup>۱۵</sup> بشکن بازوی شریر را، آدم بد را،

شرارتیش را مكافات برسان تا دیگر آن را نیابند!

<sup>۱۶</sup> یهُوهُ پادشاه است تا ابد و برای همیشه؛

بت پرستان از زمین او محو خواهند شد.

تاو

<sup>۱۷</sup> تو آرزوی فروتنان را می‌شنوی، ای یهُوهُ،

دل ایشان را استوار می‌سازی، گوش تو به آنان توجه دارد،

<sup>۱۸</sup> تا انصاف را در حق یتیم و خردشده جاری سازی،

تا انسان فانی که از زمین زاده شده، دیگر نهراساند.<sup>۵</sup>

۱ این گونه نیز می‌توان ترجمه کرد: «با تمام وزن خود بر ضعیفان می‌افتد». قرائت یونانی: «او زمانی که وی بر مسکینان غالب

می‌آید می‌افتد»؛ سریانی: «او می‌افتد، و در استخوانهایش دردها و رنجها هست». ترجمه ما مبتنی است بر قرائت آرامی.

۵ این گونه نیز می‌توان ترجمه کرد: «به ترساندن انسانی که از زمین به وجود آمده ادامه نخواهند داد».

## مزمور ۱۱ (۱۰)

<sup>۱</sup> به رهبر سرود. مزمور. از داد.

در یهُوه پناه می گیرم<sup>t</sup>:  
چگونه به جانم می گویید:  
«ای گنجشک، به سوی کوهساران بگریز<sup>u</sup>?»  
زیر اینک شریران کمان را مهیا می سازند،  
تیر خود را بر زه تنظیم می کنند،  
تا آن را در تاریکی بر راست دلان بیندازند.  
وقتی بنیادها ویران شده اند،  
عادل چه تواند کرد?<sup>۳</sup>

۸:۱۴۱:۲:۷

۱۴:۳۷

یهُوه در معبد مقدس خویش می باشد،  
تحت سلطنت یهُوه در آسمانها است؛  
چشمانش می نگرند،  
مژگانش بنی بشر را تفتیش می کنند.  
یهُوه عادل و شریر را تفتیش می کند،  
و جانش از ظلم دوست متفرق است.<sup>۴</sup>

۱۹:۱:۰۳:۴:۲  
۲۰:۱۰۲  
۲۰:۲:۵

کاش بباراند بر شریران  
ذغالهای فروزان و گوگرد را<sup>v</sup>،  
و باد سوزان سهم جام ایشان باشد!  
زیرا یهُوه عادل است،  
عدالت را دوست می دارد؛  
راستان روی او را خواهند دید.<sup>w</sup>

۱۰-۹:۲۰:۰۲  
۱۹:۲:۳۸  
۲۰:۲:۱۹:۵  
۱۵:۲۵:۱۷:۵۱  
۱۷:۷۵:۲۲-۱۷:۵۱  
ماکان:۱۰-۹:۲۰:۰۲  
پیدا:۲۰:۲:۱۹:۵

<sup>t</sup> در خصوص «مزامیر اعتماد»، ر. ک. «مقدمه» مزامیر.  
<sup>u</sup> ترجمه های قدیمی آورده اند: «به سوی کوهساران همچون پرنده». این گونه نیز می توان ترجمه کرد: «در کوه خود عزلت گزین».

<sup>v</sup> بعضی این گونه ترجمه می کنند: «بادا که دامها بر شریران بباراند! آتش، گوگرد و تلاطم جامی است که ایشان در آن سهیم اند». ترجمه ما مبتنی است بر قرائت سیماک و بسیاری از مترجمان جدید.  
<sup>w</sup> به این گونه ها نیز می توان ترجمه کرد: «مردمان راست روی رو خواهند نگریست»؛ یا «روی او راستی را می نگرد» (ر. ک. قرائت های یونانی، سریانی، و ولگات).

## مزمور ۱۲ (۱۱)

<sup>۱</sup> به رهبر سرود. به هشتم. مزمور. از داد.

<sup>۲</sup> میک ۷:۷  
امداد فرما، ای یهُوهُ، زیرا انسان وفادار می‌رود<sup>X</sup>،  
زیرا وفاداری از نزد بنی بشر می‌گریزد؛  
<sup>۳</sup> هر کس به همسایه خود کذب می‌گوید،  
با لبی چاپلوس [و] دلی دوگانه سخن می‌گوید.  
۸-۲:۶

<sup>۴</sup> بادا که یهُوهُ هر لب چاپلوس را بر کند،  
زبانی را که سخنان تکبرآمیز می‌گوید،  
<sup>۵</sup> آنان که می‌گویند: «زبان قدرت ما است<sup>۶</sup>،  
لبان ما با ما است؛ چه کس سرور ما خواهد بود؟»  
۱۹:۳۱

<sup>۶</sup> یهُوهُ می‌فرماید: «برای مسکین ستمدیده، نیازمندی که ناله می‌کند،  
اکنون بر می‌خزم؛  
هر آن که آرزوی نجات را می‌کشد، او را در آن برقرار خواهم ساخت<sup>Z</sup>.»  
اش ۱۰:۳۳

<sup>۷</sup> ۵:۳۰-۳۱:۱۸  
سخنان یهُوهُ سخنانی است ناب،  
نقره‌ای که در بوته تصفیه شده،  
(و) هفت بار در زمین خالص شده است<sup>a</sup>.  
<sup>۸</sup> تو، ای یهُوهُ، ما را حفظ خواهی کرد<sup>b</sup>،  
ما را تا ابد از این تبار محافظت خواهی فرمود.

<sup>۹</sup> شریران در تمام پیرامون می‌گردند،  
آن هنگام که خبائث نزد بنی بشر چیره می‌شود<sup>c</sup>.

<sup>X</sup> در خصوص «نبایشهای گروهی برای درخواست کمک»، ر.ک. «مقدمه» مزامیر.  
لا این گونه نیز می‌توان ترجمه کرد: «با زبان خود پیروز خواهیم شد»؛ قرائت‌های یونانی، سریانی، و ترروم: «زبان خود را تعویت خواهیم کرد».

<sup>Z</sup> تحت‌اللفظی: «کسی را که بر او می‌داند...». این گونه نیز می‌توان ترجمه کرد: «کسی را که بر او آب دهان می‌اندازند در مکان مطمئن قرار خواهیم داد». قرائت‌ترروم: «امداد ایشان را در مکان مطمئن قرار خواهیم داد»؛ سیماک و سریانی: «نجات را آشکارا به جا خواهیم آورد»؛ یونانی: «در آن خصوص صادق خواهی بود».

<sup>a</sup> این ترجمه فاقد قطعیت است. می‌توان این گونه نیز ترجمه کرد: «نقره تصفیه شده در بوته زمین، و هفت بار خالص شده». قرائت‌آرامی: «تصفیه شده در بوته‌ای بر روی زمین»؛ ترروم: «جاداشهه از زمین...»؛ یونانی: «آزمایش شده برای سرزمین».

<sup>b</sup> تحت‌اللفظی: آنها را حفظ خواهی کرد (یعنی سخنان را)؛ قرائت‌آرامی: «عادلان را حفظ خواهی کرد»؛ ترجمه ما مبتنی است بر قرائت یونانی.

<sup>c</sup> تحت‌اللفظی: «چون خبائث انسان‌ها بلند می‌شود»؛ قرائت یونانی: «به واسطه عظمت خود، از انسان‌ها مراقبت به عمل می‌آوری»؛ آرامی: «مانند زالو که خون انسان‌ها را می‌مکد».

## مزمور ۱۳ (۱۲)

<sup>۱</sup> به رهبر سرود. مزמור. از داد.

۲ ای یهُوهُ، تا به کی همواره مرا فراموش خواهی کرد<sup>d</sup>?  
 تا به کی روی خود را از من مخفی خواهی ساخت?  
 ۳ تا به کی نگرانیها را در جان خود خواهم نهاد،  
 (و) محنت را در دل خود، هم در روز و هم در شب?  
 تا به کی دشمنم برتری خواهد داشت?

۴۷:۸۹:۴:۶  
مرا:۲۰:۵

۱۱:۱۰  
۲۵:۲۲  
۸:۳۰:۹:۲۷

۴ بنگر، مرا پاسخ ده، ای یهُوهُ، ای خدای من!  
 چشم‌مان را روشن ساز، باشد که در مرگ به خواب نروم،  
 ۵ دشمنم نگوید: «بر او غالب آمد»،  
 بادا که خصم‌مان از دیدن تزلزل من به وجود نیابند.

۱۷:۳۸

۶ اما من به وفاداری تو اعتماد می‌کنم:  
 بادا که دل من در نجات تو وجد نماید!  
 ۷ می خواهم برای یهُوهُ بسرايم، زیرا به من نیکی کرده،  
 می خواهم برای نام یهُوهُ، آن حضرت اعلیٰ بنوازم.

۱۰:۵۲

## مزمور ۱۴ (۱۳)

مز

<sup>۱</sup> به رهبر سرود. مزמור. از داد.

آدم بی عقل در دل خود می‌گوید<sup>e</sup>: «خدایی نیست.<sup>f</sup>»  
 ایشان رفتاری منحرف دارند، نفرت انگیز،  
 حتی یک نفر (از ایشان) نیز نیکی را به جا نمی‌آورد.

۲ یهُوهُ از فراز آسمانها به سوی بنی بشر خم می‌شود،  
 تا ببیند کسی از آنان عاقل هست،  
 که خدا را بطلبد.

۲۰:۱۰۲

<sup>d</sup> در خصوص «نبایشهای انفرادی برای درخواست کمک»، ر. ک. «مقدمه» مزامیر.

<sup>e</sup> این مزמור را می‌توان «پندی نبوی» نامید؛ ر. ک. «مقدمه» مزامیر.

<sup>f</sup> این گفته، طبق تفسیر آرامی، این گونه درک می‌شد: «قدرت خدا بر روی زمین نیست». ر. ک. ۱۰:۱۱، ۱۱:۱۳، ۱۲:۵؛ ۱۲:۱.

<sup>۱۲-۱۰:۳</sup> روم ۳ همگان گمراه شده و به یک اندازه فاسد گردیده اند،  
یکی (از ایشان) نیز نیکی را به جا نمی آورد،  
نه، نه حتی یک نفر.

<sup>۷-۶:۷۹</sup> آیا در ک نخواهند کرد، جمیع آنان که بدی را به جا می آورند،  
که قوم مرا می خورند [آن سان که] نان را می خورند،  
که یهُوه را نمی طلبند؟  
<sup>۷-۶:۴۸</sup> <sup>۶:۴۶</sup> ایشان از ترس خواهند لرزید در جایی که ترسی نیست،  
چرا که خدا با تبار عادلان است.  
<sup>۶</sup> ایشان از طرح های خود برای مسکین شرمسار خواهند شد،  
<sup>۲:۴۶</sup> چرا که یهُوه پناهگاه او است.<sup>g</sup>

آه ! بادا که نجات اسرائیل از صهیون بباید !  
آن هنگام که یهُوه تقدير قوم خود را تعیير دهد<sup>h</sup>،  
يعقوب به وجود خواهد آمد، اسرائیل شادی خواهد کرد.

## مزمور ۱۵ (۱۴)

<sup>۱</sup> مزمور. از داد.

<sup>۱۶-۱۴:۳۳</sup> <sup>۶-۳:۲۴</sup> ای یهُوه، چه کس در خیمه تو اقامت خواهد گزید<sup>i</sup>،  
چه کس در کوه مقدس تو ساکن خواهد شد؟  
<sup>۹-۵:۱۸</sup> آن کس که رفتارش کامل است و عدالت را به عمل می آورد،  
که در دل خود حقیقت را می گوید،  
<sup>۳</sup> با زبان خود افtra نمی زند،  
به برادر خود بدی نمی کند  
و به همسایه خود ناسزا نمی گوید.<sup>k</sup>

<sup>۴</sup> با خواری می نگرد بر آن کس که قابل خواری است،  
اما حرمت می دارد آنان را که از یهُوه می ترسند؛

<sup>g</sup> در مزمور ۵۳، این دو آیه متفاوت هستند.  
<sup>h</sup> این گونه نیز می توان برداشت کرد: «آن هنگام که یهُوه اسران قوم خود را باز گرداند...».  
<sup>i</sup> این مزمور نوعی «آیین نیایش» است که هدفی تعلیمی دارد: ر.ک. «مقدمه» مزامیر.  
<sup>j</sup> منظور می تواند چنین چیزی باشد: «همان گونه که به حقیقت می اندیشد، آن را نیز بر زبان می آورد». <sup>k</sup> فرائت یونانی: «افترا در باره نزدیکان را پندرافت».

اگر به ضرر خود سوگندی یاد کند<sup>۱</sup>، گفته خود را تغییر نمی دهد؛  
 ۵ نقره خود را برای سود قرض نمی دهد  
 و هدیه ای بر علیه بی گناه نمی پذیرد.

خروج ۲۴:۲۲  
۸:۲۳

هر که چنین عمل کند هرگز جنبش نخواهد خورد.

۷:۳۰:۸:۱۶

## مزمور ۱۶ (۱۵)

<sup>۱</sup> شعر زرین (?). از داود.  
 ای خدا، مرا محافظت فرما، زیرا در تو پناه می گیرم<sup>n</sup>.  
<sup>۲</sup> به یهوه گفته ام<sup>o</sup>: تو خداوند من هستی،  
 سعادت من نیست جز در تو<sup>p</sup>.

۲:۳۱

۳... q  
 ۴... r

۱۸:۷

هدایای ریختنی خونی ایشان را نخواهم ریخت  
 و نام ایشان را بر لبانم قرار نخواهم داد.

خروج ۱۹:۲۳  
۲:۱۳

<sup>۵</sup> یهوه سهم میراث و جام من است؛  
 قرعه مرا تو تضمین می کنی.  
<sup>۶</sup> برای من ریسمان خط کشی در جای لذت ها افتاده است؛  
 آری، میراث من مرا مسروور می سازد!

۴۰:۱۸:۷

<sup>۷</sup> یهوه را متبارک می خوانم که مشورت دهنده من شده،  
 حتی شبانگاه گرده هایم<sup>۵</sup> مرا تعلیم می دهند،

<sup>۱</sup> قرائت یونانی: «اگر برای همسایه خود سوگند یاد کند». m تحتاللفظی: «میکتیم» که در اینجا در مزامیر ۵۶ تا ۶۰ به کار رفته و معنای آن مشخص نیست. قرائت یونانی: «نوشه ای روی ستون سنگی»؛ ارامی: «شکل درست»؛ ژروم و برخی سنت های ربی ها: «داود فروتن و کامل». مفسران امروزی بر سر این دو معنی تردید دارند، یعنی «با صدای پایین» یا «کفاره».

<sup>n</sup> در خصوص «مزامیر اعتماد»، ر.ک. «مقدمه» مزامیر.

<sup>۰</sup> در متن عبری دریافت شده و آرامی، ضمیر دوم شخص مفرد و مؤنث («تو») آمده که دلالت دارد یا بر «جان» یا بر «اسرائیل». ترجمه ما مبتنی است بر قرائت های یونانی، ژروم، و چند نسخه خطی عبری.

<sup>p</sup> قرائت یونانی: «تو به اموال من نیاز نداری».

<sup>q</sup> متن مبهم است؛ ترجمه کلمه به کلمه: «به مقدسانی که در سرزمین هستند، خود ایشان، و شریفانی (?) که تمام خوشی من در آنان است».

<sup>r</sup> متن مبهم است. ترجمه کلمه به کلمه: «بتهای ایشان فزونی می یابند، یکی دیگر، ایشان می شتابند (?)». s منظور وجدان است.

<sup>۸</sup> یهُوه را پیوسته در مقابل چشمان خود قرار می دهم؛  
اع:۲۵:۲۸-۳۱:۱۰۹

آری، دلم شادی می کند و «جلالم<sup>t</sup>» به وجود می آید،  
حتی گوشتمن نیز در امنیت ساکن می گردد.  
<sup>۹</sup> زیرا جانم را در شغول رها نخواهی ساخت،  
نخواهی گذاشت که شخص و فادر<sup>u</sup> تو گودال را ببیند.  
اع:۱۳:۳۵

۱۱ راه حیات را به من نشان خواهی داد؛  
اشباع از شادی نزد روی تو (است)،  
لذت ها در دست راست تو برای همیشه!

## مزمور ۱۷ (۱۶)

<sup>۱</sup> نیایش. از داد.

ای یهُوه، به دادخواهی عادلانه من گوش فرا ده<sup>v</sup>،  
۱:۲۶:۹:۷  
۲:۶۱ به فریادم توجه فرما،  
به دعایم گوش بسپار  
(دعایی) که از لبان فریبکار بر نمی آید.  
۲ بادا که داوری من از نزد تو صادر شود:  
چشمانت آنچه را که راست است می بینند.

۳ می توانی دل مرا تفتیش نمایی، شب هنگام [از آن] دیدار کنی،  
مرا [در بوته] تصفیه نمایی؛ چیزی شرم آور در من نخواهی یافت.  
۱۰:۷  
۱۳:۳-۱:۱۳۹  
ایوب ۱۸:۷  
۱۲:۲۳ دهانم خطا نکرده  
<sup>w</sup> ۴ به شیوه آدمیان؛ مطابق سخن لیانت،  
من خود را از راههای آدم خشن حفظ کرده ام<sup>x</sup>.

<sup>t</sup> احتمالاً منتظر «جانم» می باشد (ر.ک. ۷:۶؛ ۳۰:۱۳؛ ۵۷:۹)؛ قرائت یونانی: «زبانم».  
<sup>u</sup> متن نوشته شده: «وفدارانت»؛ ترجمه ما مبتنی است بر متن خوانده شده و ترجمه های قدیمی.  
<sup>v</sup> در خصوص «نیایشهای انفرادی برای درخواست کمک»، ر.ک. «مقدمه» مزامیر.  
<sup>w</sup> متن مبهم است. قرائت آرامی: «اما من کارهای آدمیان را مطابق سخن لیانت تبیخ کرده ام»؛ بعضی نیز این گونه ترجمه کرده اند: «برای آنکه با انسان مطابق سخن لیانت عمل متقابل کنم»؛ ترجمه ما مطابق است با قرائت یونانی.  
<sup>x</sup> متن مبهم است. قرائت یونانی: «از راههای سخت»؛ ژروم: «مراقب راههای راهزنان بوده ام»؛ آرامی: «... از راههای آدم گستاخ»؛ سریانی: «تو مرا از راههای بد حفظ کرده ای».

<sup>۵</sup> قدم‌هایم را در طریق‌های خود حمایت فرما،  
بادا که پایهایم لغزش نخورند.

<sup>۶</sup> تو را می‌خوانم، ای خدا، زیرا که به من پاسخ می‌دهی؛  
گوش خود را به من فرا دار، به سخنم گوش بسپار.

<sup>۷</sup> فیض خود را لبریز ساز،

ای تو که از متجاوزین نجات می‌بخشی  
آنان را که در دست راست تو پناه می‌گیرند.

<sup>۸</sup> مرا همچو مردمک چشم حفظ فرما،

مرا در سایه بالهایت پنهان ساز،

<sup>۹</sup> دور از شیرانی که مرا از میان می‌برند،  
از دشمنان مهلك<sup>a</sup> که مرا احاطه می‌کنند.

تث: ۳۲:۱۰

:۲:۳۶:۸:۵۷:۸:۲

:۶:۱۵:۶:۶

<sup>۱۰</sup> دل خود را با پیه می‌پوشانند<sup>Z</sup>،  
دهانشان با تکبر سخن می‌گوید.

ایوب: ۱۵:۲۷:۴:۷۳

<sup>۱۱</sup> برایم کمین می‌گذارند<sup>a</sup>، دیگر مرا احاطه کرده‌اند،  
چشمان ایشان نیست جز برای پهن کردن من بر زمین،

۹:۱۰

<sup>۱۲</sup> همچو شیری<sup>b</sup> حریص برای دریدن،  
شیربچه‌ای که در مخفی گاهها نیم‌خیز شده.

<sup>۱۳</sup> بر خیز، ای یهوه، به ملاقات او پیش برو، او را بر زمین بکوب،  
با شمشیرت جان مرا از شریر رهایی ده،

<sup>۱۴</sup> با دستت، از انسان‌های فانی، ای یهوه،  
از انسان‌های فانی این جهان<sup>c</sup>؛

بادا که این سهم ایشان در زندگی باشد!

y می‌توان این گونه نیز ترجمه کرد: «که با غیظ مرا احاطه کرده‌اند»؛ R. K. Z ترجمه ما فاقد قطعیت است؛ تحتاللغظی: «پیه خود را بسته اند» که راشی این را این گونه استنباط کرده است: «احشای خود را بسته اند».

a متن مهم است. قرائت یونانی: «مرا رد کرده‌اند»؛ قرائت یونانی: «همچو شیر مرا گرفته اند».

b تحتاللغظی: «شیاهتش همچون شیاهت شیر است»؛ قرائت یونانی: «همچو شیر مرا آیند».

c متن مهم است. قرائت یونانی: «مرا از شریر رهایی ده، شمشیرت را (رهایی ده) از دشمنان دستت. ای خداوند، (ایشان را) از زمین بر کن، در طول زندگی شان ایشان را تقسیم کن»؛ وولگات: «در طول زندگی شان، ایشان را از تعداد اندک جدا ساز، بیرون از این زمین (?)»؛ ژروم: «مرا از شریر که شمشیر تو است رهایی ده، از انسان‌های دستت ای خداوند، که در اعماق مرده اند»؛ سریانی: «مرا از مردکانی که از دستان تو می‌برند رهایی ده ای خداوند، و از مردگان گودال، تو آنها را در زندگی تقسیم می‌کنی»؛ آرامی: «و عادلان که به سبب تو ای خداوند، در این پایین زندگی خود را تا به مرگ به خطر می‌اندازند، سهم خود را در زندگی ابدی دریافت می‌کنند».

از ذخایر خود شکم ایشان را پر ساز،  
باشد که پسرانشان از آن سیر شوند  
و باقی را برای فرزندان خود بگذارند!

<sup>۱۵</sup>اما من، در عدالت، روی تو را نظاره خواهم کرد؛  
از تصویر تو به هنگام بیدار شدم، خود را سیر خواهم ساخت.

۱۱:۷-۱۱  
۲:۲۲-۲۴

۲۲:۲

## مزمور ۱۸(۱)

<sup>۱</sup>به رهبر سرود، از داود، خدمتگزار یهوه، که سخنان این سرود را به یهوه  
گفت در آن روز که یهوه او را از چنگ همه دشمنانش و از دست شائنول  
رهایی داد.  
<sup>۲</sup>گفت:

تورا دوست می دارم، ای یهوه، قوت من<sup>۳</sup>،  
ای یهوه، ای صخره من، ای دژ من و رهاننده من،  
خدای من، صخره بلند من که در او پناه می گیرم،  
سپر من، نجات<sup>۴</sup> نیرومند من، قلعه من!  
<sup>۴</sup> یهوه را که سزاوار ستایش است خواندم،  
و از دشمنانم رهایی یافتم.

۳:۳۱-۴:۳  
۴:۳۲-۴:۲  
۵:۳۳-۴:۲۱۴:۱۳-۱۴:۲۷  
۱۱:۳-۳:۴

<sup>۵</sup>بندهای<sup>f</sup> مرگ مرا احاطه می کرد  
و سیلا بهای بليعال<sup>g</sup> مرا به وحشت می انداخت،  
<sup>۶</sup>بندهای شئول دور مرا می گرفت،  
دامهای مرگ در مقابل سر بر می آورد.

<sup>۷</sup>در پریشانی خود یهوه را خواندم،  
نzd خدایم فرياد برآوردم:  
او از معبد خود صدای مرا شنید،  
و فرياد من در حضور او به گوشهايش رسيد.

d در خصوص «مزامير سلطنتي»، ر.ک. «مقدمه» مزامير.

e تحت اللحظي: «شاخ» که استعاری است برای اشاره به قوت.

f در قرائت های یونانی و سریانی کلمه ای هم آوا به کار رفته: «دردها»؛ قرائت آرامی این را تصریح کرده، آورده است: «دردهای زایمان»، ر.ک. اع ۲۴:۲-۲۲:۵ = سمو ۵:۲ = موج ها.

g به نظر می رسد که «بليعال» در اينجا مرگ را به صورت شخص تصویر کرده است: تحت اللحظي احتمالاً: «آنچه هيج ارزشی ندارد» یا «(مكانی که) از آن باز نمی آيند»؛ ژروم: «ابليس»، ر.ک. ۲-قرن ۶:۱۵؛ نا ۱:۲؛ قرائت یونانی: «ظلم».

خروج: ۱۹، ۱۶، ۱۸  
حُب: ۳-۱۳

۸ آنگاه زمین تکان خورد و لرزید<sup>h</sup>،  
پایه‌های کوهها به لرزه در آمد،  
در مقابل غصب او تکان خورد.  
۹ دودی در بینی او بر می‌آمد،  
آتشی از دهانش از میان می‌برد،  
ذغالهای فروزان از آن بیرون می‌آمد.

۵:۱۴۴

۱۰ آسمان را خم کرد و فرود آمد،  
ابری تاریکی زیر پایهایش (بود).  
۱۱ بر کروبی ای سوار شد<sup>۱</sup>، به پرواز در آمد،  
بر بالهای باد پرواز کرد.  
۱۲ تاریکی را در پیرامون خود خیمه ساخت:  
آبهای تاریک، ابرهای ضخیم؛

۳:۱۰۴

۱۳:۹۷  
۱۱:۴

۱۳ از درخششی که پیشاپیش او حرکت می‌کرد، ابرهایش جلو رفتند،  
تگرگ و ذغالهای مشتعل.  
۱۴ یهود در آسمانها رعد داد،  
حضرت اعلیٰ بانگ برآورد؛  
۱۵ تیرهای خود را فرستاد و ایشان<sup>۲</sup> را پراکنده ساخت،  
آذرخشها انداخت و ایشان را منهزم نمود.  
۱۶ آنگاه بستر آبها پدیدار گشت  
و بنیادهای جهان عربان ظاهر شد،  
به تهدید تو، ای یهود<sup>۳</sup>،  
به دم باد بینی تو.

۱۹-۱۸:۷۷:۲۹

۶:۱۴۴

خروج ۸:۱۵

۱۷ از آن بالا [دست خود را] پیش آورد، مرا گرفت،  
مرا از آبهای عظیم بیرون کشید؛  
۱۸ مرا از دشمن نیرومند نجات داد  
و از نفرت کنندگانم که بر من چیره می‌شدند.

۷:۱۴۲

<sup>h</sup> در عبری در اینجا کلماتی به کار رفته که از حروف صدادار مشابه برخوردارند.  
۱ در عبری کلماتی با حروف صدادار مشابه به کار رفته است. این کروبی که مركب الهی است، ابرهای ضخیم را به صورت شخص تصویر کرده است: ۲:۸۰؛ ۱:۹۹.

۲ این ضمایر بر دشمنان اسرائیل دلالت دارند (ر.ک. آیه ۱۸).

<sup>۱۹</sup> در روز ناکامی ام بر من هجوم آورده بودند،  
اما یهُوه تکيه گاه من شد؛

<sup>۲۰</sup> او مرا به جای وسیع بیرون آورد،  
مرا رهایی داد، چرا که مرا دوست می دارد.

<sup>۲۱</sup> یهُوه با من مطابق عدالت رفتار می کرد،  
مطابق پاکی دستانم به من عوض می داد.

<sup>۲۲</sup> زیرا راههای یهُوه را نگاه داشته ام،

<sup>۲۳</sup> بدی را به جا نیاورده ام، و از خدایم [دور نشدم]؛

<sup>۲۴</sup> چرا که جمیع قواعد او را در مقابل خود دارم،

<sup>۲۵</sup> و فرایض او را از خود دور نمی سازم؛

<sup>۲۶</sup> در حضور او کامل هستم

و خود را از هر خطای حفظ می کنم.

<sup>۲۷</sup> و یهُوه مطابق عدالت به من عوض داده است،

مطابق پاکی دستانم در مقابل چشمانش.

<sup>۲۸</sup> با هر که وفادار است، وفاداری روا می داری،  
با مرد کامل، با کمال رفتار می کنم.

<sup>۲۹</sup> با هر که پاک است، پاک هستی،

اما با حیله گر به حیله رفتار می کنم.

<sup>۳۰</sup> زیرا تو قومی تحقیر شده را نجات می دهی،  
اما نگاههای متکبر را پست می سازی.

<sup>۳۱</sup> زیرا چراغ<sup>k</sup> مرا تو تابان می نمایی، ای یهُوه،

خدای من، تاریکیهای مرا روشن ساز؛

<sup>۳۲</sup> زیرا به کمک تو بر دسته مردمان<sup>۱</sup> می جهم،

به کمک خدایم از دیوار می پرم.

<sup>۳۳</sup> خدا طریقش کامل است،

کلام یهُوه آزموده شده است،

۷:۱۲

<sup>۱</sup> این اصطلاحی است استعاری که احتمالاً به تداوم همیشگی سلسله داود اشاره می کند: ۱۷:۱۳۲؛ ۲-سمو ۱:۱۷:۲۱-پاد.  
<sup>۲</sup> ۳۶:۱۱.

<sup>۲</sup> بعضی ترجمه می کنند: «از گودال می جهم»؛ یا با پیروی از تفسیر قرائت یونانی، می توان ترجمه کرد: «با تو از دسته (راهزنان) جان سالم به در می برم».

او سپر است برای جمیع آنان که در او پناه می‌گیرند.  
 ۳۲ زیرا کیست خدا جز یهُوهُ،  
 و کیست صخره به غیر از خدای ما؟

اش ۸، ۶:۴۴

۳۳ خدایی که کمربند قوت بر من می‌بندد،  
 که راه مرا کامل می‌سازد،  
 ۳۴ که پایهایم را همچو پایهای گوزن ماده می‌گرداند  
 و مرا بر بلندیها بر پا نگاه می‌دارد،  
 ۳۵ که دستان مرا برای جنگ تمرین می‌دهد،  
 بازوام را برای کشیدن کمان مفرغی.  
 ۳۶ مرا سپری نجات بخش داده ای،  
 دست راستت مرا حمایت می‌کند، مراقبت‌های<sup>m</sup> تو مرا بزرگ می‌سازد.  
 ۳۷ قدم‌هایم را در زیر من وسعت می‌بخشی،  
 و مج پاهايم نمی‌لرزند.

حـ ۱۹:۳

۱:۱۴۴

۳۸ دشمنانم را تعاقب می‌کنم و به ایشان می‌رسم،  
 و باز نمی‌گردم تا اینکه هلاک شده باشد؛  
 ۳۹ ایشان را له می‌کنم، و نمی‌توانند برخیزند،  
 زیر پایهایم در می‌غلتند و از پا می‌افتد.  
 ۴۰ برای نبرد کمربند قوت بر من می‌بندی،  
 مهاجمین مرا زیر من بر زمین می‌افکنی؛  
 ۴۱ پشت دشمنانم را به من نشان می‌دهی،  
 آنانی را که مرا نفرت می‌دارند از میان می‌برم.  
 ۴۲ کمک می‌خواهند و نجات دهنده‌ای نیست!  
 به سوی یهُوهُ: او به ایشان پاسخ نمی‌گوید!  
 ۴۳ ایشان را چون غبار در باد می‌سایم،  
 همچون گل کوچه‌ها ایشان را له می‌کنم.

۹-۸:۲

۴۴ مرا از منازعات قوم می‌رهانی،  
 مرا در رأس ملت‌ها قرار می‌دهی،  
 قومی که نمی‌شناختم مرا بندگی می‌کند؛

<sup>m</sup> معنی این کلمه مبهم است؛ می‌توان «فروتنی تو» یا «فرو شدن تو» (در ظهور خدا، آیه ۱۰) «ترجمه کرد؛ قرائت ژروم و اکیلا؛ «ملایمت تو»؛ یونانی، وولگات، سریانی، تنووسیون؛ «تأدیب تو»؛ آرامی؛ «با کلام تو».

<sup>۴۵</sup> با اولین کلمه مرا اطاعت می‌کنند،  
بیگانگان مرا مدح می‌نمایند،  
<sup>۴۶</sup> بیگانگان از پا در می‌آیند،  
از دژهایشان لرزان خارج می‌شوند.<sup>۷</sup>

<sup>۴۷</sup> زنده باد یهود، متبارک باد صخره من،  
برافراشته باد خدای نجات من،  
<sup>۴۸</sup> خدایی که انتقام را به من ارزانی می‌دارد،  
که قوم‌ها را زیر من ردیف می‌کند!  
<sup>۴۹</sup> مرا از دشمنان خشمگین می‌رهانی،  
بر مهاجمانم مرا پیروزی می‌بخشی،  
مرا از مرد خشن رهایی می‌دهی.  
<sup>۵۰</sup> از این رو، تو را در میان ملت‌ها تمجید خواهم نمود، ای یهود،  
و برای نام تو خواهم نواخت.  
<sup>۵۱</sup> او به پادشاه خود پیروزیهای بزرگ عطا می‌کند  
و در حق مسح شده<sup>۰</sup> خود وفاداری نشان می‌دهد،  
به داود و به اعقاب او برای همیشه.

## مزمور ۱۹ (۱۸)

<sup>۱</sup> به رهبر سرود. مزمور. از داود.

<sup>۲</sup> آسمانها جلال خدا را حکایت می‌کنند،  
و فلک عمل دستان او را اعلام می‌نماید:  
<sup>۳</sup> روز پیام آن را به روز بازگو می‌کند  
و شب آن را به شب خبر می‌دهد.

<sup>۴</sup> اینها نه کلمه هستند و نه سخن،  
[نه] صدایی که بتوان شنید<sup>۹</sup>:

n این ترجمه فاقد قطعیت است. قرائت‌های یونانی و سریانی: «ایشان بیرون از راههایشان می‌لنجند» (مانند ۲-سمو ۲۲:۴۶). آرامی: «اردوگاه خود را ترک می‌کنند».

۰ ر. ک. توضیح ۲۴.

p بخش اول این مزمور (آیات ۱-۷) با «سرودها» قرابت دارد (ر. ک. «مقدمه»)، و بخش دوم با «مزامیر تعلیمی» (ر. ک. «مقدمه»).

q قرائت یونانی: «کلمه‌ای نیست که صدایش شنیده نشود».

روم ۱۰:۱۸

بسی ۴۳:۱-۵

<sup>۵</sup> پژواک<sup>r</sup> آنها در تمام زمین طنین افکن است،  
و گویشهای آنها تا اقصای جهان.

او در آنها<sup>۶</sup> برای خورشید خیمه‌ای بر پا کرد،  
و آن، به سان دامادی که از حجله خود بیرون می‌آید،  
قهرمانانه از دویدن در میدان خود شادی می‌کند.

<sup>۷</sup> از یک سوی آسمان بیرون می‌آید،  
و مسیرش در سویی دیگر پایان می‌یابد،  
چیزی از حرارت او در امان نمی‌ماند.

<sup>۸</sup> شریعت یهُوهِ کامل است،  
جان را آرامی می‌بخشد؛  
حکم یهُوهِ مطمئن است،  
ساده دل را حکیم می‌سازد؛  
<sup>۹</sup> فرایض یهُوهِ راست است،  
دل را شادمان می‌سازد؛  
فرمان یهُوهِ زلال است،  
چشمها را روشن می‌گرداند!  
<sup>۱۰</sup> ترس یهُوهِ پاک است،  
تا به ابد پایدار است؛  
داوریهای یهُوهِ حق است،  
همگی به یک اندازه عادلانه،

لو ۱۲:۲۷

<sup>۱۱</sup> دلخواه تر از زر  
و طلای ناب بسیار،  
شیرین تر از عسل  
و شیره شانه های عسل.

۱۱۹:۱۲۷

۱۱۹:۱۰۳

۲ ابن ترجمه فاقد قطعیت است؛ تحتاللفظی: «ریسمان خط کشی آنها»؛ آرامی: «گستره فعالیت آنها»؛ ابن عزرا: «نوشته قابل خواندن در هر جا»؛ چندین مفسر مدرن، موضوع نوشته آسمانی را که در اثر صور فلکی ترسیم می‌شود، مورد توجه قرار داده‌اند (ر.ک. ایوب ۳۸:۳۳).

۳ منظور یا در آسمانها است، یا در اقصای جهان. قرائت یونانی: «او خیمه خود را در خورشید بر پا کرده است». می‌توان این گونه نیز ترجمه کرد: «نگاه را درخشنان می‌سازد».

<sup>۱۲</sup> از این رو، خدمتگزارت می‌گذارد تا از آنها تعلیم یابد<sup>u</sup>؛  
در رعایت آنها سودی عظیم هست.

<sup>۱۳</sup> کیست که به قدم‌های اشتباه خود بیندیشد؟  
مرا از خطاهای مخفی مبرا ساز.

<sup>۱۴</sup> از متکبران<sup>v</sup> نیز خدمتگزارت را حفظ فرما؛  
بادا که بر من سلطه نیابند!  
آنگاه کامل خواهم بود،  
مبرا از گناه عظیم.

<sup>۱۵</sup> لطف کرده، سخنان دهانم را مقبول بدار،  
آنچه را که دلم در حضور تو زمزمه می‌کند،  
ای یهوه، صخره من، فدیه دهنده من.

## مزمور ۲۰ (۱۹)

<sup>۱</sup> به رهبر سرود. مزمور. از داد.

<sup>۲</sup> بادا که یهوه تو را در روز پریشانی اجابت فرماید<sup>w</sup>،  
نام خدای یعقوب تو را محافظت کند؛

<sup>۳</sup> بادا که از قدس برایت امداد بفرستد،  
و از صهیون تو را حمایت نماید.

۶:۲

<sup>۴</sup> باشد که جمیع هدایایت را به یاد آورد  
و قربانی سوختنی تو برایش دلیزیر باشد<sup>x</sup>. سلا.

<sup>۵</sup> بادا که مطابق دلت به تو عطا کند<sup>y</sup>  
و همه طرح‌های تو را عملی سازد.

<sup>u</sup> می‌توان این گونه نیز ترجمه کرد: «خود خدمتگزارت نیز از آنها منور گردیده است»؛ قرائت یونانی: «آنها را نگاه می‌دارد».

<sup>v</sup> می‌توان مانند راشی این گونه نیز ترجمه کرد: «از تکبر...».

<sup>w</sup> در خصوص «مزامیر سلطنتی»، ر. ک. «مقدمه» مزامیر.

<sup>x</sup> تحتاللفظی: «قربانی سوختنی تو را چرب یا خوش طعم بیابد و از آن شادمان گردد» (امت ۱۵:۳۰).

<sup>y</sup> یعنی «خواسته ات را به تو بدها».

<sup>۶</sup>کاش می توانستیم پیروزی نورا بستاییم  
و عَلَمَ را به نام خدایمان بر افزاییم!<sup>z</sup>  
بادا که یهُوهُ همه درخواستهایت را عملی سازد!

<sup>۷</sup>اکنون می دانم که یهُوهُ  
به مسح شده<sup>a</sup> خود پیروزی عطا می کند؛  
از آسمانهای مقدس به او پاسخ می دهد  
با کارهای پیروزمندانه دست راستش.

<sup>۸</sup>اینان به خاطر اربابه ها نیرومندند و آنان به خاطر اسباب،  
اما ما، به خاطر نام یهُوهُ، خدای ما.  
<sup>۹</sup>آن از پا در آمده، می افتد،  
ما، سر پا، می ایستیم.

<sup>b</sup><sup>۱۰</sup>ای یهُوهُ، به پادشاه پیروزی عطا فرمای  
در روزی <sup>c</sup>که درخواست می کنیم، ما را پاسخ ده.

## مزمور ۲۱ (۲۰)

<sup>۱</sup> به رهبر سرود. مزمور. از داود.

<sup>۲</sup>ای یهُوهُ، پادشاه در قوت تو شادی می کند،  
و در پیروزی تو چه وجد می نماید!  
<sup>۳</sup>اشتیاق دلش را به او ارزانی داشته ای،  
آرزوی لبانش را رد نکرده ای. سلا.

<sup>۴</sup>با برکات سعادت از او سبقت جسته ای،  
تاجی از زر ناب بر سرش نهاده ای.  
<sup>۵</sup>او حیات را می خواست: آن را نیز به او داده ای،  
روزهای طولانی را، تا ابد و برای همیشه.

Z در عبری، این فعل بر اساس کلمه «پرجم» یا علم تشکیل یافته است. قرائت های یونانی و سریانی: «رفعت خواهیم یافت»؛  
ژروم: «دسته سرایندگان را رهبری خواهیم کرد»؛ آرامی: «خود را برای نبرد آماده خواهیم ساخت».

a ر. ک. توضیح ۲:۲ و توضیح ۱:۱۰-سمو.

b قرائت عبری: «ای یهُوهُ، پیروزی عطا فرمای! پادشاه در روزی که او را بخوانیم، پاسخ خواهد داد».

c در خصوص «مزامیر سلطنتی»، ر. ک. «مقدمه» مزمیر.

<sup>۶</sup> عظیم است جلال او به سبب پیروزی تو،  
جبروت و شکوه را بر او قرار داده ای.  
<sup>۷</sup> زیرا از او برکتی ساخته ای<sup>d</sup>، برای همیشه،  
نژد روی خود او را مالامال از شادی کرده ای.  
<sup>۸</sup> آری، پادشاه بر بیهوده توکل می کند،  
به خاطر وفاداری حضرت اعلی، او جنبش ناپذیر است.  
امث: ۲۰:۲-۱۳:۳ پیدا: ۷۲:۱۷؛ ۴۵:۹۶:۶

<sup>۹</sup> دست تو جمیع دشمنان را خواهد یافت،  
دست راست نفرت کنندگان را خواهد یافت؛  
<sup>۱۰</sup> از آنان کوره ای سوزان خواهی ساخت  
به هنگام رویت<sup>e</sup>؛  
بیهوده در خشم خود ایشان را خواهد بلعید،  
آتشی ایشان را از میان خواهد برد.  
<sup>۱۱</sup> شمره ایشان را از زمین محو خواهی ساخت،  
اعقا بشان را از میان بنی بشر.  
<sup>۱۲</sup> اگر قصد بدی بر علیه تو طرح کنند،  
اگر حیله را بیندیشند، ناتوان خواهند بود؛  
<sup>۱۳</sup> زیرا ایشان را به پشت برخواهی گرداند،  
زه های کمانت را بر علیه ایشان خواهی کشید.

<sup>۱۴</sup> به پا خیز، ای بیهوده، در قوت خود!  
می خواهیم بسرا بیم و کارهای عظیم تو را تمجید نماییم.

## مزمور ۲۲ (۲۱)

<sup>۱</sup> به رهبر سرود. بر «غزال سپیده دم<sup>f</sup>». مزمور. از داود.

<sup>۲</sup> خدای من، خدای من، چرا مرا ترک کرده ای<sup>g</sup>،  
از فریادم دور شده ای، از کلماتی که فریاد می زنم<sup>h</sup>؟

<sup>e</sup> قرائت یونانی: «برکتی به او می دهی». <sup>f</sup> یعنی «زمانی که رویت پیدیدار شود». قرائت آرامی: «به هنگام خشمت»؛ چهره پادشاه که بازتابی است از روی خدا، برای دشمنانش خطرناک بود، ۲-۱۷:۱۱-۲-۲۲-توا<sup>۲:۲۶</sup> موافق است. <sup>g</sup> مفسران امروزی این دو کلمه را عنوان نغمه ای تلقی می کنند که این مزمور در آن دستگاه سرود می شد. قرائت یونانی: «برای امداد بامدادی»؛ آرامی: «برای امداد هدیه دائمی بامدادی». <sup>h</sup> در خصوص «نیایشهای انفرادی برای درخواست گمک»، ر.ک. «مقدمه» مزمور. این مزمور اغلب در عهد جدید به مصائب مسیح مرتبط شده است.

<sup>i</sup> تحت الملفتی: «دور از نجات من سخنان فریاد من»؛ قرائت یونانی: «سخنان خطاهایم».

<sup>۳</sup> خدای من، در روز فریاد می کشم و پاسخ نمی دهی،  
و شبانگاه برایم استراحتی نیست.

<sup>۴</sup> اما تو در قدس ساکن هستی،  
اش ۶:۳  
ای ستایش اسرائیل!<sup>۱</sup>  
<sup>۵</sup> پدران ما بر تو اعتماد داشتند،  
داور ۳:۹  
اعتماد داشتند و تو ایشان را رهایی دادی،  
<sup>۶</sup> به سوی تو فریاد برآوردن و نجات یافتند،  
داور ۳:۱۵  
به تو اعتماد داشتند و سرافکنده نشدند.

<sup>۷</sup> و من، کرم (هشتم)، نه انسان،  
اش ۳:۵۳  
ننگ انسان‌ها و تحقیرشده قوم،  
<sup>۸</sup> جمله آنان که مرا می بینند، تمسخرم می کنند،  
مت ۲۷:۲۹، ۲۷:۳۹  
با لبان خود شکلک در می آورند و سرتکان می دهنند:  
<sup>۹</sup> «خود را به یهود سپرد، باشد که او را برهاشد،  
مت ۳۷:۲۷، ۴۳:۲۷  
موازی  
وی را نجات دهد، زیرا او وی را دوست می دارد!»

<sup>۱۰</sup> با این حال، این تو بودی که مرا از شکم بیرون کشیدی،  
<sup>۱۱</sup> مرا در اطمینان، بر سینه مادرم نهادی؛  
<sup>۱۲</sup> به هنگام بیرون آمدن از احشا، بر تو انداخته شدم از  
از بطن مادرم، خدای من تو بوده ای.  
<sup>۱۳</sup> از من دور مشو، چرا که پریشانی نزدیک است،  
۲۲:۳۸  
و کسی نیست که کمک کند!

<sup>۱۴</sup> گاو اون نر بسیار مرا احاطه کرده اند،  
جیوانات باشان دور مرا گرفته اند؛  
<sup>۱۵</sup> پوزه خود را بر علیه من می گشایند،  
۱۲:۱۷  
[به سان] شیری که می درد و می خروشد.

<sup>۱</sup> می توان این گونه نیز ترجمه کرد: «تحت سلطنت تو در میان ستایشهای اسرائیل است»؛ قرائت سریانی: «تو قدوس هستی و اسرائیل در ستایش تو جلوس می کند»؛ ترجمه ما مبتنى است بر قرائت یونانی.  
ز منظور احتمالاً آین فرزندخواندگی ای است مشابه آنچه در پید ۳:۳۰؛ ایوب ۴:۴۸؛ ایوب ۳:۱۲ توصیف شده است.  
منطقه ای واقع در شمال بخش شرقی رود اردن که به خاطر دامپروری اش مشهور بود (عا:۴)؛ قرائت یونانی: «جیوانات k فربه».

<sup>۱۵</sup> همچون آب ریخته شده ام  
و همه استخوانهايم از هم جدا می شوند،  
دلم چون موم است،  
در میان احشایم آب می شود.  
<sup>۱۶</sup> کامم همچون تکه سفال خشک است  
و زبانم به آرواره هایم می چسبد،  
مرا در غباری از مرگ می نهی.

<sup>۱۷</sup> زیرا سگان بیشمار دور مرا گرفته اند،  
دسته ای از بدکاران مرا احاطه کرده اند؛  
دستها و پاهایم را سوراخ کرده اند<sup>۱</sup>،  
<sup>۱۸</sup> می توانم همه استخوانهايم را بشمارم<sup>m</sup>.  
ایشان به من می نگرند، نظاره ام می کنند،  
<sup>۱۹</sup> جامه هایم را میان خود تقسیم می کنند  
و بر لباسم قرعه می اندازند.

<sup>۲۰</sup> اما تو، ای یهُوه، دور مشو،  
ای قوت من، به کمک بستان،  
<sup>۲۱</sup> جانم را از شمشیر رهایی ده،  
یگانه ام<sup>n</sup> را از پای سگ،  
<sup>۲۲</sup> مرا از دهان شیر نجات بده،  
حیات تیره بختم را از شاخهای گاو میش<sup>۰</sup>.

<sup>۲۳</sup> می خواهم نام تورا به برادرانم اعلام کنم،  
تورا در میان جماعت خواهم ستد.  
<sup>۲۴</sup> ای شما که از یهُوه می ترسید، اورا بستایید،

<sup>۱</sup> متن مبهم است. ترجمه ما مبتنی است بر متن خوانده شده، و قرائت های یونانی و سریانی. قرائت های آکیلا، سیماک، و زروم:  
«بسته اند»؛ متن نوشته شده: «مانند شیر» (مطابق تفسیرهای ربی ها، یعنی اینکه «مرا آن گونه احاطه کرده اند که شیر را  
احاطه می کنند»، یا «دستها و پاهایم را آن گونه شکسته اند که شیر می شکند»)؛ قرائت آرامی: «دستها و پاهای مرا همچون  
شیران گاز می گیرند».

قرائت یونانی: «ایشان شمرده اند».

<sup>m</sup> ر. ک. ۱۷:۳۵. شاید منظور «شخص من» باشد.

<sup>۰</sup> چندین ترجمه قدیمی چین آورده اند: «مرا دور از شاخهای گاو میش پاسخ ده (یا: رهایی ده)»؛ قرائت های یونانی، سریانی، و  
سیماک: «فروتنی مرا... بر کن». طبق استنباط ابن عزرا، گویا خدا دعای مزمور نگار را اجابت کرده است.

ای جمله اعقاب یعقوب، او را جلال دهید،  
از او بترسید، ای همه اعقاب اسرائیل.

<sup>۲۵</sup> زیرا حقارت مسکین را خوار و نفرت انگیز نشمرده،  
روی خود را از او نپوشانیده،  
بلکه چون به سوی او فریاد بر می آورد، به او گوش سپرده است.

<sup>۲۶</sup> ستایش من در جماعت بزرگ از تو [می آید]،  
نذرهای خود را در حضور آنان که از او می ترسند به جا خواهم آورد.  
<sup>۲۷</sup> فروتنان خواهند خورد و سیر خواهند شد،  
آنان که یهوه را می جویند او را خواهند ستود.  
بادا که دلشان تا ابد زنده بمانند!<sup>P</sup>

<sup>۲۸</sup> تمام اقصای زمین به یاد آورده، به سوی یهوه باز خواهند آمد،  
همه خانواده های قوم ها  
در حضور او سجده خواهند کرد.  
<sup>۲۹</sup> زیرا سلطنت از آن یهوه می باشد،  
هم او است که بر ملت ها سلطه می راند.  
<sup>۳۰</sup> تنها در مقابل او جمیع زورمندان<sup>q</sup> زمین سجده خواهند کرد،  
در مقابل او زانو خم خواهند کرد جمله آنان که به خاک فرود می آیند.<sup>r</sup>  
و جان من برای او خواهد زیست<sup>s</sup>،

۱۱-۸:۷۲

مکا ۱۱:۲۱ عو ۱:۲۱

<sup>۳۱</sup> اعقاب من<sup>t</sup> او را خدمت خواهند کرد،  
از خداوند سخن خواهند گفت به نسلی  
<sup>۳۲</sup> که می آید،  
عدلات او را به قومی که زاده خواهد شد اعلام خواهند کرد؛  
زیرا یهوه عمل کرده است.

۱۴:۴۸  
۱۸:۷۱  
۶:۷۸  
۱۹:۱۰۲

p تحتاللفظی: «بادا که دلشان تا ابد زنده بماند». این آرزوی تندرنستی است خطاب به آنانی که در ضیافتی همراه با قربانی ها شرکت می جویند؛ ر.ک. ۳۳:۶۹.

q متن آیات ۳۰-۳۲ فاقد قطعیت است. تحتاللفظی: «تمام فریه های زمین» و این می تواند دلالت داشته باشد بر افراد مهم؛ قرائت آرامی و سریانی: «همه گرسنگان»؛ بسیاری از مفسران این را اصلاح کرده، می نویسنده: «همه آنانی که خواب هستند».

r یعنی کسانی که در حال احتضار هستند.

s تحتاللفظی: «و او نگذاشته که جانش زنده بماند»؛ ترجمه ما مبتنی است بر قرائت یونانی.  
t قرائت عبری: «اعقابی او را خدمت خواهند کرد»؛ ترجمه ما مبتنی است بر قرائت یونانی.

## مزمور ۲۳ (۲۲)

<sup>۱</sup> مزمور. از داود.

یهُوه شبان من است<sup>۱</sup>: چیزی کم ندارم.  
در مراتعی از علف‌های نرم مرا می‌چراند،  
به سوی آبهای استراحت<sup>۷</sup> مرا می‌برد،  
جان مرا احیا می‌کند؛

۲:۸۰:۹:۲۸  
حرق:۳۴:یو:۱۰

از راههای نیک<sup>۷</sup> مرا هدایت می‌کند،  
به خاطر نام خود.  
اگر از دره‌ای تاریک عبور کنم،  
از هیچ بدی نمی‌ترسم،  
زیرا تو با من هستی؛  
چوبیدست تو، عصای چوبانی تو، اینها هستند تسلای من.

۴:۳۱:۱۱:۲۵  
حرق:۲:۲۰

در مقابل من سفره‌ای می‌چینی<sup>۵</sup>  
در برابر خصم‌مان؛  
سر مرا با روغن<sup>۶</sup> معطر می‌سازی،  
جامی لبریز است.

۱۹:۷۸  
۱۱:۹۲  
۲:۱۳۳  
لو:۷:۶

آری، سعادت و وفاداری مرا مشایعت خواهند کرد  
تمامی روزهای زندگی ام؛  
در خانه یهُوه ساکن خواهم بود<sup>X</sup>  
در طول ایام.

<sup>۱</sup> در خصوص «مزامیر اعتماد»، ر. ک. «مقدمه» مزامیر. موضوع شبان بودن خدا اغلب در عهد جدید تکرار می‌شود؛ ر. ک. اش ۱۱:۴ و توضیح آن؛ ار ۲۳-۶ و توضیح آن؛ حرق ۱۲:۳۴؛ همچنین به طور خاص ر. ک. مز ۷:۹۵؛ ۲:۸۰؛ ۹:۲۸؛ ۷:۹۵.

<sup>۲</sup> منظور آبهای آرامی است که گوسفندان از آن آب می‌نوشند و نیز آبهای مکان استراحت، یعنی سرزمین موعد (تث ۹:۱۲).

<sup>۳</sup> تحتاللفظی: «راههای عدالت»، یعنی راههای مناسب. ر. ک. ۲۷:۴؛ تث ۳۰:۲۰. قرائت عبری: «به خانه یهُوه باز خواهم گشت».

## مزمور ۲۴ (۲۳)

<sup>۱</sup> از داده مزمور <sup>y</sup>.

از آن یهُوه است زمین و آنچه آن را پر می سازد<sup>z</sup>،  
جهان و آنان که در آن ساکن اند؛  
ازیر او است که زمین را بر دریاها بنیاد نهاده،  
و آن را بر رودها ثابت گردانیده است.

۱: قرن ۱۰: ۲۶؛ ۸۹: ۱۲

۶: ۳۸: ۴: ۱۰؛ ۷۵: ۴: ۱۰

<sup>۳</sup> چه کس به کوه یهُوه بر خواهد آمد  
و چه کس در مکان مقدس او خواهد ایستاد؟<sup>-</sup>  
<sup>۴</sup> آن که دستهایش بی گناه و دلش پاک است،  
که خود را به دروغ نمی سپارد<sup>a</sup>  
و برای فریب دادن سوگند نمی خورد.

۱۵: مزد

۸: ۵: ۶: ۲۶

<sup>۵</sup> او برکت را از یهُوه به دست خواهد آورد  
و عدالت را از خدای نجات خویش.  
<sup>۶</sup> اینچنین است تبار آنان که او را می طلبند؛  
که روی تورا می طلبند، ای خدای یعقوب<sup>b</sup>. سلا.

۲۰-۱۹: ۱۱۸

<sup>۷</sup> ای دروازه ها، سردرهای خود را بر افزایید<sup>c</sup>،  
ای درهای کهن، بر افراشته شوید،  
و پادشاه جلال داخل شود!<sup>-</sup>  
<sup>۸</sup> کیست این پادشاه جلال؟<sup>-</sup>  
یهُوه، آن توانمند، آن قهرمان،  
یهُوه، قهرمان نبرد.<sup>-</sup>

<sup>۹</sup> ای دروازه ها، سردرهای خود را بر افزایید،  
ای درهای کهن، بر افراشته شوید،  
و پادشاه جلال داخل شود!<sup>-</sup>

<sup>۱۰</sup> قرائت یونانی اضافه کرده: «برای روز اول بعد از سیّت».

<sup>z</sup> این مزمور با «سرودهای صهیون» و با «آیین نیایش» با هدف تعلیمی قرابت دارد (ر.ک. «مقدمه»).

<sup>a</sup> قرائت متن خوانده شده و ترجمه های قدیمی: «به سوی بدی متمایل نمی گردد»؛ قرائت متن نوشته شده: «که مرا برای بدی فرانمی خواند». ترجمه ما مبتنی است بر قرائت های آرامی و سریانی.

<sup>b</sup> متن عبری: «که روی تورا می طلبند: این یعقوب است». قرائت یونانی: «روی خدای یعقوب را»؛ ترجمه ما مبتنی است بر قرائت سریانی.

<sup>c</sup> قرائت یونانی: «ای سروران، دروازه های خود را بر افزایید».

۱۰ پس کیست این پادشاه جلال؟  
 یهُوه لشکرها،  
 هم او است، پادشاه جلال. سلا.

## مزمور (۲۴) ۲۵

<sup>۱</sup> از داده.

ای یهُوه، به سوی تو جان خود را بر می افرازم.<sup>e</sup>  
 ۲ ای خدا، به تو اعتماد می کنم؛ باشد که سرافکنده نگردم!  
 باشد که دشمنانم در باره من شادی نکنند!  
 ۳ نه، هیچیک از منتظران تو سرافکنده نخواهد شد،  
 سرافکنده خواهد شد آنانی که به خاطر هیچ خیانت می کنند.

الف

بِت

گیمل

۱۱:۸۶:۱۱:۲۷  
 ۶-۴:۱۴:۱۳:۱۶

۴ ای یهُوه، راههای خود را به من بشناسان،  
 طریق های خود را به من تعلم فرما؛  
 ۵ مرا مطابق وفاداری ات سالک گردان،  
 مرا تعلیم ده، زیرا خدای نجات من تو هستی،  
 تمامی روز تو را انتظار می کشم،

دالت.

ه

زَین

حِت

تَت

يُد

کاف

تَت

يُد

کاف

f

۶ ای یهُوه، به یاد آور رحمت و الطاف خود را:  
 آنها همیشگی هستند.  
 ۷ گناهان جوانی ام را به یاد میاور،  
 مرا بر حسب وفاداری ات به یاد آورد.  
 به سبب نیکویی ات، ای یهُوه.

۸ یهُوه نیک و راست است،  
 از این رو است که راه را به گناهکاران می آموزد<sup>d</sup>،  
 ۹ فروتنان را بر اساس عدالت سالک می گرданد،  
 طریق خود را به فروتنان تعلیم می دهد.  
 ۱۰ همه طریق های یهُوه وفاداری و امانت است  
 برای آنان که عهد او و احکامش را نگاه می دارند.

<sup>d</sup> این مزموی است القبایی. ر.ک. توضیح ۱:۹. در آیات ۲، ۵ و ۱۸ چند بی قاعده‌گی مشاهده می شود. این مزمور با «نیایشهای انفرادی برای درخواست کمک» قرابت دارد؛ ر.ک. «مقدمه» مزامیر.

<sup>e</sup> این اصطلاح بینگر اشتیاق و تمایل است؛ ر.ک. ۴:۸۶؛ ۴:۱۴۳؛ ۲۷:۲۲؛ ۲۷:۲۴؛ ۱۴:۴۳.

<p>۱۱ به سبب نام خود، ای یهُوهُ، خطایم را بخش، (چرا که) عظیم است!</p> <p>۱۲ آیا شخصی از یهُوهُ می ترسد؟ او راهی را که باید انتخاب کند به وی می آموزد؛</p> <p>۱۳ جان او در اقامتگاه سعادت ساکن خواهد شد، و اعقاب او مالک سرزمین خواهند شد.</p> <p>۱۴ سامِک <sup>g</sup> صمیمیت یهُوهُ برای آنانی است که از او می ترسند، و او عهد خود را به ایشان می شناساند.</p> <p>۱۵ چشمان من دائمًا به سوی یهُوهُ است، زیرا او است که پایهای مرا از دام بیرون می کشد.</p> <p>۱۶ به سوی من برگرد و بر من ترحم فرما، زیرا تنها و شور بختم.</p> <p>۱۷ پریشانی های دلم عظیم هستند: مرا از اضطراب هایم بیرون بکش.</p> <p>(قوف) <sup>۱۸</sup> تیره روزی و رنج مرا ببین، همه گناهانم را بردار.</p> <p>۱۹ ببین که چقدر دشمن دارم، با چه کینه خشونت آمیزی از من نفرت دارند.</p> <p>۲۰ جان مرا حفظ کن و مرا رهایی ده، تا سرافکنده نباشم، زیرا در تو پناه می گیرم. طاو.</p> <p>۲۱ بادا که کاملیت و راستی مرا حفظ کنند، زیرا که تو را انتظار می کشم، ای یهُوهُ.</p> <p>۲۲ ای خدا، اسرائیل را آزاد فرما از همه پریشانی هایش <sup>h</sup>.</p>	<p>لامد</p> <p>مِم</p> <p>نوون</p> <p>سامِک</p> <p>عَيْن</p> <p>ف</p> <p>صاده</p> <p>تَاو</p> <p>رش</p> <p>شين</p>	<p>۹:۷۹:۳:۲۳</p> <p>۳:۱۰۳</p> <p>۹:۳۷</p> <p>اش. ۲۱:۶</p> <p>۸:۱۴۱:۱:۱۲۳</p> <p>۵:۳۱</p> <p>۱۶:۸۶</p> <p>۱۳۲:۱۱۹</p> <p>۱۵۳:۱۱۹</p> <p>۳:۸۵:۵:۳۲</p>
--	--	--

<sup>g</sup> با «سر»؛ منظور این است که خداوند به ترسندگان خود اعتماد می کند. قرائت یونانی: «یهُوهُ برای... تکیه گاهی مستحکم است».

<sup>h</sup> این آیه جزو ترتیب الفبایی نیست، و شاید مؤخره ای باشد مربوط به آیین نیایش، ر. ک. ۲۳:۳۴.

## مزمور ۲۶ (۲۵)

<sup>۱</sup> از داد.

۱:۱۷ ای یهُوهُ، مرا داد بدهُ<sup>۱</sup>،  
۲:۱۰۱:۲:۱۵ چرا که من در کاملیت خود سلوک کرده‌ام،  
به یهُوهُ اعتماد می‌کنم؛ متزلزل نخواهم شد.  
۳:۱۷ ۲ مرا نفتشش کن، ای یهُوهُ، و مرا بیازما،  
گرده‌ها و دلم را [در بوته] تصفیه فرما.

۳ زیرا وفاداری تو در مقابل چشمان من است،  
و مطابق امانت تو طی طریق می‌کنم.  
۴ با مردمان نادرست نمی‌نشیم،  
۵ با فربیکاران نمی‌روم،  
از جماعت بدکاران نفرت می‌دارم،  
و با شریران نمی‌نشیم.

۶ دستان خود را در بی‌گناهی می‌شویم،  
و قربانگاه تو را طواف می‌کنم، ای یهُوهُ،  
۷ تا صدای ستایش تو را بشنوانم<sup>۲</sup>  
و جمله شگفتیهای تو را بازگو نمایم.

۸ ای یهُوهُ، مکان خانه تو را دوست می‌دارم<sup>k</sup>،  
جایی را که جلال تو در آن ساکن است.  
۹ جان مرا با جان گناهکاران در میاور،  
ونه حیاتم را با حیات مردمان خونی،  
۱۰ که در دستان خود ننگ دارند  
و دست راستشان پر از هدایا است.

۱۱ اما من در کاملیت خود سلوک خواهم کرد،  
مرا آزاد ساز، ای یهُوهُ، و بر من ترحم فرماء:  
۱ در خصوص «نبایشهای انفرادی برای درخواست کمک»، ر. ک. «مقدمه» مزامیر.  
۲ قرائت عربی آیات ۶ و ۷ چنین است: «۶- دستهای خود را به نشانه بی‌گناهی می‌شویم، تا قربانگاه تو را، ای یهُوهُ، طواف کنم، و شکرگزاری را فربیاد بزنم و جمله شگفتیهای تو را بازگو کنم»؛ ترجمه‌های مبتنی است بر قرائت یونانی.  
۳ قرائت یونانی: «زیبایی خانه تو را دوست داشته‌ام»؛ سریانی: «خدمت خانه تو را...».

<sup>۱۲</sup> پایم بر [زمین] مسطح<sup>۱</sup> قرار دارد،  
در جماعت‌ها یهُوه را متبارک خواهم خواند.

## مزمور (۲۶) ۲۷

<sup>۱</sup>. از داد و د.

یهُوه نور من و نجات من است<sup>n</sup>:  
از که هراسان باشم؟  
یهُوه پناهگاه زندگی من است:  
در مقابل چه کس لرزان باشم؟

:۲۹:۱۸:۷:۴  
:۳:۴۳:۱:۰:۳۶  
:۹:۴:۱:۰:۵-یو۱

۳:۳۱:۸:۲۸

آن هنگام که بدکاران بر ضد من پیش می‌آیند  
تا گوشت مرا بدرند<sup>۰</sup>،  
هم آنان هستند، خصم‌مان و دشمنان،  
که می‌لغزند و می‌افتنند.

<sup>۳</sup> چون لشکری بر علیه من اردو زند،  
دلم ترسان نخواهد شد؛  
چون نبردی علیه من در گیرد،  
حتی آن هنگام نیز اعتماد خواهم داشت.

<sup>۴</sup> یک چیز هست که از یهُوه درخواست می‌نمایم،  
(و) همان را جستجو می‌کنم:  
این که در خانه یهُوه ساکن باشم  
در همه روزهای زندگی ام،  
<sup>p</sup> تا مهریانی یهُوه را نظر و سیر کنم  
و معبد او را کشف نمایم.

۳:۶۳:۳:۴۲

<sup>۱</sup> تحتاللفظی: «بر روی راست»، و این می‌تواند در مفهومی درست، به معنی «بر روی زمین مسطح» باشد (متلاً زمین معبد)، یا در معنایی استعاری، «در انصاف و راستی»؛ ر.ک. ۱۱:۲۷؛ ۱۰:۱۴۳.

<sup>m</sup> قرائت یونانی اضافه کرده: «پیش از آنکه مسح شود».

<sup>n</sup> در خصوص «مزامیر اعتماد»، ر.ک. «مقدمه» مزامیر.

<sup>۰</sup> تحتاللفظی: «تا گوشت مرا بخورند»، یعنی اینکه «تا مرا نابود سازند»؛ این اصطلاح احتمالاً دلالت دارد بر تهمت و افتراء. ر.ک. ۱۷:۹۰؛ ۱۶:۶، ۱۱:۱۱؛ می‌توان «زیبایی» نیز ترجمه کرد. سیر و نظر کردن خدا در بعضی شرایط ممکن است (خروج مز ۳:۶۳:۳:۱۷؛ ۱۵:۱۷؛ ۱۱:۲۴).

۲۱:۳۱:۸:۱۷  
۳:۶۴

۳:۶۱

<sup>۵</sup> زیرا او مرا در آلونک خود پناه می‌دهد  
در روز بله،  
مرا در مخفیگاه خیمه خود پنهان می‌سازد،  
مرا بر صخره‌ای بلند می‌کنند.

<sup>۶</sup> و اکنون سرم بر افراشته می‌شود  
بر فراز دشمنانم که مرا احاطه می‌کنند،  
و می‌خواهم در خیمه او تقدیم کنم  
قربانی‌های هلهله و شادی را<sup>۹</sup>،  
می‌خواهم برای یهُوه بسرايم و بنوازم.

<sup>۷</sup> به صدای من گوش فرا ده، ای یهُوه، فریاد بر می‌آورم،  
بر من ترجم فرما، مرا پاسخ گو.  
<sup>۸</sup> دلم در باره تو گفته است<sup>۱۰</sup>: «روی او را بطلب»؛  
روی تورا، ای یهُوه، می‌طلبم.

۱۵:۴۴:۲:۱۳  
۱۵:۸۸:۱۸:۶۹

۱۵-۱۴:۴۹

<sup>۹</sup> روی خود را از من پنهان مساز،  
خدمتگزار خود را با خشم دور منما،  
تو مددکار من هستی:  
مرا رد مکن و ترک منما،  
ای خدای نجات من!  
<sup>۱۰</sup> چون پدر و مادر مرا ترک کنند،  
یهُوه مرا خواهد پذیرفت.

۱۲،۴:۲۵

<sup>۱۱</sup> ای یهُوه، طریق خود را به من بیاموز،  
در مسیری متعدد مرا هدایت فرما،  
به سبب آنان که در کمین من اند.  
<sup>۱۲</sup> مرا به آز خصم‌مانم مسپار؛  
زیرا شاهدان دروغ بر علیه من بر می‌خیزند  
که خشونت را می‌دمند.

۹ منظور هلهله و شادی عبادتی است که همراه بود با نواختن کرنا و شیپور؛ ر. ک. توضیح لاو ۲۴:۲۳.

۱۰ ترجمه این عبارت قطعی نیست؛ تحت اللظی: «دلم می‌گوید (یعنی فکر می‌کنم) به تو (یا در باره تو، یا از سوی تو، یا به سبب تو)؛ این یادآوری رسمی عبادی است که خدا دستور داده بود؛ «روی مرا بطلبید» (۲-سمو ۱:۲۱؛ ۱۵:۵؛ مز ۶:۲۴؛ ۴:۱۰۵). ترجمه‌های قدیمی معمولاً این عبارت را به این دو گونه ترجمه کرده‌اند: «دلم به تو می‌گوید؛ روی تورا می‌طلبم» یا «روی من تورا می‌طلبید».

۱۳ آه! اگر مطمئن نبودم که نیکوبی یهُوه را در زمین زندگان ببینم!<sup>۵</sup>  
 ۱۴ یهُوه را انتظار بکش. دلیر باش! و بادا که دلت استوار باشد.  
 آری، یهُوه را انتظار بکش.

:۳۷-۶  
 :۳۰-۵  
 :۳۱-۲۵  
 یوش:۹  
 ۱-قرن ۱۶:۹

## مزمور ۲۸ (۲۷)

<sup>۱</sup> از داد.

ای یهُوه، به سوی تو فریاد برمی آورم<sup>۶</sup>،  
 ای صخره من، برای من خاموش نمان،  
 مبادا که در مقابل سکوت تو،  
 شبیه آنانی گردم که به گودال فرو می روند<sup>۷</sup>.  
 ۲ صدای استغاثه های مرا بشنو  
 آن هنگام که به سوی تو فریاد برمی آورم،  
 آن هنگام که دستهای خود را بلند می کنم  
 به سوی قدس القداس تو.

۱۳:۳۹:۲۲:۳۵  
 :۳۵-۲:۱۳۴:۸:۵  
 ۱-پاد:۶

۳ مرا با شریان میر،  
 با آنان که بدی را به جا می آورند،  
 که با همسایه خود از صلح و صفا سخن می گویند،  
 و شرارت در دل ایشان است!

۹:۲۶  
 امث:۱۲  
 ۲۵-۲۴:۲۶

۴ به ایشان مطابق رفتارشان عوض بده،  
 مطابق شرارت اعمالشان؛  
 مطابق عمل دستانشان به ایشان بده،  
 همان را به ایشان بده!  
 ۵ آنان اعمال یهُوه را در ک نمی کنند  
 نه عمل دستهای او را:  
 او ایشان را از میان خواهد برد و بنا نخواهد کرد.

خروج ۲۱:۲۵-۲۳:۲۱  
 مز:۹:۴  
 ۸:۱۳۷  
 اش:۱۲:۵  
 ۷:۵۲

۸ در متن عبری، کلمات «اگر» و «نبودم» که بیانگر سوگندی مشیت است، با نقاطی قراردادی احاطه شده که احتمالاً حکایت از تعییر متن یا قرائتی دارد که باید از آن پرهیخت اکثر ترجمه های قدیمی به این نکته توجه نکرده اند. بعضی این جمله را چنین

ترجمه می کنند: «طمیمن هستم که نیکوبی یهُوه را در زمین زندگان خواهم دید».

۹ در خصوص «نیایشهای انفرادی برای درخواست کمک»، ر.ک. «مقدمه» مزامیر.

۱۰ یعنی کسانی که در حال اختصارند: ر.ک. مز:۳۰:۲۲؛ ۳۰:۴؛ ۵:۸۸؛ ۱۴۳:۷.

<sup>۶</sup> مبارک باد یهُوه،  
زیرا صدای استغاثه های مرا شنیده است!  
<sup>۷</sup> یهُوه قوت من و سپر من است،  
دلم به او اعتماد دارد.  
امداد یافته ام، گوشتم بار دیگر گل داده است،  
و با سرود خود او را تمجید خواهم کرد.<sup>۷</sup>

<sup>۸</sup> یهُوه برای قوم خود قوت است<sup>w</sup>،  
پناهگاه نجات برای مسح شده خود.  
<sup>۹</sup> قوم خود را نجات بخش و میراث خود را برکت بدء،  
ایشان را بچران و تا ابد آنان را حمل کن.

## مزمور (۲۸) ۲۹

<sup>۱</sup> مزمور. از داده<sup>x</sup>.

<sup>۸-۷:۹۶</sup> ای پسران خدا، به یهُوه بدهید<sup>y</sup>،  
به یهُوه بدهید جلال و قوت را،  
<sup>۲</sup> به یهُوه بدهید جلال نامش را،  
یهُوه را پرستید در تزیینات مقدس.<sup>z</sup>

<sup>۳</sup> صدای یهُوه بر روی آبها!<sup>a</sup>  
خدای جلال است که بانگ می دهد،  
یهُوه، بر فراز آبها عظیم.

<sup>۴</sup> صدای یهُوه در قوتش،  
صدای یهُوه در شکوه!

V قرائت عبری: «با تمام دل خود شادی خواهم کرد و با سرود او را سپاس خواهم گفت»؛ قرائت سریانی: «با اراده خودم او را سپاس خواهم گفت».

W تحتاللفظی: «قوت برای ایشان». ترجمه ما مبتنی است بر قرائت های یونانی و سریانی و چند نسخه خطی عبری. آیه ۸ را این گونه نیز می توان ترجمه کرد: «دژی که نجات می بخشند، مسح شده او است».

X قرائت یونانی کاربرد این مزمور را تصریح کرده، می افزاید: «برای پایان عید آلونکها» (تث ۱۳:۱۶)، عیدی که در آن برای باران دعا می کردند (زک ۱۴:۱۹-۲۰).

y در خصوص «سرودها»، ر.ک. «مقدمه» مزامیر.

Z ترجمه ما فاقد قطعیت است؛ تحتاللفظی: «در شکوه قدس» یا «در شکوه قدوسیت»، یعنی زمانی که رعد می زند یا قدوسیت خدا پدیدار می گردد. قرائت های یونانی و سریانی: «در صحن مقدس او»؛ ترجمه ما مبتنی است بر قرائت زروم.

a شاید در اینجا پیروزی بعل، خدای کنعانیان، بر دریا، به یهُوه، خدای اسرائیل نسبت داده شده است.

<sup>۵</sup> صدای یهوه درختان سدر را خرد می‌سازد،  
یهوه درختان سدر لبنان را خرد می‌سازد؛

<sup>۶</sup> <sup>۴:۱۱۴</sup> لبنان را همچون گوساله به جهش وا می‌دارد،  
و سیریون <sup>b</sup> را همچون گاو می‌ش جوان.  
<sup>۷</sup> <sup>۷:۱۱۴</sup> صدای یهوه شررهای آتش را می‌جهاند،

<sup>۸</sup> <sup>۷:۱۱۴</sup> صدای یهوه بیابان را تکان می‌دهد،  
یهوه بیابان قادش <sup>d</sup> را تکان می‌دهد.  
<sup>۹</sup> <sup>۷:۱۱۴</sup> صدای یهوه درختان سفر را تاب می‌دهد،  
جنگل را عربان می‌سازد،

و در معبد او همه چیز می‌گوید: جلال!  
<sup>۱۰</sup> <sup>۹-۶</sup> یهوه به هنگام طوفان (نوح) بر تخت نشسته بود،  
یهوه تا ابد همچون پادشاه بر تخت می‌نشیند.  
<sup>۱۱</sup> <sup>۳۶:۶۸:۸:۲۸</sup> بادا که یهوه به قوم خود قوت ببخشد،  
بادا که یهوه قوم خود را در آرامش برکت بدهد.

## مزمور (۳۰) (۲۹)

<sup>۱</sup> مزمور، سرود برای وقف «خانه» <sup>f</sup>. از داد.

<sup>۲</sup> <sup>۳:۶</sup> ای یهوه، تو را بر می‌افرازم، زیرا مرا بلند کرده ای <sup>g</sup>،  
مرا باعث شادی دشمنانم نگرانیدی.  
<sup>۳</sup> <sup>۳:۶</sup> ای یهوه، خدای من، به سوی تو فریاد برآوردم  
و تو مرا شفا بخشیدی.

<sup>b</sup> نام کنعانی کوه مقدس حرمون (به ارتفاع ۲۷۶۰ متر، در جنوب رشته کوههای لبنان)؛ همچنین ر.ک. تث ۹:۳؛ مز ۷:۴۲؛ ۳:۱۳۳؛ ۱۳:۸۹.

<sup>c</sup> منتظر برق ابرها است؛ حب ۱۱:۳؛ نا ۳:۳.  
<sup>d</sup> بیابان قادش احتمالاً اشاره ای است به یکی از موضوعات اسطوره شناختی کنunanی؛ سنت یهود آن را واحد ای می‌داند که قوم اسرائیل در آن توقف کرد (اعد ۲۰)؛ این واحد در جنوب پرشیع قرار دارد.

<sup>e</sup> متن مهم است: فرائت آرامی: «حیوانات جنگل را تکان می‌دهد».

<sup>f</sup> مظور کاخ سلطنتی است (فرائت یونانی نیز این را تأیید می‌کند؛ ر.ک. ۲-سمو ۵:۶-۱۲)، اما فرائت آرامی آن را اشاره ای به معبد دانسته (۱-باد ۶۳:۸)، و آینین نیایش یهود نیز این مزمور را برای حنوكا، چشم سالگرد تقدیس قربانگاه معبد به کار می‌برد (۱-مک ۵۲:۴-۵۹؛ ر.ک. یو ۲۲:۱۰-۲۲). در خصوص «نیایشهای قدردانی»، ر.ک. «مقدمه» مزامیر.

<sup>g</sup> تحت اللفظی: «مرا از چاه بیرون کشیدی»، که احتمالاً منتظر چاه جهنم است (ایه ۴).

<sup>۴</sup> ای یهُوهُ، تو جان مرا از شئول برآوردی،  
مرا از میان آنانی که به گودال فرو می روند احیا نمودی.<sup>h</sup>

۱۲:۹۷  
اش ۸-۷:۵۴

<sup>۵</sup> برای یهُوهُ بنوازید، ای وفاداران او،  
یادگار مقدس او را تمجید کنید!<sup>i</sup>  
<sup>۶</sup> زیرا خشم او برای لحظه ای است،  
لطف او برای تمام زندگی؛  
شامگاهان از گریه ها پذیرایی می کنند،  
بامدادان فریاد شادی است!

<sup>۷</sup> در آسودگی خاطر خود گفته بودم:  
«هرگز جنبش نخواهم خورد!»<sup>j</sup>  
<sup>۸</sup> ای یهُوهُ، تو در لطف خود،  
مرا بر کوههای نیرومند برقرار داشته بودی.<sup>l</sup>

۹:۲۷  
۲۹:۱۰۴

روی خود را پنهان ساختی،  
وحشت زده شدم.<sup>k</sup>  
<sup>۹</sup> به سوی تو، ای یهُوهُ، فریاد برآوردم،  
از خداوند طلب التفات کردم:  
<sup>۱۰</sup> «از خون من، از فرود آمدن من به سوی گودال، چه سودی عاید تو می شود؟<sup>m</sup>  
آیا خاک تو را تمجید می کند، آیا وفاداری تو را اعلام می دارد؟  
<sup>۱۱</sup> گوش فرا ده، ای یهُوهُ، و بر من ترحم فرما،  
مرا یاور باش، ای یهُوهُ.»

۱۲:۱۲۶  
۱۳:۳۱

<sup>۱۲</sup> تو نوحه گری مرا به رقص تغییر دادی،  
پلاس مرا گشودی و کمربند شادی بر من بستی<sup>n</sup>،

ترجمه های قدیمی این جمله را یا مانند ما ترجمه کرده اند، یا به این گونه: «آن هنگام که به گودال فرو می رفتم، مرا احیا نمودی» (ر.ک. ۱:۲۸؛ حرق ۲۶:۲۰-۲۱).  
<sup>o</sup> «یادگار» با «نام» برابر بود (ر.ک. توضیح خروج ۱۵:۳).  
از من مهم است. می توان به این دو گونه نیز ترجمه کرد: «کوه مرا مستحکم ساختی» با «بر کوه من دزی برقرار داشتی»؛ قرائت های یونانی و سریانی: «به شکوه من قوت بخشیدی»؛ ترجمه ما مبتنی است بر قرائت آرامی. شاید مناسب باشد این جمله را به ۱۸:۳۴؛ ۱۱:۹-۵؛ ۱:۲-۴؛ ۱۵:۱-۲-۲-۲-۱۳:۲۴ نزدیک دانست.  
ر.ک. اش ۲:۲۰. <sup>k</sup>

۱۳ تا «جلال<sup>۱</sup>» من تو را بسرايد و سکوت نکند.  
ای يهوه، خدای من، تو را تا ابد تمجید خواهم کرد.

### مزمور ۳۱ (۳۰)

<sup>۱</sup> به رهبر سرود. مزمور. از داد.

<sup>۲</sup> ای يهوه، در تو پناه می گیرم؛

بادا که هیچگاه سرافکنده نشوم!

در عدالت خویش مرا حفظ فرما.

گوش خود را به من فرا دار،

برای رهانیدن من شتاب فرما؛

برای من صخره پناهگاه باش،

دژ نجات.

۳-۱:۷۱

۳:۱۸

۳:۲۳

۸:۱۴۲:۱۵:۲۵

<sup>۴</sup> زیرا صخره و دژ من تو هستی؛  
به سبب نام خود، مرا هدایت فرما، راهنمایی بنما،  
<sup>۵</sup> مرا از دامی که برایم پنهان ساخته اند بیرون بکش،  
چرا که پناهگاهم تو هستی.

لوله: ۴۶:۲۳  
۱۹:۷:۷-۱۹:۴

<sup>۶</sup> روح خود را به دست تو می سپارم:  
تو مرا آزاد خواهی ساخت، ای يهوه، خدای وفاداری.  
<sup>۷</sup> تو از آنان که بتنهای<sup>n</sup> باطل را خدمت می کنند نفرت می داری،  
اما من اعتمادم به يهوه می باشد.

۱۸:۳۷:۶:۱

۵:۱۱۸:۲۰:۱۸

<sup>۸</sup> می خواهم به سبب وفاداری ات وجود نمایم و شادی کنم؛  
زیرا شوربختی مرا دیده ای،  
پریشانیهای جانم را دانسته ای  
<sup>۹</sup> و مرا به دستان دشمن نسپردی،  
پایهایم را در جای وسیع نهاده ای.

<sup>۱</sup> تحتاللفظی: «از این رو، جلال<sup>m</sup> تو را می سراید»؛ قرائت آرامی: «جلال یافتنگان ابدیت»؛ ابن عزرا چنین استنباط کرده: «هر انسانی که در خود جلال دارد» (یعنی هوشمندی دارد). ترجمه ما مبتنی است بر قرائت یونانی.

در خصوص «نیاشهای انفرادی برای درخواست کمک»، ر.ک. «مقدمه» زمامیر.

<sup>n</sup> تحتاللفظی: «بطالت‌های دروغ»، یعنی بنها (تث:۳۲؛ ار:۲۱؛ ۱۹:۸؛ ۱۰؛ ۸:۳؛ ۴:۳).

۸:۶

<sup>۱۰</sup> بر من ترحم فرما، ای یهُوهُ، زیرا در پریشانی هستم،  
چشم از اندوه تار می گردد،  
به همراه گلویم و احشایم.

<sup>۱۱</sup> زیرا زندگی ام در محنت تلف می شود  
و سالهایم در ناله ها؛  
قوتم به سبب سیه روزی ام<sup>۰</sup> متزلزل است،  
و استخوانهایم از میان می رود.

<sup>۱۲</sup> به خاطر همه خصماین رسایی هستم،  
برای همسایگانم وحشت، برای نزدیکانم هراس؛  
آنان که در کوی و بربز مرآ می بینند  
از من دور شده، می گریزنند.

<sup>۱۳</sup> همچون مرده فراموش شده هستم، محروم شده از دل،  
همچو ظرفی دورانداخته می باشم.

<sup>۱۴</sup> <sup>۱۵</sup> زیرا سخنان شریرانه جماعت را می شوم:  
«از هر سوت رس هست!»

۲۵:۶

آن گاه که بر علیه من با یکدیگر مشورت می کنند،  
بر آن می شوند تا زندگی ام را بگیرند.

۲:۶۳:۱۱:۲۲

<sup>۱۵</sup> اما من به تو است که اعتماد می کنم، ای یهُوهُ،  
می گویم: «خدای من تو هستی.»

<sup>۱۶</sup> زمان های من در دست تو است؛ رهایی ده مرا  
از دست دشمنانم و از آزار کنندگانم؛

<sup>۱۷</sup> روی خود را بر خدمتگذار تابان ساز،  
با وفاداری خود مرآ نجات ده.

:۲:۶۷  
:۱۳۵:۱۱۹  
:۲۰،۸،۴:۸۰  
۲۵:۶

<sup>۱۸</sup> ای یهُوهُ، بادا که سرافکنده نشوم از اینکه تو را یاد کردم،  
بادا که شریران سرافکنده باشند،  
بادا که به خاموشی شئول بروند!  
<sup>۱۹</sup> بادا که لال شوند لبهای دروغگو،

<sup>۰</sup> قرائت عبری: «به سبب گناهم»؛ قرائت های یونانی و سریانی: «به سبب مسکین بودن».  
به سبب مسکین بودن».  
P می توان این گونه نیز ترجمه کرد: «او همه اطراف را می ترساند!»

که گستاخانه بر علیه عادل سخن می‌گویند  
با تکبر و تحقیر.

۲۰ ای یهُوهُ، چه عظیم است نیکوبی تو  
که آن را برای آنانی ذخیره می‌کنی که از تو می‌ترسند،  
که آن را به آنانی ارزانی می‌فرمایی که در تو پناه می‌گیرند،  
در مقابل بنی بشر!

۲۱ ایشان را در مخفیگاه رویت پنهان می‌سازی،  
به دور از دسیسه‌های<sup>۹</sup> انسان،  
ایشان را در آلونک خود در امان نگاه می‌داری،  
به دور از مرافعه زبانها.

۵:۲۷

۵:۱۲

۲۲ متبارک باد یهُوهُ، زیرا در هنگام پریشانی  
شگفتیهای وفاداری برایم به عمل آورده است!

۲۳ و من در تشویش خود می‌گفتم:  
«از مقابل چشمها یات رانده شده‌ام!»

یون:۲

اما تو صدای استغاثه‌های مرا شنیده‌ای  
آن هنگام که به سوی تو فریاد برآوردم.

۲۴ یهُوهُ را دوست بدارید، ای همه شما وفاداران او،  
یهُوهُ دلهای امین<sup>۱۰</sup> را نگاه می‌دارد،  
اما به کسی که با تکبر عمل می‌نماید،  
با ربا پرداخت می‌کند.

۲۵ دلیر باشید! و بادا که دلتان استوار باشد،  
ای همه شما که به یهُوهُ امید بسته‌اید.

۱۴:۲۷

## مزمور ۳۲ (۳۱)

<sup>۱</sup> از داد. شعر.

خوشابه حال آن کس که خطایش برداشته شد و گناهش پوشیده گردید!<sup>۱۱</sup>

روم:۴:۶-۸؛ ۲۵:۱۸

<sup>۱۰</sup> شاید منظور رسوم جادوگری باشد.

<sup>۱۱</sup> قرائت یونانی: «آنانی را که حقیقت را می‌طلبند».

<sup>۱۲</sup> در خصوص «نبی‌شهای قدردانی»، ر. ک. «مقدمه» مزامیر.

<sup>۲</sup> خوشابه حال آن کس که بهوه خطایی به حسابش نگذارد  
و در روح خود فریبکاری ندارد!  
بویا!

<sup>۴-۲:۳۹</sup>  
<sup>۳</sup> چون سکوت اختیار کردم،  
استخوانهایم<sup>۶</sup> تمامی روز از فریاد زدن تلف می شد؛  
<sup>۴</sup> زیرا دستت روز و شب بر من سنگینی می کرد،  
قوتم از حرارت تابستان تلف می شد<sup>۷</sup>. سلا.

<sup>۱۰:۹-۱۱:۱۰-۱۲:۱۳-۱۳:۱۲-۱۴:۵</sup>  
<sup>۵</sup> تورا از گناهم آگاه ساختم،  
خطایم را مخفی نداشت.  
گفتم: خطاهایم را بر علیه خود به بهوه اعتراف خواهم کرد،  
و تورنجه<sup>۸</sup> گناهم را از من برداشتی. سلا.

<sup>۶</sup> به این سبب است که هر وفاداری به تو دعا خواهد کرد  
به گاه اضطراب<sup>۹</sup>.  
اگر آبهای عظیم طغیان کنند،  
به او نخواهند رسید.

<sup>۷</sup> تو برای من پناهگاه هستی:  
مرا از پریشانی حفظ می کنی،  
مرا با سرودهای رهایی احاطه می فرمایی<sup>۱۰</sup>. سلا.

<sup>۸</sup> تو را تعلیم خواهم داد، راهی را که باید دنبال کنی به تو خواهم آموخت،  
تورا مشورت خواهم داد، چشمانم بر تو خواهد بود.  
۱۸:۳۳

<sup>۱۱</sup> یعنی کسی که اعترافش صادقانه است یا کسی که از ریاکاری دست می شوید؛ چند نسخه خطی چنین قرائت کرده اند: «در دهانش فریبکاری نیست» (این اصطلاح در مکا<sup>۱۲</sup>:۵ تکرار شده است).

<sup>۱۲</sup> منتظر احتمالاً کل بدن است.  
۷ متن مهم است: قرائت آرامی: «قوتم چون حرارت تابستان تلف می شد»؛ یونانی: «من به پریشانی باز گشتم در آن حین که خار فرو می رفت» (که گویا به معنی هشیاری از گناه است)؛ سریانی: «رنجم به سینه ام باز گشت تا آنجا که مرا تلف کند»؛ ژروم: «من به تیره بختی خود بر گشتم در آن حال که محصول در آتش می سوخت»؛ همه این قرائت ها تنها با تغییر اندکی در حروف کلمات، می توانند درست باشد.

<sup>۱۳</sup> تحتاللغظی: « مجرمیت» یا «مجازات» (پیدا<sup>۱۳</sup>:۴).

<sup>۱۴</sup> تحتاللغظی: «به گاه یافتن»، ر. ک. اش<sup>۱۴</sup>:۵۵؛ قرائت یونانی: «در زمان مناسب»، ر. ک. اش<sup>۱۴</sup>:۴۹؛ مز<sup>۱۴</sup>:۶۹.  
۸ متن مهم است. قرائت یونانی: «ای شادی من، مرا از احاطه کنندگانم رهایی ده»؛ اکبیلا و ژروم: «ای ستایش من، مرا در حین نجات دادن احاطه خواهی کرد».

<sup>۹</sup> مانند اسب مباش، مانند قاطری بی فهم،  
برای مهار کردن حدت آنها، لگام و دهنۀ لازم است؛  
و گرنه، به تو نزدیک نخواهند شد.<sup>z</sup>

- ۱۰ شریر منتظر دردهای بسیار می باشد؛  
آن کس که به یهوه اعتماد کند، وفاداری او را احاطه می کند.  
۱۱ ای عادلان، در یهوه شادی کنید و به وجود آید،  
فریادهای شادی برآورید، ای همه [مردمان] راست دل.

۱:۳۳

### مزمور (۳۲) ۳۳

۱ ای عادلان، برای یهوه از شادی فریاد برآورید<sup>a</sup>؛  
ستایش [مردمان] راست را می شاید.

۱۱:۳۲

۲ یهوه را با بربط تمجید نمایید،  
با چنگ ده تار برای او بنوازید.  
۳ برای او سرودی نو بسرازید،  
هلله شادمانی را نیک همراهی کنید.<sup>b</sup>

۹:۱۴۴  
۱:۹۶

۴ چرا که راست است کلام یهوه،  
و هر عملش از سر صداقت است.  
۵ او عدالت و راستی را دوست می دارد،  
زمین آکنده است از وفاداری یهوه.

۱۵:۸۹  
۶۴:۱۱۹

۶ آسمانها با کلام یهوه ساخته شد،  
و تمام لشکر آنها با دم دهان او؛  
۷ گویی آب دریا را در مشکی می فشارد  
اقیانوس ها را در آب انبارها قرار می دهد.

پیدا ۱:۲:۱  
عبر ۱:۳ایوب ۱۱-۸:۳۸،  
۳۷

<sup>z</sup> متن مهم است: تحتاللفظی: «از اسب تقليد نکنید»؛ اين حكمی است کلی که کاربردش در نتيجه گيري آن مشخص می شود: «چيزی برایت اتفاق نخواهد افتاد»؛ اين عبارت اخير را ترجمه های قدیمی چنین آورندۀ اند: «(ت) به تو نزدیک نشود (یا نشوند)».

در خصوص «سرودها»، ر.ک. «مقدمه» مزامیر.

<sup>a</sup> تحتاللفظی: «تارهای زهی خود را نیک چنگ بزنید»، ر.ک. اش ۱۶:۲۳؛ ر.ک. ۱-سمو ۱۶:۱۶، ۱۸؛ برای «هلله شادی» ر.ک. مز ۲۷:۶ و توضیح آن، و توضیح لاو ۲۳:۲۴.

<sup>۸</sup> بادا که تمام زمین از یهوه ترس داشته باشد،  
 ۱۶:۱۰۲  
 بادا که همه ساکنان جهان از او بترسند؛  
<sup>۹</sup> زیرا او گفت، و شد،  
 ۱۳:۴۸  
 اش آش فرمود، و [همه چیز] سر بر آورد.<sup>c</sup>

<sup>۱۰</sup> یهوه تدبیر ملت‌ها را با شکست مواجه می‌سازد،  
 ۲:۲  
 طرح‌های قوم‌ها را باطل می‌گرداند؛  
<sup>۱۱</sup> تدبیر یهوه تا به ابد پایدار است،  
 ۲۱:۱۹  
 امث طرح‌های دل او دوره به دوره.  
<sup>۱۲</sup> خوشابه حال ملتی که یهوه خدای آن است،  
 ۱۵:۱۴۴  
 ۶:۷  
 قومی که برای میراث خود برگزیده است!

<sup>۱۳</sup> یهوه از آسمانها می‌نگرد،  
 ۲:۱۴  
 همه بنی بشر را می‌بیند،  
<sup>۱۴</sup> از مکانی که در آن سکونت دارد مشاهده می‌کند  
 جمیع ساکنان زمین را،  
<sup>۱۵</sup> هم او که به تنهایی دل ایشان را شکل می‌بخشد<sup>d</sup>،  
 ۱۱-۹:۹۴  
 ۱۶-۱:۱۳۹  
 ۸،۷:۴۲  
 پیده هم او که تمامی اعمال ایشان را تشخیص می‌دهد.

<sup>۱۶</sup> پادشاه با لشکری عظیم فاتح نمی‌شود،  
 ۱۶-۱۴:۲۰  
 ۱۶:۳۴:۸:۳۲  
 ۱۶:۲۰  
 و نه شخص دلیر با قوت عظیم خود؛  
<sup>۱۷</sup> دروغ است اسب برای کسب پیروزی،  
 و قوت عظیم او رهایی نمی‌دهد.

<sup>۱۸</sup> اما چشمان یهوه برآنانی است که از او می‌ترسند،  
 ۱۶:۳۴:۸:۳۲  
 برآنان که به وفاداری او امید بسته اند،  
<sup>۱۹</sup> تا جانشان را از مرگ رهایی دهد  
 و ایشان را در زمان قحطی زنده نگاه دارد.

<sup>c</sup> زمان افعال در عبری به گونه‌ای است که هم به نخستین عمل آفرینندگی خدا اشاره می‌کند (پید ۳:۱، ۶...)، و هم به فعالیت کنونی او.

<sup>d</sup> تحتاللفظی: «هم او که وحدت دل ایشان را شکل می‌بخشد»؛ قرائت یونانی: «هم او که دلهای ایشان را یک به یک شکل می‌بخشد».

- ۲۰ جان ما بر روی یهُوهِ حساب می‌کند؛  
او مدد ما و سپر ما است.  
۲۱ آری، در او است که دلمان شادی می‌کند،  
آری، در نام مقدس او است که اعتماد داریم.  
۲۲ بادا که وفاداری ات، ای یهُوهِ، بر ما باشد،  
همان سان که به تو امید بسته‌ایم.

### مزمور (۳۴) (۳۳)

۱ از داود. آن هنگام که در حضور ابیملک<sup>e</sup> تظاهر به دیوانگی کرد و از سوی او رانده شد و رفت.

- الف ۲ می خواهم یهُوهِ را در همه اوقات متبارک خوانم<sup>f</sup>،  
ستایش او پیوسته در دهانم خواهد بود؛  
۳ بَتْ جان من در یهُوهِ خود را می‌ستاید،  
بادا که فروتنان این را بشنوند و شادی کنند.  
۴ گیمِل یهُوهِ را با من تکبیر نمایید،  
نامش را با یکدیگر بر افزاییم.
- ۵ دالت یهُوهِ را طلبیده‌ام؛ او مرا پاسخ گفته است  
و مرا از تمامی هراسهایم رهایی داده است.  
۶ ه به سوی او بنگرید؛ درخشان خواهید شد  
و چهره‌هایتان شرم‌سار نخواهد بود.
- ۷ زَین<sup>g</sup> ۶-۵:۳۵  
۸ ۱۱:۹۱  
۹ ۲۰:۲۳ خروج:۱۴:۱۹
- ۷ این مسکین فریاد بر می‌آورد؛ یهُوهِ شنیده  
و او را از همه پریشانیهاش نجات داده است.
- ۸ حتِّ فرشته خداوند اردو می‌زند  
در پیرامون آنان که از او می‌ترسند و ایشان را رهایی می‌دهد.  
۹ تَتِ بچشید و بینید که یهُوهِ چه نیکو است،  
خوش آن آدمی که در او پناه گیرد!

<sup>e</sup> ابیملک (در یونانی: اخیملک) همان پادشاه جَت می‌باشد که در ۱-سمو ۲۱، اخیش نامیده شده است.

<sup>f</sup> در خصوص «نیاشهای قدردانی»، ر. ک. «مقدمه» مزامیر.

<sup>g</sup> قبل از حرف «زَین» در الفبای عربی، می‌باشد حرف «واو» می‌آمد (مانند ابجد عربی) که آیه مربوط به آن در دسترس نیست.

۱۰:۲۳	<p><sup>۱۰</sup> از یهُوه بترسید، ای شما مقدسین او<sup>h</sup>، زیرا آنان که از او می ترسند هیچ کمی نخواهند داشت.</p> <p><sup>۱۱</sup> دولتمندان<sup>۱</sup> قحط و گرسنگی را شناخته اند، اما آنان که یهُوه را می طلبند از هیچ چیز نیک کم نخواهند داشت.</p>	ید
۸:۱۷	<p><sup>۱۲</sup> بباید، ای پسران، به من گوش فرا دهید، من ترس یهُوه را به شما تعلم خواهم داد.</p> <p><sup>۱۳</sup> کدام آدمی است که مشتاق حیات باشد، که روزهایی را دوست بدارد که در آن سعادت را می بینند؟</p> <p><sup>۱۴</sup> زبان خود را از بدی نگاه دار، لبانت را از سخنان فریب آمیز؛</p> <p><sup>۱۵</sup> سامک از بدی دور شو و نیکویی را به جا آور، آرامش را بجو و آن را تعاقب نما.</p>	لامد
۱۲-۱۰:۳۱	<p><sup>۱۶</sup> عین</p> <p><sup>۱۷</sup> روى یهُوه برضد بدکاران است، تا ياد ایشان را از سرزمین بر کنند.</p> <p><sup>۱۸</sup> صاده</p> <p><sup>۱۹</sup> قوف</p>	مِم
۲۷:۳۷	<p><sup>۱۸</sup> چشمان یهُوه به سوی عادلان است، و گوشهای او به سوی فریاد ایشان؛</p> <p><sup>۱۹</sup> نزدیک است یهُوه به دلهای شکسته، ایشان را از تمامی پریشانهایشان رهایی می دهد.</p> <p><sup>۲۰</sup> رش</p>	نوون
۱۸:۳۳	<p><sup>۲۱</sup> شین</p> <p><sup>۲۲</sup> طاو</p>	ف
۱۹:۵۱	<p><sup>۲۰</sup> بسیار است مصائب شخص عادل، اما یهُوه او را از همه آنها می رهاند.</p> <p><sup>۲۱</sup> او همه استخوانهای وی را نگاه می دارد، یکی از آنها نیز نخواهد شکست.</p> <p><sup>۲۲</sup> آنان که عادل را نفرت می دارند تقاض پس نخواهند داد.</p>	عَین

<sup>h</sup> می توان به این گونه ها نیز ترجمه کرد: «ای شما که او تقدیس کرده است»، یا «ای شما که برای او تقدیس شده اید».

<sup>۱</sup> قرأةت عربی: «شیران»؛ قرأةت های یونانی و سریانی آن را به گونه ای استعاری «دولتمندان» استنباط کرده اند.

ز فاعل این فعل تصريح نشده است؛ ممکن است منظور «عادلان» باشند (ایه ۱۶)، یا بدکارانی که فریاد توبه بر می آورند. ما در

این ترجمه، برای اجتناب از این معضل، آیه ۱۶ را بعد از آیه ۱۷ آورده ایم.

k همه ترجمه های قدیمی (به استثنای ژروم) چنین آورده اند: «مرگ شریر بد است».

۲۳ یهُوه جان خدمتگزاران خود را آزاد می سازد،  
و آنان که در او پناه می گیرند، نباید تقاض پس بدهند.

۲۲:۲۵

### مزمور (۳۴) ۳۵

۱/زد/ود.

ای یهُوه، مجرم بشمار آنان را که مرا مجرم می شمارند<sup>۱</sup>،  
بجنگ با آنان که با من می جنگند؛  
۲ جوشن و سپر را بر گیر،  
به امداد من برخیز؛  
۳ نیزه و تبر را به حرکت در آور<sup>m</sup>  
بر علیه آنانی که مرا تعاقب می کنند؛  
به جان من بگو：  
نجات تو من هستم.

۴ خجل و شرمگین شوند  
آنان که قصد جانم را دارند؛  
بادا که به عقب بر گردند و پریشان گردند  
آنان که تیره بختی مرا می اندیشنند.  
۵ بادا که چون کاه در مقابل باد باشند،  
و فرشته یهُوه ایشان را دنبال کند؛  
۶ راهشان تاریک و لغزنده باد،  
و فرشته یهُوه ایشان را تعاقب کند.

۱۳:۷۱:۱۵:۴۰

۱۴:۸۳:۴:۱

۸:۳۴

۱۸:۷۳

۱۶:۹

۱۱:۴۷

۶:۱۴۰

۷ زیرا بی سبب<sup>n</sup> دام خود را بر علیه من پنهان ساخته اند،  
گودالی برای من حفر کرده اند.  
۸ بادا که تشویشی بر ایشان<sup>۰</sup> وارد شود که پیش بینی نمی کردند،  
بادا که دامی که پنهان کرده اند ایشان را بگیرد،  
بادا که در گودال بیفتد!

۱ در خصوص «نیایشهای انفرادی برای درخواست کمک»، ر. ک. «مقدمه» مزامیر. این گونه نیزه می توان ترجمه کرد: «نیزه را از نیام بیرون بکش و راه را بیند». ما در ترجمه خود، کلمه عبری «سِگور» را نام یک سلاح تلقی کرده ایم. <sup>m</sup> یا «بدون موفقیت».

۰ در آیه ۸ در معنایی تحتاللفظی، در متن عبری، ضمایری که به کار رفته مفرد می باشد («... بر او وارد شود که پیش بینی نمی کرد...»). در این صورت، این آیه به منزله گفتار دشمنان مزمور نگار بر علیه او خواهد بود (ر. ک. آیه ۲۱).

<sup>۹</sup> و جان من در یهوه وجد خواهد نمود،  
از نجات او به شعف خواهد آمد.

<sup>۱۰</sup> همه استخوانهای p خواهند گفت:

۱۴:۷۷:۱۹:۷۱

«ای یهوه، کیست چون تو،  
برای نجات دادن مسکین از کسی که نیرومندتر از او است،  
و نیازمند را از غاصب او؟»

<sup>۱۱</sup> شاهدان متهم کنده بر می خیزند،

از من چیزی می پرسند که از آن آگاهی ندارم؛

۶۰-۵۹:۲۶:۲۷

<sup>۱۲</sup> به عوض نیکی به من بدی می کنند،

در کمین زندگی من می باشند!<sup>۹</sup>

۵:۱۰:۹:۲۱:۳۸

<sup>۱۳</sup> اما من، در بیماری ایشان، پلاس می پوشیدم،

جان خود را با روزه رنجور می ساختم

و دعایم به سینه ام باز می گشت<sup>۱۰</sup>،

<sup>۱۴</sup> گویی دوستم بود، پنداری برادرم بود؛

همچون کسی که برای مادرش عزادار است، می گشتم،

اندوهگین، خم شده می بودم.

۷:۳۸

<sup>۱۵</sup> و ایشان از افتادن من شادمان اند،

ازدحام می کنند<sup>۱۱</sup>، بر علیه من ازدحام می کنند،

بی خبر می زنند<sup>۱۲</sup> و بدون وقه می درند،

<sup>۱۶</sup> مرا تحریک می کنند، به تمسخر من می پردازند<sup>۱۳</sup>،

دنادها را بر علیه من بر هم می فشارند.

<sup>۱۷</sup> تا به کی این را خواهی دید، ای خداوند؟

جان مرا از ضررها ایشان خلاصی ده،

مال یگانه ام را از شیربچگان.

p منظور «تمام وجودم» می باشد، ر.ک. ۳:۳۲.

q تحت اللطفی: «مرا از فرزندان محروم می سازند»؛ بعضی نیز این گونه ترجمه می کنند: «و اینک کاملاً نهای هستم».

r ترجمه ما حالتی تحت اللطفی دارد؛ بعضی ترجمه کرده اند: «دعای خود را شخوار می کردم».

s متن مهم است. برخی این آیه را این گونه ترجمه کرده اند: «و وقتی لغزیدم، ایشان شادمانه ازدحام کردند: افراد علیل بر علیه

من ازدحام کردند، نمی دام به چه علت: بدون وقه می درند».

t ترجمه احتمالی و خلاصه شده.

u تحت اللطفی: «با ناپاکهای تمسخر کنندگان دایره» (این کلمه آخر میتني است بر حدس و گمان): قرائت یونانی: «مرا

آزموده اند، مرا با ناسزا پوشانیده اند»؛ ژروم: «با ظاهر سخنان دروغ»؛ آرامی: «با کلمات ملایمت، تمسخر و استهزا».

۲۶:۲۲

<sup>۱۸</sup> در جماعت بزرگ تو را تمجید خواهم کرد،  
در قومی نیرومند تو را خواهم ستد.

۲۵:۱۵

<sup>۱۹</sup> بادا که در باره من شادی نکنند  
دشمنان دروغگوی من؛  
بادا که چشمک نزند  
آنان که بی دلیل مرا نفرت می دارند.  
<sup>۲۰</sup> زیرا در باره آرامش سخن نمی گویند  
بر علیه مردمان صلح جوی سرزمین؛  
طرح های خیانت آمیز را می اندیشدند،  
<sup>۲۱</sup> دهان خود را وسیعاً بر من می گشایند،  
می گویند: «هه، هه! چشمان دیده است!»

۲۴:۴۴:۷:۷

<sup>۲۲</sup> تو این را می بینی، ای یهُوه، خاموش نمان؛  
ای خداوند، از من دور مشو،  
<sup>۲۳</sup> بیدار شو، برای حق من بیدار شو،  
برای مرافعه من، ای خدای من، ای خداوند من.  
<sup>۲۴</sup> مطابق عدالت بر من داوری فرما، ای یهُوه، ای خدای من،  
تا به خاطر من شادی نکنند.

۱۷-۱۴:۴۰  
۴-۳:۷۰

<sup>۲۵</sup> باشد که در دل خود نگویند: «آه! این آرزوی ما بود!<sup>۷</sup>»  
باشد که نگویند: «او را بلعیده ایم!»  
<sup>۲۶</sup> بادا که همگی خجل و شرمگین شوند  
آنان که از شوربختی من شادی می کنند؛  
بادا که با خجالت و شرم پوشانیده شوند  
آنان که با من با تکبر رفتار می کنند!

۲۴:۷۱

<sup>۲۷</sup> از شادی فریاد برآورند، شادمان باشند  
آنان که طالب حق من هستند؛  
باشد که پیوسته بگویند: «عظیم است یهُوه،  
که خواهان آرامش خدمتگزار خود می باشد!»  
<sup>۲۸</sup> و زبان من عدالت تو را بازگو خواهد کرد،  
ستایش تو را، تمام روز.

<sup>۷</sup> تحتاللفظی: «این جان ما بود» یا «این گلوی ما بود».

## مزمور ۳۶ (۳۵)

<sup>۱</sup> به رهبر سرود. از خدمتگزار یهوه. از داود<sup>W</sup>.

<sup>۲</sup> وحی، گناه، در دل شریر<sup>X</sup>:

هیچ ترسی از خدا در مقابل چشمان او نیست.  
روم:۳

<sup>۳</sup> زیرا در نظر خویش خود را می‌ستاید<sup>Y</sup>

که خطایش نه شناخته خواهد شد<sup>Z</sup> و نه مورد نفرت قرار خواهد گرفت.

<sup>۴</sup> سخنان دهانش بی انصافی است، فریب؛

برای او حکمت و نیکویی نیست!

<sup>۵</sup> بر بستر خود بی انصافی را می‌اندیشد،

بر راهی می‌ایستد که نیک نیست،

هیچ نفرتی از بدی ندارد.

<sup>۶</sup> ای یهوه، وفاداری تو در آسمانها است،

صداقت تو تا به ابرها؛

<sup>۷</sup> عدالت همچون کوهساران خدا<sup>a</sup> است،

داوریهای تو به سان «ورطه» عظیم؛

ای یهوه، تو انسان‌ها و حیوانات را نجات می‌بخشی.

<sup>۸</sup> ای خدا، چه گرانبها است وفاداری تو!

بنی بشر در سایه بالهای تو پناه می‌گیرند،

<sup>۹</sup> از چربی خانه تو تغذیه می‌کنند،

در نهر لذت‌هایت ایشان را می‌نوشانی<sup>b</sup>.

<sup>W</sup> این مزمور را می‌توان جزو «نیایش‌های انفرادی برای درخواست کمک» به شمار آورد (ر.ک. آیه ۱۲): ر.ک. «مقدمه».

<sup>X</sup> تحت المفظی: «وحی بی دینی شخص خائن در عمق دل من است» یا «وحی ای در باره بی دینی شخص خائن در دل من است».

دشواری متن در آیاتی که به جای «وحی»، فعلی به کار می‌برند نیز دیده می‌شود (نظیر فعل «می‌گوید»): بعضی نیز حروف

صادار سایر کلمات را تعییر می‌دهند یا به جای «دل شریر» ترجمه می‌کنند «در دل او»؛ به این ترتیب، قرائت یونانی چنین

آورده: «شخص بی دین در دل خود گفته که گناه خواهد کرد».

<sup>Y</sup> بعضی این آیه را این گونه ترجمه می‌کنند: «زیرا خویشن را چنان با چشمی خودستا می‌بیند که تقصیر خود را نمی‌یابد و از آن

نفرت نمی‌کند». در این جمله، فاعل فعل می‌تواند «وحی» نیز باشد. قرائت یونانی: «در برابر او حیله به کار برد آن هنگام

که می‌بایست خطای خود را بیابد و از آن نفرت کند»؛ سریانی: «زیرا در نظرش نفرت انگیز است که گناهان خود را ترک کند

و از آها منتفر گردد».

<sup>Z</sup> ترجمه اختنالی دیگر: زیرا از نظر او خدا دورتر از آن است که گناه او را کشف نماید.

ر.ک. ۱۶:۶۸؛ ۱۱:۸۰؛ اش ۱۴:۱۳. می‌توان «کوههای الهی» نیز ترجمه کرد.

<sup>a</sup> کلمه «لذت‌ها» باغ عدن در پید ۸:۲ را تداعی می‌کند.

۱۶:۸۹:۱۴:۵۶

۱۰ زیرا چشمِه حیات نزد تو است،

در اثر نور تو است که نور را می بینیم<sup>c</sup>.۱۱ وفاداری ات را نگاه دار برای آنان که تورا می شناسند،  
عدالت را برای راست دلان.

۱۲ بادا که پای شخص متکبر به من نرسد،

بادا که دست شریران مرا گریزان نسازد.

۱۳ اینک<sup>d</sup> افتاده اند آنان که بدی را به جا می آورند،  
فرو افکنده شده اند، ایشان را توان برخاستن نیست!

### مزمور ۳۷ (۳۶)

۱ از داد.

ایوب ۲۶-۱:۲۱

امت ۱۹:۲۴

اش ۷:۴۰؛ ۱۵:۱۰۳؛ ۶:۹۰

الف

به خاطر شریران بر آشفته مشو<sup>e</sup>حسد میر به آنان که بدی را به جا می آورند<sup>f</sup>؛۲ چرا که به زودی همچون علف پژمرده خواهد شد،  
به سان چمن سبز خواهد پلاسید.

ب

۳ به یهُوه اعتماد کن، نیکوبی به جا آور،

در سرزمین اقامت گزین، در امنیت زندگی کن؛

۴ لذت های خود را در یهُوه قرار ده،

و آنچه را که دلت طلب می کند به تو خواهد داد.

گیل

۵ تقدیر<sup>g</sup> خود را به یهُوه بسپار،

به او اعتماد کن؛ او عمل خواهد کرد،

۶ عدالت تورا همچون نور درختان خواهد ساخت،

حق تورا به سان نیمروز کامل.

<sup>c</sup> «چشمِه» و «نور» دو استعاره برای زندگی می باشند: چشمِه آب زنده (ار ۱۳:۲؛ ۱۳:۱۷) ممکن است یکی از چشمِه های اورشلیم یا معبد بوده باشد: این چشمِه در زمان های آخر تمام زمین را احیا خواهد کرد (یول ۱۸:۴؛ حزق ۴:۴۷؛ زک ۸:۱۴). نوری نیز که حیات به ارمغان می آورد، از خدا ناشی می گردد (مز ۸:۸، ۸، ۲۰؛ ۱:۲۷؛ ۳:۴۳؛ ۳:۴۴؛ ۴:۴۳). این دو موضوع در عهد جدید نیز تکرار شده اند: یو ۴:۱۴؛ ۱۲:۸؛ ۱۲:۵؛ ۵:۹؛ ۴۶:۱۲؛ ۱-۵:۱-۱- یو ۱:۲۲؛ مکا ۱:۲۲).

<sup>d</sup> گناهکاران در معبد غلوب می شوند. (خط ۲ تا ۵). ک. ۱۷:۷۳.

<sup>e</sup> در خصوص «مزامیر تعليمي»، ر. ک. «مقدمه» مزامير.

<sup>f</sup> ر. ک. پید ۱:۳۰؛ ۱۱:۳۷. می توان این گونه نیز ترجمه کرد: «بر علیه مجرمین غیرت نشان مده».

<sup>g</sup> تحت اللطفی: «طريق»، یعنی رفتار یا تقدیر، ر. ک. ۹:۲۲؛ قرائت یونانی: «طريق خود را مکشوف ساز».

۶:۶۲:۵:۴

<sup>۷</sup> دالت در حضور یهوه خاموش باش، به او امید بیند!  
بر علیه کسی که کامیاب می شود، برآشته مشو،  
بر علیه آن کس که ترفندها به کار می برد.

۱۳:۲۵

<sup>۸</sup> ه خشم را کنار بگذار، غضب را رها ساز،  
برآشته مشو: از آن جز بدی بیرون نمی آید.<sup>h</sup>  
<sup>۹</sup> زیرا شریران از میان برداشته خواهند شد،  
اما آنان که یهوه را انتظار می کشند، ایشان مالک سرزمین خواهند شد.

اش: ۱۳:۵۷  
مت: ۵:۵

<sup>۱۰</sup> واو در اندک زمانی، شریر دیگر نخواهد بود،  
مکان او را خواهی جست: او ناپدید شده است!  
<sup>۱۱</sup> اما فروتنان مالک سرزمین خواهند شد  
و از آرامشی عظیم لذت ها خواهند برد.

۴:۲

<sup>۱۲</sup> زین شریر بر علیه عادل توطئه می چیند  
و دندانها بر علیه او می ساید:  
<sup>۱۳</sup> خداوند او را استهزا می کند،  
چرا که فرا رسیدن روز او را می بیند.<sup>i</sup>

۲:۱۱:۱۳:۷

<sup>۱۴</sup> حت شریران شمشیر را بر می کشند و کمان را آماده می سازند  
تا مسکین و نیازمند را بیندارند،  
تا آنان را که طریقشان راست است از میان بردارند:  
<sup>۱۵</sup> شمشیر ایشان وارد دلشان خواهد شد،  
کمانها ایشان خرد خواهد گردید.

امث: ۱۶:۱۵  
۸:۱۶

<sup>۱۶</sup> ت (مال) اندک شخص عادل بهتر است  
از ثروتهای عظیم شریران:  
<sup>۱۷</sup> زیرا بازوهای شریران خرد خواهد شد،  
حال آنکه یهوه عادلان را حمایت خواهد کرد.

<sup>h</sup> این گونه نیز می توان ترجمه کرد: «این عاقبت خوبی نخواهد داشت»، یا «این باعث رنج خواهد شد»، یا «این کار بدی خواهد بود».

<sup>i</sup> منظور روز خدا یا روز شخص بی دین است (حرق: ۳۰:۲۱).  
ز این اصطلاح اصیل در یونانی به صورت «راست دلان» آمده است (۱۱:۷).

۱۸ یهُوه ایام آنان را که کامل اند می شناسد،  
و میراث ایشان تا ابد دوام خواهد یافت؛  
۱۹ در زمان مصیبت برای آنان خجالتی نخواهد بود،  
در ایام قحط سیر خواهند شد.

۲۰ اما شریران هلاک خواهند شد؛  
دشمنان یهُوه چون شکوه مرغزارها<sup>k</sup> می باشند،  
ایشان دود شده، می روند، می روند!

۲۱ شریر قرض می گیرد و پس نمی دهد،  
عادل رحم می کند و می دهد.  
۲۲ برکت یافتنگان<sup>۱</sup> [یهُوه] مالک سرزمین خواهند شد،  
اما آنان که او لعنتشان می کنند از میان خواهند رفت.

۲۳ قدم های انسان وابسته به یهُوه است،  
او آن کس را که راهش مورد پسند او است، استوار می سازد؛  
۲۴ چنانچه بیفتاد، بر زمین نخواهد ماند،  
زیرا یهُوه دست او را می گیرد.

۲۵ من جوان بودم و سالخورده شده ام،  
و عادلی را ندیده ام که رها شده باشد،  
و نه نسل او را که در جستجوی نان باشند.  
۲۶ در طول روز ترجم می کند، قرض می دهد،  
و اعقاب او در برکت هستند.

۲۷ سامِک از بدی دوری گرین، نیکویی را به جا آور،  
و تا ابد مسکنی خواهی داشت؛  
۲۸ زیرا یهُوه راستی را دوست می دارد  
و وفاداران خود را رها نمی سازد.

<sup>k</sup> این کلمات در عبری حالت تکرار حروف بی صدا را دارند («کیقر کاریم»). قرائت یونانی: «هنوز نکریم و بر افراشته نشده اند که...». یکی از تفسیرهای مزبور ۳۷ که در غار چهارم قمران یافت شده، حاوی متنی متفاوت است و تا حدی شبیه قرائت آرامی می باشد: «ودوستان خداوند همانند زینت قوچها می باشند». <sup>۱</sup> متن عبری: «آنان که او برکتشان می دهد...». قرائت یونانی: «آنان که او را برکت می دهند، آنان که او را لعنت می کنند»: ترجمه ما مبتنی است بر قرائت سریانی.

ناعادلان تا ابد نابود خواهند شد  
و اعقاب شریران از میان خواهند رفت؛  
۲۹ عادلان مالک سرزمین خواهند شد  
و برای همیشه در آن ساکن خواهند بود.

تث:۶:۶  
ار:۳:۳۱

ف ۳۰ دهان شخص عادل حکمت را زمزمه می نماید  
و دهانش را راستی را بیان می کند.  
۳۱ شریعت خدایش در دلش می باشد  
و قدم هایش نخواهد لغزید.

صاده ۳۲ شریبر برای عادل کمین می گذارد  
و می کوشد او را به قتل برساند؛  
۳۳ یهوه او را به دست وی رها نمی کند،  
وقتی داوری می شود، اجازه نمی دهد محکوم شود.

قوف ۳۴ یهوه را انتظار بکش، طریق او را رعایت کن؛  
او تو را برخواهد افراخت،  
تورا مالک سرزمین خواهد ساخت،  
خواهی دید که شریران چگونه از میان خواهند رفت!

حرق:۳۱-۱۰:۱۲

رش ۳۵ من شریر را دیده ام، آدم خشن را،  
که به مانند سدر لبنان سر بلند می کند<sup>m</sup>؛  
۳۶ عبور کردم: اینک او دیگر نبود،  
او را جستم: او را نمی یافتند!

شين ۳۷ کاملیت را مرعی دار، راستی را به عمل آور<sup>n</sup>،  
زیرا برای صلح جو اعقابی هست؛  
۳۸ اما گناهکاران با یک ضربه از میان خواهند رفت،  
اعقاب شریران نابود خواهند شد.

<sup>m</sup> متن عبری: «شخص بی دین را دیده ام که از قدرت خود سوء استفاده می کند، و همچون گیاهی سرزنه شکوفا می شود»؛ ترجمه ما مبتنی است بر قرأت یونانی.

<sup>n</sup> متن عبری: «به شخص درستکار نگاه کن، آدم راست را ببین». ترجمه ما مبتنی است بر همه ترجمه های قدیمی.

۳۹ نجات عادلان از یهود می‌آید،  
طاو ۱:۲۷  
او به هنگام پریشانی پناهگاه ایشان است؛  
او به هنگام پریشانی پناهگاه ایشان است؛  
۴۰ یهود ایشان را مدد می‌کند و رهایی می‌دهد،  
ایشان را از شیران رهایی می‌دهد و نجات می‌بخشد،  
چرا که ایشان در او پناه می‌گیرند.

### مزمور (۳۷) (۳۸)

۱ مزمور. از داد. برای یادبود.<sup>۰</sup>  
۲ ای یهود در برابر خونگی خود مرا توبیخ مفرما،  
در غصب خود مرا تأدیب منما. ۲:۶  
۳ زیرا تیرهای تو در من فرو رفته،  
دست تو بر من فرو آمده است. ایوب ۱۳:۱۶:۶  
۴ به سبب غیظ تو، در گوشت من چیزی نیست که دست نخورده باشد،  
به سبب گناهم، چیزی سالم در استخوانها یم نیست. اش ۱:۵-۶  
۵ زیرا خطاهایم از سرم گذشته،  
همچون باری بسیار گران بر من سنگینی می‌کند. عز ۶:۹

۶ کوفتنگی هایم عفونی و چرکین است،  
به سبب دیوانگی ام؛  
۷ گوژ کرده ام، خم شده ام تا به نهایت، ۱۰:۴۲:۱۴:۳۵  
تمامی روز تیره و تار راه می‌روم؛  
۸ چرا که گرده هایم مالامال از تب است  
و در گوشتمن چیزی دست نخورده نیست.

۹ بی حرکت و خردشده هستم تا به نهایت،  
خروش بر می‌آورم، آنقدر که دلم می‌غرد.  
۱۰ ای خداوند، تمام اشتیاقم در حضور تو است  
و ناله هایم از تو پنهان نیست؛ ۶-۴:۱۰۲

۰ تحتاللفظی: «برای به جا آوردن یادبود»: این یادبود در قرائت یونانی با آیین سنت (بر اساس لاو ۸-۷:۲۴)، و در قرائت آرامی از مزمور ۱:۷۰ با آیین بخور (بر اساس لاو ۲:۲) مرتبط شده است.  
۱ در خصوص «نیاشهای افرادی برای درخواست کمک»، ر.ک. «مقدمه» مزامیر.

۸:۶

۱۱ دلم می تپد، قوتم مرا ترک می کند،  
از چشمان شخص خود دیگر نوری ندارم.

:۱۲:۳۱  
:۱۰:۴۱  
:۱۹:۹:۸۸  
-۱۳:۱۹:۱۹  
۴۹:۲۳:۲۳

۲۵،۲۰:۳۵

۱۲ دوستان و یارانم خود را از جراحت من دور نگاه می دارند<sup>۹</sup>  
و نزدیکانم دور می ایستند؛  
۱۳ آنان که قصد جانم را دارند دامها می گسترند،  
آنان که در بی هلاکت من هستند جز بلا سخنی نمی گویند  
و تمامی روز فربی ها می اندیشنند.

۳-۲:۳۹

۱۴ و من، همچون شخصی ناشنوا، نمی شنوم،

همچون شخصی گنگ که دهان نمی گشاید؛

۱۵ مانند کسی هستم که نمی شنود

و در دهان خود پاسخی ندارد.

۱۶ زیرا امید من نیست جز در تو، ای یهوه،

تو هستی که پاسخ خواهی گفت، ای خداوند، ای خدای من.

۱۹،۱۵:۳۵

۱۷ گفته ام: «بادا که به خاطر من شادی نکنند،  
با من با تکبر رفتار نکنند، آن هنگام که پایم لرزان می شود.»  
۱۸ زیرا به سقوط بسیار نزدیک هستم،  
و دردم همواره در مقابل من است؛  
۱۹ زیرا خطای خود را اعلام می کنم،  
از گناه خود نگران هستم.

۵:۶۹:۱۹:۳۵

۱۲:۳۵

۱۸:۷۱

:۱۲:۲۲  
:۲۲:۳۵  
:۲۰:۲۲  
۱۴:۴۰

۲۰ آنان که بی علت از من نفرت دارند نیرومند هستند،  
بیشمارند آنان که به اشتباه مرا نفرت می دارند،  
۲۱ آنان که به عوض نیکی به من بدی می کنند،  
که مرا متهم می سازند، زیرا نیکی را پیروی می کنم.  
۲۲ مرا ترک مگو، ای یهوه،  
ای خدای من، از من دور مشو؛  
۲۳ به یاری من بشتاب،  
ای خداوند، ای نجات من!

۹ تحتاللغظی: «در مقابل جراحت من توقف می کنند»، و ژروم این را جذام تلقی می کند.

## مزمور ۳۹ (۳۸)

<sup>۱</sup> به رهبر سرود، از یادوتون<sup>۲</sup>. مزمور. ازدواد.

آگفته بودم: «بر رفتار خود نظارت خواهم کرد<sup>۳</sup>،  
مبادا که با زبانم گناه کنم،  
بر دهانم در پوشی خواهم نهاد،  
مادام که شریر در مقابل من باشد.»

<sup>۳</sup> من گنگ مانده‌ام، در سکوت،  
بدون نفعی<sup>۴</sup> ساکت شدم  
و دردم شدت یافت:

<sup>۴</sup> دلم در اندرونم داغ شد،  
به آه‌هایم آتشی بر افروخته گردید<sup>۵</sup>،  
سخن بر زبانم آمد:

<sup>۵</sup> «ای یهوه، مرا از انتهايم آگاه ساز،  
و اينکه میزان روزهایم چه مقدار است،  
تا بدانم تا چه حد زودگذر هستم!»

۱۴:۳۸:۳:۳۲

۴۸:۸۹

<sup>۶</sup> بین؛ روزهایم را چند وجب ساخته‌ای،  
<sup>۷</sup> عمر در حضور تو همچون هیچ است؛  
تمامی بشر نفسی بیش نیستند! سلا.

:۱۰:۶۲  
:۱۰-۹:۹۰  
ایوب:۷:۲۱-۶  
۵-۱:۱۴

<sup>۸</sup> آری، انسان همچو تصویری<sup>۹</sup> راه می‌بیماید؛  
نفسی است اموالی که می‌اندوزد،  
بی‌آنکه بداند چه کس آنها را جمع خواهد کرد.»

<sup>۸</sup> و اکنون، ای خداوند، چه انتظاری می‌توانم داشته باشم؟  
امید من در تو است:

<sup>۱۰</sup> «یدوتون» یا مطابق ترجمه‌های قدیمی «یدیتون»: ۱:۶۲؛ ۱:۷۷. منظور احتمالاً گروهی از لاویان است که مسؤول سرود یا نگهبانی در واژه‌های معبد بودند، ۱-۳۸:۱۶-۴۲-۳۸:۱۶-۱-۴۲.

<sup>۱۱</sup> در خصوص «نیایشهای افرادی برای درخواست کمک»، ر.ک. «مقدمه» مزامیر.

<sup>۱۲</sup> این گونه نیز می‌توان ترجمه کرد: «و بیش از آنچه نیک بود» یا «به سبب سعادت او»، و این عبارت را چندین مفسر مرتبط می‌سازند به مصرع بعدی همین آیه: قرائت ترجمه‌های قدیمی: «در خصوص نیکی سکوت کردم». ابن عزرا چنین استنباط کرده: «آن گاه که می‌توانستم سخن گویم».

<sup>۱۳</sup> منظور احتمالاً چنین چیزی است: «در آن حال که به ستوه آمده و در اثر آتش سوخته بودم».

<sup>۱۴</sup> در عبری، میان کلمات «عمر» («هلدی») و «زودگذر» («هادل» در آیه ۵)، تشابه‌ی در حروف بی‌صدا وجود دارد.

<sup>۱۵</sup> این شاید اشاره‌ای منفی و طعنیه آمیز به بید ۲۷:۱ باشد.

<sup>۹</sup> مرا از تمامی تقصیراتم رهایی ده،

مرا رسوای آدم بی عقل مساز.

<sup>۱۰</sup> من گنگ می مانم، دهان را نمی گشایم،

زیرا تو هستی که عمل می کنی.

<sup>۱۱</sup> ضربات خود را از من دور ساز،

زیر یورش دست تو از میان می روم.

<sup>۱۲</sup> وقتی با مجازات خطأ، انسان را تأدیب می نمایی،

مانند بید، هر چیز آرزشمند<sup>x</sup> او را نابود می سازی؛

همه انسان‌ها نفسی بیش نیستند! سلا.

ایوب ۲۸:۱۳

<sup>۱۳</sup> دعای مرا بشنو، ای یهوه،

به فربادم گوش فرا ده،

در مقابل اشکهایم ساکت نمان.

زیرا نزد تو غریب هستم،

یک میهمان، مانند همه پدرانم.

<sup>۱۴</sup> نگاهت را از من بر گردان تا اندکی شادی داشته باشم،

پیش از آنکه بروم و دیگر نباشم!

:۱۹:۱۱۹  
:۴:۲۳  
:۲۳:۲۵  
لاآو  
:۱۵:۲۹-۱  
:۱۳:۱۱  
عیر  
۱۱:۲  
ایوب ۲:۱۹:۷  
:۲۲-۲۰:۱۰  
۶:۱۴

## مزمور ۴۰ (۳۹)

<sup>۱</sup> به رهبر سرود. از داد. مزمور.

<sup>۲</sup> انتظار می کشیدم، یهوه را انتظار می کشیدم<sup>y</sup>:

او به سوی من خم شد، فربادم را شنید،

<sup>۳</sup> مرا از گودال مرگبار برآورد،

از گل و لای لجن زار،

پایهایم را بر روی صخره بر پا داشت،

قدم‌هایم را استوار ساخت.

۳:۶۹:۵:۱۸

<sup>۴</sup> بر دهانم سرودی نوگذارد،

سرودی برای خدای ما؛

۳:۳۳

X تحت اللفظی: «گنج او را»؛ استنباط آرامی: «بدن او»؛ یونانی: «جان او را همیجون عنکبوت له کرده ای».

y بخش اول این مزمور (آیات ۲-۱۲) یکی از «نیایشهای قدردانی» است (ر. ک. «مقدمه» مزمیر): بخش دوم (آیات ۱۳-۱۸) که در مزمور ۷۰ تکرار شده، یکی از «نیایشهای انفرادی برای درخواست کمک» می باشد (ر. ک. «مقدمه»).

بسیاری این را دیده، خواهند ترسید،  
به یهوه اعتماد خواهند کرد.  
<sup>۵</sup> خوش‌با به حال آن آدمی که اعتمادش را بر یهوه قرار دهد،  
و به سوی طغیان‌گران<sup>z</sup> بر نگردد،  
نه به سوی آنان که به دروغ روی می‌آورند!<sup>a</sup>

۱:۱  
۷:۱۷

<sup>۶</sup> ای یهوه، ای خدای من، تو شگفتیهای خود را بیشمار ساخته ای،  
برای تدبیر تو بر ما، کسی با تو قابل مقایسه نیست؛  
می‌خواهم آنها را بگویم و باز بگویم؛  
آنها از شمارش خارج اند.

۱۰:۳۵  
۱۵:۷۱  
۱۸-۱۷:۱۳۹  
۲۵:۲۱ یو

<sup>۷</sup> قربانی ذبحی، هدیه آردی، آنها را نمی‌خواهی،  
قربانی سوختنی، کفاره، آنها را نمی‌طلبی؛  
گوشاهایم را سوراخ کرده‌ای<sup>b</sup>،  
آنگاه گفتم: اینک می‌آیم،  
در طومار کتاب در باره من نوشته شده<sup>c</sup>؛  
<sup>۹</sup> «از انجام اراده تو، ای خدای من، خشنودم  
و شریعت تو در ته احشایم می‌باشد.»

۲۱-۱۸:۵۱  
۳۲-۳۱:۶۹  
۲۲:۵ عا  
۶:۶ هو

<sup>۱۰</sup> عدالت را در جماعت بزرگ اعلام داشته‌ام.  
بین؛ لبان خود را باز نمی‌دارم،  
ای یهوه، تو این را می‌دانی.  
<sup>۱۱</sup> عدالت تو را در ته دل خود پنهان نساخته‌ام،  
امانت و نجات تو را گفته‌ام؛  
وفداری و امانت تو را مخفی نکرده‌ام  
از جماعت بزرگ.

۱۸:۳۵  
۳۲:۱۰۷

۴:۷۸

<sup>z</sup> کلمه «طغیان‌گران» در عربی، شکل جمع کلمه «رَهَب» است که هیولای و رطه اولیه می‌باشد (۱۱:۸۹)؛ در این صورت، منظور در اینجا همپیمانان این هیولا می‌باشد، ر. ک. ایوب ۱۳:۹. قرائت‌های یونانی و سریانی: «بطالت‌ها».  
قرائت‌های آرامی و سریانی: «آنانی که دروغ می‌گویند»؛ ژروم: «حشمت‌های دروغ»؛ یونانی (با نقطه‌گذاری متفاوت):  
دیوانگی‌های دروغ.  
<sup>b</sup> منظور این است: «گوشاهایی به من داده‌ای تا بشووم و از این رهنمود جدید و دقیق اطاعت کنم» (۱۰-۸:۵۰).  
قرائت یونانی و مزهور رومی: «بدنی برایم شکل دادی»؛ در عرب ۱۰:۵ از همین قرائت اخیر استفاده شده است.  
<sup>c</sup> این ترجمه فاقد قطبیت است؛ بعضی چنین ترجمه می‌کنند: «با طوماری از کتابی که برای من نوشته شده»؛ ترجمه ما می‌بینی است بر ترجمه‌های قدیمی که منجر به تفسیری مسیحیابی می‌گردد (برای مثال، یو ۳۹:۵)؛ این گونه نیز می‌توان ترجمه کرد:  
«در طومار کتاب، به من امر شده که اراده تو را به جا آورم»، ر. ک. ۲-۲۳:۲۲-۲۳.

۱۲ تو، ای یهُوه، رحمانیت خود را از من دور نگاه نخواهی داشت،  
وفاداری و امانت تو پیوسته مرا نگاه خواهند داشت!  
۲۱:۲۵

۱۳ زیرا دردها مرا در بر می‌گیرند  
تا آنجا که دیگر نتوان شمرد،  
خطاهایم به من می‌رسند  
تا آنجا که نتوان آنها را دید،  
آنها از موهای سرم بیشمارتر هستند،  
و دلم مرا ترک می‌گوید.  
۱۱،۵:۳۸

۱۴ ای یهُوه، لطف بفرما و مرا رهایی ده،  
ای یهُوه، به بیاری ام بشتاب!  
۶-۲:۷۰  
۲۰:۲۲

۱۵ بادا که خجل و شرمدار شوند  
آنانی که می‌خواهند زندگی ام را بگیرند؛  
بادا که به عقب برگردند و شرمدار شوند  
آنان که مشتاق سیه روزی من اند؛  
۱۶ بادا که از خجالت حیران شوند  
آنان که به من می‌گویند: «هه! هه!»  
۲۶،۴:۳۵  
۲۵،۲۱:۳۵

۱۷ باشد که در تو وجد نمایند و شاد باشند؛  
همه آنانی که تو را می‌طلبند؛  
بادا آنان که نجات تو را دوست می‌دارند  
پیوسته بگویند: «عظیم است یهُوه!»

۱۸ اما من، مسکین و نیازمند هستم!  
باشد که خداوند به من بیندیشد،  
تو، ای مددکار و رهایی دهنده من؛  
ای خدای من، تأخیر منما!

## مزمور ۴۱ (۴۰)

<sup>۱</sup> به رهبر سرود. مزمور. از داد.

<sup>d</sup> ۲ خوشابحال آن کس که به مسکین، به نیازمند، توجه نشان می‌دهد:  
در روز مصیبت، یهُوه او را نجات خواهد داد.  
<sup>۳</sup> یهُوه او را حفظ خواهد کرد، زنده نگاه خواهد داشت،  
او را بر زمین سعادتمند خواهد ساخت  
و به آز دشمنانش خواهد سپرد.

۱۲:۲۷

<sup>۴</sup> یهُوه او را در بستر دردش حمایت خواهد کرد  
و در بیماری اش رختخوابش را بر خواهد گرداند.<sup>e</sup>

<sup>۵</sup> گفته‌ام: ای یهُوه، بر من ترجم فرما،  
جانم را شفا ببخش، زیرا در حق تو گناه کرده‌ام!  
<sup>۶</sup> دشمنانم در باره من بد می‌گویند:  
«کی خواهد مرد، نامش کی از میان خواهد رفت؟»  
<sup>۷</sup> چون کسی به دیدنم می‌آید، نادرستی‌ها می‌گوید،  
بی انصافی را در دل خود توده می‌کند،  
به مجرد آنکه بیرون می‌رود، سخن می‌گوید.  
<sup>۸</sup> همه آنان که مرا نفرت می‌دارند، با هم بر علیه من نجوا می‌کنند،  
بدی را علیه من می‌اندیشنند:  
<sup>f</sup> <sup>۹</sup> «بلایی شوم بر او فرو آمد!»  
اینک خوابیده، دیگر بر نخواهد خاست.»

۳:۳۰:۳:۶

۱۴-۱۲:۳۱  
۲۰-۱۷:۳۸

<sup>۱۰</sup> حتی دوست صمیمی من که به او اعتماد داشتم،<sup>g</sup>  
هم او که نان مرا می‌خورد،  
پاشنه خود را علیه من بلند می‌کند.  
<sup>۱۱</sup> اما تو، ای یهُوه، بر من ترجم فرما، مرا بر خیزان،  
تا حقشان را به ایشان بدهم!

۱۲:۳۸  
۱۴:۵۵  
۱۸:۱۴  
یو ۱۳:۳۸

<sup>۱۲</sup> از این خواهم دانست که مرا دوست می‌داری:  
اگر دشمنم بر من فریاد شادی بر نیاورد.

د در خصوص «نیاشهای قرداشی»، ر. ک. «مقدمه» مزامیر.

e احتمالاً منظور بهودی یافن شخص بیمار است.

f تحتاللفظی: «امری بلیعال»، یعنی بلایی که از جهنم می‌آید و به آنجا منتظر می‌گردد (۵:۱۸).

g تحتاللفظی: «مرد صلح من» (مانند یو ۲۰:۲۰). ر. ک. توضیح ۱-باد:۵ ۲۶:۵.

:۱۸:۷۲  
:۵۳:۸۹  
۶۸:۱ لو

<sup>۱۳</sup> و مرا، مرا در کاملیتم <sup>h</sup> حفظ خواهی کرد،  
مرا تا ابد در حضور خود برقرار خواهی داشت!  
<sup>۱۴</sup> متبارک باد یهُوهُ، خدای اسرائیل،  
از ازل تا به ابد! آمین! آمین!

## کتاب دوم

### (مزامیر ۴۲ تا ۷۲)

#### مزمور ۴۲ (۴۱)

<sup>۱</sup> به رهبر سرود، شعر، از بنی قورح <sup>ج.</sup>

<sup>۲۰:۱</sup> بول آن سان که گوزن ماده برای آبهای روان آه می کشد <sup>k</sup>،  
به همان سان جان من برای تو آه می کشد، ای خدا.  
<sup>۲:۶۳:۱۰:۳۶</sup> <sup>۳:۸:۴</sup> <sup>۱۴:۱۰:۳۶</sup> <sup>۳۸:۷</sup> <sup>۳:۶۳:۱۵:۱۷</sup> <sup>۸:۸:۴</sup>  
<sup>۱۰:۷۹</sup> <sup>۲:۱۱۵</sup> <sup>۱۰:۷</sup> <sup>۱۷:۲۳</sup> پس کی خواهم آمد و در مقابل خدا حضور خواهم یافت؟  
<sup>۴</sup> اشکهایم روز و شب نان من است،  
حال آنکه تمامی روز مرا می گویند: «خدایت کجا است؟»  
<sup>۵</sup> به یاد می آورم - و جان خود را در خویشن آهسته فرو می ریزم <sup>m</sup>  
چگونه در موکبی شریف <sup>n</sup> تا به خانه خدا <sup>n</sup> پیش می رفتم،

<sup>۱۹-۱۸:۷۲</sup> <sup>h</sup> قرائت ترجمه های قدیمی: «در بی گناهی ام».

<sup>۶</sup> این آیه پایان بخش کتاب اول مزامیر است؛ ر.ک. «مقدمه» مزامیر و توضیح <sup>۷۹:۷۲</sup>.

ز در روزگار داود، اعقاب قورح (اعد ۱۶ و ۱۱:۲۶)، بر اساس ۱-توا <sup>۲۲:۶</sup> به مقام سرایندگی منصوب شدن، و بر اساس ۱-توا <sup>۱:۲۶</sup>، به مقام دریانی. مزامیر ۴۲ تا ۴۴، <sup>۴۹</sup> <sup>۸۵-۸۴</sup> <sup>۸۸-۸۷</sup> به آنان منسوب است.

<sup>k</sup> این مزمور و مزمور بعدی (که ظاهراً مزموری واحد را تشکیل می دهند)، «نیایش فردی برای درخواست کمک» می باشند (ر.ک. «مقدمه»).

<sup>۷</sup> تحتاللفظ: «دیده شدن در مقابل خدا» (برای مثال، ر.ک. <sup>۸:۸:۴</sup>؛ خروج <sup>۱۵:۲۳</sup>، <sup>۱۷</sup>؛ اش <sup>۱۲:۱</sup>)؛ این شاید اصلاحی الهیاتی باشد میتوان بر ناممکن بودن دیدن خدا (خروج <sup>۲۰:۳۳</sup>)؛ قرائت چند نسخه خطی عبری، سریانی، آرامی، و یک نسخه لاتین: «دیدن... خدا»؛ ر.ک. مز <sup>۱۷:۱۵:۱۵</sup>؛ <sup>۷:۱۱</sup>؛ <sup>۴:۲۷</sup>؛ <sup>۱:۱۷</sup>؛ مکا <sup>۴:۲۲</sup>.

<sup>m</sup> تحتاللفظ: «جان خود را بر روی خود می ریزم»، ر.ک. <sup>۱-سمو ۱:۱۵</sup>؛ ایوب <sup>۳۰:۱۶</sup>؛ مز <sup>۹:۶۲</sup>؛ <sup>۱:۱۰۲</sup>؛ <sup>۱:۱۴۲</sup>؛ این اصطلاح دلالت دارد بر خستگی روحی و نیز پژمردگی جسمی (مرا <sup>۱۲:۲</sup>)

<sup>n</sup> ترجمه ما فاقد قطعیت است؛ قرائت آرامی: «شخصاً در مکان پوشیده» (<sup>۵:۲۷</sup>)؛ یونانی: «زیرا به مکان خیمه داخل خواهم شد».

<sup>۱۰</sup> ترجمه ما فاقد قطعیت است؛ قرائت یونانی: «(خیمه) عالی».

۴:۲۷

با بانگ شادی و ستایش،  
در میان جماعتی که در حال برگزاری عباد بودند.

۵:۴۳  
۲۷:۱۳

<sup>۶</sup>ای جان من، چرا باید فرو بریزی،  
و در من ناله سر دهی؟  
به خدا امید بدار، زیرا بار دیگر او را خواهم ستد،  
نجات روی من،

۲۰:۳

<sup>۷</sup>و خدای من! جانم در من فرو می‌ریزد؛  
پس به تو می‌اندیشم،  
از سرزمین اردن و از (کوهساران) حرمون،  
از کوه مصعر.<sup>p</sup>

۴:۲۸  
یون:۸۸

<sup>۸</sup>ورطه‌ای با صدای آبشارهای تو ورطه‌ای را می‌خواند؛  
موج‌ها و خیزآهای تو،  
همگی از روی من گذشته‌اند.

۳:۱۸

۲:۴۳

<sup>۹</sup>در روز، کاش یهُوه وفاداری خود را اعلام کند،  
و شبانگاه، سرودى بسرایم،  
دعایی به خدای زندگی ام!<sup>r</sup>

<sup>۱۰</sup>می‌خواهم به خدا، به صخره ام بگویم: از چه روی مرا از یاد بردۀ ای؟  
چرا افسرده بروم، زیر ستم دشمن،  
<sup>۱۱</sup>حال آنکه خصم‌مان استخوانهایم را خُرد ساخته، مرا اهانت می‌کنند  
و تمامی روز مرا می‌گویند: «خدایت کجا است؟»

<sup>۱۲</sup>ای جان من، چرا باید فرو بریزی،  
و برای چه در من ناله سر دهی؟  
به خدا امید بدار، زیرا بار دیگر او را خواهم ستد،  
نجات روی من، و خدای من!

p تحتاللغظی: «کوه کوچک»؛ این محلی است ناشناخته.

q تحتاللغظی: «دستورهای خود را می‌داد».

r ترجمه ما فاقد قطعیت است؛ تحتاللغظی: «و شب سروش با من بود، (همچون) دعایی به خدای زندگی ام».

## مزمور ۴۳ (۴۲)

۱ مرا داد بده، ای خدا، از امر من دفاع کن  
در مقابل مردمان بی وفا،  
مرا از مرد نادرست و منحرف رهایی ده.  
۲ زیرا خدای پناه من تو هستی؛  
چرا مرا رد کرده ای؟  
چرا افسرده بروم، زیر ستم دشمن؟

۳ نور و راستی خود را بفرست،  
آنها مرا راهنمایی خواهند کرد، مرا هدایت خواهند نمود  
به کوه مقدس تو و مسکن های تو.  
۴ و به سوی قربانگاه خدا خواهم رفت،  
به سوی خدای شادی و وجود من<sup>۸</sup>،  
و تو را با بربط خواهم ستود،  
ای خدا، ای خدای من.

۵ ای جان من، چرا باید فرو بریزی،  
و برای چه در من ناله سردهی؟  
به خدا امید بدار، زیرا بار دیگر او را خواهم ستود،  
نجات روی من، و خدای من!

## مزمور ۴۴ (۴۳)

<sup>۱</sup> به رهبر سرود. از بنی قورح. شعر.

۲ ای خدا، به گوشهای خود آن را شنیده ایم<sup>۹</sup>،  
پدرانمان برای ما بازگو کرده اند  
عملی را که در ایام ایشان کردی،  
در روزهای کهن

۳ و با دست خود ملت ها را بیرون کردی و ایشان را مستقر ساختی،  
با قوم ها بدرفتاری کردی و ایشان را در جای وسیع قرار دادی.

S تحتاللطفی: «به خدای وجود شادمانه ام»: قرائت های یونانی و سریانی: «به خدا که جوانی ام را شاد می سازد». t در خصوص «نیایشهای گروهی برای درخواست کمک» ر.ک. «مقدمه».

- <sup>۴</sup> زیرا شمشیر ایشان نبود که سرزمین را به تصرف در آورد،  
و نه بازوی ایشان که ایشان را فاتح ساخت،  
بلکه دست راست تو و بازوی تو  
و نور روی تو،  
چرا که ایشان را دوست می داشتی.  
<sup>۵</sup> تو هستی پادشاه من، خدای من،  
که برای پیروزیهای یعقوب تصمیم می گیری<sup>۷</sup>؛
- <sup>۶</sup> با تو خصمان خود را شکست می دهیم،  
با نام تو متجاوزین خود را لگدمال می کنیم.  
<sup>۷</sup> اعتماد من به کمانم نیست  
و شمشیرم نیست که مرا فاتح می سازد،  
<sup>۸</sup> بلکه این تو هستی که ما را از دشمنانمان نجات می دهی  
و آنان را که ما را نفرت می دارند شرمسار می سازی،  
<sup>۹</sup> در خدا است که تمامی روز خود را جلال می دهیم  
و نام تو را است که تا به ابد می ستاییم. سلا.
- <sup>۱۰</sup> با این حال، ما را رد کرده ای و با شرمساری پوشانده ای،  
و با لشکرهای ما بیرون نمی آیی؛  
<sup>۱۱</sup> ما را در مقابل خصمانمان عقب رانده ای،  
و آنان که ما را نفرت می دارند به میل خود غارت کرده اند؛  
<sup>۱۲</sup> ما را همچون گوسفندان به قصابی می سپاری  
و در میان ملت ها ما را پراکنده ساخته ای؛  
<sup>۱۳</sup> قوم خود را به بهایی ناجیز می فروشی  
بی آنکه از این معامله به ثروت بررسی؛
- <sup>۱۴</sup> از ما رسایی ای برای همسایگان پدید آورده ای،  
تمسخر و ریشخندی برای آنان که ما را احاطه می کنند،  
<sup>۱۵</sup> ما را قصه ملت ها ساخته ای،  
بر ما قوم ها سرتکان می دهنند<sup>۷</sup>.

<sup>۷</sup> تحتاللغظی: «به پیروزی یعقوب امر فرما»؛ ترجمه ما مبتنی است بر قرائت ترجمه های قدیمی.  
<sup>۷</sup> تحتاللغظی: «تکان دادن سر در میان قوم ها».

۸:۶۹

<sup>۱۶</sup> شرمساری ام تمامی روز در مقابل من است

و خجالت چهره ام را می پوشاند،

<sup>۱۷</sup> زیر فریادهای آن کس که ناسزا می گوید و اهانت می کند<sup>w</sup>،

در حضور دشمنی که حرص انتقام دارد.

<sup>۱۸</sup> همه اینها رخ می دهد بی آنکه تو را فراموش کرده باشیم،

بی آنکه به عهد تو خیانت ورزیده باشیم.

<sup>۱۹</sup> دل ما به عقب بر نگشته،

و قدم های ما از طریق تو منحرف نشده

<sup>۲۰</sup> که ما را در مسکن شغالها بسایی

و ما را با تاریکیهای غلیظ بپوشانی.

۱۰:۱۷

<sup>۲۱</sup> اگر نام خدای خود را از یاد برده بودیم،

و دستان خود را به سوی خدایی بیگانه دراز کرده بودیم،

<sup>۲۲</sup> آیا خدا آن را مشاهده نمی کرد،

او که از اسرار دلها آگاه است؟

۳۶:۸

<sup>۲۳</sup> نه، به سبب تو<sup>x</sup> است که ما را تمامی روز می کشند،

و به ما همچون گوسفندان کشتارگاه نگاه می کنند.

۹:۵۱

<sup>۲۴</sup> بیدار شو! چرا خواب هستی، ای خداوند؟

بیدار شو! برای همیشه رد مکن.

<sup>۲۵</sup> چرا روی خود را پنهان می سازی،

و سیه روزی و ستم ما را از یاد می بری؟

۲۵:۱۱۹

<sup>۲۶</sup> چرا که جان ما در خاک فرو ریخته است،

شکم ما به زمین می چسبد.

۲:۳۵:۸:۳

<sup>۲۷</sup> به پا خیز! به یاری ما بستاب،

ما را به سبب وفاداری ات آزاد ساز.

تحتاللفظی: «به صدای آن کس که ناسزا می گوید و کفر بر زبان می آورد».

<sup>w</sup> همه ترجمه های قدیمی به همین شکل برداشت کرده اند که ما آورده ایم، اما متن عبری به گونه ای است که می توان «بر علیه تو»

نیز ترجمه کرد و این گونه فهمید که گویی مصائبی که بر قوم وارد می آورند، اهانت هایی است به خود خدا.

## مزمور ۴۵ (۴۴)

<sup>۱</sup> به رهبر سرود. بر «سوسنهای»: از بنی قورح. شعر: سروده عشق<sup>۷</sup>.

<sup>۲</sup> دل من از سخنان زیبا به ارتعاش می‌آید<sup>a</sup>،  
شعر خود را برای یک پادشاه می‌گوییم،  
زبانم قلم کاتبی ماهر است.

<sup>۳</sup> تو زیباترین آدمیان هستی،  
فیض بر لبان تو ریخته شده:  
از این رو است که خدا تورا تا به ابد مبارک ساخته است.

حزق ۱۲:۲۸

<sup>۴</sup> شمشیر خود را بر کمر بیند، ای قهرمان،  
جبروت و شکوهت را؛  
<sup>۵</sup> بجه، بتاز،  
برای امر وفاداری، ملایمت، عدالت؛

بادا که دست راستت اعمال مهیب به تو بیاموزد<sup>b</sup>.  
<sup>۶</sup> تیرهایت تیز است، قوم‌ها به پایهایت در می‌غلتنند،  
دشمنان پادشاه دل از دست می‌دهند<sup>c</sup>.

<sup>۷</sup> تخت سلطنت تو، ای خدا<sup>d</sup>، تا به ابد پایدار است،  
عصای شاهانه تو عصای درستی است.

اش ۱۱:۳-۵

<sup>۸</sup> عدالت را دوست می‌داری و شرارت را نفرت،  
از این رو خدا، خدایت تو را مسح کرده  
به روغن شادمانی، بیشتر از یارانت.

سمو ۱۶:۶-۱۳

<sup>e</sup> لا باره‌ای از صاحب نظران بر این عقیده‌اند که این کلمه در عربی دلالت دارد بر یک آلت موسیقی؛ قرائت یونانی: «برای آنان که دگرگون خواهند شد».

<sup>Z</sup> یا: «سرود محبوبه‌ها»؛ قرائت یونانی: «برای محبوب». <sup>a</sup> درخصوص «مزامیر سلطنتی»، ر. ک. «مقدمه».

<sup>b</sup> این ترجمه هیچ قطعیتی ندارد؛ قرائت تحقیقی می‌تواند چنین باشد: «بادا که دست راستت باعث شود (ضریبات) هولناک بیفکنی»؛ قرائت یونانی: «دست راست معجزه‌آسا تو را هدایت خواهد کرد»؛ ترجمه ما مبتنی است بر قرائت‌های زروم و ابن عزرا.

<sup>c</sup> تحتاللغظی: «در دل دشمنان پادشاه!» این جمله‌ای است بیانگر تعجب.  
<sup>d</sup> عبارت «ای خدا» که گاه برای انسان‌ها نیز به کار می‌رود (ر. ک. خروج ۱۶:۴)، در اینجا ظاهراً به پادشاه اشاره می‌کند. مطابق ترجمه‌های قدیمی، آیه ۷ خدا را مخاطب قرار می‌دهد. اما عبر ۹-۸:۱ آن را برای «پسر» به کار می‌برد. مفسران مدرن اغلب چنین استنباط کرده‌اند: «تخت سلطنت تو (تخت سلطنت) خدا است» (ر. ک. ۱-۲۳:۲۹)، یا «تخت سلطنت تو (مانند تخت سلطنت) خدا است».

<sup>۹</sup> مرّ، عود، و سلیخه همه جامه هایت [را معطر می سازد]،  
کاخهای عاج، چنگها<sup>e</sup> موجب شادمانی ات می گردد.  
<sup>۱۰</sup> دختران پادشاه در میان محبوبه هایت می باشند<sup>f</sup>،  
بر دست راست، بانویی<sup>g</sup> آراسته به طلای او فیر<sup>h</sup> ایستاده است.

<sup>۱۱</sup> ای دختر [من]، گوش فراد، بین و گوش بسپار،  
روم خود را فراموش کن، خانه پدرت را،  
<sup>۱۲</sup> و پادشاه شیفته زیبایی تو خواهد شد؛  
چون سرور تو است، در برابر او سجد نما.  
<sup>۱۳</sup> دختر صور<sup>i</sup> با هدایا [می آید]،  
ثروتمندین افراد از قوم در پی لطف تو خواهند بود.

<sup>۱۴</sup> دختر پادشاه با درخشش تمام وارد می شود،  
آراسته به پارچه های زربن؛  
<sup>۱۵</sup> با جامه های پر نقش و نگار نزد پادشاه هدایت می شود،  
پس از او، با کره های ملازم او نزد تو آورده می شوند؛  
<sup>۱۶</sup> ایشان را با شادمانی و شعف هدایت می کنند،  
گام به اندرون کاخ پادشاه می گذارند.

<sup>۱۷</sup> پسرانت جای پدرانت را خواهند گرفت،  
آنان را بر تمام زمین سرور قرار خواهی داد.  
<sup>۱۸</sup> می خواهم نام تورا دوره به دوره به یادها آورم،  
از این رو، قوم ها تورا تا ابد و برای همیشه خواهند ستود.

<sup>e</sup> متن مخدوش است و ترجمه ما فاقد قطعیت. برخی چنین ترجمه می کنند: «چون از کاخ عاج بیرون می آیی، نواهای موسیقی تو را شادمان می سازند». قرائت یونانی، ژروم (وابن عزرا): «از کاخهای عاج که به واسطه آنها تو را شادمان ساخته اند (دختران پادشاهان بیرون می آیند)»؛ قرائت راشی: «آنچه که از «من» می آید (یعنی از فردوس)، از کاخهای عاج تورا شادمانتر خواهد ساخت».

<sup>f</sup> ترجمه ما فاقد قطعیت است. برخی چنین ترجمه می کنند: «دختران پادشاهان با جواهرات در آنجا هستند». قرائت ترجمه های قدیمی: «دختران پادشاهان به افتخار تو در آنجا هستند»؛ قرائت سریانی: «یکی از دختران پادشاه (در آنجا) با افتخار ایستاده است».

<sup>g</sup> اسمی که «بانو» ترجمه شده، تنها در نج<sup>۲</sup>:۶ یافت می شود و ظاهراً منشأی بابلی دارد. معنای آن احتمالاً چنین است: «آن (زن) کاخ». در اینجا ممکن است بر مکه مادر دلالت داشته باشد (ر. ک. ۱-پاد<sup>۲</sup>:۲۱۹).

<sup>h</sup> در خصوص «او فیر»، ر. ک. توضیح ۱-پاد<sup>۹</sup>:۲۸.

<sup>i</sup> این اشاره موجب این برداشت شده که این مزمور، سرود تهییت زفاف اخاب و ایزابل صوری بوده است (۱-پاد<sup>۱۶</sup>:۳۱). اما «دختر صور» می تواند فقط به ثروت نو عروس اشاره داشته باشد.

## مزمور ۴۶ (۴۵)

<sup>۱</sup> به رهبر سرود، از بنی قورح. بر «دختران جوان<sup>j</sup>». سرود.

<sup>۲</sup> خدا برای ما پناهگاه است، مکانی مستحکم<sup>k</sup>،  
یاوری که همواره در ساعات پریشانی حاضر است.  
<sup>۳</sup> از این رو، اگر زمین بلرزد، نخواهیم ترسید،  
اگر کوهها در دل دریاها متزلزل شوند<sup>l</sup>،

۹:۶۲

اش ۴:۵-۶؛  
ایوب ۹:۵-۶

<sup>۴</sup> اگر آبهایشان بغرند، بجوشند،  
اگر کوهها به خیزش آنها بلرزند. سلا.  
<sup>۵</sup> شعبه‌های یک نهر<sup>m</sup> شهر خدا را شادمان می‌سازد،  
مسکن مقدس حضرت اعلی را.

۳:۹۳

۶۸:۷۸

<sup>۶</sup> خدا در میان آن (شهر) است؛ آن جنبش ناپذیر است،  
خدا در طلوع بامداد به پاری آن می‌شتابد؛  
<sup>۷</sup> ملت‌ها می‌غرنند، مملکت‌ها متزلزل می‌شوند،  
او بانگ بر می‌آورد، زمین ذوب می‌شود.

۱:۱۲۵:۱۷:۶۸

مکا ۱۱:۱۸؛  
۲۹

<sup>۸</sup> یهوه لشکرها با ما است،  
خدای یعقوب برای ما دژ است. سلا.

اش ۱۴:۷؛  
۱۰:۸

<sup>۹</sup> بیایید و اعمال یهوه را نظاره کنید،  
که بر روی زمین ویرانی‌ها پدید می‌آورد.  
<sup>۱۰</sup> جنگها را تا اقصای جهان خاتمه می‌دهد،  
کمان را خرد می‌کند و نیزه را می‌شکند،  
سپرها<sup>n</sup> را با آتش از میان می‌برد.

۵:۶۶

۴:۷۶  
هو ۲۰:۲

<sup>j</sup> این ترجمه‌ای است که اکیلا و ژروم از کلمه عبری «ال-الموت» به دست داده‌اند. ترجمه یونانی، یعنی «برای اسرار» بازتابی است از همین کلمه عبری اما مبتنی است بر ریشه کلمه‌ای هم‌آوا با آن. بعضی از مفسران کوشیده‌اند این عبارت را به عنوان اسرار آمیز مز ۹:۱ (یعنی «الموت») نزدیک سازند.

<sup>k</sup> در خصوص «سرودهای صهیون» ر. ک. «مقدمه».

<sup>l</sup> ریشه کوهها در آبهای زیرین قرار دارد.

<sup>m</sup> در اینجا نهر قدرتون در نقطه مقابل آبهای عظیمی قرار داده شده که جهان را تهدید می‌کنند. در حرق ۴۷، این نهر همان رودخانه‌ای معروفی شده که زمین احیا شده را آبیاری خواهد کرد.

<sup>n</sup> این کلمه عبری را می‌توان «ارابه‌ها» نیز ترجمه کرد. قرائت‌های یونانی و آرامی، با اندکی تفاوت در اعراب این کلمه، آن را «سپرها» ترجمه کرده‌اند و ما نیز از آنها پیروی کرده‌ایم.

۱۱ باز ایستید و بدانید که خدا من هستم؛  
بر ملت‌ها سلطه می‌رانم، بر روی زمین سلطه می‌رانم.  
۱۲ یهوه لشکرها با ما است،  
خدای یعقوب برای ما دژ است. سلا.

## مزمور (۴۶) ۴۷

۱ به رهبر سرود. از بنی قورح. مزمور.  
۲ ای جمیع قوم‌ها، دست بزنید<sup>۰</sup>،  
خدای را با فریادهای شادی ستایید!  
۳ زیرا مهیب است یهوه، آن متعال،  
پادشاه عظیم بر تمامی زمین.

۴ او قوم‌ها را مطیع می‌سازد،  
ملت‌ها را زیر پای ما [قرار می‌دهد]<sup>۱</sup>؛  
۵ میراث ما را برای ما بر می‌گزیند،  
تکبر یعقوب را که دوستش می‌دارد. سلا.

۶ خدا در میان ستایشها بالا می‌رود،  
یهوه، به صدای کرنا.  
۷ بنوازید [برای] خدا، بنوازید،  
بنوازید برای پادشاه ما، بنوازید؛

<sup>۸</sup> زیرا خدا پادشاه تمام زمین است،  
سرودی زیبا بنوازید<sup>۹</sup>.  
<sup>۹</sup> خدا بر ملت‌ها سلطنت می‌کند،  
خدا بر تخت مقدس خود جلوس کرده است.

۱۰ سروران قوم‌ها گرد می‌آیند  
با قوم خدای ابراهیم<sup>۹</sup>؛

۰ این مزمور با «سرودهای سلطنت» قرابت دارد؛ ر. ک. «مقدمه».  
۱ تحتاللفظی: «یک تعلیم بنوازید»؛ ر. ک. «مقدمه».  
۹ قرائت‌های یونانی و سریانی، به جای «قوم» ترجیمه کرده‌اند «با» و جمله را به این شکل ارائه داده‌اند: «سروران قوم‌ها با خدای ابراهیم متحد شده‌اند»؛ این اشتباه در عبری بسیار ساده ممکن است رخ دهد.

زیرا که سپرها<sup>t</sup> زمین از آن خدا است،  
او بسیار بر افراشته شده است.

## مزمور (۴۷) ۴۸

<sup>۱</sup> سرود. مزمور. از بنی قورح.<sup>s</sup>

<sup>۲</sup> عظیم است یهُوه<sup>t</sup>، بسیار سزاوار ستایش در شهر خدای ما.<sup>t</sup>  
کوه مقدس او  
<sup>۳</sup> به شکلی عالی بر پا است،  
شادی تمامی زمین<sup>u</sup>،  
کوه صهیون، ژرفاهای شمال<sup>v</sup>،  
شهر پادشاه عظیم.<sup>۳۵:۵</sup>  
<sup>۴</sup> خدا در قلعه های مستحکم خود  
خویشن را همچون دژ شناسانده است.<sup>w</sup>

<sup>۵</sup> زیرا اینک پادشاهان ائتلاف کرده بودند،  
متحداً پیش می رفتند؛  
ع دیدند، و ناگاه متغير،  
هراسناک، گریختند.<sup>۱۳:۶۸</sup>

<sup>۷</sup> لرزه ای در آنجا ایشان را در گرفت،  
دردهای زنی که می زاید،<sup>۱۴:۱۵</sup> خروج

<sup>۱</sup> این استعاره ای است که بر پادشاهان دلالت دارد. ر.ک. ۱۰:۸۹؛ ۱۲:۸۹.

<sup>۲</sup> قرائت یونانی اضافه می کند: «در روز دوم بعد از سبّت».

<sup>۳</sup> در خصوص «سردهای صهیون»، ر.ک. «مقدمه».

<sup>۴</sup> تحتاللفظی: «با ارتعاعی زبیبا، شادی تمامی زمین». در این آیه شاید عنوانین افتخارآمیزی که به کوه صهیون داده شده، بر شمرده شده است.

<sup>۷</sup> تحتاللفظی: «اقصاهای صَفُون». در متن عبری، این نام دلالت دارد بر سرزمینی دوردست که مطابق حرق ۳۸، ۶:۱۵ و ۲:۳۹،  
جوج از آنجا خواهد آمد. اما در متن عبری اش ۱۳:۱۴، این اشاره ای است به کوهی اسطوره ای که تجمع خدایان در آن صورت  
می گیرد. «صفون» نام کوهی است که طبق اشعار اسطوره ای اوگاریت، خدای بعل در آن ساکن است. با اینکه معبد در شمال  
اورشلیم باستان بنا شده بود، اما آنچه در این آیه مورد اشاره قرار دارد، نکته ای فراتر از داده های جغرافیایی است. این نشان  
می دهد که موضوعی اسطوره ای که در اصل کنعانی بوده، به خدای اسرائیل نسبت داده شده است.

<sup>۸</sup> شاید مراد این است که کاخهای صهیون هرچقدر هم مستحکم باشند، دژ واقعی همانا خدا است (ر.ک. ۱۰:۹؛ ۱۰:۴۶،  
۱۲:۵۹؛ ۱۰:۵۹؛ ۱۸-۱۷: ۷، ۳:۶۲). قرائت های یونانی و زروم: «خدا زمانی که آن را امداد می رساند، مورد  
تصدیق قرار می گیرد».

<sup>۱۷:۱۸</sup> ار همچون باد شرقی<sup>۸</sup>  
که کشتهای ترشیش<sup>x</sup> را در هم می‌شکند.

<sup>۹</sup> آن سان که به ما گفته بودند، به همان سان آن را دیده ایم  
در شهر یهوه لشکرها،  
در شهر خدای ما؛  
بادا که خدا آن را تا به ابد استوار بدارد! سلا.

<sup>۱۰</sup> ای خدا، وفاداری تو را به یاد می‌آوریم،  
در میان معبد تو.<sup>y</sup>

<sup>۱۱</sup> ای خدا، به سان نامت،  
ستایش تو تا به اقصای زمین می‌رود<sup>z</sup>؛  
دست راستت از عدالت آکنده است.

<sup>۱۲</sup> کوه صهیون شادی می‌کند،  
دختران یهودا<sup>a</sup> وجود می‌نمایند  
به سبب داوریهای تو.

<sup>۳:۱۱۳</sup><sup>۸:۹۷</sup>

<sup>۱۳</sup> صهیون را طواف کنید و پیرامون آن را بپیمایید،  
برج هایش را بشمارید،  
<sup>۱۴</sup> دیوارهایش را بررسی کنید،  
قلعه های مستحکمش را کند و کاو نمایید<sup>b</sup>،  
تا برای نسل بعدی بازگو کنید  
<sup>۱۵</sup> اکه اینچنین است خدا،  
خدای ما تا به ابد و برای همیشه؛  
هم او است که ما را هدایت می‌کند.<sup>c</sup>.

<sup>۴:۷۸</sup>

<sup>x</sup> برای اسرائیلیان، ترشیش دورترین نقطه مغرب زمین بود. «کشتهای ترشیش» ناوهایی بودند که جرأت می‌کردند دریاهای بزرگ را بپیمایند. ر.ک. ۲۲:۱۰. پاد.

<sup>y</sup> این عبارت می‌تواند اشاره ای باشد هم به عملی ذهنی و هم مراسمی آینینی.

<sup>z</sup> تحتاللغظی: «نام تو، ای خدا، و نیز ستایش تو تا به اقصای زمین (می‌رود)».

<sup>a</sup> منظور می‌تواند قصبه های تابع یک شهر بزرگ نیز باشد (اعد ۲۵:۲۱، ۳۲: ۳۲؛ یوشع ۴۵:۱۵). ابن عزرا نیز همین برداشت را کرده است.

<sup>b</sup> این فعل فقط در عبری مربوط به دوره بعد از تعبد، و در معنای «جدا ساختن» به کار رفته است. قرائت یونانی: «تقسیم و توزیع کنید»؛ سیماک: «اندازه بگیرید»؛ سریانی: «ویران کنید».

<sup>c</sup> این مزمور با فرمول معماً گونه «الموت» به پایان می‌رسد. قرائت یونانی: «ما را تا به ابد می‌برد»، ژروم: «تا به مرگ می‌برد»؛ سریانی: «تا به فراسوی مرگ می‌برد»؛ آرامی: «مانند زمان جوانی ما».

## مزمور (۴۸) مزمور (۴۹)

<sup>۱</sup> به رهبر سرود، از بنی قورح. بر «مرگ». مزمور.

<sup>۲</sup> به این گوش فرا دهید، ای جمیع قوم‌ها<sup>d</sup>،

امث:۸

گوش بسپارید، ای همه ساکنان جهان،

<sup>۳</sup> ای عوام و ای خواص،

همگی، ثروتمند و فقیر.

<sup>۴</sup> دهانم چیزهای حکمت آمیز خواهد گفت

و دلم چیزهای هوشمندانه زمزمه خواهد کرد.

<sup>۵</sup> گوش خود را به مثلى می سپارم،

معماي خود را بر بربط حل می کنم.

<sup>۶</sup> به چه سبب در روزهای سیه روزی هراسان باشم،

آن هنگام که شارت فریبکاران مرا احاطه می کند<sup>e</sup>،

<sup>۷</sup> آنان که به دولت خود اعتماد دارند

لو:۱۶:۲۱ ارج:۲۲:۹

و به ثروت عظیم خود می بالند؟

<sup>۸</sup> با این همه، هیچکس نمی تواند خود را آزاد سازد،

و بهای بازخریدش<sup>f</sup> را به خدا بپردازد؛

مت:۱۶:۲۶

<sup>۹</sup> بازخرید حیاتش بیش از حد گران است:

تا به ابد به دست نخواهد آمد!<sup>g</sup>

<sup>۱۰</sup> و گویی همیشه زنده خواهند ماند

بی آنکه هرگز گودال را ببینند!

<sup>۱۱</sup> اما آن را می بینند: حکیمان می میرند،

<sup>d</sup> در خصوص «مزامیر تعلیمی» ر. ک. «مقدمه».

<sup>e</sup> متن مبهم است: تحتاللفظی: «شرط پاشنه های من (يعني «شرط آنانی که بر روی پاشنه های من هستند») مرا احاطه می کند»؛ در عربی اشاره به «پاشنه» تداعی کننده فریبکاری است (ر. ک. هو ۱۲:۸-۲).

<sup>f</sup> صفت ملکی در اینجا معنای دوبلو دارد و می تواند یا به بازخرید «کسی دیگر» اشاره کند (تحتاللفظی: «برادر»، مانند ترجمه زروم)، یا به بازخرید خود شخص (مانند قرائت یونانی).

<sup>g</sup> برخی از مفسران فاعل فعل «به دست نخواهد آمد» را «حیات» به شمار می آورند ولذا جنین ترجمه می کنند: «آن برای همیشه باید باز ایستد». این گونه نیز می توان ترجمه کرد: «بهای بازخرید حیات ایشان گران است؛ همیشه پول کم خواهد آمد».

ابله و احمق نیز هلاک می شوند،  
و دولت خود را برای دیگران ترک می گویند؛  
بنسی ۱۹:۱۱

<sup>h</sup> ۱۲ مقبره های ایشان خانه هایشان هستند تا به ابد،  
مسکن ایشان دوره به دوره،  
حال آنکه نام خود را بر زمینها نهاده بودند!

<sup>ii</sup> ۱۳ انسان در شکوه خود در ک نمی کند،  
به سان احشامی است که از میان می روند.  
۱۴ چنین است تقدیر آنان که به خود اطمینان دارند،  
آینده این حرفان ارضاشده. سلا.  
۱۵ به سان گله ای که برای شئول مقرر شده،  
ایشان را مرگ خواهد چرا نید؛  
مستقیم به قبر فرو خواهند رفت،  
<sup>k</sup> تصویرشان محو خواهد شد،  
شئول مسکن ایشان خواهد بود.  
۱۶ اما خدا جان مرا از قدرت شئول رهابی خواهد داد؛  
زیرا مرا بر خواهد گرفت. سلا.

۱۷ چون شخصی ثروتمند می شود، هراسان مشو،  
آن هنگام که تو انگری خانه اش فزونی می یابد؛  
۱۸ چرا که به هنگام مرگش چیزی نخواهد برد،  
توانگری اش به دنبال او فرو نخواهد رفت.

۱۹ در طول حیاتش می تواند به جان خود تنهیت گوید،  
بشنود که خود را برای نیکی کردن به خویشتن می ستاید؛

h ترجمه فاقد قطعیت است. رَبِّ های مفسر کلمه عبری مورد استفاده را «قیربام» می خوانند، یعنی «در اندرون خودشان». اما ترجمه های قدیمی این کلمه را «قیرام» خوانده اند، یعنی قیر. ما در ترجمه خود از این قرائت استفاده کرده ایم.

i «نهادن نام خود» بروی یک زمین مخصوص مالکیت همیشگی آن بود. ر.ک. ۲۸:۱۲-سمو ۷:۶

ii قرائت عبری: «طول نخواهد کشید»؛ تحتاللفظی: «شب را سپری نخواهد کرد». ترجمه ما میتوانی است بر ترجمه های قدیمی و با توجه به آیه ۲۱.

j ترجمه های قدیمی چنین برداشت کرده اند: «دلهای راست بر ایشان سلطه خواهند راند». بعضی نیز چنین ترجمه می کنند: «روز

بعد، مردمان راست ایشان را لگدها می کنند».

k قرائتی دیگر: «صخره ایشان»، یعنی قوتشان؛ قرائت یونانی: «امداد ایشان» یا «خدای ایشان» (ر.ک. تث ۳۱:۳۲).

l متن مبهم است. تحتاللفظی: «دور از مسکنی برای او»؛ قرائت سریانی: «از جلال خود دور خواهند بود»؛ ترجمه تفسیری آرامی چنین فرض کرده: «به سبب مسکن او» (یعنی معبد اورشلیم که به دست دشمنان ویران شده است).

۱۰ او به نسل پدران خود ملحق خواهد شد،  
که هرگز نور را نخواهند دید.

ایوب ۱۰:۲۱-۲۲

۱۱ انسان در شکوه خود در ک نمی کند<sup>m</sup>،  
به سان احشامی است که از میان می روند.

## مزمور (۴۹) ۵۰

۱ مزمور. از آساف<sup>n</sup>.

خدای خدا بیان، یهوده<sup>o</sup>  
سخن می گوید و زمین را فرا می خواند  
از محل طلوع آفتاب تا به محل غروب آن.  
۲ خدا از صهیون، آن زیبایی کامل، می درخشند.  
۳ خدای ما می آید، خاموش خواهد ماند.  
آتشی در برابر او از میان می برد،  
طوفان در پیرامون او بیداد می کند.

تث ۱۰:۱۷

تث ۴:۳۳  
۲:۴۸  
۲:۸۳تث ۳:۲۲-۲۳  
دان ۷:۱۰  
ایوب ۶:۴

۴ آسمانها را از بالا فرا می خواند،  
و زمین را، تا قوم خود را داوری کند:  
۵ «وفادران مرا گرد آورید  
که با قربانی با من عهد بسته اند.»  
۶ آسمانها عدالت او را اعلام می کنند،  
زیرا خدا خود داوری خواهد کرد: سلا.

خروج ۲۴:۴-۸

۷ «ای قوم من، گوش فرا ده تا سخن گویم،  
ای اسرائیل، تا تورا آگاه سازم،  
من، خدا، که خدای تو می باشم.

۹:۸۱

۸ به سبب قربانی های ذبحی ات نیست که تو را سرزنش می کنم،  
قربانی های سوختنی تو دائم در برابر من است.

m میان عبارات عبری «لو یابین» (یعنی «در ک نمی کند») در آیه ۲۱، و «بل یالین» (یعنی «شب را سپری نخواهد کرد»): ر.ک. توضیح آیه ۱۳)، بازی کلمات به چشم می خورد. ترجمه های قدیمی به این بازی کلمات توجه نکرده اند و آیات ۱۳ و ۲۱ را به یک شکل برگردانده اند.

n «آساف» نیای بزرگ گروهی از سرایندگان لاوی بود (۱-توا ۶:۲۴). مزمیر ۵۰ و ۷۳-۸۳ به او منسوب هستند.  
o این نوعی «پند نبوی» است: ر.ک. «مقدمه».

۱۹ گاو نری از خانه ات نخواهم گرفت،  
نه بزر نری از آغلت؛  
۲۰ زیرا جمیع حیوانات جنگل از آن من هستند،  
حیوانات کوهساران، هزاران هزار<sup>P</sup>؛  
۲۱ همه پرندگان آسمان را می شناسم،  
و حیوان صحراء برای من است.

۲۲ ۱۲ گر گرسنه می بودم، به تو نمی گفتم؛  
زیرا جهان از آن من است، و آنچه که آن را پر می سازد.  
۲۳ آیا گوشت گاوان نر را بخورم،  
و خون بزهای نر را بنوشم؟

۲۴ ۱۴ به خدا قربانی ستایش تقدیم کن<sup>۹</sup>؛  
و به نذرهايت برای آن متعال و فانما،  
۲۵ ۱۵ سبیس مرا در روز پریشانی بخوان:  
تو را رهایی خواهم داد: مرا جلال خواهی داد.»

۱۶ اما خدا به شریر می گوید:  
«تورا چه که فرایض مرا بازگو کنی،  
که تنها عهد مرا بردهان داری،  
۱۷ تو که از تأديت متنفر هستی  
و سخنان مرا به پشت خود می اندازی؟

۲۶ ۱۸ دزد را می بینی و با او دوست می شوی،  
با زناکاران پیوند داری؛  
۱۹ می گذاری که دهانت به سوی بدی برود،  
و زیانت فریب را ترتیب می دهد؛  
۲۰ می نشینی، بر علیه برادرت سخن می گویی،  
پسر مادرت را رسوا می سازی.

<sup>P</sup> تحتاللفظی: «حیوانات روی کوهساران گاوان». قرائت‌های یونانی و سریانی: «حیوانات کوهساران و گاوان». اکیلا، ژروم، و  
قرائت‌آرامی به جای «گاوان»، «هزار» استبطاط کرده‌اند و ما نیز از آنها تبعیت کرده‌ایم.  
<sup>q</sup> قرائت‌آرامی: «ستایش را همچون قربانی به خدا تقدیم کن»؛ همین توضیح در مورد آیه ۲۳ نیز صادق است.

۲۱ آنچه می‌کنی این است، و گویی من باید خاموش باشم!  
پنداشته‌ای که من مانند تو هستم!  
تورا سرزنش خواهم کرد،  
همه را در مقابل چشمانست به نمایش خواهم گذارد.

۲۲ پس این را درک کنید، ای شما که خدا را از یاد می‌برید،  
مبادا که بدروم و کسی برای رهایی دادن نباشد!

۱۴:۵

۲۳ هر آن کس که قربانی ستایش تقدیم می‌کند، مرا جلال می‌دهد،  
به مرد راست<sup>۵</sup> نجات خدا را نشان خواهم داد.»

۱۶:۹۱

## مزمور ۱ (۵۰)

<sup>۱</sup> به رهبر سرود. مزمور. از داد.  
آن هنگام که تاتان نبی به سراغ او رفت، پس از آنکه وی به سوی بتسبیع  
رفته بود.<sup>۲</sup>

۳ ای خدا، مطابق وفاداری ات بر من رحم فرما،  
مطابق فراوانی شفقت خود خطایم را بزدا.

۵:۴۱

۴ مرا بشوی، مرا از خطایم بشوی،  
مرا از گناهم طاهر ساز.

اش:۲۵:۴۳  
۲۲:۴۴  
۲۵:۳۶  
حرق ۲۳:۳۷

۵ زیرا از خطای خود آگاهم،  
و گناهم دائماً در برابر من است.

ایوب ۳۳:۳۱

۶ بر علیه تو، و تنها تو، گناه کرده ام،  
آنچه را که در نظر تو بد است، آن را انجام داده ام،

لو ۱۸:۱۵

تا آنکه چون سخن می‌گویی، محق باشی،  
(و) چون داوری می‌کنی، بی ملامت باشی.<sup>۶</sup>

۷ متن عبری که بسیار دشوار است، ظاهراً دو گونه مختلف را در بر دارد: یکی همین ترجمه ما است (و ترجمه‌های قدیمی نیز به همین شکل برداشت کرده‌اند)، و دیگری این است: «می‌پنداری که من-هستم می‌باشی»، و «من-هستم» نامی است که خدا در خروج ۱۴:۳ برای خود به کار برده است.

۸ متن عبری: «او راهی را در پیش می‌گیرد که در آن نجات خدا را به او نشان خواهم داد»؛ قرائت‌های یونانی و سریانی: «راه این است»؛ ترجمه ما مبتنی است بر قرائت‌های سیماک و ثروم.

۹ این مزمور توبه کاری را با ماجرای مذکور در ۲-سمو ۱۲ مرتبط می‌دانند، زیرا می‌پندارند گناهکاری که حاضر است راه نیک را به مجرمین تعلیم دهد (آیه ۱۵) همان داده است، و نیز به این دلیل که زنا با بتسبیع بزرگترین گناه داده بود. این مزمور را جزو «نبایشهای فردی برای درخواست کمک» به شمار می‌آورند (ر.ک. «مقدمه»).

۱۰ قرائت‌های یونانی و سریانی: «بدینسان، در سخنان خود عادل تلقی خواهی شد و وقتی تورا داوری می‌کنند، پیروز خواهی گردید»؛ ر.ک. روم ۳:۳.

یو:۹:۳۴  
روم:۷:۱۴

<sup>۷</sup> ببین؛ من در خطای زاده شدم،  
مادرم در گناه به من آبستن شد.

<sup>۸</sup> ببین؛ آنچه که در عمق وجود<sup>W</sup> می خواهی، راستی است،  
در خفا حکمت را به من می شناسانی<sup>X</sup>.  
<sup>۹</sup> گناه مرا با زوفا<sup>۹</sup> محو ساز، و پاک خواهم شد،  
مرا بشوی، و از برف سفیدتر خواهم گردید.

اش:۱

حرق:۱۴-۱:۳۷

<sup>۱۰</sup> شعف و شادی را به من بشنوان،  
بادا که استخوانهایی که سایده ای به وجود آیند.  
<sup>۱۱</sup> روی خود را در برابر گناهان من پنهان ساز،  
همه خطاهایم را بزدا.  
<sup>۱۲</sup> ای خدا، برای من دلی پاک بیافرین،  
در بطن من روحی استوار احیا نما.

حرق:۱۱:۱۹  
۳۶:۲۶  
۱۷:۵-۲

اش:۱۱:۶۳

<sup>۱۳</sup> مرا از حضور روی خود دور میندار،  
روح مقدس خود را از من بر مدار.  
<sup>۱۴</sup> شعف نجات خود را به من باز ده،  
با روحی سخاوتمند<sup>Z</sup> مرا حمایت فرما.

<sup>۱۵</sup> طریق های تو را به طغیانگران تعلیم خواهم داد  
و گناهکاران به سوی تو باز خواهند گشت.  
<sup>۱۶</sup> ای خدا، مرا از خون رهایی ده<sup>a</sup>، ای خدای نجات من،  
باشد که زبانم عدالت تو را بستاید.  
<sup>۱۷</sup> ای خداوند، لبانم را بگشا،  
و دهانم ستایش تو را انتشار خواهد داد.

<sup>۷</sup> تحتاللفظی: «مادرم در شهوت به من آبستن شد». فعلی که به این شکل آمده، تنها در پید ۴۱:۳۰ یافت می شود و به میل جنسی گوشنده اشاره دارد.

<sup>W</sup> مفهوم و ریشه عبارت «در عمق وجود» بسیار مبهم است. قرائت آرامی: «در گُرده ها»؛ بعضی نیز «در ظلمات» ترجمه می کنند.

<sup>X</sup> قرائت های یونانی و ژروم: «اینک راستی را دوست داشته ای و چیزهای نادیدنی و مخفی حکمت خود را به من نشان داده ای». <sup>۲۲:۱۲</sup> در خصوص «زوفا»، ر. ک. خروج.

<sup>Y</sup> بعضی این گونه ترجمه می کنند: «روح سخاوتمند مرا حمایت کند». <sup>Z</sup> یعنی «کاری کن که خون من ریخته نشود» (قرائت آرامی)، یا «مرا از خونی که ریخته ام ظاهر ساز» (بر اساس تفسیر ری ها که این را اشاره ای به قتل اوریا تلقی می کنند).

<sup>۱۸</sup> زیرا که قربانی ذبحی نمی‌خواهی،  
اگر قربانی سوختنی تقدیم کنم، آن را مقبول نخواهی داشت.<sup>b</sup>

<sup>۱۹</sup> قربانی من برای خدا، روحی خردشده است؛  
ای خدا، دلی شکسته و اندوهگین را خوار نمی‌شماری.

حرق: ۶

<sup>۲۰</sup> در التفات خود به صهیون نیکی نما،  
دیوارهای اورشلیم را بنا کن.<sup>۱۸-۱۴:۱۰۲</sup>

<sup>۲۱</sup> آنگاه از قربانی‌های عادلانه خرسند خواهی شد،  
قربانی‌های سوختنی، هدیه کامل<sup>c</sup>؛  
آنگاه گاوان نر بر قربانگاه تو برخواهد آمد.

۶:۴

## مزمور ۵۲ (۵۱)

<sup>۱</sup> به رهبر سرود. شعر. از داود. <sup>۲</sup> آن هنگام که دوآغ ادومی به شائول اطلاع داد و گفت: «داود وارد خانه اخیملک شده است.» <sup>۳</sup> مزمور ۲۱:۸

<sup>۳</sup> چرا به سبب شرارت فخر می‌کنی<sup>d</sup>،  
ای قهرمان بی شرمی؟  
تمامی روز

<sup>۴</sup> سیه روزیها در سر می‌پرورانی؛  
زبانت همچو تیغ تیز است،  
ابداع کننده فریب!  
<sup>۵</sup> بدی را بر نیکی ترجیح می‌دهی،  
دروغ را بر سخنان عادلانه. سلا.  
<sup>۶</sup> تمام سخنان نابودکننده را دوست می‌داری،  
ای زبان دروغگو!

<sup>۷</sup> از این رو، خدا تو را برای همیشه در هم خواهد کوبید،  
تورا خواهد برد، از خیمه ات برخواهد کند  
و تو را از زمین زندگان ریشه کن خواهد ساخت. سلا.

ایوب: ۱۸:۱۴

امث: ۲:۲۲

<sup>b</sup> قرائت یونانی: «اگر قربانی ای می‌خواستی، به تو می‌دادم. قربانی سوختنی را نخواهی پذیرفت.»

<sup>c</sup> در خصوص «هدیه کامل»، ر.ک. لاو. ۶:۱۵

<sup>d</sup> در خصوص مزمیری که از زمرة «پندهای نبوی» به شمار می‌آیند، ر.ک. «مقدمه».

<sup>۴:۴۰</sup> <sup>۸</sup> عادلان او را دیده، خواهند ترسید،  
او را تمسخر خواهند کرد:  
<sup>۹</sup> «این است آن مرد<sup>e</sup> که خدا را پناهگاه خود نساخت،  
<sup>۲۸:۱۱</sup> بلکه بر ثروت عظیم خود اعتماد داشت  
و به اموال خود می‌باليد!»

<sup>۱۳:۹۲:۳:۱</sup> <sup>۱۰</sup> و من، به سان درخت زیتونی سرسیز  
در خانه خدا،  
<sup>۶:۱۳</sup> به وفاداری خدا اعتماد خواهم کرد،  
تا به ابد و همیشه.  
<sup>۱۱</sup> تا به ابد تو را خواهم ستود، چرا که عمل کرده‌ای،  
نامت را اعلام خواهم کرد، چرا که نیکو است،  
در حضور وفادارانت.

## مزمور ۵۳ (۵۲<sup>f</sup>)

<sup>۱</sup> به رهبر سرود. بر «محَلت<sup>g</sup>». شعر. از دادود.

<sup>۲</sup> آدم بی عقل در دل خود می‌گوید: «خدا بی نیست.»  
ایشان رفتاری منحرف دارند، نفرت انگیز،  
حتی یک نفر (از ایشان) نیز نیکی را به جا نمی‌آورد.

<sup>۳</sup> خدا از فراز آسمانها به سوی بنی بشر خم می‌شود،  
تا ببیند کسی از آنان عاقل هست،  
که خدا را بطلبد.

<sup>۴</sup> ایشان همگی گمراه شده و به یک اندازه فاسد گردیده‌اند،  
یکی (از ایشان) نیز نیکی را به جا نمی‌آورد،  
نه، نه حتی یک نفر.

<sup>۵</sup> کلمه عبری «گِیر» در ترجمه‌های قدیمی «مرد» برگردانده شده، اما می‌تواند بازتابی باشد از کلمه «گَبِيُور» (قهرمان یا جبار) در آیه ۳. به همین دلیل، در بعضی از ترجمه‌ها همان «قهرمان» در اینجا نیز تکرار شده است.

<sup>f</sup> این مزمور «بند نبوی» مزمور <sup>۱۴</sup> را تکرار می‌کند (ر.ک. «مقدمه»). اما در عنوان خود، در جایگزین کردن نام یهوه با خدا، و در ترکیب آیه <sup>۶</sup> با آن تفاوت دارد (آیه <sup>۶</sup> مرتبط است با آیات <sup>۵-۶</sup> مزمور <sup>۱۴</sup>).

<sup>g</sup> این اصطلاحی است فنی و معادل با مز <sup>۸۸:۱</sup>. قرائت یونانی آن را همچون اسم خاص برگردانده است (ر.ک. پید <sup>۹:۲۸</sup>). سایر ترجمه‌های قدیمی و ژروم آورده‌اند: «بر دسته سرایندگان».

آیا در ک نخواهند کرد، آنان که بدی را به جا می آورند،  
که قوم مرا می خورند [آن سان که] نان را می خورند،  
که خدا را نمی طلبند؟

ایشان از ترس خواهند لرزید در جایی که ترسی نیست،  
چرا که خدا استخوانهای بی دینان را پراکنده خواهد ساخت.  
شرسار خواهند شد: خدا ایشان را رد کرده است.<sup>h</sup>

آه! بادا که نجات اسرائیل از صهیون بیاید!  
آن هنگام که خدا تقدیر قوم خود را تغییر دهد،  
بعقوب به وجود خواهد آمد، اسرائیل شادی خواهد کرد.

## مزمور (۵۴) (۵۳)

<sup>۱</sup> به رهبر سرود، برآلات زهی. شعر. از داد.

آن هنگام که زیفی‌ها نزد شائول رفتند و گفتند: «آیا داود نزد ما مخفی نشده است؟»

ای خدا، به نام خود مرا نجات ده،  
و با دلاوری خود مرا داد بده.  
ای خدا، دعای مرا بشنو،  
به سخنان دهانم گوش فرا ده.  
زیرا متکبران بر علیه من بر خاسته اند،  
ستمکاران در قصد جانم هستند،  
خدا را در مقابل خود قرار نمی دهند.<sup>k</sup> سلا.

۱۴:۸۶

اینک خدا مرا مدد می رساند،  
خدا حامی جان من است.<sup>l</sup>

بدکاران بدون دلیلی ظاهری به لزه در می آیند و دچار اضطرابی هولناک می شوند. این آیه، برخلاف مز ۱۴:۵-۶، به یکی از نمایندگان ملت خطاب شده است.

این دعا برای دریافت امداد الهی به دوره‌ای از زندگی داود مرتبط شده که وی تحت آزار و پیگرد شائول قرار داشت (۱-سمو ۱۹:۲۳). در ترجمه سریانی، به موقعیتی دیگر اشاره شده: «آن هنگام که داود به یوآب دستور داد تا به ابشاروم حمله کند» (۲-سمو ۱۸).

ز در خصوص «نیایشهای انفرادی برای درخواست کمک»، ر. ک. «مقدمه».

یعنی به خدا توجهی نمی کنند: ر. ک. مز ۸:۱۶.

۱ قرائت عبری: «خداآنده با آنانی است که حامی من اند»؛ ترجمه ما میتوانی است بر ترجمه های قدیمی (به جز ترجمه آرامی).

<sup>۷</sup> بادا که بلا بر کسانی وارد آید<sup>m</sup> که در کمین من اند؛  
در وفاداری خود ایشان را نابود ساز.

<sup>۸</sup> با تمامی دل برایت قربانی خواهم کرد،  
<sup>۱۱:۵۲</sup> نامت را خواهم ستد، ای یهُوهُ، چرا که نیکو است؛  
<sup>۷:۱۱۸</sup> <sup>۹</sup>زیرا مرا از هر پریشانی رهانیده است<sup>n</sup>،  
و چشم بر دشمنانم می نگرد.

## مزمور (۵۴) (۵۵)

<sup>۱</sup> به رهبر سرود. بر آلات زهی. شعر. از داد.

<sup>۶:۸۶:۱:۱۷</sup> <sup>۲</sup> ای خدا، به دعای من گوش فرا ده<sup>۰</sup>،  
خود را از استغاثه من مخفی مساز.  
<sup>۳</sup> به من توجه فرما، مرا پاسخ بده؛  
در شکایت خود پریشان گویی می کنم، مضطربم  
<sup>۴</sup> از فریادهای دشمن،  
هیاهوی آدم بدکار؛  
زیرا بلا را بر من فرو می ریند  
و با خشم به من حمله می کنند.

<sup>۵</sup> دلم در اندر و نم می لرزد،  
و ترسهای مرگ بر من افتاده است؛

<sup>۶</sup> هر اس و لرزه مرا فرو می گیرد،  
وحشت مرا در بر می گیرد.  
<sup>۷</sup> و می گویم: کاش که مرا بالها می بود به سان کبوتر،  
پرواز می کرد و می رفتم تا استراحت یابم؛  
<sup>۸</sup> آری، به جایی بسیار دور می گریختم،  
در بیابان مسکن می گزیدم. سلا.  
<sup>۹</sup> می شناختم تا پناهگاهی بیابیم  
در مقابل تندباد و طوفان.

ترجمه ما میتنی است بر متن خوانده شده و ترجمه های قدیمی (جز آرامی): متن نوشته شده (و آرامی): «بلا... وارد خواهد آمد...»

<sup>n</sup> فاعل فعل «نام یهُوهُ» می باشد.  
<sup>۰</sup> در خصوص «نیاشهای انفرادی برای درخواست کمک»، ر. ک. «مقدمه».

۱۰ برهم بزن، ای خداوند، زبانشان را تقسیم کن،

زیرا ستم و نزاع در شهر می بینم،

۱۱ ایشان روز و شب گرد دیوارهایش می گردند،

جنایت و بدکاری در بطن آن [ساکن است]،

۱۲ ظلم و فریب میدان آن را ترک نمی کند.

۱۳ دشمن نیست که مرا ناسزا می گوید:

آن را تحمل می کردم؛

آن کس که با من با تکبر رفتار می کند، نفرت کننده ام نیست:

خود را از او مخفی می ساختم؛

۱۴ اما این تو هستی، مردی هم رتبه من،

یار من و آشنای من،

۳:۹ از ۱۰:۴۱

۱۵ و با هم صمیمیتی شیرین داشتیم

در خانه خدا،

آن هنگام که در جماعت<sup>۹</sup> پرهیاهو پیش می رفتم.

۱۶ بادا که مرگ بر آنان فرو افتاد<sup>۱۰</sup>،

اعد ۳۳:۱۶

زنده به شئول فرو روند،

زیرا بدی در مسکن ایشان است<sup>۱۱</sup>.

۱۷ اما من به سوی خدا فریاد بر می آورم،

و بادا که یهوه مرا نجات دهد!

دان ۱۱:۶

۱۸ شبانگاه، بامدادان، در نیمروز

شکایت می کنم و ناله سر می دهم؛

باشد که صدای مرا بشنود،

p تحت اللطفی: «گفتگو را شیرین می ساختیم».

۱۰ این کلمه عبری معمولاً با فعلی همراه است به معنی «به تحرک آمدن» یا «به هیجان آمدن». به همین دلیل، ترجمه‌های گوناگونی از این کلمه ارائه شده است: ژروم: «در وحشت»؛ آرامی: «در هیاهو»؛ و راشی: «در جماعت». اما قرائت‌های یونانی، سریانی، و ابن عزرا چنین برداشت کرده‌اند: «در همانگی».

۱۱ ترجمه فاقد قطعیت است. در عبری، دو قرائت سنتی وجود دارد که یکی به معنی «نابودی» است و دیگری (همراه با ترجمه‌های قدیمی) به معنی «مرگ».

۱۲ ترجمه فاقد قطعیت است، زیرا کلمه‌ای که «بدی» ترجمه شده، می‌تواند به معنی «بلاهای نیز باشد (لذا: «آن هنگام که بلاهای بر ایشان نازل شود»). آکلا، سیماک، و ژروم، عبارت «در مسکن ایشان» را آورده‌اند: «در تجمع ایشان».

<sup>۱۹</sup> جانم را آزاد سازد [و آن را] در آرامش، دور از جنگ [استوار سازد]:  
زیرا بسیارند که برضد من می باشند.<sup>۱</sup>

<sup>۲۰</sup> بادا که خدا بشنو و ایشان را خوار سازد،  
او که در زمانهای کهن جلوس فرموده است. سلا.  
<sup>۱۰:۲۹</sup>  
زیرا که برای آنان اصلاحی نیست  
و از خدا نمی ترسند.

<sup>۲۱</sup> او دست خود را بر کسی بلند می کند که با او در آرامش بود<sup>۱۱</sup>،  
عهد خود را بی حرمت می سازد؛  
<sup>۱۰:۵</sup>  
<sup>۲۲</sup> زبانش از خامه چربتر است،  
اما دلش نیست مگر جنگ؛  
سخنانش از روغن مطبوع تراست،  
اما آنها شمشیرهای بی نیام می باشند.  
<sup>۵:۵۷</sup>

<sup>۱۱</sup> بار سنگین<sup>۷</sup> خود را بر یهوه قرار ده  
و او تو را حمایت خواهد کرد،  
عادل را نخواهد گذاشت  
که تا ابد تلوخوران برود<sup>۱۲</sup>.

<sup>۲۴</sup> و تو، ای خدا، آنان را فرود خواهی آورد  
در چاه گودال<sup>X</sup>:  
مردان خونی و حیله گر  
به نیمه روزهای خود نخواهند رسید.  
<sup>۲۵:۱۰۲</sup>  
و من به تو اعتماد می کنم.

<sup>۱۳</sup> تحتاللفظی: «زیرا ایشان نزد من گروهی انبوه بودند»؛ قرائت سریانی: «زیرا با من مرافعه داشتند». ربّی های مفسر معتقدند که این گروه انبوه آنانی هستند که مزمور نگار را کمک می کنند (راشی آنان را اسرائیلیانی می داند که طرفدار داود هستند، و ابن عزرا آنان را فرشگان می داند).

<sup>۱۲</sup> در عبری فاعل فعل تصریح نشده است.

<sup>۷</sup> این ترجمه ای است فرضی از یک کلمه ای که در عبری کتاب مقدس به کار نرفته، اما در تلمود به همین معنی «بار سنگین» می باشد. قرائت های یونانی و سریانی: «غضه خود را»؛ زروم: «عشق خود را»؛ آرامی: «امید خود را».

<sup>۱۳</sup> این گونه نیز می توان ترجمه کرد: «هرگز نخواهد گذاشت عادل تا ابد تلوخوران برود». X منظور جهنم است.

## مزمور ۵۶ (۵۵)

<sup>۱</sup> به رهبر سرود. بر «کبوتر گنگ در دور دستها»<sup>a</sup>. از داد. شعر زرین  
<sup>(?)</sup><sup>b</sup>. آن گاه که فلسطینیان او را در جت گرفتند.

-سمو ۱۱:۲۱ -۱۳

۲ بر من رحم فرما، ای خدا، زیرا انسان‌ها مرا له می‌کنند<sup>c</sup>،  
 تمامی روز مهاجمی بر من ستم می‌راند؛  
<sup>۳</sup> آنان که در کمین من اند تمامی روز مرا له می‌کنند،  
 زیرا بسیارند آنان که بر من هجوم می‌آورند.  
<sup>b</sup> مرا بر خیزان:

<sup>۴</sup> در روزی که می‌ترسم،  
 بر تو است که اعتماد می‌کنم.

۱۳:۶۰

<sup>۵</sup> به خدا که کلامش را می‌ستایم،  
 به خدا اعتماد می‌کنم، نمی‌ترسم:  
 موجودی گوشتی به من چه می‌تواند بکند؟

۱۳:۶۰

<sup>۶</sup> تمامی روز سخن می‌گویند و مشورت می‌کنند<sup>c</sup>،  
 همه تدبیرهای ایشان برای شوربختی من است؛  
<sup>۷</sup> از دحام می‌کنند، خود را مخفی می‌سازند، رد پاهایم را مشاهده می‌کنند،  
 برای زندگی من حرص و آز دارند.  
<sup>۸</sup> ایشان را به سبب بی‌انصافی شان رد نما،  
 در خشم خود قوم‌ها را در هم بکوب، ای خدا.

۲۳:۱۸

<sup>۹</sup> تو قدم‌های آواره مرا شمرده‌ای،  
 اشکهایم را در مشک خود جمع کن؛  
 آیا آنها در «کتاب» تو نیستند<sup>d</sup>؟

۱۰ تحت‌اللفظی: «بر کبوتر خاموش دورافتادگان»، یا با تغییر در یک اعراب: «بر کبوتر خدایان دور دستها». این شاید علامت آهنگی باشد که مزمور بر آن می‌باشد سروده می‌شد (ر. ک. ۱:۲۲).

<sup>a</sup> ر. ک. مز ۱:۱۶ و توضیح.

<sup>b</sup> در خصوص «نبایشهای انفرادی برای درخواست کمک»، ر. ک. «مقدمه».

<sup>c</sup> فرائت عبری: «در بالا»: ما این را در ترجمه خود اصلاح کردیم.

<sup>d</sup> فرائت عبری: «سخنان مرا محنت بار می‌سازند»؛ ترجمه ما با توجه به بخشی از فرائت سریانی صورت گرفته است.

<sup>e</sup> فرائت یونانی: «اشکهایم را مطابق و عده‌ات در مقابل خود قرار بده».

۴:۹

۱۰ آنگاه دشمنانم خم خواهند شد  
در آن روز که فریاد برآورم؛  
نیک می‌دانم که خدا با من است.

۱۱ به خدا که کلامش را می‌ستایم،  
به یهوه که کلامش را می‌ستایم،  
۱۲ به خدا اعتماد می‌کنم، نمی‌ترسم:  
انسان به من چه می‌تواند بکند؟<sup>e</sup>

۱۳ ای خدا، نذرهايی که برای تو کرده ام بر عهده من می‌باشد،  
برای تو قربانی های ستایش به جا خواهم آورد؛

۱۴ زیرا که جانم را از مرگ حفظ کرده ای،  
آری، پایهایم را از قدم اشتباه،  
تا که در حضور خدا طی طریق کنم  
در نور زندگان.

۸:۱۱۶  
۸:۱۹:۳۳

ایوب ۳۰:۳۳

## مزمور ۵۷ (۵۶)

۱ به رهبر سرود. «ویران مساز<sup>f</sup>». از داود. شعر زرین (?)<sup>g</sup>. هنگامی که از مقابله شائول به غار گریخت.<sup>h</sup>

۲ بر من رحم فرما، ای خدا، بر من رحم فرماء<sup>i</sup>،  
زیرا که جانم در تو پناه می‌برد  
در سایه بالهایت پناه می‌گیرم  
تا آن هنگام که این بلا بگذرد.

۳ به سوی خدای تعالی فریاد بر می‌آورم،  
به سوی خدایی که به من نیکویی می‌کند؛

۸:۱۷

۸:۱۳۸

e این آیه مانند آیه ۵، به منزله بندگدان است. شاید این نوع ترجمه از این جمله، مقصود اصلی مزمور را نرساند؛ مقصود این مزمور این است که کمکی که از جانب خدا می‌آید با کمک هیچ کس دیگری قابل مقایسه نیست. این جمله موازی است با «نیک می‌دانم که خدا با من است» (آیه ۱۰).

f به عبری: «ال-تثہت» که شاید مقدمه سرودی باشد.

g ر.ک. ۱:۱۶ و توضیح آن.

h اشاره ای است به غار عدولام (۱-سمو ۲۲-۲) یا غار عین-جدی (۱-سمو ۲۴-۹)؛ ر.ک. مز ۱۴۲. i در خصوص «نیایشهای انفرادی برای درخواست کمک»، ر.ک. «مقدمه».

<sup>۴</sup> بادا که از آسمانها [دست خود را] پیش آورد و مرا نجات دهد،  
آن را که مرا له می کنند به رسوایی بسپاردل سلا.  
بادا که خدا وفاداری و امانت خود را بفرستد.

۳:۴۳

<sup>۵</sup> من خود در میان شیرانی خوابیده ام  
که بنی آدم را می درند<sup>k</sup>  
دنداهایشان نیزه ها و تیرها می باشند  
و زیانشان شمشیری تیز.

۱۷:۱۷  
دان ۶:۱۲

<sup>۶</sup> ای خدا، بر فراز آسمانها بر افراشته شو،  
جلالت بر تمامی زمین باشد.

۴:۶۴

<sup>۷</sup> دامی زیر قدم هایم می گستردنده،  
جانم<sup>۱</sup> خمیده شده بود،  
در مقابل من گودالی حفر می کردنده:  
به درون آن افتاده اند! سلا.

۱۳:۱۱

۱۶:۷

<sup>۸</sup> دل من استوار است، ای خدا،  
دل من استوار است؛  
می خواهم بسرایم، می خواهم بنوازم.  
<sup>۹</sup> بیدار شو ای «جلال» من،  
بیدار شوید ای چنگ و بربط؛  
می خواهم پگاه را بیدار کنم.

۶-۲:۱۰۸

<sup>۱۰</sup> تو را در میان قوم ها خواهم ستد، ای خداوند،  
در میان ملت ها برای تو خواهم نواخت؛  
<sup>۱۱</sup> زیرا وفاداری تو تا به آسمانها عظیم است،  
و امانت تو تا به ابرها!

<sup>۱۲</sup> ای خدا، بر فراز آسمانها بر افراشته شو،  
جلالت بر تمامی زمین باشد!

<sup>j</sup> قرائت عبری: «آن که مرا به ستوه می آورد کفر گفته است»؛ ترجمه ما مبتنی است بر ترجمه های قدیمی.  
 تحتاللفظی: «موجوداتی که (مانند آتش) می درند». قرائت های اکیلا و ژروم: «شیران درنده»؛ یونانی و سریانی: «مضطرب خوابیده ام».  
<sup>۱</sup> تحتاللفظی: «گلویم».

## مزمور ۵۸ (۵۷)

<sup>۱</sup> به رهبر سرود. «ویران مساز<sup>m</sup>». از داد. شعر نزین (?).

۲:۸۲ ای خدایان<sup>p</sup>، آیا آنچه می کنید دادگری است،  
آیا بنی آدم را با انصاف داوری می کنید؟  
۳ نه، با تمام دل مرتكب بی عدالتی می شوید،  
دستان شما در سرزمین<sup>n</sup> ستم را وزن می کند.  
۴ بدکاران از بطن مادر منحرف هستند،  
گویندگان دروغ از همان بطن<sup>m</sup> گمراه می باشند؛  
۵ زهر ایشان به سان زهر مار است،  
همچون افعی کری [هستند] که گوش خود را می بندد،  
۶ عکه آوای افسونگران را نمی شنود،  
آوای) افسونگری را که در افسونگری استاد است.

۸:۳ ای خدا، دندانهای ایشان را در دهان خرد کن،  
دندانهای شیرپچگان را بشکن، ای یهوه!  
ایوب ۱۶:۱۱ بادا که فرو ریزند به سان آبهایی که می روند،  
۱۵:۱۸ بادا که بپلاستند به سان علفی که لگدمال می کنند؛  
۹ همچون حلوونی [باشند] که در حال حرکت ذوب می گردد،  
ایوب ۱۶:۳ مانند جنین سقط شده ای که آفتاب را ندیده است.  
۱۰ پیش از آنکه دیگچه هایتان خار را تشخیص داده باشد،  
سبز یا سوخته، بادا که گربادی آن را ببرد!<sup>t</sup>

.۱:۵۷ ر. ک.  
.۱:۱۶ ر. ک.

۰ این مزمور جزو «نبایشهای درخواست کمک» به شمار آمده است؛ ر. ک. «مقدمه».  
<sup>p</sup> قرائت عربی: «در سکوت»؛ ترجمه ما می‌تنی است بر تغییری در اعراب گذاری کلمه عربی. منظور از «خدایان»، سروران و داوران است (مزمور ۷:۲-۷؛ سمو ۱۷:۴-۵). برخی از مفسران، این را اشاره‌ای به موجودات فوق طبیعی می‌دانند که عهد دار فرمانروایی بر جهان هستند، اما به خدمت خود وفادار نمی‌باشند (دان ۱۰:۱۳؛ ۲۰-۲۱؛ اش ۲۴:۲۱).

۱۱ ترجمه فاقد قطعیت است. «وزن کردن» اشاره‌ای است به ترازوی عدالت. قرائت‌های یونانی و سریانی: «دستانتان بی عدالتی را طرح می‌ریزد». این گونه نیز می‌توان ترجمه کرد: «بر روی زمین، ستم دستان خود را اشاعه می‌دهید».  
۱۲ یعنی از بدو تولد.

۱۳ متن عربی نامفهوم است و ما آن را اینچنین اصلاح کرده‌ایم. بعضی این گونه ترجمه می‌کنند: «بادا که خدا تیرهای خود را تنظیم کند، و ایک ایشان از میان می‌روند».

۱۴ ساختار متن بسیار دشوار است، اما معنی تحت الفظی آن احتمالاً چنین است: «پیش از آنکه دیگهایتان شاره خارها را احساس کنند، شدید به سان خشم، او آنها را خواهد رُفت». قرائت یونانی: «همچون زندگان، همچون خشمگین، او شما را خواهد بعیید».

- ۱۱ عادل با دیدن انتقام شادی خواهد کرد،  
پایهای خود را در خون شریر خواهد شست،  
۱۲ و خواهند گفت: «آری، ثمری برای عادل هست،  
آری، خدایی هست که بر روی زمین داوری می کند!»<sup>u</sup>
- ۲۷:۳۵  
۳:۱  
۲۹:۱۹  
ایوب

## مزمور ۵۹ (۵۸)

- ۱ به رهبر سرورد. «ویران مساز»<sup>v</sup>. از داود. شعر زرین (?)<sup>w</sup>. هنگامی که شائنول فرستاد تا خانه اورا نگهبانی کنند و او را به قتل برسانند.<sup>x</sup>
- ۲ ای خدای من، مرا از دشمنان رهایی ده<sup>y</sup>،  
در مقابل مهاجمین از من محافظت فرما؛  
۳ مرا از آنان که بدی می کنند رهایی بخش،  
مرا از مردمان خونی نجات ده.
- ۴ زیرا اینک ایشان برای زندگی من کمین می گذارند،  
زورمندان بر من ازدحام می کنند:  
بی آنکه خطایی و گناهی (کرده باشم)، ای یهوه<sup>z</sup>،  
۵ الف بدون آنکه خطایی از جانب من سرزده باشد،  
می دوند و نگهبانی می دهند.
- ۶ الف اما تو، ای یهوه، خدای لشکرها، خدای اسرائیل،  
۷ ب بیدار شو، به ملاقات من بیا و بنگر؛  
۸ ب بیدار شو تا جمیع بت پرستان را مجازات کنی،  
نسبت به همه خائنان ستمکیش بی رحم باش. سلا.
- ۹ شبانگاه باز می گرددند،  
زو زه کشان همچون سگان و گردش کنان در شهر.  
۱۰ اینک با دهانی گشاده تندی می کنند، شمشیرهایی بر زبان دارند:  
«خوب! کیست که ما را بشنود؟»<sup>۱۱</sup><sup>۱۱</sup>
- امث:۱۱  
۷:۷  
۲۳:۳۵  
۱۷:۲۲  
۱۱:۵۵  
۷ ر. ک.  
۱:۵۷  
۱:۱۶ ر. ک.  
W

۱۱ قرائت عبری: «داوری می کنند»، و در اینجا شکل جمع دلالت دارد بر احترام و تکریم خدا. ترجمه های قدیمی شکل مفرد را به کار برده اند. این عزرا میان خدا و آنانی که داوری می کنند، یعنی احتمالاً فرشتگان، تمایز قائل شده است.

۷ ر. ک.  
۱:۵۷  
۱۱:۱۶ ر. ک.  
W

X اشاره به اقدامی است از سوی شائنول برای قتل داود در یک صبح (۱۱:۱۹-۱۷).

Y در خصوص «نیاشهای انفرادی برای درخواست کمک»، ر. ک. «مقدمه».

Z مفسران وابسته به مکتب ربی ها این عبارت را کفری می دانند که بدکاران بر زبان می رانند. بعضی دیگر معتقدند که این سؤالی است اضطراب آسود از سوی مزمور نکار.

۴:۲ <sup>۹</sup>اما تو، ای یهُوهُ، ایشان را تمسخر می کنی،  
جمعیع بنت پرستان را استهزا می نمایی.

<sup>۱۰</sup>ای قوت<sup>a</sup> من، می خواهم برایت بنوازم،  
زیرا که خدا دژ من است.

<sup>۱۱</sup>خدایم با وفاداری خود<sup>b</sup> بر من پیشی می گیرد،  
خدا آنان را که در کمین من اند، به من نشان خواهد داد.

۹:۵۴

۱۶:۱۲ <sup>۱۲</sup>ایشان را مکُش، مبادا که قوم از یاد ببرند،  
با قوت خود ایشان را آواره و سرگردان ساز،  
ای خداوند، ای سپر ما.

<sup>۱۳</sup>گناه دهانشان سخن لبان ایشان است<sup>c</sup>؛  
باشد که در تکبر خود گرفتار آیند،

به سبب لعنت ها و دروغهایی که بر زبان می رانند،

<sup>۱۴</sup>در غضب خود<sup>d</sup> ایشان را نابود ساز؛ نابود ساز تا دیگر نباشند!  
و خواهند دانست که خدا بر یعقوب سلطه دارد،  
تا به اقصای زمین. سلا.

<sup>۱۵</sup>شبانگاه باز می گرددند،  
زوze کشان همچون سگان و گردش کشان در شهر.

<sup>۱۶</sup>برای خوردن سرگردانند،  
و اگر سیر نشوند، شکایت می کنند<sup>d</sup>.

۱۷ <sup>۱۷</sup>اما من قوت تو را خواهم سرود،  
بامدادان وفاداری ات را ستایش خواهم کرد:  
زیرا که برای من دژی هستی،  
پناهگاهی در روز پریشانی ام!

a قرائت عبری: «ای قوت، می خواهم تو را مشاهده کنم». ترجمه ما مبتنی است بر قرائت سریانی و آیه ۱۸.

b قرائت عبری: «خدای فیض من»؛ ترجمه ما مبتنی است بر قرائت یونانی.

c ترجمه ما قرائت تحت اللقطی را ارائه می دهد. منظور احتمالاً چنین چیزی است: «به مجرد اینکه سخن می گویند، گناه در دهانشان می باشد».

d قرائت عبری: «شب را خواهند گذراند»؛ اما فعلی که در عبری به کار رفته، آنقدر شبیه «شکایت کردن» است که برعی از ترجمه های قدیمی آن را به همین معنی گرفته اند.

ای قوت من، می خواهم برای تو بنوازم،  
زیرا که خدا دز من است.  
خدایم با وفاداری خود بر من پیشی می گیرد،  
خدا مرا با دیدن آنانی که در کمین من اند، شادمان خواهد ساخت.

## مزمور ۶۰ (۵۹)

<sup>۱</sup> به رهبر سرود. بر «سوسن شهادت»<sup>۲</sup>. شعر زرین (?). از داود. برای تعلیم.

<sup>۲</sup> آن هنگام که با ارام نهراییم و با ارام صوبه جنگ کرد، و یوآب در دره نمک ادومیان را شکست داد: دوازده هزار نفر.<sup>۳</sup>

۱۰:۴۴

<sup>۳</sup> ای خدا، ما را رد کرده ای، بر ما رخنه ها ساخته ای<sup>g</sup>،  
به خشم آمده بودی: ما را استوار ساز.  
<sup>۴</sup> سرزمین را جنباییده ای، آن را شکافته ای؛  
رخنه هایش را مرمت فرما: آن تلوتلخوران است!  
<sup>۵</sup> با قومت رفتاری سخت داشته ای،  
باده سرگیجه به ما نوشانیده ای.

حجی ۶:۲

اش ۱۷:۵۱

<sup>۶</sup> به آنان که از تو می ترسند نشانه ای داده ای  
تا از مقابله کمان<sup>h</sup> بگریزند. سلا.  
<sup>۷</sup> برای آنکه محبوبان رهایی یابند،  
با دست راستت [ما را] نجات بخش، ما را مستجاب فرما.

۱۴-۷:۱۰۸

<sup>۸</sup> خدا در قدس<sup>i</sup> خود سخن گفته است:  
«وحد می کنم، شکیم را تقسیم خواهم کرد،  
و دره سوکوت<sup>j</sup> را پیمایش خواهم نمود.

<sup>۹</sup> تحتاللطفی: «سوسی شهادت (است)» (؟): ر. ک. ۱:۴۵ و ۱۶:۱. <sup>f</sup> شرح جنگهای داود (۲-سمو ۸) از پیروزی او بر ارامیان صوبه سخن می گوید، اما نه از ارامیان نهراییم (بین النهرين)، گرچه چنین امری به لحاظ تاریخی محتمل به نظر می رسد. ر. ک. ۲-سمو ۱۳:۸ (که از ۱۸۰۰۰ نفر سخن می گوید و به یوآب در این موقعیت اشاره ای نمی کند). «دره نیک» شناخته شده نیست. <sup>g</sup> درخصوص «نبایشهای گروهی برای درخواست کمک»، ر. ک. «مقدمه». <sup>h</sup> قرائت عبری: «کمانگیر»؛ ترجمه ما مبتنی است بر قرائت های یونانی و زروم. قرائت های آکيلا و آرامی: «حقیقت». <sup>i</sup> امی توان ترجمه کرد: «مطابق قدوسیت خود». <sup>j</sup> «شکیم» در فلسطین مرکزی بود، و «سوکوت» در شرق رود اردن: اینها دو منزلگاهی بودند که از طریق آنها یعقوب به فلسطین بازگشت (بید ۳۳:۱۷-۱۸).

۹ جلعاد از آن من است و منسی از آن من،  
بید:۱۰ افرايم کلاهخودی برای سر من است،  
یهودا عصای سروری من،  
۱۰ موآب حوضی است که خود را در آن می شویم،  
بر ادوم نعلین خود را می اندازم،  
بر علیه فلسطین پیروزی را فریاد می زنم.<sup>k</sup>

۱۱ کدامین کس مرا به شهر حصاردار هدایت خواهد کرد،  
کدامین کس مرا تا به ادوم راهنمایی خواهد نمود؟  
۱۲ آیا نه تو، ای خدا، که ما را رد کرده ای  
و دیگر با لشکرهای ما بیرون نمی آیی؟

۱۳ مرا بر علیه خصم‌نمان امداد فرما،  
زیرا مدد انسان عیث است.  
۱۴ با خدا دلاوریها خواهیم کرد،  
هم او است که خصم‌نمان را لگدمال خواهد کرد.

## مزمور ۶۱ (۶۰)

<sup>۱</sup> به رهبر سرود. بر آلات زهی. از داد.

<sup>۲</sup> ای خدا، فریاد مرا بشنو،  
به دعای من توجه فرما.  
<sup>۳</sup> از اقصای زمین نزد تو فریاد بر می آورم،  
از دل سست خود؛  
مرا بر صخره بر افزار<sup>m</sup>، هدایتم فرما.

<sup>۴</sup> زیرا تو برای من پناهگاه هستی،  
بر جی مستحکم در مقابل دشمن.

قرائت عبری: «ای فلسطین بر علیه من فریاد بر آور و خُرد شو!». ما بر اساس ترجمه‌های قدیمی و مز:۱۰۸:۱۰۸ اصلاح کرده‌ایم.

<sup>۱</sup> در خصوص «نبایشهای انفرادی برای درخواست کمک»، ر.ک. «مقدمه».

قرائت عبری: «مرا بر صخره‌ای بسیار بلند برای من هدایت خواهی فرمود». قرائت‌های یونانی و سریانی: «مرا بر صخره‌ای بلند کرده‌ای»؛ سیماک و ژرولو: «وقتی مرد قوی بر من بر می خیزد». ترجمه ما مبتنی است بر هفتادتنان.

<sup>۵</sup> کاش می توانستم تا به ابد در خیمه تو ساکن شوم  
و در سایه بالهایت پناه گیرم! سلا.  
<sup>۶</sup> زیرا تو، ای خدا، به نذرهای من گوش فرا می دهی،  
آرزوی آنانی را که از نامت می ترسند مستجاب می فرمایی.<sup>n</sup>

<sup>۷</sup> به روزهای پادشاه روزهای دیگری بیفزا،  
بادا که سالهایش از دوره تا دوره گسترش یابد،  
<sup>۸</sup> بادا که تا ابد در حضور خدا بر تخت سلطنت بشیند،  
بادا که وفاداری و امانت او را حفظ کنند!<sup>o</sup>  
<sup>۹</sup> آنگاه بدون انتهای برای نامت خواهم نواخت،  
و نذرهای خود را هر روز وفا خواهم کرد.<sup>p</sup>

## مزمور (۶۲)

<sup>۱</sup> به رهبر سرود. بر بدوتون. مزمور. از داود.

<sup>۲</sup> جانم تنها در خدا استراحت می یابد<sup>q</sup>،  
نجاتم از او می آید؛  
<sup>۳</sup> تنها او صخره من است، نجات من،  
دژ من: جنبش نخواهم خورد.

<sup>۴</sup> تا به کی بر مردی حمله می کنید  
و بر او هجوم می آورید، ای جمیع شما،  
همچون دیواری که خم شده،  
حصاری که فرو می ریزد؟  
<sup>۵</sup> آری، طرح می ریزند تا مرا از بلندی ام<sup>r</sup> برانند،  
از دروغ خشنود می گردند،  
با زبان خود برکت می دهند، اما در دلشان لعنت می کنند. سلا.

<sup>n</sup> قرائت عبری: «ملک و اموال»؛ ما بر اساس ۳:۲۱ اصلاح کرده ایم.  
<sup>o</sup> قرائت یونانی: «چه کس وفاداری و حقیقت او را خواهد جست»؛ سریانی: «چه کس وفاداری و حقیقت را نگاه خواهد داشت». ترجمه ما مبتنی است بر سایر ترجمه های قدیمی.  
<sup>p</sup> ر. ک. ۱:۴۹.

<sup>q</sup> در خصوص «مزامیر اعتماد»، ر. ک. «مقدمه».  
<sup>r</sup> تحتاللغظی: «به سبب رفتمن»؛ می توان «بلندی من» نیز برداشت کرد؛ قرائت یونانی: «خواسته اند حرمت مرا در هم بکویند».

پیدا: ۱۸:۴۹  
۵:۷۱

<sup>۶</sup> ای جان من، تنها در خدا استراحت بیاب؛  
 زیرا که امید من از او می‌آید،  
<sup>۷</sup> تنها او صخره من است، نجات من،  
 دژ من: جنبش نخواهم خورد.

اش ۴:۲۶

<sup>۸</sup> نجات من و جلال من برخدا [استوار است]:  
 صخره قوت من، پناهگاه من برخدا است.  
<sup>۹</sup> ای قوم، در هر زمان به او اعتماد کنید،  
 دل خود را در حضور او بربزید؛  
 خدا برای ما پناهگاهی است. سلا.

اش ۱۵:۴۰

<sup>۱۰</sup> مردمان عامی تنها نفسی هستند،  
 مردمان ممتاز دروغ می‌باشند؛  
 اگر در ترازو بالا می‌رفتند<sup>۸</sup>،  
 جملگی کمتر از نفس می‌بودند.

ایوب ۲۵:۳۱  
مت ۲۲:۱۹  
۱۷:۶-۱

<sup>۱۱</sup> به ستم اعتماد مکنید،  
 امید عیث به غارت مبندید؛  
 اگر ثروتنان ثمر آورد،  
 دل به آن مبندید.

ایوب ۱۱:۳۴  
روم ۶:۲  
۱۴:۴-۲

<sup>۱۲</sup> خدا یک بار سخن گفته است،  
 من دو بار آن را شنیده ام:  
 اینکه قوت از آن خدا است،  
<sup>۱۳</sup> و وفاداری، ای خداوند، از آن تو؛  
 زیرا تو به هر کس  
 مطابق اعمالش پس می‌دهی<sup>۹</sup>.

<sup>8</sup> یعنی اگر روی ترازو قرار می‌گرفتند.  
<sup>9</sup> درخصوص موضوع اجر شخصی، ر.ک. توضیح مت ۲۷:۲۶

## مزمور ۶۳ (۶۲)

<sup>۱</sup> مزمور. از داد. آن هنگام که در بیا بان یهودا بود.

۱۴:۲۳-سمو

<sup>۲</sup> ای خدا، خدای من<sup>۷</sup>، تو را می جویم<sup>۷</sup>،  
جان من تشنہ تو است،  
گوشتم برای تو ناتوان شده،  
همچون<sup>۸</sup> زمینی خشک، تشنہ، بی آب.

۳:۴۲

۶:۱۴۳

<sup>۳</sup> از این رو، تو را در [مکان] مقدس نظاره می کنم،  
تا قوت و جلال تو را ببینم<sup>۹</sup>.  
<sup>۴</sup> زیرا که وفاداری تو بهتر است از زندگی؛  
کاش لبانم تو را جلال دهند!

<sup>۵</sup> از این سبب، تو را در طول حیاتم متبارک خواهم خواند،  
به نام تو<sup>۱۰</sup> دستهای خود را بلند خواهم کرد.  
<sup>۶</sup> جان من<sup>۱۱</sup> گویی از مغز استخوان و پیه سیر خواهد شد،  
و با شادمانی بر لبانم، دهانم [تو را] خواهند ستود.

۲:۱۴۵

۴۸:۱۱۹

۹:۳۶

<sup>۷</sup> آن گاه که بر بسترم تو را به یاد می آورم،  
در طول پاسهای شب بر تو تأمل می کنم؛  
<sup>۸</sup> زیرا تو مددکار من بوده ای،  
و در سایه بالهای تو از شادی فریاد بر می آورم.  
<sup>۹</sup> جان من به تو چسییده است،  
دست راستت مرا حمایت می کند.

۸:۱۷

۵:۱۳

<sup>۱۰</sup> اما آنان که قصد جان مرا دارند تا آن را هلاک سازند،  
به زرفهای زمین خواهند رفت،  
<sup>۱۱</sup> ایشان را به قدرت شمشیر خواهند سپرد،  
سهم رو باهان خواهند شد.

<sup>۷</sup> در خصوص «نیایشهای انفرادی برای درخواست کمک»، ر. ک. «مقدمه». فعلی که در اینجا «می جویم» ترجمه شده، از همان حروف بی صدایی تشکیل شده که کلمه «بگاه» را تشکیل می دهد. از این رو، بعضی ترجمه می کنند: «در سحر تو را می جویم».

<sup>۸</sup> قرائت عبری: «در زمین...»؛ ترجمه ما مبتنی است بر قرائت های سریانی و سیماک.

<sup>۹</sup> ر. ک. ۱:۲۹: شاید هم اشاره ای باشد به صندوقچه عهد (ر. ک. ۶۱:۷۸).

<sup>۱۰</sup> یعنی «با شنیدن اعلام نام تو»؛ مگر آنکه «نام» اشاره ای باشد به حضور خدا.

۲:۲۱

۱۲ اما پادشاه در خدا شادی خواهد کرد؛  
هر که به او<sup>z</sup> سوگند خورد، خود را تهنیت خواهد گفت،  
حال آنکه دهان گویندگان دروغ بسته خواهد شد.

### مزمور (۶۳) (۶۴)

<sup>۱</sup> به رهبر سرود. مزمور. از داود.

۲ ای خدا، آن گاه که شکایت می کنم، به صدایم گوش بسپار<sup>a</sup>،  
حیات مرا از ترس دشمن حفظ فرما.  
۳ مرا از دسیسه بدکاران پنهان ساز،  
از هیجان آنانی که بدی را به جا می آورند،

۴ که زبان خود را همچون شمشیر تیز می سازند،  
و سخنی تلخ را همچون تیر تنظیم می کنند،  
۵ تا در خفا بر بی گناه بیندازند،  
به ناگاه بیندازند بی آنکه دیده شوند<sup>b</sup>.

۶ خود را در تدبیرهای شریرانه خویش استوار می سازند<sup>c</sup>،  
برای پنهان کردن دامها محاسبه می کنند،  
می گویند: «چه کس ما را می بیند؟»  
۷ بی انصافی ها طرح می ریزنند:  
«طرح مورد نظر را ترتیب داده ایم،  
و اندرون آدمی و دل او عمیق است<sup>d</sup>.»

۸ اما خدا بر آنان تیری می اندازد،  
ناگهان مجروح می شوند؛  
۹ ایشان را با زبانشان می لغزاند<sup>e</sup>.

<sup>z</sup> این ضمیر می تواند یا بر پادشاه دلالت داشته باشد یا بر خدا؛ در مز ۲:۲۸ نیز همین ابهام به چشم می خورد.

<sup>a</sup> در خصوص «نیایشهای افرادی برای درخواست کمک»، ر.ک. «مقدمه».

<sup>b</sup> قرائت عبری: «بی آنکه از چیزی بترستند»؛ ترجمه ما مبتنی است بر قرائت سریانی. در عبری، افعال «تیر انداختن» و «ترسیدن» شبیه هستند.

<sup>c</sup> متن فاقد قطعیت است و ترجمه ما حالتی تقریبی دارد. ر.ک. مز ۱۰:۸-۹:۱۴۱:۶:۱۴۰:۹:۱۴۱.

<sup>d</sup> دو مصرع نخست این آیه بسیار سنگین و مخدوش است؛ ترجمه ما حالتی فرضی دارد. در خصوص مصرع سوم، ر.ک. ار ۹:۱۷.

<sup>e</sup> تحت اللطفی: «ایشان زبانهای خود را به ضرب خود لغزانیده اند». قرائت های وولگات و آرامی: «زبانهایشان ناقوان بوده اند»؛ آکیلا: «زبانهایشان بر یکدیگر لغش خواهند خورد»؛ سیماک و زروم: «به سبب زبانهایشان بر یکدیگر لغش خواهند خورد»؛ سریانی: «زبانهایشان ایشان را خواهد انداخت»؛ یونانی: «زبانهایشان ایشان را خوار شمرده اند».

هر که ایشان را ببیند، سر تکان می دهد،  
۱۰ و جمیع مردمان دچار ترس شده،  
کار خدا را انتشار می دهند، عمل او را درک می کنند.

۱۱ عادل در یهوه شادی می کند و در او پناه می گیرد،  
و همه دلهای راست خود را تهنيت خواهند گفت.

## مزمور (۶۴) (۶۵)

<sup>۱</sup> به رهبر سرود. مزמור. از داود. سرود.

۲ ستایش<sup>f</sup> سزاوار<sup>g</sup> تو است،  
ای خدا، در صهیون،  
و برای تو است که نذرها به جا می آورند،  
۳ تو که به دعا گوش می سپاری.  
هر موجود گوشتی تا به نزد تو می آید

۴ به سبب خطاهایش،  
خطاهای ما نیرومندتر از ما است؛  
تو آنها را می بخسایی.  
۳۸:۷۸

۵ خوشا به حال آن کس که بر می گزینی و [به خود] نزدیک می سازی<sup>h</sup>،  
تا در صحن های تو ساکن گردد!  
ما از اموال خانه تو سیر خواهیم شد،  
از قدوسیت معبد تو<sup>i</sup>.

۶ با اعمالی مهیب ما را در عدالت اجابت می فرمایی<sup>j</sup>،  
ای خدای نجات ما،

<sup>f</sup> در خصوص نیایشهای گروهی «قدرتانی»، ر. ک. «مقدمه».  
<sup>g</sup> ترجمه ما فاقد قطعیت است و میتنی است بر یک اصلاح. ترجمه های قدیمی کلمه عبری را «سکوت» برداشت کرده اند (آکیلا: «برای تو، سکوت یک ستایش است»؛ ژروم: «ستایش خاموش از آن تو است»؛ آرامی: «در حضور تو، ستایش مشابه سکوت است».).

<sup>h</sup> معنی ساده تر: «خوشا به حال میهمانی که انتخاب می کنی». <sup>i</sup> متن عبری را می توان اینچنین ترجمه کرد: «از چیزهای مقدس معبد تو». قرائت یونانی: «معبد تو مقدس است»؛ ترجمه ما میتنی است بر قرائت سریانی.  
<sup>j</sup> تحتاللفظی: «با عدالت، با چیزهای مهیب به ما پاسخ می دهد»، و منظور از «چیزهای عجیب» اعمال شگفت انگیز است (ر. ک. تث. ۲۱:۱۰).

امید همه اقصاهای زمین  
و جزیره‌های دور دست<sup>k</sup>،

<sup>۷</sup> تو که با قدرت کوهها را برقرار می‌سازی،  
کمر خود را با دلاوری می‌بندی،  
<sup>۸</sup> تو که تلاطم دریاها را آرام می‌کنی،  
تلاطم موج‌هایشان را  
و غرش قوم‌ها را.

<sup>۹</sup> ساکنان انتهای جهان  
در مقابل نشانه‌های تو به هراس می‌آیند؛  
به فریاد شادی و می‌داری  
دروازه‌های بامداد و شامگاه را.

<sup>۱۰</sup> زمین را مورد تفقد قرار می‌دهی و آن را آبیاری می‌کنی،  
آن را از ثروت‌ها آکنده می‌سازی؛  
نهر الهی پر از آب است،  
گندم ایشان را مهیا می‌سازی.  
اینچنین آن را مهیا می‌سازی؛  
<sup>۱۱</sup> با آبیاری کردن شیارهایش،  
مسطح ساختن کلوخهایش،  
نرم کردن آن با رگبارها،  
برکت دادن جوانه‌هایش.

<sup>۱۲</sup> با نیکوبی‌هایی تاجی بر سر سال می‌گذاری  
و از مسیر راههای تو چربی روان است<sup>m</sup>.  
<sup>۱۳</sup> از مرتع‌های صحراء آب روان است  
و تپه‌ها کمر خود را با شادمانی می‌بندند.

قرائت عبری: «دریای دور دستها»؛ ما در ترجمه خود آن را اصلاح کرده‌ایم. منظور از جزایر، تمام سرزمینهای ساحلی دریای k مditrahe می‌باشد.

۱ دروازه صبحگاه و شامگاه: تحت الفظی «خروجی‌ها» که گویا خورشید برای طلوع و غروب از آن عبور می‌کند. معنی این اصطلاح یعنی انتهای‌گیتی.

m تحت الفظی: «از محل عبور چرخهای (ارابات)، چربی روان می‌شود».

۱۴ مرغزارها از گله ها پوشیده می شود  
و دره ها از گندم تزیین می یابند.  
فریادها سر می دهند، می سرایند!

## مزمور (۶۶) (۶۵)

<sup>۱</sup> به رهبر سرود. سرود. از داد و داد<sup>n</sup>.

- |  |   |
|--|---|
| خدا را با فریاد بستایید، ای تمامی زمین <sup>۰</sup> ،<br>۲ برای جلال نام او بنوازید،<br>از ستایش او خود را جلال دهید <sup>p</sup> .<br>۳ به خدا بگویید: اعمال تو چه مهیب است!<br>به سبب عظمت قوتت، دشمنانت چاپلوسانه تو را مرح می گویند <sup>q</sup> .<br>۴ بادا که تمام زمین در مقابل تو سجده کند،<br>برای تو بنوازنده، [برای] نام تو بنوازنده. | ۴:۹۸<br>۲:۲۹<br>۴۵:۱۸<br>۹:۴۶<br>خروج: ۱۶:۱۴<br>۵:۳:۱۱۴ |
|--|---|

<sup>۵</sup> بیایید و اعمال خدا را ببینید،  
او در کارهای عظیم خود در حق بنی آدم مهیب است<sup>r</sup>:  
<sup>۶</sup> دریا را به زمین خشک تبدیل کرد،  
از نهر با پای پیاده عبور کردند؛  
پس شادی خود را در او بنهیم.

۷ او با دلاوری خود تا به ابد سلطه می راند،  
چشم انداش بر ملت ها ناظارت دارند؛  
بادا که طغیانگران بر نخیزند! سلا.

۸ ای قوم ها، خدای ما را متبارک خوانید،  
بانگ ستایش او را بشنوانید،  
<sup>۹</sup> او که جان ما را زنده نگاه داشته است  
و نگذاشته که پای ما تلولتو بخورد.

- <sup>n</sup> در قرائت یونانی این توضیح اضافه شده: «مزمور قیامت». ر.ک. آیات ۹ و ۱۲.  
<sup>۰</sup> در خصوص «نیاپشهای قدردانی»، ر.ک. «مقدمه».  
<sup>p</sup> ترجمه فاقد قطیعت است. تفسیر ابن عزرا: «ستایش او جلال شما است»؛ یونانی و ژروم: «ستایش او را جلال دهید» (یا «ستایش او را بر جلال سازید»)؛ سریانی: «جلال ستایش او را بسرایید».  
<sup>q</sup> تحتاللغتی: «به تو دروغ می گویند».  
<sup>r</sup> یعنی انسان را با کارهای مهیبشن هراسان می سازد.

<sup>۹:۱۳</sup><sup>زک</sup><sup>:۲:۲۶</sup> <sup>۱۰</sup> زیرا ما را آزموده ای، ای خدا،  
ما را تصفیه کرده ای، آن سان که نقره را تصفیه می کنند؛  
<sup>۱۱</sup> ما را به دام آورده ای،  
اضطراب را در گرده هایمان نهاده ای؛  
<sup>۱۲</sup> مردمان را سواره از سر ما گذرانده ای<sup>۴</sup>،  
از آتش و از آب عبور کرده ایم،  
سپس گذاشتی که نفس خود را باز یابیم.<sup>۵</sup>

<sup>۲۱:۵۱</sup> <sup>۲۶:۲۲</sup> <sup>۱۳</sup> با قربانی های سوختنی وارد خانه تو می شوم،  
نذرها یم را برای تو به جا می آورم،  
<sup>۱۴</sup> آن (نذرها بی) که لبانم برای آنها گشوده شد  
و دهانم در پریشانی ام بیان کرد؛  
<sup>۱۵</sup> قربانی های سوختنی پرواری به تو تقدیم می کنم  
با دود قوچها،  
گواون را با بزهای نر قربانی می کنم. سلا.

<sup>۲:۹</sup> <sup>۱۶</sup> بیایید، گوش کنید، و من باز گو خواهم کرد،  
ای همه شما که از خدا می ترسید،  
آنچه را که برای جان من انجام داد.  
<sup>۱۷</sup> دهانم به سوی او فریاد برآورد،  
و تمجید زیر زبانم بود.

<sup>۳۱:۹</sup> <sup>۱۸</sup> اگر بدی را در دل می داشتم<sup>۷</sup>،  
خداوند به من گوش نمی سپارد؛  
<sup>۱۹</sup> اما خدا گوش سپارده است،  
او به آوای دعای من توجه داشته است.  
<sup>۲۰</sup> متبار ک باد خدا که دعای مرا دور نکرده،  
و وفاداری خود را از من [دور نساخته است]!

<sup>۶</sup> ترجمه های قدیمی این جمله را اشاره ای به ستم کشیدن قوم خدا تلقی کرده اند.  
<sup>۷</sup> تحتاللفظی: «برای یک مست شدن»؛ قرائت ژروم: «در جای خوش آب و هوا گذارده ای»؛ سیماک، سربانی، و آرامی: «در جای وسیع گذارده ای». ترجمه ما مبتنی است بر قرائت یونانی.  
<sup>۸</sup> تحتاللفظی: «اگر در دل خود بدی را دیده بودم»، اما «دیدن» می تواند به معنی «در نظر داشتن» باشد؛ «در دل» یعنی «در فکر».

## مزمور ۶۷ (۶۶)

<sup>۱</sup> به رهبر سرود. بر آلات زهی. مزمور. سرود.

اعده: ۲۴-۲۵

<sup>۲</sup> بادا که خدا بر ما رحم فرماید، ما را برکت بدهد<sup>W</sup>،

بادا که روی خود را بر ما درخشنان سازد. سلا.

<sup>۳</sup> تا طریق تو را بر روی زمین بشناسند<sup>X</sup>،

و نجات تو را در همه ملت ها<sup>Y</sup>.

اع: ۲۸:۲۸

<sup>۴</sup> ای خدا، بادا که قوم ها تو را بستایند،

جمعیع قوم ها تو را بستایند!

<sup>۵</sup> بادا که ملت ها به وجد آیند و فریاد شادمانی سر دهند،

زیرا قوم ها را با راستی داوری می کنی،

ملت ها را بر روی زمین هدایت می فرمایی. سلا.

۹:۹۸

<sup>۶</sup> ای خدا، بادا که قوم ها تو را بستایند،

جمعیع قوم ها تو را بستایند!

۱۳:۸۵

<sup>۷</sup> زمین محصول خود را داده است،

خدا، خدای ما، ما را برکت می دهد.

<sup>۸</sup> بادا که خدا ما را برکت دهد،

و همه اقصاهای زمین<sup>Z</sup> از او بترسند!

## مزمور ۶۸ (۶۷)

<sup>۱</sup> به رهبر سرود. از داود. سرود.

<sup>۲</sup> خدا بر می خیزد، دشمنانش پراکنده می گردند<sup>a</sup>،  
و آنان که او را نفرت می دارند، از مقابل روی او می گریزند.

اعده: ۱۰:۳۵

W در خصوص «نیایشهای گروهی برای قدردانی»، ر.ک. «مقدمه».

X طبق تفسیر ربی'های، یعنی اینکه همگان کاری را که خدا با اسرائیل کرده است، بشناسند.

Y بعضی ترجمه کرده اند: «بت پرستان».

Z یعنی تمام زمین.

a این مزمور «نیایشی گروهی برای قدردانی» است (ر.ک. «مقدمه») که جزو «سرودهای صهیون» نیز به شمار می آید (ر.ک. «مقدمه»). در آن می توان حرکت دادن صندوق عهد را در یک راهپیمایی پرشکوه به طرف محل نهایی اش احساس کرد که با سیکی حماسی نگاشته شده است.

۳ آن سان که دود پراکنده می شود، ایشان را پراکنده می سازی؛  
آن سان که مووم در حضور آتش ذوب می شود،  
بدکاران در حضور خدا هلاک می گردد؛

۴ اما عادلان در مقابل خدا از شادی به وجود می آیند،  
از شادی به هیجان می آیند.

۵ برای خدا بسرایید، [برای] نام او بنوازید،  
برای آن سوارکار<sup>c</sup> ابرها راهی مهیا سازید<sup>b</sup>؛  
یاه<sup>d</sup> نام او است، در مقابل او وجود کنید.

۶ پدر یتیمان و پشتیبان بیوه زنان،  
اینچنین است خدا در مسکن مقدس خود؛  
۷ خدا به واگذاشته شدگان خانه ای برای سکونت می دهد،  
اسیران را برای کامیابی رهابی می دهد<sup>e</sup>؛  
تنها طغیانگران به مکان های سوزان رفت و آمد می کنند.

۸ ای خدا، آن گاه که در رأس قومت بیرون آمدی،  
آن گاه که در بیان پیش رفته، سلا.  
۹ زمین به لرزه آمد،  
آسمانها نیز در مقابل خدا ذوب شد،  
خدای اسرائیل<sup>f</sup>.

۱۰ ای خدا، تو باران نعمت ها فرو خواهی ریخت  
به خاطر میراثت،  
آن درمانده شده بود، اما تو آن را استوار می سازی؛

<sup>c</sup> این اصطلاح بسیار شبیه عنوانی است که در اشعار اسطوره ای اوگاریت برای بعل به کار رفته است (ر.ک. اش ۱:۱۹؛ مز ۱۸:۱۰-۱۱)؛ همچنین ر.ک. آبه ۳۴ از همین مزمور.

<sup>b</sup> این فعل در عربی می تواند «بر افراشتن» نیز معنی دهد، لذا قرائت های سریانی و آرامی آورده اند: «بستایید». ترجمه ما مبتنی است بر قرائت ترجمه های قدیمی (ر.ک. اش ۳:۴۰).

<sup>d</sup> تحتاللفظی: «نام او به عنوان یاه است» («یاه» شکل مخفف یهوه می باشد)؛ معنی عبارت می تواند چنین باشد: «آن سوارکار... با نام یاه می تازد».

<sup>e</sup> تحتاللفظی: «او با «کوشارت ها» زنجیرشده گان را بیرون می آورد». «کوشارت» اصطلاحی است منحصر به فرد در کتاب مقدس؛ در اشعار اوگاریتی، کوشارت ها (یعنی «متخصصین») قابل بودند.

<sup>f</sup> ر.ک. داور ۵:۵.

۱۱ در کنار او حیوانات<sup>g</sup> تو قرار گرفتند،  
ای خدا، تو در نیکویی ات مسکین را استوار می سازی.<sup>h</sup>

۱۲ خدا دستوری صادر می کند،  
پیام آوران<sup>i</sup> پیروزی فوجی عظیم می باشند.  
۱۳ پادشاهان لشکرها<sup>j</sup> می گریزند، می گریزند،  
و زیبای خانه<sup>k</sup> غنیمت را تقسیم می کند.

۶-۵:۴۸

داور:۵

۱۴ آن هنگام که در میان آغلها خوابیده بودید،  
بالهای کبوتر با نقره روکش شده بود،  
پرهایش از طلای حنایی<sup>l</sup> بود؛  
۱۵ آن هنگام که شدای پادشاهان را پراکنده می ساخت،  
آنگاه بر سلمون<sup>m</sup> برف می بارید.

۲۳-۲۲:۳۸

ایوب

۱۶ کوه خدا، کوه باشان،  
کوه رفیع، کوه باشان،  
۱۷ از چه روی حсадت می ورزید، ای کوههای رفیع<sup>n</sup>،  
به کوهی که خدا برای اقامت خواهان آن است؟  
آری، یهوه برای همیشه در آن ساکن خواهد بود.

۱:۴

۶۸:۷۸

g ترجمه این جمله، فرضی و احتمالی است، زیرا کلمه عبری که در اینجا «حیوانات» ترجمه شده، گاهی به معنی کشور گرفته شده، زیرا مشابه همین کلمه در زبان اوگاریت به معنی کشور است. راشی با توجه به ۱۱-۲۳ سمو و ۱۳، مفهوم این کلمه را «اردوگاه» پیشنهاد می نماید، ولی در ترجمه های دیگر به معنی «حیوانات» برداشت شده و آن را اشاره به بلدرچینهایی می دانند که در صحراء برای عبرانیان فراهم شده بود (ر. ک. مز ۲۷:۷۸ خروج ۱۶:۱۳).

h این گونه نیز می توان ترجمه کرد: «ای خدا، توبی که آن را در نیکویی خود، به خاطر درمانده استوار می کنی». i تحت الفظی: «پیام آوران»؛ بعضی ترجمه می کنند: «پیام آوران او»؛ همین کلمه به صورت جمع در اش ۹:۴ آمده است. j بعضی ترجمه می کنند: «پادشاهان و لشکرها».

k منتظر یا «یاعیل» است، یازنان بزرگان فاتح.

l طبق نظر ربی های مفسر، کبوتر مظہر اسرائیل است. تصویری که در اینجا آمده احتمالاً منشأی کیعانی دارد. طلا و نقره ای که کبوتر را تزیین می کنند، احتمالاً بر غنائی دلالت دارد که به دست آمده است. «شدای»: نام شدای در هفتاد تنان « قادر متعال » ترجمه شده و احتمالاً به معنی «خدای کوهستان» است.

m این کلمه عبری ظاهراً نام کوهی است، ولی موقعیت آن دقیقاً مشخص نیست. بعضی از مفسران تصور می کنند که کوهی باشد در حوالی شکیم (ر. ک. داور ۹:۴۸). در ضمن، نام این کوه در مقابل کلمه «برف» به صورت تقابل و تضاد به کار رفته است.

n کلمه «رفیع» را از قرائت های سیماک و زروم اخذ کرده ایم. بعضی آن را «کوههای گوزپشتی» ترجمه می کنند، اما این امر فاقد قطعیت است، اما شکل عبری آن، با کلمه «گوزپشت» در لاؤ ۲۰:۲۱ نزدیک است. قرائت یونانی: «کوههای پنیری».

<sup>۱۸</sup> ارابه‌های خدا هزاران هزار است، هزاران کرور<sup>۰</sup>،  
خداوند از سینا به قدس خود می‌آید.<sup>p</sup>

<sup>۱۹</sup> بر بلندی برآمده‌ای<sup>q</sup>، اسیران برده‌ای،  
مردمان را همچون هدیه<sup>r</sup> دریافت داشته‌ای؛  
حتی طغیانگران<sup>s</sup> باید نزد یاه سکونت گزینند.

<sup>۲۰</sup> خداوند هر روز متبارک باد!  
ما را خدای نجات ما حمل می‌کند. سلا.  
<sup>۲۱</sup> خدا برای ما خدای رهایی‌ها است،  
یهُوه، خداوند، می‌تواند ما را در برابر مرگ<sup>t</sup> تصمیم کند؛  
<sup>۲۲</sup> آری، خدا سر دشمنانش را خرد می‌سازد،  
کله مودار کسی را که زندگی خطاً‌آلد دارد.

<sup>۲۳</sup> خداوند می‌گوید: از باشان باز می‌آورم،  
باز می‌آورم از ورطه‌های دریا،  
<sup>۲۴</sup> تا پایت در خون استحمام کند،  
تا زبان سگانست سهم خود را از دشمن داشته باشد.

<sup>۲۵</sup> ورود تو را می‌بینند، ای خدا،  
ورود خدای من، پادشاه من، در قدس؛  
<sup>۲۶</sup> سرایندگان در پیش، نوازنده‌گان در پس.  
در میان، دختران جوانی که دف می‌زنند.

<sup>۲۷</sup> خدا را در جماعت‌ها متبارک خوانید،  
یهُوه را، [ای شما که] از چشمِ اسرائیل<sup>u</sup> [می‌باشد].

<sup>۰</sup> متن بسیار دشوار است. تحتاللفظی: «سواران خدا، اسب سواران درخشان او، دو کرور (هستند)».

<sup>p</sup> تحتاللفظی: «خداوند در میان ایشان است؛ سینا در قدس است».

<sup>q</sup> منظور می‌تواند بلندی آسمان یا بلندی کوه صهیون باشد (ر.ک. ۶:۴۷، اش ۵:۳۳). به نظر راسی، منظور در این مصعر موسی است که از کوه سینا بالا می‌رود؛ ابن عزرا معتقد است که منظور داده است.

<sup>r</sup> قرائت‌های سریانی و آرامی: «تو به مردمان هدایایی داده‌ای»، که منظور هدیه تورات بر کوه سینا است (ر.ک. افس ۴:۸).

<sup>s</sup> بعضی چنین ترجمه می‌کنند: «از میان مردمان هدایایی برگ فته‌ای، حتی طغیانگران، تا مسکنی داشته باشی، ای یاه خدا».

قرائت‌های یونانی و لاتینی چنین آورده‌اند: «طغیانگران نمی‌خواهند باور کنند که خداوند سکونت دارد»؛ سریانی: «طغیانگران در حضور خدا ساکن نخواهند شد».

<sup>t</sup> بعضی چنین ترجمه می‌کنند: «و دروازه‌های مرگ از آن یهُوه خدا می‌باشد».

<sup>u</sup> تحتاللفظی: «از سرچشمِ اسرائیل». بعضی ترجمه می‌کنند: «خدا را در جماعت‌ها متبارک خوانید، خداوند را، در چشمِ اسرائیل». راسی و ابن عزرا برای کلمه «چشمِه» معنایی مجازی پیشنهاد کرده‌اند (آغوش مادر، منشا). شاید منظور چشمِ جیحون باشد که از آنجا راهی‌سایی پیروزمندانه آغاز گردید (ر.ک. ۱-۳۳:۱، ۴۰).

<sup>۲۸</sup> اینک بنیامین، جوانترین (آنان)، ایشان را هدایت می کند<sup>v</sup>،  
بزرگان یهودا و دسته های پرهیاوهیشان<sup>w</sup>،  
بزرگان زبولون، بزرگان نفتالی.

<sup>۲۹</sup> امر بفرما، ای خدا، مطابق قوت،  
مستحکم فرما، ای خدا<sup>x</sup>، آنچه را که برای ما انجام دادی.  
<sup>۳۰</sup> از معبد<sup>y</sup> خود، از فراز اورشلیم،  
آنجا که پادشاهان برایت هدایا می آورند،

<sup>۳۱</sup> «جیوان» نیازها<sup>z</sup> را تهدید کن،  
دسته گاوان نر را که بر قوم ها مسلط می باشند<sup>a</sup>؛  
بادا که با شمشهای نقره سجده کنند<sup>b</sup>.

قوم هایی را که جنگ را دوست می دارند پراکنده ساز.  
<sup>۳۲</sup> بادا که زورمندان<sup>c</sup> از مصر بباشد،  
بادا که حبسه دستان خود را به سوی خدا دراز کند<sup>d</sup>.

<sup>۳۳</sup> ای ممالک زمین، برای خدا بسرايد،  
[برای] خداوند بنوازید، سلا.  
<sup>۳۴</sup> آن سوارکار آسمانها،  
آسمانهای کهن<sup>e</sup>.

تی:۱۱:۱۸  
۲۶:۳۳

<sup>۷</sup> مانند ربی های مفسر، ما اعرابی را در متن تغییر داده ایم تا عبارت «ایشان را هدایت می کند» به دست آید (ر.ک. ژروم). ترجمه های قدیمی این کلمه نامفهوم را به ریشه هایی کمابیش مشابه نزدیک ساخته اند؛ برای مثال، قرائت های یونانی و سریانی: «بنیامین در حالت خلخله است»؛ آرامی: «بنیامین به دریا فرود آمده است».

<sup>w</sup> این کلمه در عبری نامفهوم است. قرائت سیماک: «که در پیشاپیش برای ایشان می جنگند»؛ آرامی: «ایشان را سنگسار می کند»؛ ترجمه ما به قرائت ژروم نزدیک است.

<sup>x</sup> شاید منظور در اینجا، پادشاه باشد؛ ر.ک. ۷:۴۵.

<sup>y</sup> بعضی ترجمه می کنند: «قصر» (البته اگر «خدا» را در مensus قبلی، پادشاه تلقی کنیم).

<sup>z</sup> معمولاً تصور بر این است که این کلمه به مصر اشاره دارد. اما ربی های مفسر با چنین برداشتی مخالف اند.

<sup>a</sup> تحتاللغظی: «با گوساله های قوم ها».

<sup>b</sup> ترجمه ما فاقد قطعیت است.

<sup>c</sup> کلمه ای که در عبری به کار رفته، در هیچ جای دیگر مورد استفاده قرار نگرفته است. در زبان بابلی، کلمه ای مشابه با آن به معنی «بارچه های رنگ شده» می باشد. قرائت یونانی: «سفران»؛ آکيلا و ژروم: «شتابان».

<sup>d</sup> ترجمه فاقد قطعیت است. همین فعل در ۱-سمو ۱۷:۱۷ به معنی «آوردن چیزی با حالت شتاب» به کار رفته است. ترجمه ما مبتنی است بر قرائت های یونانی و سریانی.

<sup>e</sup> تحتاللغظی: «از آسمانهای زمان ابتدا».

اینک او بازگ می دهد،  
با صدای قدرتمند خود.  
۳۵ قوت را برای خدا مقرر دارید؛

عظمت او بر اسرائیل است،  
و قوتش در ابرها.  
۳۶ مهیب است خدا از همان قدس خود،  
هم او، خدای اسرائیل،  
که به قوم خود قوت و توان می دهد.  
متبارک باد خدا!

۱۱:۲۹

## مزمور (۶۸)

<sup>۱</sup> به رهبر سرود، بر «سوسنها». از داد.

۲ ای خدا، مرا نجات ده:  
آبها به گلویم رسیده است.  
۳ در گل ورطه فرو می روم،  
و جایی نیست که بر آن پای بگذارم؛  
به اعماق آبها داخل شده ام،  
جريان آب مرا غرق می سازد.

۳:۴۵

۴ از فریاد کشیدن خسته شده ام،  
گلویم آتش گرفته،

۱۲۳،۸۲:۱۱۹

چشمانم از امید داشتن به خدایم فرسوده شده است.

۲۵:۱۵

۵ زیادتر از موهای سرم هستند  
آنان که بی سبب مرا نفرت می دارند؛  
قوی تراز استخوانهایم هستند  
آنان که به اشتباه دشمنانم می باشند؛  
آنچه را که نگرفته ام باید پس بدهم!

f در خصوص «نیایشهای انفرادی برای درخواست کمک»، ر. ک. «مقدمه». این مزمور یکی از مزامیری است که همچون توصیفی برای مصائب مسیح تلقی شده است. g ر. ک. ۱۹:۳۵.

۶ ای خدا، تو دیوانگی مرا می‌دانی،  
و بزهکاری‌هایم از تو پنهان نیست.

۷ باشد که به خاطر من، منتظران تو شرم‌ساز نگردند،  
ای خداوند، ای یهُوه لشکرهای؛  
بادا که به خاطر من، جوینگان تو خجل نگردند،  
ای خدای اسرائیل!

۸ زیرا به سبب تو است که متتحمل رسوایی می‌شوم،  
و خجالت چهره‌ام را می‌پوشاند،  
۹ و برای برادرانم بیگانه شده‌ام،  
و برای پسران مادرم شخصی ناشناس.

۱۰ <sup>h</sup> زیرا غیرت خانه‌ات مرا می‌درد  
و ناسراهای آنان که تورا ناسزا می‌گویند بر من افتاده است.

ایوب ۱۳:۱۹

یو:۱۱۹  
رو:۳:۱۵

۱۱ اگر جانم را با روزه خُرد سازم،

برای آن رسوایم می‌کنند؛

۱۲ اگر پلاس را جامه خود سازم،  
برایشان قصه می‌شوم،

۱۳ آنان که بر دروازه نشسته‌اند بر من یاوه گویی می‌کنند،  
و نوشندگان مسکرات مرا ترانه خود می‌سازند.

۲۵-۲۴:۱۰۹

۱۴ و من، دعایم به سوی تو می‌رود، ای یهُوه؛

در زمان مساعد، ای خدا،

بر حسب فراوانی وفاداری‌ات، مرا اجابت فرما،  
بر حسب راستی نجات.

۱۵ مرا از گل بر کش تا فرو نروم،

باشد که از اعماق آبهای رهایی یابم.

۱۶ باشد که جریان آبهای مرا غرق نسازد،  
ورطه مرا فرو نبرد،  
و چاه دهان خود را بر من نبندد.

این عبارت را به دو گونه می‌توان برداشت کرد: «غیرتی که برای خانه‌ات دارم...» یا «حسادتی که خانه‌ات در دشمن بر می‌انگیرد». ابن عزرا بیشتر به گونه دوم گرایش دارد. راشی هر دو گونه را در هم ترکیب کرده است. ر.ک. یو ۱۷:۲.

۱۷ مرا جواب ده، ای یهوه، زیرا وفاداری تو نیکوکار است؛  
مطابق فراوانی رحمتت به سوی من برگرد.  
۱۸ روی خود را بر خدمتگزاری پنهان مساز؛  
در پریشانی به سرمی برم، بشتاب، مرا جواب ده.  
۱۹ به جانم نزدیک شو، آن را باخرید نما،  
به سبب دشمنانم مرا رهایی ده.

۲۰ تورسوایی مرا می‌دانی، شرمداری مرا و خجلت مرا،  
همه خصمایم در برابر تو هستند.  
۲۱ رسوایی دلم را شکسته است: علاج ناپذیرم!  
منتظر دلسوزی بودم، و نبود!  
تسلي دهنگان: کسی را نیافتم!

۲۲ در خوارکم سم نهادند  
و برای تشنجی ام مرا سرکه نوشانیدند.  
۲۳ بادا که سفره ایشان در مقابل ایشان تور باشد،  
خوارک مقدسشان، دام؛  
۲۴ بادا که چشمانشان تار شود و دیگر نبینند،  
گرده‌هایشان را دائمًا بلزان.

۲۵ غضب خود را بر ایشان ببریز،  
شدت خشم ایشان را بگیرد.  
۲۶ بادا که اردوگاهشان بیابان شود،  
در خیمه‌هایشان کسی ساکن نباشد.  
۲۷ زیرا بر کسی که می‌زدی آزار رسانده‌اند،  
به دردهای کسی که قربانی تو شده بود افزوده‌اند.

۲۸ خطاب بر خطای ایشان بیفزا،  
به عدالت تو هیچ دسترسی نداشته باشند؛  
۲۹ بادا که از کتاب حیات زدوده شوند،  
با عادلان ثبت نگرددند!

<sup>۱</sup> برخی این گونه ترجمه می‌کنند: «رسوایی دل مرا شکسته و من به سبب آن بیمارم». در هر صورت، ترجمه فاقد قطعیت است، زیرا فعلی که در عبری به کار رفته، در جای دیگر مشاهده نشده است.  
<sup>۲</sup> برخی این گونه ترجمه می‌کنند: «ضرباتی را که بر قربانیان تو وارد می‌آید می‌شمارند».

۳۰ و من، شوربخت و رنجبر،  
نجاتم، ای خدا، مرا محافظت فرماید!  
۳۱ نام خدا را با سرود خواهم ستد،  
با سرود ستایش او را تمجید خواهم نمود.

۳۲ و این برای یهُوه از گاو مقبول تر خواهد بود، ۳:۳۴  
بیش از گاو نرجوانی که شاخ و سُم دارد.  
۳۳ بادا که فروتنان این را ببینند و شادمان گردند، ۱۳:۱۴۰  
ای شما که خدا را می جویید، بادا که دلتان زنده باشد!<sup>k</sup>  
۳۴ زیرا یهُوه به تنگستان گوش فرا می دهد،  
واسیران خود را خوار نمی شمارد.

۳۵ بادا که آسمان و زمین اورا بستایند، ۱۷:۱۰۲  
دریاها و هر آنچه در آنها می جنبد!  
۳۶ چرا که خدا صهون را نجات خواهد داد ۲۶:۴۳  
و شهرهای یهودا را بازسازی خواهد کرد؛  
در آنها ساکن خواهند شد؛ آنها را به مالکیت در خواهند آورد،  
۳۷ نزد خدمتگزارانش از آن میراث خواهند برد، ۹:۶۵  
و آنان که نامش را دوست می دارند در آن مسکن خواهند داشت. ۱۲:۵

## مزمور (۶۹) ۷۰

۱ به رهبر سرود. از داود. برای یادبود<sup>1</sup>.

۲ ای خدا، [لطف فرموده،] مرا رهایی ده،  
ای یهُوه، به یاری ام بستاب!

۳ شرمسار و خجل گردند  
آنان که قصد جانم را دارند؛  
بادا که عقب بروند و شرمسار گردند  
آنان که در آرزوی سیه روزی من اند؛

۱ ر.ک. ۱:۳۸. - این مزمور با بخش دوم مزمور ۴۰ قرابت دارد (ر.ک. توضیح ۲۰:۴۰). k ۲۷:۲۲. ر.ک.

<sup>۴</sup> از آن شرمسار بر گردند  
آنان که می‌گویند: «هه، هه!»

<sup>۵</sup> بادا که در تو وجد نمایند و شادمان باشند  
جمله آنان که تو را می‌جویند:  
 دائماً بگویند: «خدا بزرگ است»  
آنان که نجات تو را دوست می‌دارند.

<sup>۶</sup> و من، مسکین و تنگدست هستم!  
پس ای خدا، به سوی من بشتاب،  
تو که مددکار و رهانده من هستی:  
ای یهوه، تأخیر منما!

## مزمور ۱ (۷۰<sup>m</sup>)

۲:۳۱

<sup>۱</sup> ای یهوه، در تو پناه می‌برم!  
بادا که هرگز شرمسار نگردم!  
<sup>۲</sup> در عدالت خود مرا رهایی ده، حفظ فرما،  
گوش خود را به من فرا دار و مرا نجات بده.  
<sup>۳</sup> برایم صخره مأمن باش،  
قلعه نجات؛  
زیرا تو بی صخره و قلعه من.

<sup>۴</sup> ای خدای من، مرا از دست شریر حفظ فرما،  
از چنگ آدم منحرف و ظالم.  
<sup>۵</sup> زیرا تو بی امید من، ای خداوند،  
اعتماد من از جوانی ام، ای یهوه.  
<sup>۶</sup> از بطن، بر تو تکیه کرده‌ام،  
تو بودی که مرا از شکم مادرم بر کشیدی<sup>P</sup>،  
 دائماً به تو امیدوارم.

<sup>m</sup> قرائت یونانی می‌افزاید: «از داود، از بنی یوناداب، و از نخستین تبعیدیون»؛ ر. ک. ار. ۳۵.

<sup>n</sup> در خصوص «نیاشهای افسردادی برای درخواست کمک» (البته با توجه به توضیح آیه ۲۰)، ر. ک. «مقدمه».

<sup>o</sup> قرائت عبری: «برای ورود دائمی، امر به نجات داده‌ای»؛ ترجمه ما مبتنی است بر قرائت یونانی.

<sup>p</sup> این کلمه ای است منحصر به فرد و معنایش قطعی نیست. قرائت‌های یونانی و زرروم: «تو محافظ من می‌باشی»؛ طومار غار چهارم قمران: «قوت من می‌باشی»؛ سریانی: «مالجاً من می‌باشی»؛ ترجمه ما مبتنی است بر قرائت آرامی (راسی و ابن عزرا) نیز بر اساس اعد ۱۱:۳۱، به همین شکل برداشت کرده‌اند؛ ر. ک. مز ۲۲:۱۰.

<sup>۷</sup> برای بسیاری همچون اعجوبه<sup>۹</sup> هستم،

اما تو ملجاً قوی من هستی.

<sup>۸</sup> دهانم پر است از ستایش تو،

از جلال تو در تمامی روز.

<sup>۹</sup> مرا در زمان کهنسالی رد مفرما،

آن هنگام که نیرویم می‌رود مرا رها مساز؛

<sup>۱۰</sup> زیرا دشمنانم بر ضد من سخن می‌گویند،

آنان که در کمین زندگی من اند با هم مشورت می‌کنند:

<sup>۱۱</sup> «خدا او را رها کرده؛ تعاقبش کنید؛

او را بگیرید؛ کسی نیست رهایی دهد!»

<sup>۱۲</sup> ای خدا، از من دور مشو،

ای خدای من، به یاری ام بستاب.

<sup>۱۳</sup> بادا که شرمسار و خجل گردند

آنان که قصد جانم را دارند؛

۱۲:۲۲

:۲۳:۳۸

:۱۴:۴۰

۲:۷۰

۴:۳۵

بادا که از رسایی و خجلت پوشیده شوند

آنان که در پی سوربختی من اند.

<sup>۱۴</sup> اما من دائمًا امیدوار خواهم بود،

بر تمامی ستایش تو خواهم افروزد.

<sup>۱۵</sup> دهانم عدالت را بازگو خواهد کرد،

و نجات را تمامی روز؛

زیرا آنها را نمی‌توانم شمرد.<sup>۱۶</sup>

<sup>۱۶</sup> پیروزیهای یهوه را ذکر خواهم کرد<sup>۸</sup>،

عدالت را تنها به تو یادآوری خواهم نمود.

<sup>۱۷</sup> ای خدا، تو مرا از جوانی تعلیم داده ای،

و تا هم اکنون شگفتیهایت را انتشار می‌دهم.

<sup>۹</sup> ر.ک. حرق ۱۲:۶، ۱۱:۲۴:۲۴، ۲۷:۲۴:۲۴. قرائت ژروم: «هیولا».

<sup>۱۰</sup> این شکلی انحصاری از این فعل است؛ ترجمه ما مبتنی است بر قرائت‌های سیماک و آرامی و حالتی فرضی دارد (ر.ک.).

(۱۸-۱۷:۱۳۹:۶:۴)، قرائت‌های یونانی و سریانی: «حروف آنها را نمی‌شناسم»، و برخی از مفسران امروزی آن را توضیح

یک نسخه بردار تلقی می‌کنند.

<sup>۱۱</sup> تحتاللفظی: «وارد دلاوریهای... می‌شوم»؛ قرائت ترجمه‌های قدیمی: «به واسطه قوت خداوند وارد خواهم شد»؛ ترجمه ما مبتنی است بر قرائت‌های ابن عزرا و راشی، ر.ک. مز ۴۵:۵.

۳۱:۲۲

<sup>۱۸</sup> حتی تا به کهنسالی و به گاه سپیدموبی،  
ای خدا، مرا ترک منما،  
تا قوت تورا به دوره های آینده اعلام کنم،  
دلیری تورا  
<sup>۱۹</sup> و عدالت را، ای خدا، تا آن بالا!  
تو سرچشمہ امور عظیم می باشی،  
ای خدا، کیست مانند تو؟

<sup>۲۰</sup> تو که به من پریشانیهای بسیار و بی رحمانه نشان داده ای،  
حیات را به من باز خواهی داد<sup>۱</sup>  
و مرا از ورطه های زمین برحواهی آورد؛  
<sup>۲۱</sup> بزرگی مرا خواهی افروز  
و بار دیگر مرا تسلی خواهی داد.

<sup>۲۲</sup> و من تورا بر زه های چنگ خواهم ستود،  
برای امانتت، ای خدای من،  
برایت بربط خواهم نواخت،  
ای قدوس اسرائیل!  
<sup>۲۳</sup> آن هنگام که برای تو بتوازم، لبانم از شادی فریاد برحواهند آورد،  
جانم نیز: تو آن را رهایی خواهی داد!  
<sup>۲۴</sup> و زبانم تمامی روز عدالت تورا زمزمه خواهد کرد،  
زیرا شرمدار خواهند شد، خجل خواهند گردید  
آنان که در پی شوربختی من هستند.

۲۸،۲۶:۳۵

## مزمور ۷۲ (۷۱)

<sup>۱</sup> از سلیمان<sup>۱</sup>.

۱۵:۸۹

ای خدا، انصاف خود را به پادشاه بده<sup>۷</sup>  
و عدالت خود را به پسر پادشاه!

<sup>۸</sup> متن نوشته شده: «حیات را به ما باز خواهی داد» که می کوشد بر جنبه گروهی مزمور تأکید بگذارد. ترجمه ما مبتنی است بر متن خوانده شده.

<sup>۹</sup> قرائت یونانی: «برای سلیمان»: شاید به خاطر آیه ۲۰.  
<sup>۱۰</sup> در خصوص «مزامیر سلطنتی»، ر. ک. «مقدمه».

<sup>۲</sup> بادا که قوم تورا با عدالت داوری کند  
و مسکینان تورا با انصاف.

<sup>۳</sup> بادا که کوهها برای قوم آرامش بیاورند و تپه‌ها عدالت<sup>w</sup>.  
<sup>۴</sup> او بینوایان قوم را داد خواهد داد،  
پسران فرد تنگدست را نجات خواهد بخشید،  
ستمکار را له خواهد کرد.

<sup>۵</sup> به سان خورشید پایدار خواهد بود<sup>x</sup>،  
به اندازه ماه<sup>y</sup>، دوره به دوره.

<sup>۶</sup> همچون باران بر چمنزار فرود خواهد آمد<sup>z</sup>،  
مانند رگباری که زمین را آبیاری می‌کند.  
<sup>۷</sup> در روزگار او عدالت شکوفا خواهد شد،  
و آرامشی عظیم تا انتهای ماهها.

۱۱:۳۷

زک ۲۱:۴۳  
بنسی ۲۱:۹

<sup>۸</sup> از دریا تا به دریا سلطه خواهد راند<sup>a</sup>،  
و از «نهر» تا اقصای زمین.  
<sup>۹</sup> خصمانش<sup>b</sup> در برابر او زانو خواهند کرد،  
و دشمنانش خاک را خواهند لیسید.  
<sup>۱۰</sup> پادشاهان ترشیش و جزیره‌ها خراج خواهند داد،  
پادشاهان شبا و سبا<sup>c</sup> هدایا تقدیم خواهند داشت،  
<sup>۱۱</sup> جمیع پادشاهان در مقابل او سجده خواهند کرد،  
همه ملت‌ها او را خدمت خواهند نمود.

۱-پاد ۱:۱۰

<sup>w</sup> تحتاللفظی: «بادا که کوهها برای قوم کامیابی بیاورند، و تپه‌ها، در عدالت». قرائت یونانی «در عدالت» را به ابتدای آیه <sup>۴</sup> انتقال داده است. در خصوص معنی این جمله، ر.ک. آیه ۱۶.

<sup>x</sup> قرائت عبری: «از او خواهند ترسید»؛ ترجمه ما مبتنی است بر قرائت یونانی.  
<sup>y</sup> تحتاللفظی: «با خورشید و در حضور ماه».

<sup>z</sup> این آیات در متن عبری حاوی ابهام هستند و مشخص نیست منظور خدا است یا پادشاه. تمام این مزمور صفات الهی را به پادشاه نسبت می‌دهد؛ ر.ک. ۷:۳۶-۱:۸۹؛ ۹:۳-۱:۱۵. این صفات همانهایی هستند که سنت برای شخصیت سلیمان قالی است؛ ر.ک. ۱:۱۰-۲:۴؛ ۲:۲۲-۱:۱۰؛ ۲:۲۹-۱:۲۲؛ ۱:۲۹-۱:۲۲.

<sup>a</sup> میان این فعل و فعل «فرود خواهد آمد» (آیه ۶)، با کلمات بازی شده که قابل ترجمه نیست.

<sup>b</sup> تحتاللفظی: «ساکنان بیان»، از جمله انسان، حیوان، یا ارواح خبیث (اش ۲۱:۱۳؛ ۳۴:۱؛ ار ۳۹:۵). قرائت‌های یونانی و زرروم: «اهمی حبشه»؛ سریانی: «جزیره‌ها».

<sup>c</sup> «ترشیش» احتمالاً دلالت دارد بر اسپانیا، «جزایر» بر سرزمینهای مأموری مدیترانه، «شبا» بر جنوب عربستان، و «سبا» بر بخشی از حبشه یا عربستان.

<sup>۱۲</sup> زیرا<sup>d</sup> فرد تنگدست را که استغاثه می‌کند رهایی خواهد داد، مسکین بدون امداد را،

<sup>۱۳</sup> بر ضعیف و تنگدست ترجم خواهد کرد،

زندگی تنگدستان را نجات خواهد داد،

<sup>۱۴</sup> جان ایشان را از ستم و خشونت باخرید خواهد کرد، خون آنان در نظر او بها خواهد داشت.<sup>e</sup>

<sup>۱۵</sup> زنده باد، و طلای شب را به او بدهند، برای او پیوسته دعا کنند،

تمامی روز او را برکت بدنهند!<sup>f</sup>

<sup>۱۶</sup> سرزمین از گندم لبریز باشد،

در قله کوهها صدا کند<sup>g</sup>،

محصولش چون لبنان شکوفاً گردد،

و خوش هایش، مانند علف زمین.<sup>h</sup>

<sup>۱۷</sup> نامش تا به ابد پاینده باد، نامش به مانند خورشید پایدار بماند<sup>i</sup>،

جمعی خانواده های زمین از او خود را برکت دهنده

و همه ملت ها او را خجسته بخوانند!

<sup>۱۸</sup> متبار ک باد یهوه، خدای اسرائیل،

که به تهایی شگفتیها به عمل می آورد!

<sup>d</sup> می توان «آری،...» نیز ترجمه کرد.

<sup>e</sup> منظور محکوم شدن قاتل از سوی پادشاه است.

<sup>f</sup> کلمات اول این آیه همان است که در تحقیت های شاهانه اعلام می داشتند و می گفتند: «زنده باد پادشاه!» (۱-سمو:۱۰؛ ۲۴:۱۰؛

۱-پاد، ۲۵:۱، ۲۵، ۳۴، ۳۹؛ ۲-پاد ۱۱؛ ۱۲:۲-توا ۲۳:۲۳). فاعل سایر افعال تصريح نشده، اما سنت (ابن عزرا) آنها را

اشخاص مسکین تلقی کرده است.

<sup>g</sup> ترجمه فاقد قطعیت است.

<sup>h</sup> ترجمه متداول: «اهل شهرها مثل علف زمین نشو و نما خواهند کرد». اما این فعل می تواند به معنی «نگاه کردن» نیز باشد (ر.ک. غزل ۹:۲). لذا می توان چنین نیز ترجمه کرد: «با نگاه کردن از شهر، خواهند درخشید». در هر صورت، منظور اشاره به حاصل خبری فوق العاده ای است که شهر در مرکز آن قرار دارد (طبق قرائت آرامی، این شهر همانا اورشلیم است).

<sup>i</sup> قرائت یونانی برای مصرع اول: «مبارک باشد». قرائت عبری برای مصرع دوم: «تکثیر شود»؛ ترجمه ما مبتنی است بر قرائت یونانی.

ز تحتاللغظی: «و خود را با آن (یعنی با نام او) برکت خواهند داد». در اینجا همان خصوصیتی به پادشاه نسبت داده می شود که به ابراهیم داده شده بود (بید ۳:۱۲؛ ۱۸:۲۲).

<sup>۱۹</sup> متبادر ک باد تا به ابد نام پر جلالش،  
و جلالش تمام زمین را پر سازد.  
آمین! آمین!<sup>k</sup>

۲۰ در اینجا نیایشهای داود، پسر یسّا خاتمه می یابد.<sup>l</sup>

## کتاب سوم (مزامیر ۷۳ تا ۸۹)

### مزمور ۷۳ (۷۲)

<sup>۱</sup> مزمور. از آساف.<sup>m</sup>

آری، خدا برای اسرائیل نیکو است<sup>n</sup>،  
برای آنان که دلی پاک دارند.

<sup>۲</sup> و من، نزدیک بود که پایهایم منحرف شود،  
نزدیک بود که قدم هایم بلغزد،  
<sup>۳</sup> چه حсадتی می ورزیدم بر بی عقلان<sup>o</sup>  
آن گاه که آرامش شریران را دیدم:  
<sup>۴</sup> هیچ آشتگی<sup>p</sup> برای ایشان نیست<sup>q</sup>،  
بدنشان سالم و فربه است،

<sup>k</sup> آیات ۱۹-۱۸ ستایشی پایانی را تشکیل می دهد که این مزمور را خاتمه می دهد، و طبق معمول، پایان بخش قسمت دیگری از کتاب مزمیر است (ر.ک. توضیح ۴:۴۱، و «مقدمه»).

<sup>l</sup> این عبارت نشانه خاتمه کتاب دوم مزمیر است.

<sup>m</sup> ر.ک. توضیح ۰:۵.

<sup>n</sup> در خصوص «مزامیر تعلیمی» و مسأله پاداش، ر.ک. «مقدمه».

<sup>o</sup> معنی این کلمه مشخص نیست. تحتاللفظی: «متکران» (۵:۶؛ ۷:۵). بعضی ترجمه می کنند: «تازه به دوران رسیده ها». قرائت آرامی: «تمسخر کنندگان»؛ یونانی: «خطاکاران».

<sup>p</sup> تحتاللفظی: «درد سر»؛ قرائت یونانی: «مانع»؛ سریانی: «بدون انتها»؛ وولگات و ژرژوم: «بدون دغدغه مرگ خود».

<sup>q</sup> تحتاللفظی: «هیچ مانعی نیست در مرگ ایشان». در زبان اوگاریتی، «مرگ» به معنی «اشتهایی شوم» می باشد. در این صورت، این مصرع را می توان چنین استنباط کرد: «اشتهای ایشان هیچ مانعی نمی شناسد».

<sup>۵</sup> در رنج انسان‌های فانی سهمی ندارند،  
با مردمان زده نمی‌شوند.

<sup>۶</sup> از این رو، تکبر برای ایشان گردن‌بند است،  
(و) ستم، جامه‌ای که ایشان را می‌پوشاند.

<sup>۷</sup> بی‌انصافی از چربی ایشان بیرون می‌زند،  
اندیشه‌های دلشان لبریز است.<sup>۸</sup>

<sup>۸</sup> تمسخر می‌کنند و شریرانه سخن می‌گویند،  
از بلندی خوبیش از ظلم سخن می‌رانند،  
<sup>۹</sup> دهانشان بر آسمان می‌تازد<sup>۹</sup>  
و زبانشان بر روی زمین گزاره‌گویی می‌کند.

<sup>۱۰</sup> به این سبب است که قوم من به سوی ایشان بر می‌گردند<sup>۱۰</sup>،  
با دهانی کاملاً باز آبهای ایشان را می‌بلعند.

<sup>۱۱</sup> می‌گویند: «خدا چگونه بداند؟<sup>۱۱</sup>  
آیا نزد حضرت اعلی علم یافت می‌شود؟»

<sup>۱۲</sup> پس شریران، اینکه اینجا هستند،  
و با خاطری همواره آسوده، دولت خود را فزونی می‌بخشند!

<sup>۱۳</sup> پس عبت بوده که دل خود را پاک نگاه داشته‌ام،  
(و) دستهای خود را در بی‌گناهی شسته‌ام.

<sup>۱۴</sup> تمامی روز زده‌ام،  
هر بامداد مجازات من آنجا است.

<sup>۱۵</sup> تحتاللفظی: «چشم ایشان از چربی بیرون می‌آید، ... از دلشان عبور می‌کند». کلمه‌ای که در اینجا جا اندخته‌ایم، در لارو  
به معنی «تمثال» است و در امثال<sup>۱۶</sup> به معنی «خيالات». ریشه‌شناسی این کلمه و نیز مضمون متن در اینجا بیشتر  
مفهوم «شهوات» را دارد. قرائت ژروم و سریانی: «اندیشه‌ها»؛ یونانی و اکیلا: «قصدها»؛ وولگات: «اشتیاق»؛ سیماک:  
«صورت ظاهر». مصرع اول را می‌توان به شکل‌های مختلف برداشت کرد (مگر آنکه مانند یونانی، ترجمه کنیم «بی‌انصافی»  
و نه «چشم» - مانند ترجمه ما): «چشم ایشان با وجود چربی می‌درخشید»، یا «چشم ایشان چون که فربه است می‌درخشید»، یا  
«چشم ایشان بیش از چربی می‌درخشید».

<sup>۱۶</sup> تحتاللفظی: «دهان خود را در آسمانها قرار می‌دهند»، یعنی این اجازه را به خود می‌دهند تا از عملکرد خدا انتقاد کنند.  
<sup>۱۷</sup> متن خوانده شده: «به این سبب است که قوم او به اینجا باز می‌گردند»؛ متن نوشته شده: «قوم خود را به اینجا باز می‌آورد». ما  
متن را اندکی اصلاح کرده‌ایم. ترجمه‌های قدیمی قرائت‌هایی نسبتاً متفاوت ارائه کرده‌اند؛ مثلاً قرائت یونانی: «به این سبب  
است که قوم من به اینجا باز خواهند گشت، و روزهایی کاملاً پر نزد ایشان یافت خواهد شد».

۱۵ اگر گفته بودم: می خواهم چون آنان سخن گویم،  
به نسل پسران تو خیانت می کرم.

۱۶ پس برای آنکه در ک کنم، به اندیشیدن پرداختم:  
در نظرم چه رنجی بود!<sup>۱۱</sup>  
۱۷ تا آنکه چون به قدس های خدا داخل شدم،  
عقبت ایشان را تشخیص دادم.

۱۸ آری، تو ایشان را بر زمینهای لغزنده می گذاری،  
آنان را به ویرانیها می افکنی.  
۱۹ پس چه! در یک آن نابود می شوند،  
برده می شوند، در وحشت محظوظ می گردند.  
۲۰ ای خداوند، همچون خوابی به هنگام بیدار شدن<sup>۷</sup>،  
چون بیدار می شوی، تصویر ایشان را خوار می شماری.

۲۱ آن گاه که دلم به خشم می آمد،  
آن هنگام که گرده های سوراخ می شد،  
۲۲ احمق بودم و در ک نمی کرم،  
در حضور تو حیوان<sup>۸</sup> بودم.

۲۳ اما من پیوسته با تو هستم؛  
تو دست راست مرا گرفته ای،  
۲۴ با مشورت خود مرا هدایت خواهی کرد،  
سپس در جلال مرا بر خواهی گرفت.<sup>۹</sup>

<sup>۱۱</sup> ترجمه ما معنای تحتاللفظی آیه را منعکس می سازد. بعضی چنین ترجمه می کنند: «اندیشیدم تا آنچه را که دیدنش رنج آور بود در ک کنم».

<sup>۷</sup> در عبری میان «از شهر» و «به هنگام بیدار شدن» هم آوای وجود دارد. لذا بعضی چنین ترجمه می کنند: «ای خداوند، تصویر ایشان را از شهر خواهی راند، همچون خوابی به هنگام بیدار شدن». در قرائت آرامی نیز «به هنگام بیدار شدن» آمده که به معنی «روز قیامت مردگان» است.

<sup>۸</sup> در عبری «بهیوت»، یعنی اسب آبی (در ک. ایوب ۴:۴۰).  
<sup>۹</sup> به نظر نی رسد که منظور «جلال آسمانی» باشد. اما بدون اینکه بخواهیم به معنی دقیق الهیاتی آن بپردازیم، اندیشه مزمور نگار بسیار دور می رود و می خواهد بگوید که آینده شخص وفادار، در این زندگی و نیز بعد از مرگ، از خدا دور نخواهد ماند، خدایی که منشأ هر سعادتی است.

<sup>۲۵</sup> [جز تو] چه کسی را در آسمانها دارم؟  
به غیر از تو آرزوی دیگری بر روی زمین ندارم.<sup>y</sup>  
<sup>۲۶</sup> بادا که گوشت من و دلم از میان برود:  
صخره دلم و نصیب من، خدا است تا به ابد!

<sup>۲۷</sup> زیرا اینک آنان که از تو دور می شوند از میان می روند،  
تو همه آنان را که در حق تو زناکارند از بین می برسی.

<sup>۲۸</sup> سعادت من بودن نزد خدا است:  
پناهگاه خود را در خداوند یهوه گذارده ام،  
تا تمامی کارهای تو را بازگو کنم  
در دروازه های دختر صهیون.<sup>z</sup>

## مزمور ۷۴ (۷۳)

۱ شعر. از آساف.

ای خدا، به چه سبب بدون انتها رد می کنی<sup>a</sup>،  
[به چه سبب] خشم تو بر علیه گله چراگاهت فروزان است؟  
<sup>۲</sup> به یاد آور جامعه خود را که در گذشته حاصل نمودی،  
که آن را همچون قبیله میراث بازخرید کردی،  
کوه صهیون را که در آن سکونت داری.

<sup>۳</sup> قدم های خود را به سوی این ویرانه های <sup>b</sup>ابدی بیاور؛  
دشمن همه چیز را در [مکان] مقدس غارت کرده است.  
<sup>۴</sup> خصمان تو در مکان جماعت تو غریبه اند،  
علم های خود را همچون علم قرار داده اند.<sup>c</sup>

y ر. ک. مز ۲:۱۶، ۵؛ مز ۲۴:۳.  
z قرائت آکيلا و ژروم: «تا اخبار تو را اعلام کنم». عبارت آخر «در دروازه های...» تنها در قرائت یونانی اضافه شده و ما نیز آن را آورده ایم (۱۵:۹).

a در خصوص «نبایشهای گروهی برای درخواست کمک»، ر. ک. «مقدمه».  
b تحتاللفظی: «قلم های خود را به ویرانه های بدون انتها برآور». قرائت سریانی: «خدمت را... برآور»؛ ژروم: «بلندی را... بر افزار»؛ یونانی: «دست خود را... بر تکبر آنان بلند کن».  
c یعنی «علم های خود را همچون علامت گذاشته اند».

<sup>۵</sup> ایشان را دیده‌اند، به سان کسی که تکان می‌دهد  
تبری دو سر را در میان بیشه،  
<sup>۶</sup> همه نقش‌های کنده کاری شده تورا در هم می‌کوبند  
با ضربات پتک و چکش.<sup>d</sup>

<sup>۷</sup> قدس تورا به آتش سپرده‌اند،  
مسکن نام تورا تا به زمین بی‌حرمت ساخته‌اند.  
<sup>۸</sup> در دل خود گفته‌اند: «بایک ضربه آنها را ویران سازیم،  
هر مکان جماعت مقدس را در سرزمین بسوزانیم.»

۲-پاد:۲۵:۹؛  
اش:۶:۱۰

<sup>۹</sup> نشانه‌های خود را دیگر نمی‌بینیم،  
دیگر نمی‌ای نیست،  
و کسی نزد ما نمی‌داند تا به کی!

۹:۷۷  
مرا:۲:۹

<sup>۱۰</sup> تا به کی، ای خدا، خصم ناسزا خواهد گفت؟  
آیا دشمن نام تورا بدون انتها خوار خواهد شمرد؟  
<sup>۱۱</sup> چرا دست خود را بر می‌گردانی،  
(و) دست راست را در سینه خود باز می‌داری؟<sup>e</sup>

<sup>۱۲</sup> اما خدا از زمان‌های قدیم پادشاه من است،  
پدیدآورنده رهایی‌ها در میان سرزمین.

<sup>۱۳</sup> تو بودی که دریا را به قوت خود شکافتی،  
که سرهای اژدهاه را برآبها خرد ساختی؛  
<sup>۱۴</sup> تو بودی که سرهای لویاتان<sup>f</sup> را شکستی،  
آن را چون خوراک به کوسه‌های<sup>g</sup> دریا دادی؛

<sup>d</sup> متن مبهم است. تحتاللفظی: «(a۵) او شناخته شده بود همچون واردسازنده از بالا، (b۵) در یک درهم رفتگی بیشه، تبرها را. (a۶) در زمانی که (طبق متن نوشته شده): و اکنون (طبق متن خوانده شده)، نقش‌های کنده کاری شده اش را با هم، (b۶) با تبر و پتک می‌کوبند». متن یونانی آیه a۵ را به آیه ۴ مرتبط ساخته، طور دیگری جملات را تقسیم بندی می‌کند: «... (۵) بدون اینکه بدانند، مانند ورودی آن بالا. (۶) همچون جنگل بیشه زار، با تبر دروازه‌هایش را با هم در هم کوبیده‌اند؛ با تبر و پتک آن را ویران ساخته‌اند». آکیلا، سیماک، و تئودوسیون همچنین قرائت کرده‌اند: «در ورودی»؛ سیماک و سریانی همچنین قرائت کرده‌اند: «دروازه‌ها».

<sup>e</sup> یعنی «اجازه نمی‌دهی دست راستت چینهای را ترک گوید»؛ متن خوانده شده: «دست راست را روی خودت نگاه می‌داری»؛ متن نوشته شده: «... در میان فرمانت...»

<sup>f</sup> در اشعار اسطوره‌ای اوگاریت، «لویاتان» هیولا‌ی دریایی است که هفت سر دارد. ر.ک. اش:۱:۲۷؛ مز:۴:۲۶؛ ایوب:۳:۸.

<sup>g</sup> متن مبهم است. تحتاللفظی: «آن را برای خوردن به ساکنان بیابان می‌دهد». قرائت یونانی: «به ساکنان حبشه»؛ سریانی: «به قوم نیرومند»؛ آرامی: «به قوم (اسرائیل) و به اژدهاهای»؛ آکیلا: «... به آنان که بیرون می‌روند»؛ تئودوسیون: «به قوم غایی». مطابق یکی از سنن یهود، لویاتان در ضیافت مسیحایی همچون خوراک به عادلان داده خواهد شد.

<sup>۱۵</sup> تو بودی که چشممه و سیلاب را به فوران آوردی،  
تو بودی که رودهای خشکی ناپذیر را خشک ساختی؛  
<sup>۱۶</sup> از آن تو، شب نیز از آن تو است،

تو بودی که ستارگان<sup>h</sup> و خورشید را برقرار ساختی؛  
<sup>۱۷</sup> تو بودی که جمیع حدود زمین را تعیین کردی،  
تابستان و زمستان را تو شکل بخشدید.

<sup>۱۸</sup> آن را به یاد آور؛ دشمن<sup>i</sup> یهوه را اهانت کرده است،  
قومی بی عقل نام تورا خوار شمرده است.  
<sup>۱۹</sup> جان قُمری خود را به حیوانات مسیار<sup>j</sup>،  
حیات مسکینان خود را بدون انتها از یاد مبر.

<sup>۲۰</sup> عهد را ملاحظه فرما:  
گوشه های سرزمین پر است از مقرهای ستم<sup>k</sup>.  
<sup>۲۱</sup> باشد که شخص له شده شرمزار بیرون نرود،  
باشد که مسکین و نیازمند نام تورا بستایند!

<sup>۲۲</sup> ای خدا برخیز! از امر خود دفاع کن،  
به یاد آور اهانتی را که هر روز از آدم بی عقل بر تو می آید؛  
<sup>۲۳</sup> فریادهای خصمانت را فراموش مکن،  
هیاهوی متجاوزین خود را که پیوسته بر می آیند.

## مزمور (۷۴) ۷۵

<sup>۱</sup> به رهبر سرود. «ویران مساز<sup>k</sup>». مزمور. از آساف. سرود.

<sup>۲</sup> تو را تمجید می کنیم<sup>l</sup>، ای خدا، تو را تمجید می کنیم،  
نام تو را می خوانیم، شگفتیهای تو را بازگو می کنیم<sup>m</sup>.

<sup>۳</sup> h تحتاللفظی: «ستاره».

<sup>۴</sup> i قرائت یونانی و سریانی: «جانی را که تو را سیاس می گوید به حیوانات مسیار».

<sup>۵</sup> j تحتاللفظی: «پر هستند مکان های ظلمانی زمین، قلمروهای ستم»؛ قرائت سریانی: «زیرا مسکن های زمین پر است از ظلمت و ستم».

<sup>۶</sup> k. ر. ک. ۱:۵۷.

<sup>۷</sup> l این نوعی «پند نبوتی» است؛ ر. ک. «مقدمه».

<sup>۸</sup> m قرائت عبری: «ای خدا، تو را تمجید می کنیم، نام تو را تمجید می کنیم، زیرا که نزدیک است، شگفتیهای تو اعلام می شوند».  
ترجمه ما مبتنی است بر قرائت های یونانی، وولگات و سریانی.

<sup>۳</sup> «چون به زمان تعیین شده برسم،  
من خود با درستی داوری خواهم کرد.  
<sup>۴</sup> بادا که زمین و جمیع ساکنانش فرو ریزند،  
من خود ستونهایش را برقرار ساختم. سلا.

<sup>۵</sup> به بی عقلان گفتم: بی عقلی ممکنید،  
و به شریران: پیشانی بر میفرزید.  
<sup>۶</sup> پیشانی خود را اینقدر بالا مگیرید،  
با باليدين به گستاخی خود سخن مگويند.»

<sup>۷</sup> زیرا نه از مشرق، نه از غرب،  
<sup>۸</sup> نه از بیابان، [نه] از کوهساران...<sup>۹</sup>  
نه، داور خدا است:  
یکی را پست می سازد، دیگری را بر می افرازد.

<sup>۹</sup> زیرا که در دست یهود جامی است  
که در آن شرابی آکنده از گیاهان خوشبو می جوشد؛  
از آن برای یکی می ریزد، سپس برای دیگری؛  
ایشان آن را تا به درد خالی خواهند کرد<sup>۰</sup>،  
همه شریران زمین آن را خواهند نوشید.

<sup>۱۰</sup> و من بدون انتها وجد خواهم کرد،  
برای خدای یعقوب خواهم نواخت؛  
<sup>۱۱</sup> همه پیشانیهای شریران را در هم خواهم کوفت،  
اما عادل پیشانی را بلند خواهد کرد.

۱۰:۱۴:۱۱

<sup>n</sup> متن دشوار است. معنایی که در آن مستتر است چنین می باشد: «تصمیمی، داوری، نجات نمی آید نه از مشرق...»؛ بعضی نیز چنین ترجمه می کنند: «نه از مشرق، نه از غرب، نه از بیابان، از هیچیک رفعت نمی آید». <sup>۰</sup> تحتاللفظی: «زیرا جامی در دست خداوند است، از شراب ناصاف و پر از آمیختگی، و او (از آن) می ریزد؛ حتی درد را می فشارند به هنگام نوشیدن...»؛ قرائت یونانی: «او از یکی به دیگری می ریزد، بی آنکه درد آن کاملاً فشرده شود؛ ایشان از آن می نوشنند...»

## مزمور ۷۶ (۷۵)

<sup>۱</sup> به رهبر سرود. برآلات زهی. مزمور. از آساف. سرود.

<sup>۲</sup> خدا خود را در یهودا شناساییده است.

عظیم است نام او در اسرائیل.

<sup>۳</sup> کلیه او در شالیم<sup>r</sup> است،

مسکن او در صهیون.

<sup>۱۸:۱۴</sup>  
پیدا  
<sup>۲</sup>-سمو

<sup>۴</sup> در آنجا است که شررهای کیمان<sup>s</sup> را خُرد کرده است،

سپر، شمشیر، سلاح جنگ را. سلا.

<sup>۵</sup> تو مهیب هستی، عالی،

بیش از کوههای کهن<sup>t</sup>.

<sup>۸-۴:۴۸</sup>

<sup>۶</sup> جنگاورانی که دلی قوی<sup>u</sup> دارند غارت شده اند،

به خواب [واپسین] خود خوابیده اند،

هیچیک از این شجاعان دستان خود را باز نیافته است؛

<sup>۷</sup> به تهدید تو، ای خدای یعقوب،

ارابه و اسب دچار سستی شده اند.

<sup>۸</sup> تو مهیب هستی، و کیست که بتواند در برابر تو بایستد

به محض آنکه به خشم آیی؟

<sup>۳۵:۱۹</sup>-پاد۲

<sup>۹</sup> از آسمانها داوری را شنوانیده ای؛

زمین می ترسد و آرام باقی می ماند،

<sup>۱۰</sup> آن هنگام که خدا برای داوری بر می خیزد،

تا جمیع فروتنان سرزمین را نجات بخشد. سلا.

<sup>p</sup> متن یونانی اضافه کرده: «برای آشوریان».

<sup>q</sup> در خصوص «سرودهای صهیون»، ر.ک. «مقدمه».

<sup>r</sup> یعنی «اورشلیم»؛ قرائت یونانی: «در آرامش». ر.ک. ۱۲۲:۶.

<sup>s</sup> قرائت یونانی: «قوت کیمان»؛ زروم و سیماک: «کیمان».

<sup>t</sup> قرائت عبری: «کوههای طعمه». ما متن را اصلاح کرده ایم. کوه نماد شبات و استحکام و قدرت است که هر تهاجمی را خوار می شمارد.

<sup>u</sup> این اصطلاح احتمالاً به معنی «غلبه ناپذیر» است. قرائت یونانی: «جمعی آنان که دلی ساده دارند مضطرب شدند».

۱۱ زیرا غضب انسان<sup>v</sup> تو را تمجید خواهد کرد،  
با بقیه غضب‌ها کمر خود را خواهی بست.<sup>w</sup>

۱۲ برای یهوه، خدای خود نذرها کنید و آنها را به جا آورید،  
بادا که جمیع آنان که گرداگرد او هستند برای آن مهیب هدایا بیاورند  
۱۳ که نفس سروران را می‌برد؛  
او برای پادشاهان زمین مهیب است!

## مزمور (۷۶) ۷۷

<sup>۱</sup> به رهبر سرود، بر یار و تون<sup>x</sup>. از آساف. شعر.

۲ صدای من به سوی خدا [بالا می‌رود]، فریاد می‌زنم<sup>y</sup>،  
صدای من به سوی خدا [بالا می‌رود]: بادا که به من گوش بسپارد!  
۳ در روز پریشانی ام خداوند را می‌طلیم،  
دستم شبانگاه دراز می‌شود، بی‌حرکت نمی‌ماند،  
جانم از تسلی یافتن امتناع می‌ورزد.

۴ خدا را به یاد می‌آورم، و ناله سر می‌دهد،  
می‌اندیشم، و روحمن ضعف می‌کند. سلا.

:۱۲، ۶:۴۲  
۵:۴۳

۵ پلکهای چشمانم را نگاه می‌داری<sup>z</sup>،  
مضطربم و نمی‌توانم سخن گویم.

۶ به ایام قدیم می‌اندیشم،  
سالهای گذشته را به یاد می‌آورم.

۷ شبانگاه در دل خود تأمل می‌کنم،  
می‌اندیشم و روحمن سؤال می‌کند<sup>a</sup>:

۷ کلمات «غضب» و «انسان» در عبری می‌توانند تداعی کننده اسامی خاص «حمات» (یکی از شهرهای سوریه) و ادوم باشد که هر دو دشمنان اسرائیل بودند.

W قرائت یونانی: «بقیه غضب‌ها برای تو جشن خواهد گرفت». با توجه به توضیح قبل، بعضی این آیه را چنین تعبیر کرده، ترجمه می‌کنند: «ادوم شادمانه تو را جلال خواهد داد، و آن دسته از اهالی حمات که از مرگ رسته اند برای تو جشن خواهند گرفت».

X. ر. ک. توضیح ۱:۳۹.

Y این مزמור با «نیاشهای گروهی برای درخواست کمک» قرابت دارد؛ ر. ک. «مقدمه».

Z قرائت یونانی: «دشمنانم پلکهای خود را باز نگاه می‌دارند».

a قرائت عبری: «شبانگاه بندگردن خود را به یاد می‌آورم، دلم به آن باز می‌گردد، و روحمن از خود سؤال می‌کند». ترجمه ما مبتنی است بر قرائت‌های یونانی، سیماک، و سریانی.

آیا برای همیشه است که خداوند رد می کند؟  
 آیا لطف خود را بار دیگر ارزانی نخواهد داشت؟  
 آیا وفاداری اش برای همیشه پایان پذیرفته،  
 کلامش برای دوره های آینده خاتمه یافته است؟  
 آیا خدا ترحم کردن را از یاد برده؟  
 آیا از خشم<sup>c</sup> احشای خود را بسته است؟ سلا.  
 آنگاه گفتم: آنچه مرا عذاب می دهد<sup>b</sup>  
 این است که دست راست حضرت اعلیٰ تغییر کرده باشد.

اعمال یاه را به یاد می آورم<sup>c</sup>،  
 آری، شگفتیهای تو را در روزگاران کهن به یاد می آورم،  
 بر هر عمل تو تأمل می کنم،  
 به کارهای عظیمت می اندیشم.

ای خدا، طریق تو مقدس است<sup>d</sup>،  
 کدامین خدا عظیم است مانند خدای ما؟  
 تو خدایی هستی که شگفتیها به عمل می آورد،  
 تو قوت خود را در میان قوم ها شناسانیده ای.  
 با بازوی خود قومت را بازخرید کرده ای،  
 بنی یعقوب و بنی یوسف را. سلا.

آبها تو را دیدند، ای خدا،  
 آبها تو را دیدند، تکان خوردند،  
 حتی ورطه ها نیز لرزیدند.

برها آبهای خود را فرو می ریختند،  
 ابرها صدا در می دادند  
 و تیرهای تو به هر سو می رفند.

b) قرائت یونانی: «آن را می گویم، اکنون، شروع کرده ام»: آکیلا و ژروم: «ضعف من از این می آید...».  
 c) در خصوص این دعا، ر.ک. به طور خاص اش ۱۶-۷:۶۳.

d) تحت اللفظی: «طریق تو در تقدس است». منظور این است که طریق خدا بالاتر از تصورات و امکانات بشری است و غیر قابل دسترسی، غیر قابل درک، و متعالی می باشد (ر.ک. مز ۱۱۱:۹؛ خروج ۱۵:۱۱؛ لو ۴۹:۱).

۱۹ تندر تو همچون ارابه می‌غزید،  
خروج ۱۹:۱۹  
آذربختها جهان را روشن می‌ساختند،  
۴:۹۷  
زمین به لرزه می‌آمد و می‌لرزید.

۰ آطريق تو در دریا بود،  
راه تو در آبهای عظیم،  
ورد پای تو شناخته نشد.

۲۱ قوم خود را همچون گله هدایت نمودی  
به دست موسی و هارون.

## مزمور ۷۸ (۷۷)

<sup>۱</sup> شعر. از آساف.

ای قوم من، به تعلیم من گوش فرا دار<sup>e</sup>،  
به سخنان دهانم گوش بسپارید.  
۱:۳۲ تث  
۲ دهان خود را خواهم گشود تا پندهایی [بگویم]<sup>f</sup>،  
تا معماهای زمان‌های قدیم را بیان کنم.  
۳۵:۱۳ مث

۳ آنچه که شنیده و از آنها آگاهی یافته ایم،  
آنچه که پدرانمان برای ما بازگو کرده اند،  
۹:۴ تث  
۴ آنها را از پسران ایشان<sup>g</sup> پنهان خواهیم ساخت؛  
به نسلی که در پی می‌آید بازگو خواهیم کرد  
اعمال درخشان یهوده را، قوت او را  
و شگفتیهای را که به عمل آورد.

۵ زیرا او در یعقوب قاعده ای بر پا داشته،  
قانونی در اسرائیل قرار داده،  
که آن را به پدران ما حکم فرمود  
خروج ۱۲:۲۶-۲۷؛  
تث ۶:۲۰-۲۵

<sup>e</sup> این مزموری است به سبک «مزامیر تعلیمی»؛ ر. ک. «مقده». <sup>f</sup> منظور درسها ای از گذشته است.

<sup>g</sup> منظور پسران مستقیم ایشان نیست، بلکه نسل‌هایی است که از ایشان به وجود می‌آیند، و هر نسل نیز مستقیماً به این نیاکان پیوند دارد.

تا به آگاهی پسران ایشان برسانیم،  
۶ تا نسل بعدی آنها را بدانند،  
پسرانی که از آنان زاده خواهند شد،  
تا ایشان برخیزند و آنها را به پسران خود بازگو کنند؛

۷ بدینسان اعتماد خود را به خدا خواهند بست،  
اعمال خدا را از یاد نخواهند برد،  
احکام او را حفظ خواهند کرد،  
۸ و مانند پدران خود  
نسلي یاغي و سرکش نخواهند بود،  
نسلي که دلي استوار ندارد  
وروحش به خدا امين نیست.

۹ بنی افرايم، آن کمانداران،  
در روز نبرد روی بر گردايند.  
۱۰ عهد خدا را رعایت نکردن؛  
و امتیاع ورزیدنند که مطابق قانون او سلوک کنند؛  
۱۱ کارهای عظیم او را از یاد بردند،  
شگفتیهای را که به ایشان نشان داده بود.

۱۲ در مقابل پدرانشان شگفتیها به عمل آورده بود  
در سرزمین مصر، در صحراء‌ی صوعن.

۱۳ دریا را می‌شکافت و ایشان را عبور می‌داد،  
آبهای همچون توده بر پا می‌داشت؛  
۱۴ ایشان را در روز<sup>h</sup> با ابر هدایت می‌کرد،  
تمامی شب با درخشش آتش؛

۱۵ در بیابان صخره‌ها را می‌شکافت  
و ایشان را می‌نوشانید، گویی از ورطه عظیم<sup>h</sup>؛  
۱۶ از صخره‌ای نهرها بیرون می‌آورد  
و آبهای را به سان سیلا به فروند می‌آورد.

<sup>h</sup> منظور «آبهای زیرین» است (ر.ک. پید ۱).

۱۷ بار دیگر در حق او گناه ورزیدند،  
بر حضرت اعلی در سرزمین خشک طغیان کردند.  
۱۸ در دل خود خدا را آزمودند،  
چرا که خوراکی مطابق مذاق خود درخواست کردند.

۹۵:۸-۹:۹  
خروج ۱۶:۳-۲:۳  
۱۶:۶ تث

۱۹ بر علیه خدا تکلم کردند، گفتند:  
«آیا خدا می تواند در بیابان سفره ای برای ما بگسترد؟  
۲۰ اینک صخره ای را زد و آبها جاری گشت،  
سپلابهای گسترده شد؛  
آیا نان نیز می تواند بدهد،  
برای قوم خود گوشت مهیا سازد؟»

۲۱ یهوه شنید و به خشم آمد،  
آتشی بر علیه یعقوب افروخته شد  
و خشم بر علیه اسرائیل بر پا شد،  
۲۲ زیرا به خدا ایمان نداشتند  
و به امداد او اعتناد نکردند.

۲۳ او به ابرهای آن بالا امر کرد،  
دروازه های آسمان را گشود،  
۲۴ من را همچون خوراک بر ایشان بارانید،  
گندم را از آسمان به ایشان داد،  
۲۵ انسان نان «زورمندان<sup>۱</sup>» را خورد،  
معاش را تا به حد سیری برای ایشان فرستاد.

۳۱:۶ یو  
۳:۱۰-۱ قرن

۲۶ باد شرقی را در آسمان بلند کرد،  
با قدرت خود باد جنوب را آورد؛  
۲۷ گوشت را به سان غبار بر ایشان بارانید،  
نزاد بالدار را به سان ریگ دریاها،

۳۱:۱۱ اعد

<sup>۱</sup> منظور قدرت هایی است که در بار الهی را تشکیل می دهند. قرائت های یونانی، سریانی، و آرامی: «فرشتگان»؛ ر.ک. ۲۰:۱۰:۵؛ نیز ر.ک. ۴:۱۰:۲ = «نان آسمان».  
ز به منظور در ک جهت باد، باید هر دو مصطلح را یکجا مدد نظر قرار داد، زیرا دارای توازنی توزیعی می باشند؛ در این صورت، نتیجه می گیریم که باد از جنوب شرقی می وزیده، یعنی از عربستان، و از خلیج عقبه عبور می کرده است.

۲۸ آن را در وسط اردوی ایشان افکند،  
در پیرامون مسکن های ایشان؛

۲۹ تا به حد سیری خوردند،  
شهوت ایشان را ارضاء نمود.  
۳۰ ایشان هنوز از شهوت خود باز نگشته بودند،  
خوراکشان هنوز در دهانشان بود،  
۳۱ که خشم خدا بر علیه ایشان به پا شد؛  
نیرومندترین های ایشان را قتل عام کرد،  
برگزیده اسرائیل را مغلوب ساخت.

۳۲ با وجود همه اینها، باز گناه ورزیدند،  
به شگفتیهای او ایمان نیاوردند.  
۳۳ آنگاه روزهای ایشان را با دمی از میان برد  
و سالهای ایشان را با پایانی ناگهانی.

۳۴ چون ایشان را قتل عام می کرد، او را طلبیدند،  
باز می گشتند و خدا را جستجو می کردند؛  
۳۵ به یاد می آورند که خدا صخره ایشان است،  
福德یه دهنده ایشان است خدای متعال.

۳۶ با دهان خود او را فریب می دادند  
و با زبان خود به او دروغ می گفتند؛  
۳۷ دلشان با او استوار نبود  
و به عهد او ایمان نداشتند.

۳۸ اما او که رحیم است  
خطا را می بخشید و از میان نمی برد.  
بارها خشم خود را نگاه داشت  
و تمام غصب خود را بر نینگیخت؛  
۳۹ به یاد آورد که ایشان گوشت هستند،  
بادی که می رود و باز نمی گردد.

۴۰ چه بارها در بیابان بر او یاغی شدند  
و در صحراء او را اندوهگین ساختند!

۴۱ باز نایستادند از آزمودن خدا  
واهانت کردن به قدوس اسرائیل؛  
۴۲ دست او را دیگر به یاد نیاوردند،  
روزی را که ایشان را از خصم رهایی داده بود،

۴۳ آن هنگام که نشانه‌های خود را در مصر نهاد  
و عجائب خود را در صحراهای صون،  
۴۴ آن هنگام که نیل‌های ایشان را به خون تبدیل کرد  
و نیز نهرهای ایشان را، تا نتوانند بنوشند.  
۴۵ بر علیه ایشان خرمگس را فرستاد که ایشان را از میان برد،  
قورباغه را که آنان را نابود ساخت؛

خروج ۷

۴۶ محصول ایشان را به ملخ صحرایی رها کرد،  
شمراه زحمتشان را به ملخ؛  
۴۷ تاکستانهای ایشان را با تگرگ از میان برد  
و انجیرهای ایشان را با گلوه‌های تگرگ<sup>k</sup>؛  
۴۸ احشامشان را به طاعون سپرد  
و گله‌های ایشان را به تباها<sup>l</sup>.

۴۹ شدت خشم خود را بر ایشان گشود،  
غیظ، غصب، پریشانی،  
لشکری از فرشتگان مصیبت؛  
۵۰ راهی برای خشم خود رسم کرد  
و جان ایشان را از مرگ حفظ نکرد،  
بلکه حیات ایشان را به طاعون سپرد؛  
۵۱ هر نخست‌زاده را در مصر زد<sup>m</sup>،  
نوبرهای قوت مردانگی را در خیمه‌های حام.

۳۶:۱۰۵

<sup>k</sup> ترجمه فاقد قطعیت است؛ قرائت یونانی، آکیلا، ژروم، و سریانی: «با یخیندان»؛ سیماک: «کرم»؛ آرامی: «ملخ صحرایی» (و نیز راشی). ابن عزرا: «تگرگ».

<sup>l</sup> ترجمه این کلمه قطعی نیست. قرائت‌های یونانی و سریانی: «با آتش»؛ سیماک و ژروم: «به پرندگان». <sup>m</sup> مصریان از نسل حام بودند؛ ر. ک. پید ۱۰:۶.

<sup>۵۲</sup> قوم خود را به سان گوسفندان حرکت داد،  
همچون گله ای در بیابان ایشان را هدایت کرد،  
<sup>۵۳</sup> ایشان را در امنیت راهنمایی کرد، بی آنکه بلرزند،  
حال آنکه دشمنانشان را دریا می پوشانید.

<sup>۵۴</sup> ایشان را به دیار مقدس خود داخل ساخت،  
این کوهی که دست راستش حاصل نموده است؛  
<sup>۵۵</sup> ملت ها را از مقابل ایشان راند،  
با ریسمان میراثی برای ایشان تعیین کرد،  
و مستقر ساخت در خیمه های ایشان  
قبایل اسرائیل را.

<sup>۵۶</sup> با طغیان گری خود خدای متعال را آزمودند  
و اوامر او را رعایت نکردند.  
<sup>۵۷</sup> خود را دور ساختند و همانند پدر انشان خبانت ورزیدند،  
همچون کمانی فریبکار بر گشتنید؛  
<sup>۵۸</sup> با مکان های بلند خویش او را خشمگین ساختند،  
و با بتهای خود حسادت او را برانگیختند.

<sup>۵۹</sup> خدا شنید، به خشم آمد  
و اسرائیل را به طور کامل دور ساخت؛  
<sup>۶۰</sup> مسکن شیلوه را رد کرد،  
خیمه ای را که در آن نزد انسان ها سکونت می گزید<sup>n</sup>؛  
<sup>۶۱</sup> قوت<sup>۰</sup> خود را به اسارت سپرد،  
جلال خود را به دستان خصم.

<sup>۶۲</sup> قوم خود را به شمشیر سپرد،  
و بر میراث خود خشم گرفت؛  
<sup>۶۳</sup> آتشی مردان جوانش را از میان برد،  
و سرود عروسی نصیب باکره هایش نشد<sup>p</sup>؛

n قرائت عبری: «خیمه ای که در میان انسان ها بر پا داشته بود»؛ ترجمه ما مبتنى است بر قرائت ترجمه های قدیمی.  
o منظور صندوق عهد است: ر. ک. ۱-۳۰:۴-۲۲؛ قرائت سریانی: «قوم خود را...»  
p قرائت یونانی: «دخلخان جوان نوحه گری نکردند».

<sup>۶۴</sup> کاهنانش به دم تیغ افتادند،  
و بیوه هایشان نگریستند.

<sup>۶۵</sup> خدا به سان مردی که در خواب است بیدار شد،  
همچون قهرمانی که مغلوب باده شده است؛  
<sup>۶۶</sup> خصمانت را از پشت زد،  
ننگی ابدی بر ایشان وارد آورد.

<sup>۶۷</sup> خیمه یوسف<sup>۱</sup> را دور ساخت  
و قبیله افراییم را بر نگزید،  
<sup>۶۸</sup> بلکه قبیله یهودا را بر گزید،  
کوه صهیون را که دوست می دارد؛  
<sup>۶۹</sup> قدس خود را همچون بلندیهای آسمان<sup>۲</sup> بنا کرد،  
همچون زمین<sup>۳</sup> که آن را برای ابد بنیان گذاشته است.

۲:۸۷

<sup>۷۰</sup> خدمتگزار خود، داود را بر گزید،  
از آغلها او را بیرون کشید؛  
<sup>۷۱</sup> اور را از پس گوسفندان مادر آورد،  
تا قوم خود یعقوب را بچراند،  
و میراث خود، اسرائیل را؛  
<sup>۷۲</sup> و او با دلی کامل ایشان را چرانید  
و با دستان ماهر خود ایشان را هدایت کرد.

۱- سمو ۱۳:۱۴؛ ۲- ۱۶:۱۱

## مزمور ۷۹ (۷۸)

<sup>۱</sup> مزمور. از آساف.

ملت ها به میراث تو آمده اند<sup>۱</sup>،  
معبد مقدس تو را نجس ساخته اند،  
اور شلیم را به توده ای از ویرانه ها بدل کرده اند.  
<sup>۲</sup>- پاد ۹:۲۵؛ ۱۰:۱۱؛ ۷۴:۶

<sup>۱</sup> ر. ک. ۱- سمو ۵:۶.  
<sup>۲</sup> یوسف نبای قبیله افراییم است.

<sup>۳</sup> تحتاللطفی: «همچون بلندیها». تقریباً همه ترجمه های قدیمی نام یک حیوان افسانه ای را در اینجا به کار برده اند.

<sup>۴</sup> قرائت چندین نسخه خطی عبری، یونانی و سریانی: «وبر روی زمین...»

<sup>۵</sup> در خصوص «نبایشهای گروهی برای درخواست کمک»، ر. ک. «مقدمه».

۱۷:۷-۱۶:۷

۲ جنازه خدمتگزاران تو را سپرده اند  
به پرندگان آسمان همچون خوراک،  
گوشت و فداران تو را به حیوانات زمین.  
۳ خون آنان را چون آب دور تادور اورشلیم ریخته اند،  
و کسی نیست دفن کند!<sup>۷</sup>

۱۴:۴۴

۴ برای همسایگان خود تبدیل به ننگ شده ایم،  
تمسخر و استهزاء برای آنانی که ما را احاطه کرده اند.  
۵ تا به کی، ای یهوه، بدون انتها بر افروخته هستی؟  
آیا حсадت به سان آتش خواهد سوزانید؟

۲۵:۱۰

۶ غصب خود را بر ملت هایی بربیز که تو را نمی شناسند،  
و بر مملکت هایی که نام تو را نمی خوانند؛  
۷ زیرا یعقوب را نابود کرده، مسکن او را ویران ساخته اند.<sup>۸</sup>

۵-تسا:۴:۱

۸ خطاهای نیاکان را بر علیه ما به یاد میاور،  
بشتاب، ما را از رحمت خود آگاهی بد؛  
چرا که نگون بختی ما بی نهایت است.  
۹ ما را امداد فرماء، ای خدای نجات ما،  
به سبب عزت نامت؛  
ما را رهایی ده و گناهانمان را ببخشای<sup>۹</sup>،  
به خاطر نامت.

۱۷:۲

۱۰ چرا ملت ها بگویند:  
«خدایشان کجا است؟»  
بادا که در میان ملت ها دانسته شود، در مقابل چشمان ما،  
انتقام خون ریخته شده خدمتگزاران<sup>۱۰</sup>.

<sup>7</sup> تحتاللفظی: «و کسی نیست (به ایشان) قبر بدهد». <sup>W</sup> تحتاللفظی: «خوردۀ اند»؛ عبارت «مسکن او» میهم است؛ مشخص نیست منظور مسکن خدا یعنی یعقوب است، یا مسکن یعقوب، یعنی سرزمین اسرائیل.

<sup>X</sup> قرائت یونانی: «ای خداوند، ما را رهایی ده، گناهان ما را پاک ساز». <sup>y</sup> منظور انتقامی است که باید برای قتل خدمتگزاران خدا گرفته شود.

۱۱ بادا که ناله اسیر به حضور تو بیاید؛  
 مطابق قوت بازوی خویش،  
 محکومین به مرگ را آزاد ساز.  
 ۱۲ هفت بار بر سینه همسایگان وارد آور  
 اهانتی را که با آن به تو اهانت کرده‌اند، ای خداوند!  
 ۱۳ و ما، قوم تو، گله چراگاه تو،  
 تورا تا به ابد خواهیم ستود،  
 ستایش تورا دوره به دوره بازگو خواهیم کرد.

۳:۱۰۰

## مزمور ۸۰ (۷۹)

<sup>۱</sup> به رهبر سرود، بر «سوئنها»<sup>Z</sup>. شهادت. از آسف. مزمور.

۲ ای شبان اسرائیل، گوش فرا دار<sup>a</sup>،  
 تو که یوسف را چون گله هدایت می‌کنی،  
 تو که بر کروبی‌ها جلوس می‌فرمایی، بدرخش  
<sup>۴:۳-سمو۴</sup>  
 ۳ در مقابل افراییم، بنیامین، منسی<sup>b</sup>:  
 دلیری خود را بیدار ساز،  
 به کمک ما بیا.

۱۱:۱۸

۴ ای خدا، ما را استوار فرما،  
 روی خود را درخشان ساز و نجات خواهیم یافت!

۵ ای بیوه، خدای لشکرها،  
 تا به کی [از خشم] دود خواهی کرد  
 حال آنکه قومت به تو دعا می‌کنند<sup>c</sup>?  
 ۶ اینشان را با نان اشکها خوراک داده‌ای،  
 با اشکهای فراوان آب داده‌ای؛  
 ۷ از ما برای همسایگانمان نزاعی ساخته‌ای،  
 و دشمنانمان ما را تمسخر می‌کنند.

Z تحت اللفظی: «به سوی سوئنها». ر.ک. توضیح ۴۵:۱ که در آن «بر سوئنها» آمده است.  
 a در خصوص «نبایشهای گروهی برای درخواست کمک»، ر.ک. «مقدمه».  
 b این سه قبیله مجموع قبایلی را تشکیل می‌دادند که از راحیل بودند و خود را از نسل یوسف می‌دانستند.  
 c این گونه نیز می‌توان ترجمه کرد: «تا به کی بر علیه دعاهای قومت بر افروخته خواهی بود؟»

ای خدای لشکرها، ما را استوار فرما،  
روی خود را درخشنان ساز و نجات خواهیم یافت!

اش:۵ ۹ در گذشته تاکی را از مصر بر کندي،  
برای کاشتن آن، ملت‌ها را بیرون راند؛  
۱۰ در مقابل او زمین را خالی کردی،  
آن ریشه‌ها رویانید و سرزمین را پر کرد؛  
۱۱ سایه اش کوهها را پوشانید،  
شاخه‌هایش سدرهای خدا را؛  
۱۲ شاخه‌های خود را تا به دریا پهن کرد،  
و جوانه‌های خود را تا به «رود».<sup>d</sup>

۱۳-۷:۱۲ ۱۳ پس چرا بر دیوارهایش رخنه‌ها ساختی،  
تا هر رهگذری آن را انگورچینی کند؟  
۱۴ گراز جنگل<sup>e</sup> آن را از میان می برد  
و حیوان صحراء آن را می درد.

۱۵ ای خدای لشکرها، باز آ،  
از فراز آسمانها نگاه کن و ببین؛  
از این تاک دیدار به عمل آور  
۱۶ و آنچه را که دست راست کاشته محافظت فرما.

۱۷ آن را همچون زباله به آتش سوزانیده اند؛  
بادا که به تهدید روی تو ایشان<sup>g</sup> هلاک شوند!

<sup>d</sup> منظور رود فرات است؛ ر.ک. پید: ۱۵:۱۸. <sup>e</sup> یکی از حروف کلمه عبری که «جنگل» ترجمه شده، بر بالای خط نوشته شده است. طبق میشنا، این خصوصیت نشانه حرفی است که درست در وسط کتاب مزامیر آمده است (جایی که کتاب مزامیر را نصف می کند، بین آیات ۳۵ و ۳۶ از مزمور ۷۸ قرار دارد). طبق برخی دیگر از سنت‌های یهود، این خصوصیت نشانه قرائتی متفاوت است، یعنی «گراز نیل»، که شاید منظور از آن فرعون باشد.

<sup>f</sup> در عبری، بعد از این جمله، چنین آمده: «و بر پسری (که) برای خود قوی ساخته ای». این جمله که حالت پرانتر را دارد، در واقع تکرار مصرع دوم آیه ۱۸ می باشد. این تکرار، «تاک» را با «پسر» یکی می سازد و احتمالاً به منظور تاکید بر قرائت مسیحایی متن می باشد. این نکته در قرائت آرامی بسط داده شده که چنین آورده است: «و بر پادشاه، مسیحا، که برای خود قوی ساخته ای».

<sup>g</sup> ضمیر «ایشان» دلالت دارد یا بر مهاجمین (آیات ۱۳-۱۴) یا بر بنی اسرائیل که در مصرع اول آیه ۱۷، همان «تاک» معرفی شده اند.

۱۸ باشد که دست تو بر مرد دست راست باشد،  
بر پسر انسان که برای خود تقویت فرموده ای.  
۱۹ و دیگر از تو دور نخواهیم شد،  
حیات را به ما باز خواهی داد و ما نام تو را خواهیم خواند.

۲۰ ای یهوه، خدای لشکرها، ما را استوار فرما،  
روی خود را درخشنان ساز و نجات خواهیم یافت!

### مزمور ۸۱ (۸۰)

<sup>۱</sup> به رهبر سرود، بر «جتی»<sup>h</sup>. از آساف.

۲ برای خدا، قوت ما، فرباد شادی سر دهید<sup>۱</sup>،  
خدای عقوب را بستایید؛  
۳ سرودی آغاز کنید<sup>j</sup> و بنوازید دف را  
و بربط خوش آهنگ و چنگ را.  
۴ در ماه نو کرنا را به صدا در آورید،  
به هنگام ماه کامل، در روز عید<sup>k</sup> ما.

۵ زیرا این حکمی است برای اسرائیل،  
قاعده ای از خدای عقوب،  
۶ دستوری که در یوسف قرار داد،  
آن گاه که بر علیه سرزمین مصر بیرون آمد<sup>l</sup>.  
زبانی می شنوم که برایم ناشناخته است<sup>m</sup>:

خروج ۱۴:۲۳

ر. ک. توضیح ۸:۱.

<sup>i</sup> این یک «پند نبوی» است به مناسبت یک عید؛ ر. ک. «مقدمه».

ز تحتاللفظی: «موسیقی را بلند کنید» (منظور موسیقی ای است که سرودها را همراهی می کند).

<sup>k</sup> تقویم عبری بر پایه ماههای قمری استوار بود که روز اول آن را همچون عید برگزار می کردند (ر. ک. عا ۸:۵؛ هو ۲:۱۳؛ ۱:۲-پاد ۲۳:۴). قرائت آرامی تصویری کرده که منظور روز اول ماه تیشری (ماه هفتم) بوده که روز اول سال نیز بود (ر. ک. لاو ۲۳:۲۴؛ اعد ۱:۲۹) که پیش از عید آلونکها (یا سوکوت) برگزار می شد (ر. ک. تث ۱۰:۳۱).

<sup>l</sup> منظور خدای عقوب است که بیرون می آید. قرائت های یونانی و زروم چنین برداشت کرده اند: «آن گاه که او (یعنی یوسف) از سرزمین مصر بیرون آمد»؛ آرامی: «آن گاه که یوسف از زندان بیرون آمد تا بر مصر فرمانروایی کند». قرائت یونانی: «آن گاه که... بیرون آمد، زبانی شنید که آن را نمی شناخت». قرائت عبری را به شکل های مختلف می توان تعبیر کرد؛ این جمله یا توضیح کاتبی است که اذعان داشته متن را درک نمی کرده است؛ یا کلمات اول خطابه ای است که نشان می دهد خدا در سرزمینی دست به مداخلت می زند که زیانش را نمی شناسد؛ یا مانند ترجمه ما، این کلمات که بر زبان مزمورنگار گذاشته شده، خطابه ای را از جانب خدا ارائه می دهند که در آیه ۷ آغاز می شود.

<sup>۷</sup> «شانه اش را از بار خالی ساختم،  
دستانش زنبیل را رها کرد.

<sup>۸</sup> در پریشانی فرباد برآورده و تو را رهایی دادم،  
در تندر مخفی شدم و تو را پاسخ دادم،  
در آبهای مریبه تو را به آزمایش گذاردم. سلا.

۱۷:۹۵  
خروج  
۱:۲۰  
اعده

<sup>n</sup> گوش کن، ای قوم من، تا تو را هشدار دهم،  
ای اسرائیل، کاش به من گوش فرا می دادی!

<sup>۱۰</sup> نزد تو خدایان بیگانه نباشد،  
در مقابل خدایی دیگر سجده منما.

<sup>۱۱</sup> من یهوه، خدای تو هستم،  
که تو را از سرزمین مصر برآوردم؛  
دهان خود را نیک بگشا و من آن را پر خواهم ساخت.

۱:۲۰  
خروج

<sup>۱۲</sup> اما قوم من به صدای من گوش فرا نداد،  
اسرائیل مرا نخواست؛

<sup>۱۳</sup> و من ایشان را به لجاجت دلشان سپردم،  
تا مطابق مشورت های خود سلوک نمایند.

۲۴:۷:۱۷:۳  
ار۳

<sup>۱۴</sup> آه! قوم من اگر به من گوش می سپرد،  
اسرائیل اگر در طریق های من سلوک می کرد،

<sup>۱۵</sup> در کوتاه زمانی دشمنانش را خوار می ساختم،  
دست خود را بر ضد خصمانت باز می آوردم؛

آه! قوم من اگر به من گوش می سپرد،  
اسرائیل اگر در طریق های من سلوک می کرد،

در کوتاه زمانی دشمنانش را خوار می ساختم،  
دست خود را بر ضد خصمانت باز می آوردم؛

<sup>۱۶</sup> آنان که یهوه را نفرت می دارند چاپلوسانه او را می ستودند،  
وحشت ایشان تا به ابد ادامه می یافت.<sup>۵</sup>

<sup>۱۷</sup> او را با مغز گندم خواراک می دادم،  
و از عسل صخره سیرش می ساختم!<sup>P</sup>

۱۳:۳۲  
ثت

<sup>n</sup> قرائت یونانی میان عبارت «ای قوم من» و «هشدار دهم»، اضافه کرده: «سخن بگوییم».

<sup>۵</sup> متن مبهم است. تحتاللفظی: «و زمان آنها خواهد بود تا به ابد». بعضی ترجمه می کنند: «تقدیرشان تا به ابد همین خواهد

بود»؛ ترجمه ما مبتنی است بر قرائت سریانی.

<sup>P</sup> منتظر عسل وحشی است.

## مزمور ۸۲ (۸۱)

<sup>۱</sup> مزمور. از آساف.

خدا در شورای الهی به پا می خیزد،  
در میان خدایان<sup>۹</sup> داوری می کند:

خرج: ۱۶:۴  
۸۹:۶

<sup>۲</sup> «تا به کی داوریهای غیر منصفانه جاری می سازید  
و از امر شریران جانبداری می کنید؟» سلا.

میک

<sup>۳</sup> ضعیف و یتیم را داوری کنید،  
حق بینوا و مسکین را ادا نمایند؛  
<sup>۴</sup> ضعیف و تنگست را رهایی دهید،  
او را از دست شریران بر کنید.

ار: ۲۸:۵

ایوب: ۱۲:۲۹  
خرج: ۶:۲۳

<sup>۵</sup> ایشان نه می دانند نه در ک می کنند،  
در ظلمات راه می پیمایند،  
همه بنیادهای زمین جنبش خورده اند!

گفته بودم: «شما خدایان هستید،  
جمعیع شما، پسران حضرت اعلی.  
<sup>۷</sup> بسیار خوب! مانند انسان ها خواهید مرد،  
مانند یکی از رؤسا خواهید افتاد.»

<sup>۸</sup> به پا خیزید! خدا زمین را داوری می کند،  
زیرا جمیع ملت ها به تو تعلق دارند.

## مزمور ۸۳ (۸۲)

<sup>۱</sup> سرود. مزمور. از آساف.

<sup>۲</sup> ای خدا، برای تو مجالی نباشد،  
خاموش و غیر فعال مباش، ای خدا.

<sup>۹</sup> صاحب نظران کلمه «خدایان» را گاه موجودات آسمانی پنداشته اند (یونانی: «خدایان»؛ آرامی در آیه ۶ و سریانی: «فرشتگان»)، و گاه داوران زمینی (مانند آرامی در آیه ۱)؛ ر.ک. یو ۱۰:۳۴.

<sup>۱۰</sup> در خصوص «نیایشهای گروهی برای درخواست کمک»، ر.ک. «مقدمه».

<sup>۳</sup>زیرا ببین: دشمنانت می‌غرند،  
آنان که تو را نفرت می‌دارند سرشاران را بلند می‌کنند.

<sup>۴</sup>دیسیسه‌ای بر علیه قوم تو می‌چینند،  
بر علیه کسانی که تحت محافظت تو هستند<sup>۵</sup> با هم مشورت می‌کنند؛  
<sup>۵</sup>می‌گویند: «بیایید ایشان را از میان ملت‌ها از میان برداریم،  
تا نام اسرائیل را دیگر به یاد نیاورند!»

<sup>۶</sup>زیرا با هم با دلی واحد مشورت می‌کنند،  
بر علیه تو پیمانی می‌بنند،  
<sup>۷</sup>خیمه‌های<sup>۸</sup> ادوم، اسماعیلیان،  
موآب و هاجریان،  
<sup>۹</sup>جبال، عمون، و عمالیق،  
فلسطین با ساکنان صور؛  
<sup>۹</sup>آشور نیز به ایشان پیوسته،  
دست یاری به بنی لوط داده است<sup>۱۰</sup>. سلا.

بوشع ۲:۱۳

<sup>۱۰</sup>با ایشان مانند مَدیان<sup>۷</sup> عمل کن، مانند سیسرا،  
مانند یابین<sup>W</sup> در سیلاب قیشوں،  
<sup>۱۱</sup>که در عین-دور هلاک شدند  
و برای زمین کود شدند.

<sup>8</sup>تحتاللفظی: «کسانی که مخفی شده نگاه می‌داری»؛ این اصطلاح در عبری معمولاً بر اموال گرانها یا گنج دلالت دارد؛  
قرائت‌های یونانی و سریانی: «بر علیه مقدسانت». <sup>t</sup>منظور «مردمان» این سرزمهنها است.

<sup>۱۱</sup>«ادوم» مردمانی بودند که در جنوب دریای مرده سکونت داشتند و در اینجا با چادرنشیان اسماعیلی و هاجری مرتبط شده‌اند (يعنی با قبایل عرب، ر.ک. پید ۲۱ و ۱-تو ۵). «موآب» و «عمون» که در شرق دریای مرده بودند، «بنی لوط» را تشکیل می‌دهند (ر.ک. پید ۱۹). «عمالیق» جماعتی چادرنشین در نگب بودند و اغلب همچون نمونه دشمنان اسرائیل معرفی شده‌اند (خروج ۱۷:۸). «جبال» احتمالاً به مردمانی اشاره دارد که در «جبالیه» امروز، در جنوب دریای مرده، در شمال پنرا ساکن بودند (قرائت سریانی به جای «جبال، عمون» آورده: «قلمرو قلمرو عمون»). «فلسطین» و «صور» در اینجا کلاً به ساکنان کناره دریای مدیترانه اشاره دارد. «آشور» ممکن است بر قبیله‌ای در شرق رود اردن دلالت داشته باشد (پید ۲:۲۵، ۳:۲۵-۲:۱۸) یا بر امپراتوری آشور.

<sup>7</sup>این اشاره‌ای است به داور ۸-۶ و روایت جنگ پیروزمندانه جدعون با مَدیانیان (ر.ک. اش ۳:۹) که تحت رهبری سرورانی قرار داشتند و در آیه ۱۲ از آنان نام برده شده است. طبق کتاب داوران، این نبرد در عین-حرود رخ داد، نه در عین-دور که در اینجا در آیه ۱۱ آمده است.

<sup>W</sup>«سیسرا» و «یابین» نامهای پادشاه و رئیس نظامی حاصلور است که به دست دبوره مغلوب شدند (داور ۴:۵-۱-سمو ۹:۱۲).

۱۲ با سرورانشان مانند غُراب و ذئب عمل نما،  
با تمام بزرگانشان، مانند ذیح و صَلْمَنَّاع،  
۱۳ آنانی که می‌گفتند: «به تصرف در آوریم  
مسکن‌های خدا را!»

۱۴ ای خدای من، ایشان را همچون پِر خار بساز،  
همچون کاه در مقابل باد!  
۱۵ آن سان که آتش جنگل را می‌سوزاند،  
آن سان که شعله، کوهها را به آتش می‌کشد،  
۱۶ به همان سان ایشان را با طوفان تعاقب نما،  
با گردباد خود ایشان را با وحشت بزن!

۱۷ چهره ایشان را با خجالت بپوشان،  
تا نام تو را بطلبند، ای یهُوه!  
۱۸ بادا که تا به ابد شرمصار باشند، وحشت زده،  
خجل باشند و هلاک گردند،  
۱۹ و بدانند که تنها تو نام یهُوه را داری،  
معال بر تمامی زمین<sup>x</sup>!

۹:۹۷

## مزمور (۸۳) ۸۴

<sup>۱</sup> به رهبر سرود. بر «جتّی<sup>۱</sup>». از بنی قورح. مزמור.

۲ چه زیبا است مسکن‌های تو<sup>z</sup>،  
ای یهُوه لشکرها!  
۳ جان من ضعف می‌کند تا حد از میان رفتن،  
در پی صحنهای یهُوه:  
۴ دلم و گوشتی از شادی فرباد بر می‌آورند  
به سوی خدای زنده.

۹:۳:۴۲

۴ حتی گنجشک نیز خانه‌ای می‌یابد،  
و پرستو آشیانه‌ای

<sup>x</sup> تحتاللغظی: «تا بدانند که تو نام تو یهُوه تنها تو، معال بر تمامی زمین».

<sup>y</sup> ر. ک. توضیح ۸:۱.

<sup>z</sup> در خصوص سرودهای صهیون، ر. ک. «مقدمه».

۳:۵

که بچه های خود را در آن بگذارد.  
 قربانگاههای تو<sup>a</sup>، ای بیهوده لشکرها،  
 ای پادشاه و ای خدای من!  
<sup>۵</sup>خوشابه حال آنان که در خانه تو ساکن اند،  
 تا ابد تو را می ستایند! سلا.

<sup>۶</sup>خوشابه حال مردمانی که قوتshan در تو است،  
 که فرازها در دل ایشان است!  
<sup>۷</sup>چون از دره درختان بلسان<sup>c</sup> عبور می کنند،  
 آن را مکان چشمی ها می سازند<sup>d</sup>،  
 و نخستین باران<sup>e</sup> آن را با برکات در بر می گیرد.  
<sup>f</sup>با قوتی فزاینده راه می روند،  
 در صهیون به حضور خدا می رسند.

ای بیهوده، خدای لشکرها، به نیایش من گوش بسیار،  
 گوش فراده، ای خدای یعقوب. سلا.  
<sup>۱۰</sup>ای خدا، سپر ما ببین<sup>g</sup>،  
 روی مسح شده خود را بنگر.

۱۱ آری، یک روز در صحن ها تو بهتر است  
 از هزار در مسکن من؛

<sup>a</sup> می توان این گونه نیز ترجمه کرد: «نژدیک قربانگاههای تو».  
<sup>b</sup> تحتاللفظی: «راهها در دل ایشان (است)»؛ منظور راههای زیارتی اورشلیم است؛ از این رو، قرائت یونانی کلمه «فرازها» (یا سربالایی ها) را به کار برده و ترجمه ما نیز مبتنی بر آن است. این گونه نیز می توان درک کرد: «راهها (یعنی راههای زیارت) را در دل (یعنی در خاطره) نگاه می دارند».  
<sup>c</sup> چندین نسخه خطی عبری و ترجمه های قدیمی قرائت کرده اند: «وادی گریه ها». درخت بلسان در دره های خشک می روید و صمع فراوان دارد. «دره درختان بلسان» را می توان با «وادی المیسه» یکی دانست (معنی هر دو یکی است) که از آن به دروازه غربی اورشلیم راه می یافتدند.

<sup>d</sup> تحتاللفظی: «از آن چشمی می سازند».  
<sup>e</sup> کل آیه ۷ در متن عبری میهم است. قرائت یونانی: «... به سوی دره گریه ها، در جایی که او (یعنی خدا) تدارک دیده، زیرا قانون گذار برکت ها خواهد داد»؛ سریانی: «ایشان از دره گریه ها گذشته اند، آن را خانه ای برای سکونت ساخته اند، و حتی قانون گذار از برکات پوشیده خواهد شد». ژروم و آرامی نیز همین عبارت آخر را به کار برده اند.

<sup>f</sup> تحتاللفظی: «از قوت به قوت به پیش می روند». اصلاح کوچکی در آوای کلمات سبب می شود که بتوان این گونه نیز قرائت کرد: «از حصاری به حصاری دیگر می روند».

<sup>g</sup> متن مبهم است. طبق ترجمه ما، سپر همانا پادشاه یا مسیح است؛ ر.ک. ۱۰:۴۷ و ۱۹:۸۹. مانند یونانی، سریانی، و ژروم می توان این گونه نیز ترجمه کرد: «ببین، ای خدا، (که) سپر ما (هستی)».

ماندن در آستانه خانه خدایم  
تا ساکن شدن زیر خیمه شیران.

۱۲ زیرا یهُوهِ کنگره و سپر است،  
خدا فیض و جلال می بخشد،  
یهُوهِ هیچ چیز نیکو را درین نمی دارد  
از آنان که در کاملیت سلوک می کنند.

۱۳ ای یهُوه لشکرها،  
خوشابه حال کسی که به تو توکل می کند!

### مزمور (۸۴) ۸۵

<sup>۱</sup> به رهبر سرود، از بنی قورح. مزמור.

۲ ای یهُوه، تو به سرزمن خودت نظر مساعد نشان داده ای<sup>h</sup>  
تقدیر یعقوب را تغییر داده ای.  
۳ خطای قوم خود را بر داشته ای،  
همه گناهانشان را پوشانیده ای. سلا.  
۴ تمام غضب خود را پس کشیده ای،  
از شدت خشمت بر گشته ای.

۵ ما را استوار فرما، ای خدای نجات ما،  
غیظ خود را بر علیه ما بشکن.  
۶ آیا تا ابد نسبت به ما غضبناک خواهی بود،  
خشم خود را دوره به دوره ادامه خواهی داد؟

۷ آیا ما را به حیات باز نخواهی آورد،  
تا قومت در تو وجود نمایند؟  
۸ ای یهُوه، وفاداری خود را به ما نشان بد،  
نجات خود را به ما ارزانی دار!

این مزמור قرابت دارد با «نیایشهای گروهی برای درخواست کمک»؛ ر.ک. «مقدمه».

۵:۵۱ اش

<sup>۹</sup> می خواهم به آنچه یهُوه می گوید گوش فرا دهم؛  
 زیرا او از آرامش سخن می گوید  
 برای قوم خود و برای وفادارانش،  
 و برای جمیع آنان که دل خود را به سوی او بر می گردانند.  
<sup>۱۰</sup> آری، نزدیک است نجات او به آنان که از او می ترسند،  
 تا «جلال» در زمین ما باقی بماند.

<sup>۱۱</sup> وفاداری و امانت با یکدیگر ملاقات می کنند،  
 عدالت و آرامش یکدیگر را می بوسند؛  
<sup>۱۲</sup> امانت از زمین جوانه می زند  
 و عدالت از فراز آسمانها خم می شود.  
<sup>۱۳</sup> یهُوه خود سعادت می بخشد  
 و زمین ما محصول خود را می دهد.  
<sup>۱۴</sup> عدالت پیشاپیش او حرکت می کند  
 و نجات<sup>۱</sup> قدم های او را همراهی می نماید.

## مزمور ۸۶ (۸۵)

<sup>۱</sup> نیایش. ازدواد.

گوش فرا ده، ای یهُوه، مرا پاسخ بگو<sup>k</sup>،  
<sup>۱۸:۴۰</sup> زیرا مسکین و نیازمند هستم؛  
<sup>۲۰:۲۵</sup> ۲ جان مرا نگاه دار، چرا که وفادار می باشم،  
 خدمتگزار را که به تو توکل می کند نجات ده.

<sup>۳</sup> تو خدای من هستی، بر من رحم فرما، ای خداوند،  
 زیرا تمامی روز نزد تو فریاد بر می آورم.  
<sup>۴</sup> جان خدمتگزار را شادمان ساز،  
<sup>۸:۱۴۳:۱:۲۵</sup> زیرا جان خود را به سوی تو بلند می کنم، ای خداوند.

<sup>۵</sup> زیرا تو، ای خداوند، نیکو و رحیم هستی،  
 دولتمند در وفاداری برای جمیع آنان که تو را می خوانند.

<sup>۶</sup> قرائت عبری: «آنها آرامش و عدالت را بوسیله اند»؛ ترجمه ما مبتنی است بر ترجمه های قدیمی.  
<sup>۷</sup> قرائت عبری: «قلم های خود را قرار می دهد»؛ ما متن را اصلاح کرده ایم.  
<sup>k</sup> در خصوص «نیایشهای انفرادی برای درخواست کمک»، ر. ک. «مقدمه».

۲:۲۸:۳:۵  
۲:۱۳:

۳:۷۷  
۶:۱۷

<sup>۶</sup>ای یهُوهُ، به نیایش من گوش فرا ده،  
به ندای استغاثه های من توجه فرما؛  
<sup>۷</sup>تورا در روز پریشانی ام می خوانم،  
زیرا تو پاسخ می گویی.

خروج ۱۱:۱۵

<sup>۸</sup>در میان خدایان کسی چون تو نیست، ای خداوند،  
و چیزی چون اعمال تو نیست.

مکا ۴:۱۵:۹:۳

<sup>۹</sup>همه ملت هایی که پدید آورده ای خواهند آمد  
تا در حضور تو، ای خداوند، سجده کنند  
و نام تو را جلال دهند؛  
<sup>۱۰</sup>زیرا تو عظیمی و شگفتیها به عمل می آوری،  
تو، ای خدا، تنها تو!

۱۱:۲۷  
۳:۲۶

<sup>۱۱</sup>ای یهُوهُ، طریق خود را به من بیاموز،  
تا مطابق امانت تو سلوک نمایم،  
دل مرا بر آن دار<sup>۱</sup> تا از نام تو بترسد.

<sup>۱۲</sup>ای خداوند، ای خدای من، تو را به تمامی دل خود تمجید خواهم کرد،  
نام تو را تا به ابد جلال خواهم داد.  
<sup>۱۳</sup>زیرا وفاداری ات در حق من عظیم است،  
جان مرا از اعماق شئول بیرون کشیدی.

۱۲:۸، ۴:۲۵  
۱۱:۲۷  
۳:۲۶

<sup>۱۴</sup>ای خدا، متکبران بر علیه من بر می خیزند،  
دسته ای از ستمکاران قصد جان مرا دارند؛  
تو را در مقابل خود قرار نمی دهند.

خروج ۶:۳۴

۸:۱۰۳

<sup>۱۵</sup>اما تو، ای خداوند، خدای رحیم و دلسوز،  
دیرخشم، دولتمند در وفاداری و امانت،  
<sup>۱۶</sup>به سوی من بر گرد، بر من رحم فرما،  
قوت خود را به خدمتگزار عطا کن،  
پسر کنیز خود را نجات بخشن؛

۱۶:۲۵

۱۶:۱۱۶

<sup>۱</sup>دل که در وهله اول مرکز تصمیم گیری و اراده است، باید مصمم و یکپارچه گردد (ر. ک. یع ۱:۸).  
m یعنی «توجهی به تو ندارند».

<sup>۱۷</sup> در حق من علامتی برای سعادت به عمل آور:  
که آنان که مرا نفرت می دارند، در شرمساری خود بینند  
که تو هستی، ای یهوه، که مرا یاری و تسلی می دهی.

## مزمور (۸۶) ۸۷

<sup>۱</sup> از بنی قورح. مزمور. سرود.

آن بر کوههای مقدس بنیان گذاشته شده است!<sup>۱۱</sup>

<sup>۰</sup> یهوه دروازه های صهیون را دوست می دارد

بیش از همه مسکن های یعقوب.

<sup>۳</sup> در باره تو چیزهای پرجلال می گویند،

ای شهر خدا!

<sup>۴</sup> «رَحَبٌ» و بابل را در میان کسانی ذکر می کنم که مرا می شناسند<sup>۹</sup>،  
اینک فلسطین، صور، با حیشه:  
در آنجا است که فلاں شخص زاده شده است.  
<sup>۵</sup> اما به صهیون می گویند<sup>۱۰</sup>: «ای مادر!»  
[زیرا] هر انسانی در آن زاده شده،  
و «او» آن را برقرار ساخته، آن متعال.

<sup>۶</sup> یهوه در دفتر قوم ها ثبت می کند<sup>۱۱</sup>:

«فلاں شخصی در آنجا زاده شده است»؛ سلا.

<sup>۷</sup> و سرایندگان، و نیز رقصندگان<sup>۱۲</sup>

همه با هم برای او می سرایند.

<sup>۱۱</sup> در خصوص «سرودهای صهیون»، ر.ک. «مقدمه».

<sup>۰</sup> در خصوص انتخاب صهیون از سوی یهوه برای سکونت در آن، ر.ک. مز ۴۸:۳؛ ۶۸:۷۸؛ ۱۷:۶۸؛ ۱۳:۱۳۲؛ ۱۴-۱۳:۱۳؛ خروج ۱۷:۱۵.

<sup>p</sup> «رَحَب» هیولایی دریابی است که نماد هرج و مرج اولیه می باشد (ر.ک. ۱۱:۸۹؛ اش ۹:۵۱؛ ایوب ۹:۱۳؛ ۱۳:۹؛ ۱۲:۲۶). این نام در آنجا می تواند به مصر اشاره داشته باشد (ر.ک. اش ۷:۳).

<sup>q</sup> متن مهم است و مشخص نیست که خدا سخن می گوید یا صهیون.  
<sup>r</sup> می توان این گونه نیز ترجمه کرد: «اما در باره صهیون می توان گفت». قرائت و لگات: «آیا صهیون نخواهد گفت؟» ترجمه ما مبتنی است بر قرائت های ژروم و آرامی. قرائت یونانی (که مانند رقصندگان، همه چشمها های من در تو) می تواند این گفت: «شخص خواهد گفت: ای مادر صهیون!» (ر.ک. غال ۴:۲۵-۲۶).

<sup>s</sup> تحتاللفظی: «یهوه با ثبت کردن قوم ها سرشماری می کند». ترجمه ما مبتنی است بر اکثر ترجمه های قدیمی.  
<sup>t</sup> متن مبهم است. قرائت عبری: «و سرایندگان مانند رقصندگان، همه چشمها های من در تو». ما متن را اندکی اصلاح کرده ایم. یونانی و سریانی قرائت های متفاوتی دارند.

## مزمور ۸۸ (۸۷)

<sup>۱</sup> سرود. مزمور. از بنی قورح. به رهبر سرود. بر «محَلت» سروده شود.  
شعر. از هیمان از راحی.<sup>۷</sup>

<sup>۲</sup> ای یهُوهُ، خدای نجات من، در روز فریاد بر می آورم<sup>w</sup>،  
شبانگاه در حضور تو [می ایستم].

<sup>۳</sup> بادا که نیایشم به حضور تو بباید،  
به شکایت من گوش فرا ده.

<sup>۴</sup> زیرا که جانم از دردها تا به حد سیری آکنده است  
و حیاتم به شئول رسیده است؛  
<sup>۵</sup> در میان کسانی به شمار آمده ام که به گودال فرو می روند،  
مانند شخصی بی قوت می باشم،  
<sup>۶</sup> در میان مردگان، آزادشده<sup>x</sup>،  
به سان سوراخ شدگانی که در قبر در می غلظند،  
خارج از یاد تو و جدا شده از دست تو.

<sup>۷</sup> تو مرا در اعماق گودال قرار داده ای،  
در ظلمات، در ورطه ها؛  
<sup>۸</sup> غصب تو بر من سنگینی می کند  
و مرا با تمام موج هایت درمانده می سازی. سلا.

<sup>۹</sup> آشنا یام را از من دور ساخته ای،  
از من برای ایشان وحشتی ساخته ای،  
محبوس شده ام و نمی توانم بیرون آیم.  
<sup>۱۰</sup> چشم از سیه روزی ضعیف می شود،  
تمامی روز تو را می خوانم، ای یهُوهُ،  
دستانم را به سوی تو دراز می کنم.

۱۲:۳۸

<sup>۱۱</sup> در خصوص «محَلت»، ر.ک. توضیح ۵۳:۱.

<sup>۷</sup> «هیمان» نام سراینده ای است از دسته «بنی قورح» (۱۸:۶-۱۸:۱)؛ هیمان پسر زارح نیز یکی از حکیمان قبیله یهودا بود (۱-۱۶:۲). «از راحی» را که به معنی «بومی» است (ر.ک. مز ۱:۸۹)، می توان به نام زارح مرتبط دانست.

<sup>w</sup> در خصوص «نیایشهای انفرادی برای درخواست کمک»، ر.ک. «مقدمه».

<sup>x</sup> «آزادشده» (یا «مرخص شده، اخراج شده») به کسی اشاره دارد که از زندگی و جامعه بشری کنار گذاشته شده است.

۶:۶  
اش ۳۸:۱۸

۱۱ آیا برای مردگان شگفتیها به عمل می‌آوری،

آیا «سایه ها»<sup>a</sup> برای تمجید تو بر می‌خیزند؟

۱۲ آیا در قبر در باره وفاداری تو سخن می‌گویند،

و در مکان فنا<sup>b</sup> از صداقت تو؟

۱۳ آیا در ظلمات از شگفتیهای تو خبر دارند،

و در سرزمین فراموشی از عدالت تو؟

۱۴ و من، ای یهوه، به سوی تو فریاد بر می‌آورم،

از همان صبحگاه نیایش من به مقابل تو می‌رود.

۱۵ ای یهوه، به چه سبب جان مرا رد می‌کنی؟

[چرا] روی خود را از من پنهان می‌داری؟

۱۶ چه نگون بخت هستم من، از همان کودکی از میان می‌روم،

متحمل وحشت‌ها می‌شوم، سردرگم می‌باشم.<sup>c</sup>

۱۷ خشمها<sup>d</sup> تو بر من گذشته است،

هراسهای تو مرا از میان برده‌اند.

۱۸ تمامی روز همچون آبها مرا احاطه می‌کنند،

همه با هم گردآگرد من هستند.

۱۹ دست و مونس را از من دور ساخته‌ای،

آشنايانم تاریکی‌ها هستند.

ایوب ۱۹:۱۳

## مزمور ۸۹ (۸۸)

<sup>۱</sup> شعر. از/یتان/از راحی.

<sup>۲</sup> می خواهم<sup>b</sup> برای ابد فیض‌های<sup>c</sup> یهوه را بسرايم،  
دوره به دوره دهانم صداقت تو را اعلام خواهد داشت.

۱۴:۲۶ ر. ک. توضیح اش؛ منظور سایه‌های مردگان است که در جهنم دارای وجودی کمرنگ می‌باشند. مکان‌های جهنمی در اینجا با یک مجموعه از کلمات توصیف شده‌اند: گودال و ورطه (ایه ۷)، قبر، مکان فنا، ظلمات، فراموشی (آیات ۱۲-۱۳).

۶:۲۶ ر. ک. ایوب و مکا ۱۱:۹.

<sup>a</sup> این ترجمه‌ای غیر قطعی از اصطلاحی منحصر به فرد است.

<sup>b</sup> در خصوص «مزامیر سلطنتی»، ر. ک. «مقدمه».

<sup>c</sup> تحت‌اللفظی: «وفداداری‌های یهوه»، یعنی مجموع نشانه‌های وفاداری او.

<sup>۳</sup> زیرا گفته‌ای: «وفاداری<sup>d</sup> تا به ابد بنا شده است»، صداقت تو در آسمانها استوار گردیده است:

<sup>۴</sup> «با برگزیده خود عهدی بسته ام، آن را برای خدمتگزارم داود قسم خورده ام: <sup>۲-سهو؛ ۵:۲۳</sup>  
<sup>۵</sup> نسل تو را تا به ابد استوار خواهم داشت، تخت سلطنت تو را دوره به دوره بنا خواهم نمود.» سلا.

<sup>۶</sup> آسمانها شگفتیهای تو را تمجید می‌کنند، ای یهوه، و جماعت مقدسین<sup>e</sup> صداقت تو را.

<sup>۷</sup> و چه کسی در ابرها همانند یهوه می‌باشد؟ کیست در میان پسران خدا که شبیه یهوه باشد،

<sup>۸</sup> خدای مهیب در شورای عظیم مقدسان<sup>f</sup> هراس انگیز برای جمیع آنان که گرداگرد او هستند؟ <sup>۹</sup> ای یهوه، خدای لشکرها، کیست مانند تو؟ تو قدرتمند می‌باشی، ای یهوه، و صداقت تو را احاطه می‌کند.

<sup>۱۰</sup> تو هستی که تکبر دریا را مهار می‌کنی، <sup>۸:۶۵</sup>  
 چون امواجش بلند می‌شود، تو هستی که آنها را آرام می‌سازی.  
<sup>۱۱</sup> تو هستی که رَحْبَة<sup>g</sup> را همچون مجروحی در حال مرگ، له کردي، <sup>۱۴:۷۴</sup>  
 و با بازوی نیرومند دشمنان خود را پراکنده ساختی.

<sup>۱۲</sup> آسمانها از آن تو، زمین نیز از آن تو است، دنیا و آنچه که آن را پر می‌سازد، آنها را تو بینان گذاردی، <sup>۱۳</sup> شمال و جنوب را تو آفریدی، <sup>۱۲:۲۶</sup>  
 تابور و حرمون<sup>h</sup> به نام تو فریاد شادمانی بر می‌آورند.

<sup>d</sup> وفاداری خداوند به عهد خود (آیه <sup>۴</sup>) به همراه تمام نشانه‌های رابطه‌ای شخصی ظاهر می‌شود، رابطه‌ای که عهد مستلزم آن می‌باشد.

<sup>e</sup> منظور از «جماعت مقدسین»، دربار آسمانی خداوند است.

<sup>f</sup> قرائت عبری: «خدا در شورای مقدسان، بی نهایت مهیب است»؛ قرائت یونانی و سریانی: «... عظیم و مهیب است»؛ ترجمه ما مبتنی است بر قرائت سیماک.

<sup>g</sup> ر. ک. توضیح <sup>۴:۸۷</sup>.

<sup>h</sup> «تابور و حرمون» که قله‌هایی رفیع و کوههایی مقدس برای کنعانی‌ها بودند، اکنون خداوند را عبادت می‌کنند.

۲:۹۷

<sup>۱۴</sup> تو بازویی پر از دلاوری داری،  
دستت نبرومند است و دست راستت بر افراشته می باشد.

<sup>۱۵</sup> عدالت و درستی تکیه گاه تخت سلطنت تو است،  
وفاداری و امانت پیشاپیش روی تو حرکت می کنند.

<sup>۱۶</sup> خوشابه حال قومی که ستایش را می شناسد!  
ایشان در نور روی تو، ای یهُوه، پیش می روند.

<sup>۱۷</sup> تمامی روز در نام تو وجود می کنند  
و با عدالت تو برابر می خیزند.

<sup>۱۸</sup> زیرا تو شکوه قوت ایشان می باشی،  
و در اثر اطفق تو است که پیشانی ما بلند می شود!  
<sup>۱۹</sup> آری، از آن یهُوه است سپر مآل،  
از آن قدوس اسرائیل است پادشاه ما!

<sup>۲۰</sup> در گذشته در رؤیا با شخص وفادار خود سخن گفتی و فرمودی:  
«به قهرمانی یاری رساندم،  
از قوم خود برگزیده ای بر افراشتم،  
<sup>۲۱</sup> خدمتگزار خود داود را یافتم،  
او را با روغن مقدس خود مسح کردم؛  
<sup>۲۲</sup> دست من برای او مستحکم خواهد بود  
و بازویم او را قوت خواهد بخشید؛

۱-سمو:۷  
۲-سمو:۷

<sup>۲۳</sup> دشمن قادر به فریب او نخواهد بود  
و نه آدم بدستگال به ناتوان ساختنش؛  
<sup>۲۴</sup> خصمانش را در مقابل او خواهم سایید،  
آن را که او را نفرت می دارند خواهم زد؛

<sup>۲۵</sup> صداقت و وفاداری من با او خواهد بود،  
و با نام من پیشانی او بلند خواهد شد؛

<sup>۱</sup> قرائت های متن نوشته شده، زروم و آرامی: «با لطف خود پیشانی ما را بلند می کنی». ترجمه ما مبتنی است بر قرائت های متن خوانده شده، یونانی و سریانی.  
ج منظور پادشاه است (ر. ک. ۱۰:۴۷؛ ۱۰:۸۴؛ ۱۰:۸۳).

قرائت عبری: «با وفاداران خود»؛ ترجمه ما مبتنی است برگونه ای متفاوت از قرائت عبری و بر پادشاه دلالت دارد.

۲۶ دست او را بر دریا خواهم نهاد،  
و دست راستش را بر رودها.

۱۷ او مرا خواهد خواند: تو پدر من هستی<sup>۱</sup>،  
خدای من و صخره نجات من.  
۱۸ بدینسان من از او نخست زاده ای خواهم ساخت،  
رفیع ترین پادشاهان زمین.

مکا:۱

۱۹ وفاداری خود را تا به ابد با او حفظ خواهم کرد،  
و عهد من با او امین خواهد بود،  
۲۰ نسل او را برای همیشه برقرار خواهم داشت  
و تخت سلطنت او را به سان روزهای آسمانها.

۲۱ اگر پسراش شریعت مرا ترک گویند  
و بر حسب قواعد من سلوک ننمایند،  
۲۲ اگر به اوامر من بی حرمتی کنند  
و احکام مرا مررعی ندارند،  
۲۳ جرم ایشان را با ترکه مجازات خواهم نمود  
و خطای ایشان را با ضربه ها؛  
۲۴ اما وفاداری خود را از او دور نخواهم ساخت<sup>m</sup>  
و صداقت خود را انکار نخواهم کرد؛

۱۴:۷-۲

۲۵ عهد خود را بی حرمت نخواهم ساخت،  
و آنچه را که از لبانم بیرون آمده تغییر نخواهم داد؛  
۲۶ این را یک بار به قدوسیت خود قسم خورده ام،  
آیا به داود دروغ خواهم گفت؟  
۲۷ نسل او تا به ابد پایدار خواهم ماند،  
و تخت سلطنت او، در حضور من، به سان خورشید،  
۲۸ به سان ماه که برای همیشه برقرار است،  
شاهد امین در ابرها<sup>n</sup>.

مکا:۱

۱. ر. ک. - ۱۴:۷؛ ۱۸:۲؛ ۷:۲.

۲. سمو: ۷؛ ۱۴:۷؛ مز: ۲؛ ۱۸:۳. <sup>m</sup> قرائت عبری: «اما وفاداری خود را نسبت به او نخواهم شکست». ترجمه ما مبتنی است بر برخی نسخ خصی عبری، سریانی، و  
ژروم.

<sup>n</sup> مصرع اول را این گونه نیز می توان ترجمه کرد: «مانند ماه برای همیشه برقرار خواهد بود». برخی مصرع دوم را این گونه ترجمه می کنند: «تا آن زمان که ابرها باشند».

<sup>۳۹</sup> با این حال، تور د کرده ای، دور ساخته ای،  
بر مسح شده خوبیش خشم گرفته ای؛  
<sup>۴۰</sup> عهد را با خدمتگزار طرد کرده ای،  
اور نگ او را تا به زمین بی حرمت ساخته ای؛

<sup>۴۱</sup> در تمام دیوارهایش رخنه پدید آورده ای،  
دژهایش را به ویرانه بدال ساخته ای؛  
<sup>۴۲</sup> همه رهگذران آن را غارت کرده اند،  
برای همسایگانش ننگ شده است؛

<sup>۴۳</sup> دست راست خصمایش را بر افرادشته ای،  
جمعیع دشمنایش را شادمان ساخته ای؛  
<sup>۴۴</sup> لبه شمشیر<sup>۰</sup> او را بر گردانده ای  
و در نبرد از او حمایت به عمل نیاورده ای؛

<sup>۴۵</sup> به جلال او خاتمه داده ای،  
تخت سلطنتش را بر زمین واژگون ساخته ای؛  
<sup>۴۶</sup> روزهای نوجوانی اش را کوتاه کرده ای،  
او را با خجلت پوشانیده ای. سلا.

<sup>۴۷</sup> ای یهود، تا به کی خود را بدون انتهای پنهان خواهی داشت؟  
غضب تو همچون آتش خواهد سوزانید؟  
<sup>۴۸</sup> به یاد آور که چقدر زودگذر هستم،  
که برای چه نیستی ای بنی آدم را خلق کردي.  
<sup>۴۹</sup> کدام آدمی است که زندگی کند و مرگ را نبیند،  
و جان خود را از قدرت شئول محافظت کند؟ سلا.

<sup>۵۰</sup> کجا است، ای خداوند، فیض های گذشته تو،  
که در صداقت برای داود سوگند یاد کردي؟  
<sup>۵۱</sup> به یاد آور، ای خداوند، ننگ خدمتگزارانت را،  
[به یاد آور] که من در سینه خود تمام اهانت های قوم ها را حمل می کنم،

<sup>۰</sup> تحت اللطفی: «صخره شمشیر او».

p ترجمه فاقد قطعیت است؛ تحت اللطفی: «[به یاد آور] این حقیقت را که من در سینه خود تمام انبوه قوم ها را حمل می کنم» (یونانی نیز به همین شکل قرائت کرده است). سایر ترجمه های قدیمی چنین آورده اند: «من بی انصافی های (یا آزارها، دغدغه) همه قوم ها را تحمل کرده ام».

۵۲ که با آنها دشمنانت اهانت می‌کنند، ای یهُوهُ،  
که با آنها به پاشنه‌های مسح شده تو اهانت می‌کنند.<sup>۹</sup>

۵۳ متبارک باد یهُوهُ تا به ابد!  
آمین! آمین!<sup>۱۰</sup>

لو:۶۸؛۱۰۶:۴۸

## كتاب چهارم

### (مزامير ۹۰-۹۱)

#### مزمور ۹۰ (۸۹)

<sup>۱</sup> نیایش. از موسی، مرد خدا.

ای خداوند، از دوره به دوره، تو پناهگاه ما بودی.<sup>۵</sup>

<sup>۲</sup> پیش از آنکه کوهها ولادت یابند،

(و) زمین و جهان زاده شوند،

از همیشه تا همیشه تو خدا هستی!

<sup>۳</sup> تو (انسان) فانی را به خاک باز می‌گردانی و می‌گویی:<sup>۶</sup>

«باز گردید، ای بنی آدم!»

۸:۳-پط:۲

<sup>۴</sup> زیرا هزار سال در نظر تو

چون دیروز است که گذشته باشد،

چون پاسی از شب.

<sup>۵</sup> آنها<sup>۷</sup> را می‌کشانی، خوابی بیش نبودند،

به سان علی‌忿ی هستند که بامدادان می‌روید:

<sup>۸</sup> منظور این است که ایشان مسح شده خداوند را مانند سگان وحشی و در نده خو قدم به قدم دنبال می‌کنند.

<sup>۹</sup> این ستایش پایانی به کتاب سوم مزامیر خاتمه می‌بخشد؛ ر.ک. ۱۴:۴۱ و ۱۹:۷۲.

<sup>۱۰</sup> در خصوص «نیایش‌های گروهی برای درخواست کمک»، ر.ک. «مقدمه».

<sup>۱۱</sup> این اشاره‌ای است به پید ۱۹:۳.

<sup>۱۲</sup> ضمیر «آنها» هم می‌تواند بر «هزار سال» دلالت داشته باشد، و هم بر «انسان‌ها» که این شق اخیر محتمل تر است. فرائت یونانی برای مصرع اول این آیه: «سالهایشان برای ایشان جز بطالت نخواهد بود»؛ و سریانی: «اعقاب ایشان همچون خواب هستند».

<sup>۶</sup> صبحگاهان شکوفا می شود و می روید،  
شامگاهان پیغمده و خشک می گردد.

<sup>۷</sup> آری، در اثر خشم تو تلف شده ایم،  
در اثر غصب تو هراسان گشته ایم.  
<sup>۸</sup> خطاهای ما را در مقابل خود گذارده ای،  
اسرار ما را در نور چهره ات.

۷-۱:۱۲

<sup>۹</sup> آری، زیر غیظ توروزهای ما از میان می روند،  
سالهای ما به سان آهی تلف می شوند.  
<sup>۱۰</sup> ازمان سالهای ما هفتاد سال است<sup>v</sup>،  
هشتاد سال برای آنان که نیرومندترند،  
و بزرگترین نصیب ایشان جز رنج و تیره روزی نیست،  
زیرا آنها بسیار زود می گذرند و ما پرواز می کنیم!

<sup>۱۱</sup> چه کس از قدرت خشم تو آگاه است؟  
چه کس از شدت غیظ تو می ترسد<sup>w</sup>?  
<sup>۱۲</sup> ما را بیاموز تا روزهای خود را بشماریم  
تا دلی خردمند به دست آوریم<sup>x</sup>.

<sup>۱۳</sup> باز آ، ای یهُوه، تا به کی؟  
بر خدمتگزارانت ترحم فرمای.  
<sup>۱۴</sup> بامدادان ما را از وفاداری ات سیر کن،  
تا در تمامی روزهای خود از شادی وجد کنیم.

<sup>۱۵</sup> ما را به اندازه روزهایی که خوارمان ساختی شادی ببخش،  
به اندازه سالهایی که سیه روزی را تجربه کردیم.

v تحتاللطفی: «سالهای عمر ما، در میان ایشان هفتاد سال (می شمارند)».  
w تحتاللطفی: «و غصب تو همچون ترس تو»، یعنی غصب تو به اندازه ترسی است که پدید می آوری.  
x متن مبهم است. تحتاللطفی: «و ما یک دل خردمندی را وارد خواهیم ساخت». قرائت آکیلا، سیماک، سریانی، وژروم: «و ما وارد دل خردمندی خواهیم شد». ترجمه یونانی آیات ۱۱ و ۱۲ را چنین قرائت می کنند: «(۱۱) چه کس از قدرت خشم تو آگاه است و به سبب ترس از غصب تو به حساب خود می رسد؟ (۱۲) پس دست راستت را بشناسان و آنانی را که در دل خود خردمندی را تعلیم دیده اند». قرائت ولگات از آیه ۱۱: «چه کس از قدرت خشم تو آگاه است و خشم تورا به سبب ترس تو می سنجد؟»

<sup>۱۶</sup> بادا که عمل تو برای خدمتگزارانت مکشوف گردد،  
و شکوه تو بر پیمان ایشان.

<sup>۱۷</sup> بادا که مهربانی خداوند، خدای ما، بر ما باشد؛  
عمل دستانمان را بر ما استوار فرما،  
عمل دستانمان را استوار فرما!

## مزمور (۹۰) ۹۱

<sup>۱</sup> ای تو که در سر حضرت اعلی ساکنی <sup>۷</sup>،  
تو که در سایه شدای مسکن داری،

<sup>۲</sup> به یهود بگو: «پناهگاه و قلعه من،  
خدایم که به او توکل می کنم.»

<sup>۳</sup> او است که تورا از دام شکارچی پرنده‌گان خواهد رهانید،  
از طاعون <sup>۷</sup> مهلك؛

<sup>۴</sup> با پر و بال خود تورا محافظت خواهد کرد،  
زیر بالهایش پناه خواهی گرفت.  
زره و سپر است وفاداری او!

۸:۱۷

<sup>۵</sup> نه از هراس شبانه خواهی ترسید،  
نه از تیری که در روز می پرد،

<sup>۶</sup> نه از طاعونی که در ظلمات حرکت می کند،  
نه از آفتی که به هنگام ظهر نابود می سازد.<sup>a</sup>

۲۴:۳۲

<sup>۷</sup> اگر هزار بر پهلوی تو بیفتدند  
و ده هزار بر دست راستت،  
چیزی به تو نخواهد رسید.

<sup>۷</sup> در خصوص «مزامیر اعتماد» ر.ک. «مقدمه». این مزمور همچون گفتگویی است میان یک ایماندار، یک کاهن و (در آیات ۱۶-۱۴) خدا.

<sup>Z</sup> ترجمه‌های یونانی، سریانی، و سیماک در اینجا به جای «طاعون» قرائت کرده‌اند: «سخن». در آیه ۶، برای همین کلمه، ترجمه یونانی همان قرائت را ارائه داده، تفسیر می‌کند: «کار»، حال آنکه سیماک، زروم، و آرامی ترجمه کرده‌اند: «سُک». منظور این است که گرمای نیمروزی سبب می‌شود بلا مهلك تر گردد. برداشتی نادرست در هفتادتنان باعث شده که وologات قرائت کند: «دیو نیمروزی».

<sup>۸</sup> تنها با چشمان خود خواهی نگریست،  
و مکافات شریان را خواهی دید.

<sup>۹</sup> زیرا پناهگاه تو بیهود است،  
حضرت اعلی را ملجاً خود ساخته ای.

<sup>۱۰</sup> هیچ بدی بر تو واقع نخواهد شد،

هیچ بلایی به خیمه تو نزدیک نخواهد شد؛

<sup>۱۱</sup> زیرا در باره تو به فرشتگانش امر خواهد فرمود

که تو را در همه راههای حفظ کنند؛

مت:۴

<sup>۱۲</sup> بر روی دستانشان تو را حمل خواهند کرد،  
مبادا که پایت به سنگی بر خورد؛

<sup>۱۳</sup> بر شیر و افعی راه خواهی رفت،

شیربچه و مار را لگدمال خواهی کرد.

ایوب:۱۹-۲۲

لو:۱۰-۱۹

<sup>۱۴</sup> «چون به من می چسبد، او را رهایی خواهم داد»<sup>b</sup>؛  
او را محافظت خواهم فرمود، زیرا نام مرا می شناسد.

<sup>۱۵</sup> مرا بخواند و او را پاسخ خواهم گفت،

در پیشانی با او خواهم بود،

او را رهایی بخشیده، جلال خواهم داد؛

<sup>۱۶</sup> از روزهای طولانی او را سیر خواهم ساخت

و نجات خود را به او نشان خواهم داد.»

۶:۲۳

## مزمور (۹۱) (۹۲)

<sup>۱</sup> مزمور. سرود. برای روز سبت.

<sup>۲</sup> نیکو است تمجید کردن بیهود<sup>c</sup>،

نواختن برای نام تو، ای حضرت اعلی،

<sup>۳</sup> اعلام وفاداری تو صبحگاهان،

صداقت تو در شبها،

<sup>b</sup> می توان ترجمه کرد: «او رهایی داده ام». این همصرع را این گونه نیز می توان درک کرد: «او رهایی داده ام، زیرا که به من می چسبد» یا «اگر به من می چسبد، به این دلیل است که او رهایی داده ام». ترجمه یونانی به جای «چسبیدن» قرائت کرده: «امید بستن».

<sup>c</sup> در خصوص «نیایشهای قدردانی»، ر.ک. «مقدمه».

<sup>۴</sup> بر ساز ده تار و چنگ،  
با آواهای بربط.

<sup>۵</sup> زیرا که تو ای یهوه، مرا با عمل خود شادمان ساخته‌ای،  
برای عمل دستت از شادی فریاد بر می‌آورم.  
<sup>۶</sup> چه عظیم است کارهای تو، ای یهوه،  
چه عمیق است اندیشه‌های تو!

<sup>۷</sup> آدم احمق نمی‌داند،  
ابله آن را درک نمی‌کند.  
<sup>۸</sup> آن هنگام که شریران چون علف می‌رویند  
و همه آنان که بدی را به جا می‌آورند شکوفا می‌گردند،  
برای آن است که تا به ابد نا بود شوند.

<sup>۹</sup> اما تو، ای یهوه،  
برای ابد عالی هستی!  
<sup>۱۰</sup> زیرا اینک دشمنانت، ای یهوه،  
زیرا اینک دشمنانت هلاک می‌شوند،  
جمعیع آنان که بدی را به جا می‌آورند، پراکنده می‌گردند.

<sup>۱۱</sup> اما تو پیشانی مرا چون گاویمیش بر می‌افرازی،  
مرا در روغن تازه تر می‌سازی<sup>d</sup>،  
<sup>۱۲</sup> چشم به آنانی که در کمین من اند<sup>e</sup> می‌نگرد،  
گوشاهیم [فریاد] بدکاران را می‌شنود.

<sup>۱۳</sup> عادل همچون نخل می‌روید،  
به سان سدر لبنان بزرگ می‌شود.  
<sup>۱۴</sup> ایشان در خانه یهوه کاشته شده،  
در صحن‌های خدای ما می‌رویند.

d قرائت سریانی و آرامی: «مرا مسح کرده‌ای» و این می‌تواند به مسحی احیاکننده اشاره داشته باشد. قرائت یونانی، سیماک، و  
ژروم: «و کهنسالی من در روغن تازه (است)» و این تصویری است از کامیاب؛ قرائت وولگات: «کهنسالی من در رحمتی  
فراوان است».

e این کلمه فقط در اینجا به کار رفته و ترجمه‌های یونانی و سریانی آن را «دشمنان» برداشت کرده‌اند.

<sup>۱۵</sup> در کهنسالی نیز میوه می دهند،  
پر از شیره هستند و سبز،  
<sup>۱۶</sup> تا اعلام کنند که یهُوه حق است،  
که او صخره من است؛ در او هیچ بی عدالتی نیست.

### مزمور ۹۳ (۹۲)

<sup>۱۰:۹۶</sup> <sup>f</sup> یهُوه سلطنت می کند! ملّیس به جبروت<sup>g</sup>،  
یهُوه ملّیس است، کمربند او قدرت است،  
او جهان را استوار ساخته، (جهانی) که جنبش ناپذیر است.

<sup>۱۷</sup> تخت سلطنت تو برای همیشه پایدار است،  
تو از همیشه هستی.

<sup>۱۸</sup> رودها بلند کرده اند، ای یهُوه،  
رودها صدای خود را بلند کرده اند،  
رودها هیاهوی خود را بلند کرده اند.

<sup>۱۹</sup> بیش از صدای آبهای عظیم،  
بیش از موج های دریا،  
عالی است یهُوه در بلندیها!

<sup>۲۰</sup> اوامر تو بسیار مطمئن می باشند؛  
قدوسیت شایسته خانه تو است،  
ای یهُوه، برای طول روزها.

### مزمور ۹۴ (۹۳)

<sup>۱۰:۲۹</sup> -تسا:۶

<sup>۱</sup> ای یهُوه، خدای انتقام‌ها،<sup>h</sup>

<sup>f</sup> ترجمه یونانی مطابق با سنت یهود می افراید: «شب پیش از سبت، وقتی زمین مسکونی بود»؛ وولگات: «وقتی زمین بیان گذاشته شد؛ ستایش؛ سرود؛ از داود».

<sup>g</sup> در خصوص «سرودهای سلطنت»، ر. ک. «مقدمه».

<sup>h</sup> در خصوص «نیاشهای گروهی برای درخواست کمک»، ر. ک. «مقدمه».

ای خدای انتقام‌ها، بدرخش!  
۲ خود را بر افزار، ای داور زمین،  
متکبران را به سزا برسان.

۳ ای یهُوهُ، تا به کی شریران،  
تا به کی شریران وجد خواهند کرد?  
۴ سخنان گستاخانه را انتشار می‌دهند،  
به خود می‌بالند جمیع آنان که بدی را به جا می‌آورند؛

۵ ای یهُوهُ، ایشان قوم تورا له می‌کنند،  
میراث تورا از پای در می‌آورند؛  
۶ بیوه‌زن و بیگانه را می‌کشنند،  
یتیمان را به قتل می‌رسانند؛

۱۱:۱۰

۷ می‌گویند: یاه نمی‌بیند،  
خدای بعقوب توجه نمی‌کند.  
۸ مراقب باشید، ای احمقانی که در میان همگان هستید،  
و شما، ای ابلهان، کی خواهید فهمید؟

۹ آن کس که گوش را می‌کارد، آیا نخواهد شنید؟  
آن کس که چشم را شکل می‌بخشد، آیا نخواهد دید؟  
۱۰ آن کس که ملت‌ها را تأدیب می‌کند، آیا مجازات نخواهد کرد؟  
آن کس که انسان را تعلیم می‌دهد، آیا نخواهد دانست؟  
۱۱ یهُوهُ از اندیشه‌های انسان آگاه است:  
[می‌داند] که آنها باطل‌اند.

۲۰:۳-۱

ایوب:۱۷:۵  
؛۱۱:۷

۱۲ خجسته آن آدمی که تو تأدیب‌ش می‌کنی، ای یاه،  
و با شریعت خود او را تعلیم می‌دهی،  
۱۳ تا در روز مصیبت او را آسوده نگاه داری،  
تا آن هنگام که برای شریر گودالی حفر شود.

روم ۱۱:۲

۱۴ زیرا یهُوهُ قوم خود را رد نخواهد کرد  
و میراث خود را رها نخواهد ساخت؛  
۱۵ زیرا داوری به عادل برخواهد گشت،

و در پس او خواهند بود همه دلهای راست.

<sup>۱۶</sup> چه کس برای من بر علیه بدکاران بر خواهد خاست،

چه کس برای من علیه آنانی که بدی را به جا می آورند به پا خواهد خاست؟

<sup>۱۷</sup> اگر یهُوه مددکار من نمی بود،

جان من به زودی در سرزمین «خاموشی»<sup>۱</sup> ساکن می گردید.

<sup>۱۸</sup> وقتی می گوییم: پایم لغزان است،

وفاداری تو، ای یهُوه، از من حمایت می کند؛

<sup>۱۹</sup> وقتی دغدغه ها در سینه ام فراوان می شود،

تسلي های تو جانم را فرحتاک می سازد.

<sup>۲۰</sup> آیا همپیمان تو دادگاهی جنایتکار خواهد بود

که شرارت را در پناه قانون شکل می بخشد<sup>k</sup>؟

<sup>۲۱</sup> حیات شخص عادل را مورد تهاجم قرار می دهنده،

و خون بی گناه را محکوم می سازند<sup>۱</sup>.

<sup>۲۲</sup> اما یهُوه دزی است برای من،

خدایم صخره ای است که مرا پناه می دهد.

<sup>۲۳</sup> ستم ایشان را بر ایشان بر می گرداند،

با بدسریرتی خودشان ایشان را از میان خواهد برد،

یهُوه، خدای ما، ایشان را از میان خواهد برد.

## مزمور ۹۵ (۹۶)

<sup>۱</sup> بیایید برای یهُوه فریاد شادی سر دهیم<sup>m</sup>،

صخره نجات خود را بستاییم.

<sup>۲</sup> با ستایش به او و تقرب جوییم،

با سرودها او را بستاییم!

<sup>۳</sup> زیرا خدای عظیمی است یهُوه،

۳:۴۷

<sup>۱</sup> این یک اصطلاح قضایی است به معنی دفاع کردن از حق کسی.

زمنظور محل اقامت مردگان یا جهنم است؛ ر. ک. توضیح ۱۱:۸۸؛ ۱۱۵:۱۱۷.

<sup>k</sup> می توان این گونه نیز ترجمه کرد: «که رنجهایی برخلاف قوانین ایجاد می کند».

<sup>۱</sup> تحتاللفظی: «و خون آدم بی گناه را مجرم اعلام می کنند».

<sup>m</sup> این نوعی «پند نبوتی» است (ر. ک. «مقدمه») در چارچوبی از آینین نیایش.

پادشاهی بزرگ بر فوق همه خدایان.  
<sup>۴</sup> اعماق زمین را در دست خود دارد،  
 قله‌های کوهها از آن او است؛  
<sup>۵</sup> دریا از آن او است، زیرا آن را او ساخته است،  
 زمین استوار را نیز: دستان او آن را شکل بخشیده‌اند.

<sup>۶</sup> داخل شوید، سجده کنیم، خم شویم،  
 در حضور یهُوه که ما را سرشننه زانوزنیم!

<sup>۷</sup> زیرا خدای ما او است،  
 و ما قوم چراگاه او هستیم،  
 گله‌ای که دستش [هدایت می‌کند].

۳:۱۰۰

کاش که امروز صدای او را می‌شنیدید!<sup>۸</sup>  
<sup>۸</sup> «دل خود را سخت مسازید، آن سان که در مریبیه (کردید)،  
 مانند روز مسّا در بیانان<sup>۹</sup>،  
<sup>۹</sup> جایی که پدرانتان مرا آزمودند،  
 مرا امتحان کردند، حال آنکه عمل مرا دیده بودند.

عبر:۳

<sup>۱۰</sup> به مدت چهل سال از آن نسل متزجر بودم  
 و گفتم: ایشان قومی گمراه دل می‌باشد،  
 طریق‌های مرا نمی‌شناسند.  
<sup>۱۱</sup> از این رو در خشم خود سوگند یاد کردم:  
 ایشان وارد [مکان] استراحت من نخواهند شد.»

تث:۹۱۲

## مزمور ۹۶ (۹۵)

<sup>۱۲</sup> برای یهُوه سرودی تازه بسراييد!<sup>۹</sup>  
 ای تمامی زمین، برای یهُوه بسراييد!

۱:۹۸:۳:۳۳

<sup>۱۳</sup> تحت اللقطی: «امروز؛ اگر صدای او را اطاعت کنید»، یعنی «امروز مانند گذشته». طبق ترجمه ما، این جمله مقدمه‌ای است بر پندی که در پی می‌آید. در عبر:۷:۳ و ۱۱:۴، این پند به تفصیل شرح داده شده است.  
<sup>۱۴</sup> «مسّا» به معنی «وسوسه» یا «امتحان» است، و مریبیه نیز به معنی «عدم توافق» یا «مشاجره». این اشاره‌ای است به سفر در بیان: در خصوص مسّا، ر. ک. خروج ۱۷:۱۶-۱۸:۹؛ تث ۱۶:۱۶-۱۷:۹ در خصوص مریبیه، ر. ک. اعد ۲۰:۲۳؛ تث ۱۳:۲۰؛ مز ۱۱:۸-۱۰.  
<sup>۱۵</sup> قرائت یونانی می‌افزاید: «سرود داود. هنگامی که خانه را پس از اسارت می‌ساختند». این مزمور با اندکی تفاوت در ۱-توا ۳۳:۲۳-۱۳:۲۳ در کنار بخش‌هایی از مزمیر ۱۰۵ و ۱۰۶، تکرار شده است.  
<sup>۱۶</sup> در خصوص «سرودهای سلطنت»، ر. ک. «مقدمه».

۲ برای یهُوه بسراييد، نامش را متبارک خوانيد!  
روز به روز نجات او را اعلام کنيد.

۳ جلالش را در میان ملت‌ها اعلام داريد،  
شگفتى هايش را در میان جمیع قوم‌ها.

۴ زيرا بزرگ است یهُوه، بسيار سزاوار ستايش،  
مهيب است او بر فوق همه خدايان.

۵ زيرا تمامی خدايان قوم‌ها «نيستي‌ها» می باشد.<sup>t</sup>

اما یهُوه آسمانها را ساخته است.  
۶ عجبروت و شکوه در برابر او هستند،  
قوت و كبرياتي<sup>s</sup> در قدس او.

۷ به یهُوه تقديم کنيد، اى خانواده‌های قوم‌ها،  
به یهُوه تقديم کنيد جلال و قوت را؛  
۸ به یهُوه تقديم کنيد جلال نامش را،

هدие آردي بياوريد و به حضور او بيايد،  
۹ در تزيينات مقدس<sup>t</sup> در برابر یهُوه سجده کنيد؛  
اى تمامی زمين، در حضور او بلرزي!

۱۰ در میان ملت‌ها بگويد: «يهُوه سلطنت می کند!»  
او جهان را برقرار فرموده، جهانی که جنبش ناپذير است.  
او قوم‌ها را با راستی داوری خواهد کرد.

۱۱ بادا که آسمان شاد باشد، زمين وجد کند!  
بادا که دريا بخروشد و هر آنچه آن را پر می سازد،  
۱۲ بادا که صحراء به وجد آيد و هر آنچه در آن یافت می شود،  
و همه درختان جنگل فرياد شادي سر دهند،  
۱۳ در حضور یهُوه، زيرا که می آيد،

<sup>t</sup> در عبری با کلمات بازی شده است. قرائت یونانی «... ديوها می باشد».

<sup>s</sup> «قوت و كبرياتي» احتمالاً عنوانی است برای صندوق عهد: ر.ک. ۶۱:۷۸:۸:۷۱.

<sup>t</sup> ترجمه فاقد قطبيت است: ر.ک. توضيح ۲:۲۹.

زیرا که می‌آید برای داوری زمین؛  
جهان را با عدالت داوری خواهد کرد،  
قوم‌ها را با صداقت.

### مزמור (۹۶) ۹۷

۱ یهُوه سلطنت می‌کند<sup>۱۱</sup>! بادا که زمین به وجود آید!  
جزیره‌های بیشمار شادمان باشند!

۱۰:۹۹:۱

۱۱:۹۶

۲ ابرها و مه‌های تاریک او را احاطه می‌کنند؛  
عدالت و راستی تکیه گاه تحت سلطنت او می‌باشد.  
۳ آتشی پیشاپیش او حرکت می‌کند،  
در پیرامون خصم‌انش شعله ور است،

۲۲:۵

۱۵:۸۹

۳:۵

۴ آذربخش‌هایش جهان را روشن می‌سازد؛  
زمین آن را می‌بیند و می‌لرزد.  
۵ کوهها همچو موم در برابر یهُوه ذوب می‌شوند،  
در مقابل خداوند تمامی زمین.

۱۹:۷۷

۴:۱

۶ آسمانها عدالت‌ش را اعلام می‌دارند  
و جمیع قوم‌ها جلال او را خواهند دید.  
۷ پوشیده از شرم‌ساری‌اند همه آنان که تمثال‌ها را خدمت می‌کنند،  
که به «نیستی‌ها» می‌بالند؛  
همه خدایان در برابر او سجده می‌کنند.<sup>۷</sup>

۶:۵

۶:۱

۸ صهیون از آن آگاه می‌شود و شادی می‌کند،  
«دختران» یهودا وجود می‌نمایند  
به سبب داوری‌های تو، ای یهُوه،  
۹ زیرا که تو یهُوه هستی،  
متعال بر تمامی زمین،  
بسیار رفیع بر فوق همه خدایان.

۱۲:۴۸

۱۹:۸۳

۳:۹۵

<sup>۱۱</sup> در خصوص «سرودهای سلطنت»، ر. ک. «مقدمه».  
<sup>۷</sup> ر. ک. توضیح ۹۶:۵. در عبری، میان کلمات «نیستی‌ها»، «خدایان»، و «می‌بالند» بازی کلمات صورت گرفته است.

۱۰ یهُوه آنان را که از بدی نفرت می‌کنند دوست می‌دارد؛  
او جانهای وفاداران خود را حفظ می‌کند،  
ایشان را از دست شریران رهایی می‌دهد.

۱۱ نور برای شخص عادل بر می‌خیزد<sup>W</sup>،

(و) شادی برای دلهای راست.

۱۲ ای عادلان، در یهُوه شادی کنید،  
یادگار مقدس او را بستایید.<sup>X</sup>

## مزمور ۹۸ (۹۷)

<sup>۱</sup> مزمور.

برای یهُوه سرودی تازه سرایید<sup>Y</sup>،  
زیرا شگفتی‌ها به عمل آورده است،  
دست راستش او را باری داده  
نیز بازوی مقدسش<sup>Z</sup>.

۲ یهُوه نجات خود را شناسانده،  
عدالت خود را در نظر ملت‌ها مکشف ساخته است؛  
۳ وفاداری و صداقت خود را به یاد آورده  
در حق خاندان اسرائیل؛  
تمام اقصای زمین دیده‌اند  
نجات خدای ما را.

۴ یهُوه را بستایید، ای تمامی زمین،  
فریاد شادی سر دهید، بنوازید!  
۵ برای یهُوه بربط بنوازید،  
بربط، با نوای سرودها،  
۶ با شیپورها و با آوای کرنا

W قرائت عبری: «نوری برای شخص عادل کاشته می‌شود»؛ این تصویر در ترجمه‌های قدیمی کنار گذاشته شده که ترجمه ما هم می‌تنی بر آنها است.

X ر.ک. توضیح ۵:۳۰.

Y در خصوص «سرودهای سلطنت»، ر.ک. «مقدمه».

Z تحت اللقطی: «دست راستش او را نجات داده، و بازوی مقدسش».

در حضور یهُوه پادشاه هلهله نمایید!  
 ۷ دریا بخروشد و هر آنچه آن را پرمی سازد،  
 جهان و آنان که در آن ساکن اند؛  
 ۸ رودها دست بزنند،  
 کوهها با هم فریاد شادی برآورند،  
 ۹ در حضور یهُوه، زیرا که می‌آید،  
 زیرا که می‌آید برای داوری زمین؛  
 ۱۰ جهان را با عدالت داوری خواهد کرد،  
 ۹:۹ قوم‌ها را با راستی.

### مزמור (۹۸)

۱ یهُوه سلطنت می‌کند<sup>a</sup>! قوم‌ها می‌لرزند،  
 او بر کروبیان جلوس فرموده: زمین تلوتلو می‌خورد.  
 ۲:۸۰ ۱:۹۳

۲ یهُوه عظیم است در صهیون،  
 او رفیع است بر فوق همه قوم‌ها.  
 ۳ بادا که نام عظیم و مهیب تو را بستایند:  
 او قدوس است!  
 ۶:۱۲ اش  
 ۴:۱۱۳  
 ۹:۱۱۱

۴ نیز و مند است پادشاه، داوری را دوست می‌دارد؛  
 راستی را تو برقرار می‌سازی؛  
 داوری و عدالت را در یعقوب تو به عمل می‌آوری.  
 ۵ یهُوه، خدای ما را بر افزایید،  
 به سوی کرسی زیر پای او سجده کنید؛  
 او قدوس است!  
 ۷:۱۳۲ ۴:۱۵۶

۶ موسی و هارون در میان کاهنان او بودند،  
 و سموئیل در میان آنان که نامش را می‌خوانندند؛  
 ۷ یهُوه را می‌خوانندند، و او ایشان را اجابت می‌فرمود،  
 ۸ در ستون ابر با ایشان سخن می‌گفت؛  
 اوامر او را رعایت می‌کردند  
 ۱-سیو:۷  
 ۱۸:۱۲  
 ۹:۳۳ خروج  
 ۵:۱۲ اعد  
 ۲:۳ عبر

<sup>a</sup> در خصوص «سرودهای سلطنت»، ر.ک. «مقدمه».

و قانونی را که به ایشان داده بود.  
 ای یهُوهُ، خدای ما، تو ایشان را احابت می فرمودی؛  
 خروج ۷-۶:۳۴  
 تو برای ایشان خدایی رحیم بودی،  
 اما از بدکاری های ایشان انتقام می کشیدی.<sup>b</sup>

۵:۳  
 ۲:۱۹  
 لاؤ  
 ۹ یهُوهُ، خدای ما را بر افزایید،  
 به سوی کوه مقدس او سجده کنید،  
 زیرا که قدوس است یهُوهُ، خدای ما!

## (۹۹) ۱۰۰ مزمور

<sup>۱</sup> مزمور. به منظور ستایش.

۱:۶۶  
 تث ۴۷:۲۸  
 یهُوهُ را بستایید، ای تمامی زمین!<sup>c</sup>  
 ۲ یهُوهُ را در شادمانی خدمت کنید،  
 به حضور او با فریادهای شادی داخل شوید.

۳۹:۴ تث  
 ۶:۳۲ تث  
 ۱۰:۲ افس  
 ۷:۹۵ حرق  
 ۳۱:۳۴  
 ۳ بدانید یهُوهُ است که خدا می باشد،  
 ما را او سرشنته و ما از آن او هستیم<sup>d</sup>،  
 قوم او و گله چراگاه او.

۱۹:۱۱۸:۸:۵  
 ۲:۹۶  
 ۴ از دروازه های او با ستایش داخل شوید،  
 در صحن هایش با سرودها؛  
 او را بستایید، نامش را متبارک خوانید.

۱:۱۰۶  
 ۲:۱۱۷  
 ۵ زیرا که نیکو است یهُوهُ،  
 وفاداری اش ابدی است،  
 صداقت‌ش دوره تا دوره!

b منظور یا گناهان شفاعت کنندگان است (ر. ک. اعد ۱۲:۲۰، ۲۴) یا گناهان قوم.  
 c درخصوص «سرودها»، ر. ک. «مقدمه».  
 d برخی از نسخ خطی عبری، یونانی، سیماک، و سریانی چنین قرائت کرده‌اند: «ما را او سرشنته نه خودمان». قرائت ما مبتنی است بر بسیاری از نسخ خطی عبری، آرامی، اکیلا، و ژروم.

## مزمور ۱۰۱ (۱۰۰)

۱/ از داده، مزمور.

می خواهم وفاداری و راستی را بسرايم<sup>e</sup>،  
می خواهم برای تو بنوازم، ای یهوه.  
۲ می خواهم به شناخت طریق کامل مشغول شوم:  
کی به سوی من خواهی آمد?  
با دل کامل سلوک خواهم نمود  
در میان خاندانم.<sup>۱-تیمو۳:۴</sup>

<sup>۳</sup> در مقابل چشمان خود نخواهم نهاد

هیچ چیز شریر<sup>g</sup> را؛  
از رفتار گمراهان<sup>h</sup> نفرت می دارم،  
آن بر من تسلط نخواهد یافت.<sup>۲:۱۱:۱۳۹</sup>  
<sup>۴</sup> بادا که دل کج از من دور شود،  
نمی خواهم چیزی از بدی بدانم.<sup>۱۱:۵:۱۱</sup>

<sup>۵</sup> از میان خواهم برد

هر آن کس را که در خفا همسایه خود را رسوا می سازد؛  
نگاههای متکبر، دل مغورو،  
آنها را تحمل نتوانم کردار.<sup>۴:۲۱:۱۱</sup>

<sup>۶</sup> چشمانم بر دلهای امین سرزمین خواهد بود

تا در کنار من ساکن باشند؛  
آن کس که در طریق کامل سلوک می نماید،  
هم او خدمتگزار من خواهد بود.<sup>۶:۱۱:۹</sup>

<sup>e</sup> در خصوص «مزامیر سلطنتی»، ر. ک. «مقدمه».

<sup>f</sup> این جمله ممکن است صرفاً حالت اخباری داشته باشد، به این شکل: «وقتی به سوی من بیایی، با دل کامل...»

<sup>g</sup> تحتاللفظی: «چیز (یا سخن) بليعال» (ر. ک. ۹:۴۱): متنظر می تواند یا روشهای شریانه، اقدامات مشکوک و غیر قانونی (طبق قرائت یونانی) و شوم، و رسوم افراد بی ارزش و آشوبگر باشد، یا رسوم شیطانی (ر. ک. توضیح ۱۸:۵ و توضیح نا ۱:۲).

<sup>h</sup> تحتاللفظی: «ارتكاب ارتداد (یا عمل مرتدان)»؛ قرائت یونانی: «آنان که مرتكب ارتداد می گردند».

<sup>i</sup> ترجمه یونانی این مصرع را به مصرع بعدی مرتبط ساخته، به این شکل: «دل کج بر من سلطه نمی یابد؛ شخص شریر را که از من دور می شد نمی شناختم».

<sup>j</sup> قرائت های یونانی و سریانی: «با او خوارک نخواهم خورد».

۵-۴:۲۶

امث:۲۰

مکا:۲۱

<sup>۷</sup> در خانه من ساکن نخواهد شد  
ابداع کننده فریبکاری؛  
آدمی که سخنان دروغ می‌گوید  
در مقابل چشمانم نخواهد ایستاد.

<sup>۸</sup> هر بامداد از میان خواهم برد  
همه شریران سرزمن را،  
تا از شهر یهوه بر کنم  
همه آنان را که بدی را به جا می‌آورند.

## مزمور (۱۰۱) (۱۰۲)

<sup>۱</sup> دعای یک شوربخت آن هنگام که ناتوان می‌شود و شکایت خود را نزد یهوه می‌آورد.

<sup>۲</sup> ای یهوه، دعای مرا بشنو<sup>k</sup>  
و باشد که فریادم تا به تو برسد.  
<sup>۳</sup> روی خود را از من پنهان مساز  
در روز پریشانی ام؛  
<sup>۴</sup> گوش خود را به من فرا دار،  
در روزی که بخوانم، بشتاب، مرا پاسخ ده.

<sup>۴</sup> زیرا روزهایم دود شده، از میان می‌رود،  
استخوانهایم همچو ذغال می‌سوزد.  
<sup>۵</sup> دلم چون علف<sup>۵</sup> زده شده، می‌خشکد،  
زیرا از یاد می‌برم نام را بخورم.  
<sup>۶</sup> آنقدر ناله کرده ام  
که استخوانهایم به گوشتمن می‌چسبد.<sup>۱</sup>

<sup>۷</sup> شبیه جغد بیابان هستم،  
مانند بوم ویرانه‌ها می‌باشم؛

در خصوص «نیاپش برای درخواست کمک» به شکل انفرادی و گروهی (آیات ۱۳-۲۳)، ر.ک. «مقدمه».  
<sup>۱</sup> یعنی «چیزی جز بوقت و استخوان نیستم».

<sup>۸</sup> بیدار می‌مانم و شکایت می‌کنم  
به سان گنجشکی تنها بر روی بام.

- <sup>۹</sup> دشمنانم تمامی روز به من اهانت می‌کنند،  
با خشمی که بر من دارند، سوگند خود را به من یاد می‌کنند.<sup>n</sup>
- <sup>۱۰</sup> زیرا خاکستر را همچون نان می‌خورم،  
گریه هایم را با نوشابه ام در هم می‌آمیزم،

- <sup>۱۱</sup> به سبب غضب و غیظ تو؛  
زیرا مرا بلند کرده و به دور اندخته ای.
- <sup>۱۲</sup> روزهایم چون سایه ای است که پایین می‌آید<sup>o</sup>،  
و من همچون علف، می‌خشکم.

- <sup>۱۳</sup> اما تو، ای یهود، تا به ابد جلوس فرموده ای،  
و خاطره ات دوره به دوره [پایدار می‌ماند].
- <sup>۱۴</sup> تو بر خواهی خاست، بر صهیون ترحم خواهی فرمود:  
زمان آن رسیده که بر آن النفات بفرمایی.
- <sup>۱۵</sup> زیرا خدمتگزارانت سنگهایش را عزیز می‌دارند،  
بر خاکش دل می‌سوزانند.

- <sup>۱۶</sup> آنگاه ملت ها از نام یهود خواهند ترسید،  
و جمیع پادشاهان زمین از جلالت.
- <sup>۱۷</sup> زیرا یهود صهیون را باز خواهد ساخت،  
خود را در جلالش نمایان خواهد کرد؛
- <sup>۱۸</sup> به سوی دعای محرومان بر خواهد گشت،  
دعای ایشان را خوار نخواهد شمرد.

- <sup>۱۹</sup> بادا که این برای نسل آینده نوشه شود،  
و قومی که آفریده می‌شود یاه را بستاید.
- <sup>۲۰</sup> زیرا که او از بلندی مقدس خود خم شده،

m قرائت عبری: «بیدار می‌مانم و هستم»؛ ترجمه ما حاوی اصلاح است.  
n یعنی «به نام من لعنت می‌کنند».  
o تحتاللغطی: «روزهایم مانند سایه طوبیل (می باشند)»، که اشاره ای است به شامگاه زندگی.

یهُوه از بالای آسمانها به سوی زمین نگاه کرده است،  
 ۲۱ تا به ناله اسیر گوش بسپارد،  
 ۱۵:۶۳  
 ۱۱:۷۹  
 تا محکومین به مرگ را وسعت بخشد،

۲۲ تا نام یهُوه را در صهیون انتشار دهد،  
 و ستایش او را در اورشلیم،  
 ۲۳ آن هنگام که گرد آیند جمیع قوم‌ها  
 و ممالک، برای خدمت کردن به یهُوه.

۲۴ ببراه، قوت <sup>p</sup> مرا ضایع کرده،  
 روزهایم را کوتاه ساخته است.  
 ۲۵ گفته‌ام <sup>q</sup>: خدای من،  
 ۱۰:۳۸  
 ۲:۹۰  
 مرا در میانه روزهایم میر،  
 تو که سالهایت دوره به دوره [باقی است].

۲۶ در قدیم زمین را بنیان نهادی،  
 و آسمانها عمل دستهای تو است.  
 ۲۷ آنها از میان خواهد رفت، اما تو باقی می‌مانی،  
 ۱۷:۶۵  
 مکا: ۱۱:۲۰  
 ۱۰:۳۷ پ  
 آنها همگی چون پوشان کهنه خواهد شد،  
 چون جامه آنها را تغییر می‌دهی و تغییر می‌یابند،

۲۸ اما تو همان هستی  
 و سالهایت را پیانی نیست.  
 ۲۹ پسران خدمتگزارانت مسکنی خواهند داشت،  
 ۲۵:۳۷  
 حرق: ۳۷:۶۹  
 و اعقاب ایشان در حضور تو استوار خواهند بود.

<sup>p</sup> متن خوانده شده، قرائت‌های آرامی، سریانی، سیپیماک، و زرروم آورده‌اند: «قوت‌های من». متن نوشته شده و قرائت یونانی: «قوت او» (یونانی: «به واسطه قوت خود به او پاسخ داد»).  
<sup>q</sup> قرائت‌های یونانی و سریانی: «کوتاهی روزهایم را به من بگو».

## مزمور ۱۰۳ (۱۰۴)

۱/زد/ود.

ای جان من، یهُوه را متبارک بخوان<sup>۱</sup>،  
باشد که تمام وجود نام مقدس او را [متبارک خواند]<sup>۲</sup>!  
۲ ای جان من، یهُوه را متبارک بخوان،  
هیچیک از نیکویی هایش را از یاد مبر!

۳۵، ۱:۱۰۴

۳ او را که همه خطاهایت را می بخشد،  
او را که همه بیماریهایت را شفا می دهد،  
۴ او را که حیات را از گودال باخرید می کند،  
او را که تاج وفاداری و رحمت بر سرت می گذارد،  
۵ او را که سالهایت<sup>۶</sup> را از مواهب سیر می سازد،  
تاجوانی ات به سان عقاب تجدید گردد.

۸:۱۳۰

۲۰:۱۰۷

اش. ۳۱:۴۰

<sup>۶</sup> یهُوه با عدالت عمل می کند  
و انصاف را در حق همه ستمکشان به جا می آورد.  
<sup>۷</sup> طریق های خود را بر موسی مکشوف ساخته است،  
کارهای عظیم خود را بر بنی اسرائیل.

۷:۱۴۶

روم ۲:۳

<sup>۸</sup> یهُوه رحیم و دلسوز (است)،  
دیرخش و دولتمند در وفاداری؛  
<sup>۹</sup> بدون انتها مجرم نمی شمارد  
و [کینه را] تا ابد نگاه نمی دارد.  
<sup>۱۰</sup> با ما مطابق گناهانمان عمل نمی کند  
و مطابق خطاهایمان به ما عوض نمی دهد.

۱۱:۸۶

۱۱:۱۴۵

اش. ۱۶:۵۷  
۱۲:۳

حرق ۴۴:۲۰

۱۱ آن قدر که آسمان بر روی زمین بلند می شود،  
همان قدر وفاداری اش بر آنان که از او می ترسند حاکم است؛  
۱۲ آن قدر که مشرق از غرب دور است،  
همان قدر جرم های ما را از ما دور می سازد؛

۹:۱۱۷:۶:۳۶

اش. ۹:۵۵

میک ۱۹:۷

۱ در خصوص «سرودها»، ر.ک. «مقدمه».

۲ ترجمه فاقد قطعیت است (ر.ک. ۹:۳۲)؛ قرائت یونانی: «اشتیاقت»؛ سریانی: «بدنت»؛ اکیلا و ژروم: «زینت»؛ سیماک: «طول عمرت»؛ آرامی: «کهنسالی ات».

۲۰:۳۱  
ایوب

۱۳ آن سان که پدر بر پسرانش رحمت می کند،  
یهُوه برا آنان که از او می ترسند رحمت می کند؛  
۱۴ ازِیرا او می داند از چه ساخته شده ایم<sup>۱</sup>،  
به یاد می آورد که ما خاک هستیم.

۱۲:۱۰۲  
اش ۷-۶:

۶:۹۰  
۳۶:۳۷  
ایوب ۱۰:۷  
۱۸:۸

۱۵ روزهای انسان فانی همچون علف است،  
همچون گل صحراء شکوفا می شود؛  
۱۶ چون نفسی بر آن می گذرد، دیگر نیست،  
و جایی که اشغال می کرد دیگر آن را نمی بیند<sup>۲</sup>.

۵:۱۰۰  
لو ۵۰:۱

۱۷ اما وفاداری یهُوه از همیشه و برای همیشه باقی است  
بر آنان که از او می ترسند،  
و عدالتمن بر پسران پسران ایشان،  
۱۸ برای آنان که عهد او را رعایت می کند  
و فرایض او را به یاد می آورند تا به آنها عمل کنند.

۴:۱۱  
۲۹:۲۲  
دان یونانی ۵۹:۳  
مز ۸:۱۴۸  
لو ۱۹:۱

۱۹ یهُوه تخت سلطنت خود را در آسمانها برقرار ساخته،  
و سلطنت او بر همه حاکم است.  
۲۰ یهُوه را متبارک خوانید، ای شما، همه فرشتگان او،  
قهرمانان نیرومندی که کلام او را به اجرا در می آورید.

۲:۱۴۸  
دان یونانی ۵۷:۳  
۱۰:۱۴۵

۲۱ یهُوه را متبارک خوانید، ای همه لشکریان او،  
که خدمتش می کنید و اراده او را انجام می دهید.  
۲۲ یهُوه را متبارک خوانید، ای همه اعمال او،  
در همه مکان های فرمانروایی او.  
ای جان من، یهُوه را متبارک بخوان!

t این کلمه (نیز ر.ک. «خاک») تداعی کننده کار خدا است که در پید ۷:۲ توصیف شده است. همچنین دلالت دارد بر طرح هایی که انسان در خویشتن شکل می بخشد (اش ۳:۲۶-۱:۲۹) که اکثراً به طرح های شریزانه اشاره دارد (پید ۶:۵؛ ۲۱:۸؛ ۲۱:۳۱؛ همچنین بر تمایلات طبیعی دلالت دارد (بنسی ۱۵:۱۴؛ ر.ک. ۲۱:۱۱)؛ لذا می توان این گونه نیز ترجمه کرد: «او از تمایلات ما آگاه است».

۱۱ ضمایری که در این آیه به کار رفته، هم می تواند به انسان اشاره داشته باشد و هم به گل؛ قرائت یونانی: «و او مکان خود را باز نخواهد شناخت».

## مزمور ۱۰۴ (۱۰۳)

<sup>۱</sup> ای جان من، یهُوه را متبارک بخوان!<sup>v</sup> ۲۲:۱۰۳

ای یهُوه، خدای من، چه عظیمی تو!  
با جبروت و کربیابی ملبس هستی،  
<sup>۲</sup> نور همچون ردا تورا در برگرفته است.  
آسمانها را به سان بادبان می گسترانی،  
۲۲:۷-۸

<sup>۳</sup> حجره های بلند خود را بر روی آبها بنا می کنی;<sup>w</sup> ۱۱:۱۸  
ابرها را ارابه خود می سازی،  
بر بالهای باد راه می پیمایی؛  
<sup>۴</sup> بادها را قاصدان خود می سازی،  
آتش ویرانگر را خدمتگزاران خود.<sup>x</sup> ۲۲:۴۰

<sup>۵</sup> او زمین را بر بنیادهایش بنیان گذارد،  
آن تا ابد و برای همیشه جنبش ناپذیر است.  
<sup>۶</sup> ورطه آن را همچون جامه می پوشانید،  
آبها بر روی کوهها قرار می گرفتند؛

<sup>۷</sup> آنها در برابر تهدید توراه گریز در پیش می گرفتند،  
به صدای تندر تو می بارند،  
کوهها را در می نوردند، از دره ها پایین می روند  
به سوی مکانی که تو برای آنها تعیین کرده ای؛<sup>۸</sup> ۲۲:۵  
<sup>۹</sup> حدی قرار داده ای که از آن فراتر نخواهد رفت،  
دیگر باز نخواهد گشت تا زمین را بپوشاند.

<sup>۱۰</sup> در آبکندها چشمehایی به فوران می آوری،  
آنها در میان کوهها راه می پیمایند؛  
<sup>۱۱</sup> تمام حیوانات صحررا را سیراب می سازند،  
۱۵:۷۴  
۷:۸-۹

<sup>v</sup> در خصوص «سرودها»، ر.ک. «مقدمة».  
W منظور آبهایی است که در بالای آسمانها هستند (پید ۷:۱؛ مز ۴:۱۴۸)؛ مسكن خداوند بر بالای همه چیز قرار دارد.  
X قرائت آرامی: «قاددان خود را سریع می سازد همچون باد، و خدمتگزاران خود را نیرومند همچون آتش»؛ ر.ک. توضیح عبر  
.۷:۱

گورخران در آنها تشنگی خود را فرو می نشانند؛  
۱۲ پرندگان آسمان نزد آنها مسکن می گزینند،  
از میان شاخه ها ندا در می دهند.

۱۳ از حجره های بالای خود کوهها را آبیاری می کنی <sup>۷</sup>،  
از میوه اعمال تو زمین سیر می شود.

۱۴ علف را برای چهار بیان می رویانی،  
گیاهان را برای کار آدمی،  
تا نان را از زمین بر کشد  
۱۵ و شراب دل انسان فانی را شاد سازد،  
تا چهره خود را با روغن درخشان گرداند،  
و تا نان دل انسان فانی را تقویت بخشد.

۱۶ درختان یهُوه سیر می شوند،  
سدرهای لبنان که او کاشته است.

۱۷ در آنجا است که پرندگان آشیانه خود را می سازند،  
لکلک لانه خود را در سروها دارد.

۱۸ کوههای رفیع برای بزهای کوهی هستند،  
صخره ها پناهگاهی است برای یربوع.

امث:۳۰:۲۶

۱۹ او ما را ساخته برای [مشخص کردن] زمان ها،  
پید:۱۶:۷۴  
خورشید [ساعت] غروب خود را می داند.

۲۰ ظلمات را می آوری، و شب می شود؛  
آنگاه همه حیوانات جنگل به حرکت در می آیند،  
۲۱ شیربچگان برای طعمه خود می غرند  
و خوراک خود را از خدا می طلبند؛

۲۲ آفتتاب بالا می آید، آنها دور می شوند  
ایوب:۳۷:۸ و در مغاره های خود می خوابند؛

۲۳ انسان برای وظیفه خود بیرون می آید،  
برای کار خود تا شامگاه.

۲۴ آبهایی که در بالای فلک ذخیره شده اند، با علامت یهوه، بیرون می زنند، گویی از میان پنجره ها (پید:۱۱:۷:۲)، و به صورت باران بر زمین می ریزند.

ایوب: ۵: ۹  
امث: ۳: ۱۹  
ار: ۱۰: ۱۲

۲۴ ای یهُوه، کارهای تو چه بسیار است!  
همه آنها را با حکمت انجام دادی؛  
زمین از مخلوقات تو پر است.

۲۵ یینک دریا، بزرگ و وسیع در همه جهات،  
در آن به تعداد بی شمار، حرکت می کنند  
جانداران کوچک و بزرگ؛  
۲۶ در آن کشتهایها حرکت می کنند،  
[و] لویاتان که شکل بخشیدی تا در آن جست و خیز کند.<sup>z</sup>

۵: ۱۴۵  
۲۵: ۱۳۶  
۲۴: ۱۲

۲۷ همه انتظار تو را می کشنند  
تا خوراکشان را در وقتیش بدھی.  
۲۸ تو آن را به آنها می دهی؛ آنها آن را دریافت می کنند،  
دست خود را می گشایی؛ آنها از مواهب سیر می شوند،

۸: ۳۰  
۶: ۳۳  
۷: ۲  
۱۴: ۱۶

۲۹ روی خود را پنهان می سازی؛ هرستاک می گردند،  
نفس را از آنها می ستانی؛ از میان می روند  
و به خاک خود باز می گردند،  
۳۰ دم خود را می فرستی؛ آفریده می شوند،  
وروی زمین را تازه می سازی.

۳۱: ۱  
۸: ۱۸  
۵: ۱۴۴

۳۱ جلال یهُوه ابدی باد!  
بادا که یهُوه در اعمال خود شادی کند،  
۳۲ او که به زمین می نگرد، و آن به لرزه می افتد!  
کوهها را لمس می کند، و دود می کنند!

۲: ۱۴۶  
۱۵: ۱۹

۳۳ می خواهم در طول عمر خود برای یهُوه بسرایم،  
می خواهم تا زمانی که وجود دارم برای خدای خود بنوازم.  
۳۴ ستایش من برای او دلپذیر باشد؛  
من در یهُوه شادمان هستم.

<sup>z</sup> می توان این گونه نیز ترجمه کرد: «لویاتان که او را شکل بخشیدی تا با او بازی کنی»؛ ر.ک. ایوب: ۴۰: ۲۹؛ امث: ۳۱: ۸؛ در خصوص لویاتان، ر.ک. مز: ۷۴: ۱۴.

۳۵ بادا که گناهکاران از زمین محو گردند  
و شریان دیگر نباشد!  
ای جان من، یهُوه را متبارک بخوان.  
هلّویا!

:۱۰۶:۱۰۵  
-۱۱۵:۱۱۳  
۱۴۶:۱۳۵:۱۱۷  
۱۵۰-

۲۲-۸:۱۶۰-۱

## مزمور ۱۰۵ (۱۰۴)

۱ یهُوه را بستاید، نامش را بخوانید<sup>a</sup>،  
در میان قوم‌ها کارهای عظیمش را اعلام نمایید!  
۲ او را بسرايد، برای او بنوازید،  
به همه شگفتی‌هایش بیندیشید.

۴:۱۲ اش  
۱۲:۹  
۵:۶۸:۲:۹  
۱۱:۲:۹

:۱۷:۴۰:۳:۳۴  
۵:۷۰  
:۸:۲۷:۶:۲۴  
۱۵:۵ هو

۳ خود را با نام مقدسش جلال دهید،  
دل آنان که یهُوه را می‌طلبند شادمان باشد!  
۴ یهُوه و قوتش را بطلبید،  
رویش را دائمًا بطلبید!

۴:۱۱۱:۱۲:۷۷  
۸:۴۱ اش

۵ شگفتی‌هایی را که به عمل آورد به خاطر آورید،  
عجبایب و داوریهای دهان او را،  
۶ ای اعقاب خدمتگزارش، ابراهیم،  
ای برگزیدگان او، بنی یعقوب!

۳:۱۰۰  
۴:۴۵:۱۰۶  
تیث:۹:۷  
میک:۲۰:۷  
لوا:۷۲:۱

۳:۲۹ پید  
بنسی:۲۲:۴۳  
۱۳:۴۷ پید

۷ او است یهُوه، خدای ما،  
داروریهای او برای تمام زمین است.  
۸ او عهد خود را تا به ابد به یاد می‌آورد،  
سخنی را که برای هزار نسل بر ذمه گرفت،  
۹ [عهدی را] که با ابراهیم بست،  
و سوگند خود را برای اسحاق.  
۱۰ آن را برای یعقوب همچون قاعده بر پا داشت،  
برای اسرائیل همچون عهدی همیشگی:  
۱۱ «سرزمین کنعان را به تو خواهم داد  
همچون سهم میراثتان.»

a این یادآوری تاریخ مقدس است به سبک «مزامیر تعلیمی»؛ ر.ک. «مقدمه».

تث:۷:۷:۲۶:۵

۱۲ آن گاه که می شد ایشان را شمرد،  
که چیز اندکی بودند، غریبه در [سرزمین]،  
۱۳ که از ملتی به ملتی دیگر می رفتند،  
از مملکتی به سوی قومی دیگر،

پید:۱۳:۱۱:۲۳:۴

۱۴ او نگذاشت کسی بر ایشان ستم کند،  
به خاطر ایشان پادشاهان را سرزنش کرد:  
۱۵ «به مسح شدگان<sup>b</sup> من دست مزنید،  
به انبیای من بدی مکنید!»

پید:۴:۴:۲۱:۵

۱۶ قحطی را بر سرمیں فرا خواند،  
تمام ذخیره نان را از میان برد.<sup>c</sup>  
۱۷ کسی را پیشاپیش ایشان فرستاد،  
یوسف همچون برده فروخته شد.

پید:۹:۷:۴۵:۵

۱۸ پایهایش را با قیدها شکنجه دادند،  
گردنش داخل آهنها گردید،  
۱۹ تا آن زمان که کلامش آمد،  
زمانی که حکم یهوه او را عادل ساخت.<sup>d</sup>

پید:۱۳:۴:۲۱:۵

حک:۱۰:۱:۱۰

۲۰ پادشاه فرستاد تا او را آزاد کنند،  
حاکم قوم‌ها او را وسعت داد،  
۲۱ او را بر خانه خود سرور مقرر داشت،  
ارباب همه اموال خود،  
۲۲ تا سرورانش را به میل خود تعلیم دهد،  
و حکمت را به مشایخش بیاموزد.

پید:۱۰:۷:۴۰:۴

۲۳ اسرائیل به مصر آمد  
و یعقوب در سرمیں حام اقامت گردید.

پید:۶:۴۶:۲

<sup>b</sup> «مسح شده» یا «مسيح» که بر پادشاه (ر.ک. توضیح ۱۰:۱-سمو) یا بر کاهن دلالت دارد (ر.ک. توضیح خروج ۲۹:۷)، ظاهرًا در اینجا اشاره‌ای است به پاتریارخ‌ها (پید:۲۳:۶؛ ر.ک. پید:۲۰:۶ و ۱۱:۲۶) یا به سایر راهنمایان اسرائیل.

<sup>c</sup> تحتاللفظی: «چماق نان را خرد کرد» (ر.ک. توضیح لاؤ ۲۶:۲۶). ترجمه یونانی این را به معنی نان که ضرورت زندگی است گرفته است (ر.ک. مز:۱۰۴؛ پید:۱۸:۵).

<sup>d</sup> می‌توان این گونه نیز ترجمه کرد: «تا زمانی که کلام یهوه او را تبرئه کرد».

۲۴ خدا قوم خود را تا به نهایت بارور ساخت  
و او را نیرومندتر از دشمنانش گردانید؛  
۵:۲۶

۲۵ دل ایشان را تغییر داد، کاری کرد که از قومش نفرت کنند،  
در حق خدمتگزارانش حیله به کار بینند.  
۷:۳

۲۶ خدمتگزار خود موسی را فرستاد،  
هارون را که برگزیده بود.

۲۷ نزد ایشان نشانه هایی را قرار داد که گفته بود،  
عجایب خود را در سرزمین حام.  
۷:۴۳-۷:۴۳

۲۸ ظلمات فرستاد و [همه چیز] تاریک شد،  
اما ایشان به سخنان او توجه نکردند.<sup>f</sup>

۲۹ آب ایشان را به خون تبدیل کرد  
و ماهیان آنان را کشت.

۲۲-۲۱:۱۰

۴۴:۷۸  
۷:۱۹-۲۱

۳۰ سرزمینشان انبوهی از قورباغه ها پدید آورد  
تا به اتاقهای پادشاهانشان.

۳۱ او گفت، و خرمگس آمد،  
پشه ها در تمام قلمرو ایشان.

۱۲-۱۳:۸

۳۲ تگرگ را به جای باران به ایشان داد،  
آتشی شعله ور در سرزمینشان.

۳۳ تاکها و درختان انجیر ایشان را زد،  
درختان قلمرو آنان را خرد ساخت.

۳۴ او گفت، و ملخ آمد،

و ملخ صحرایی<sup>g</sup> بیرون از شمارش،

۳۵ که تمام علف را در سرزمینشان از میان بردنده،  
که میوه زمینشان را از میان بردنده.

۷:۷۸-۷:۲۵  
۹:۲۲-۹:۲۵  
۷:۸۰

<sup>e</sup> ترجمه فاقد قطعیت است. تحتاللفظی: «ایشان سخنان نشانه های او را نزد خود تحمیل کردند، و عجایبی در سرزمین حام».

<sup>f</sup> تحتاللفظی: «سخنان او را رد نکردند»؛ یونانی و سریانی: «... رد کردند»؛ ژروم: «به سخنان او بی ایمان نشدند»؛  
ولگات: «سخنانش را عیث نساختند».

<sup>g</sup> ترجمه تقریبی یکی از نامهای حشراتی که در یول ۴:۱ ذکر شده است.

<sup>۳۶</sup> هر نخست زاده‌ای را در سرزمه‌نشان زد،

نوبرهای تمام قوت مردانگی ایشان را.

<sup>۳۷</sup> ایشان<sup>h</sup> را با نقره و طلا بیرون آورد،

و در قبیله‌های ایشان هیچ کس تلوتلونمی خورد.

خروج: ۲۹:۱۲

حکم: ۱۲:۱۸

بید: ۳۶-۳۵:۱۲  
خروج: ۳۶-۳۵:۱۲

<sup>۳۸</sup> مصر از رفتن ایشان شادی کرد،

زیرا هر ایشان بر آنان افتاده بود!

<sup>۳۹</sup> ابری را همچون حجاب گسترانید،

و آتشی را برای روشن ساختن شب.

خروج: ۱۲:۱۵

خروج: ۲۰-۱۹:۱۴

<sup>۴۰</sup> به درخواست ایشان<sup>i</sup>، بلدرچین آورد،

ایشان را از نان از آسمان سیر کرد.

<sup>۴۱</sup> صخره را گشود و آبهای جاری گشت،

آنها به شکل رود به مناطق خشک رفته‌ند.

حکم: ۲۷، ۱۸:۷۸  
۲۰، ۱۶:۷۸  
۲۵-۲۴:۷۸

؛ ۱۶-۱۵:۷۸

؛ ۶:۱۷  
اعد: ۲۰-۱۹:۱۴

؛ ۲۱:۴۸  
اش

<sup>۴۲</sup> زیرا کلام مقدس خود را به یاد می‌آورد

به خدمتگزار خود، ابراهیم.

<sup>۴۳</sup> قوم خود را با شعف بیرون آورد،

برگزیدگان خود را با فریادهای شادی.

خروج: ۲۴:۲  
لو: ۵۵-۵۴:۱

خروج: ۲۱-۱:۱۵

<sup>۴۴</sup> سرزمه‌نهای ملت‌ها را به ایشان داد،

و از زحمت قوم‌ها میراث بردنده<sup>j</sup>

<sup>۴۵</sup> احکام او را مَرعی دارند

و شرایع او را حفظ کنند.

هلّلوبیا!

؛ ۵۵-۵۴:۷۸  
ت: ۳۸:۴  
۱۱:۶

۷:۷۸

<sup>i</sup> در یکی از نسخ قمran آمده «قومش»، ور. ک. آیه ۴۳ و ۵۲:۷۸.

<sup>j</sup> ترجمه‌های قدیمی آورده‌اند: «ایشان درخواست کردند»؛ قرائت عبری: «او خواست» (که منظور با اسرائیل است یا خدا).

ز قرائت ترجمه‌های قدیمی به جز آرامی: «میراث برده‌اند».

قرائت عبری: «به شرط اینکه...»؛ آرامی: «زیرا احکامش را رعایت می‌کنند»؛ ترجمه‌ما می‌تنمی است بر سایر ترجمه‌های قدیمی.

## مزمور ۱۰۶ (۱۰۵)

<sup>۱</sup> هلّویا!

یهُوه را بستایید، زیرا که نیکو است؛<sup>۱</sup>

ابدی است وفاداری او!

۲ چه کس خواهد گفت اعمال عظیم یهُوه را،

خواهد شنوانید تمام حمدش را؟

:۱:۱۰۷  
:۲۹:۱:۱۱۸  
۱:۱۳۶

۴:۱۸ بنسی

۳ فرخنده اند آنان که راستی را رعایت می کنند،

آنان که در همه وقت عدالت را به جا می آورند!

۴ ای یهُوه، مرا به یاد آور،

در قصد نیکویت برای قوم خود؛

مرا ملاقات نما به نجات خویش،

۵ تا بتوانم سعادت برگزیدگان تو را ببینم،

از شادی قوم تو شادی کنم،

خود را با میراث تو جلال دهم.<sup>m</sup>

:۱۱۲  
اش:۱:۵۶  
لو:۱:۲۵

۲۵:۳ ار

۶ ما به همراه پدران خود گناه ورزیده ایم،

خطا کرده ایم، بدی را به جا آورده ایم.

۷ پدران ما در مصر

شگفتی های تو را در ک نکردند،

کثرت الطاف تو را به یاد نیاوردن،

در کنار دریای نیزار بر حضرت اعلی شوریدند.

:۱۱:۷۸  
۱۷:۹ نج

۸ با این حال، به سبب نام خود ایشان را نجات داد،

تا قدرت خود را بشناساند.

۹ دریای نیزار را تهدید کرد و آن خشکید،

ایشان را در ورطه ها راه برد، گویی در بیابان (راه می رفتد)؛

۹:۲۰ حرق

۱۰ از دست کینه ورز ایشان را نجات داد،

از دست دشمن ایشان را بازخرید کرد؛

۷۱:۱ لو

۱ این یادآوری تاریخ مقدس است به سبک «مزامیر تعلیمی»: ر. ک. «مقدمه».

m منظور این است: «در افتخار میراث تو سهیم گردم».

- ۱۱ آها خصمان ایشان را پوشانید،  
یکی از ایشان نیز باقی نماند.  
۱۲ آنگاه به سخنان او ایمان آوردند،  
و حمد او را سراییدند.
- خروج ۲۸:۱۴  
خروج ۳۱:۱۴  
خروج ۲۱-۱:۱۵
- ۱۳ شتاییدند تا اعمال او را از یاد ببرند،  
تقدیر او را انتظار نکشیدند.<sup>۱۱</sup>  
۱۴ در بیابان دچار شهوت شدند،  
در صحراء خدا را آزمودند.
- ۹:۹۵
- ۱۵ آنچه را که خواستند به ایشان ارزانی داشت،  
اما آنان را با هلاکت زد.<sup>۱۲</sup>
- ۱۶ در اردوجاه به موسی حسادت ورزیدند،  
به هارون، مقدس یهوه.  
۱۷ زمین باز شد و داتان را بلعید،  
دسته ابیرام را پوشانید؛
- اعد ۳۲:۱۶  
اعد ۳۵:۱۶  
عبر ۲۷:۱۰
- ۱۸ آتشی بر علیه دسته ایشان بر افروخته شد،  
شعله‌ای شریران را سوزانید.
- ۱۹ در حوریب گوسله‌ای ساختند  
و در برابر فلز ذوب شده سجده کردند،  
۲۰ جلال خود را معاوضه کردند  
با صورت گوسله‌ای که علف می‌خورد؛
- خروج ۴:۳۲  
ار ۱۱:۲  
روم ۲۳:۱
- ۲۱ نجات دهنده خود، خدا را فراموش کردند،  
که در مصر چیزهای عظیم به عمل آورده بود،  
۲۲ شنگفتی‌ها در سرزمین حام،  
کارهای مهیب در دریای نیزار.
- ۲۷:۱۰۵
- ۲۳ در باره هلاک کردن ایشان سخن گفت،  
اگر برگزیده اش، موسی،
- حرق ۳۰:۲۲
- <sup>۱۱</sup> یعنی منتظر نشدند که او تقدیر و اراده خود را به عمل آورد.  
<sup>۱۲</sup> قرائت عبری: «اما به نسبت اشتهای ایشان، بسیار اندک فرستاد» (ر.ک. ۱۸:۷۸)؛ قرائت ترجمه‌های قدیمی: «و هلاکت را بر ایشان فرستاد» (به جز یونانی و سریانی که آورده‌اند: «و سیری را...»).

بر شکاف در حضور او نایستاده بود  
تا غصب او را برای نابودی [ایشان] مانع گردد.

<sup>۲۴</sup> سرزمینی از لذات را خوار شمردند،  
کلام او را باور نکردند:

<sup>۲۵</sup> در خیمه های خود غرغر سر دادند،  
به صدای یهوه گوش نسپارند.

اعده: ۲:۲۷  
تث: ۱:۲۷

<sup>۲۶</sup> او دست خود را بر علیه ایشان بلند کرد،  
[و سوگند یاد کرد] که ایشان را در بیابان بیندازد،  
<sup>۲۷</sup> نسل ایشان را در میان ملت ها پراکنده سازد،  
در میان سرزمینها منفرق کند.

اعده: ۱:۳۰

<sup>۲۸</sup> ایشان خود را زیر یوغ بعل -غفور قرار دادند<sup>p</sup>،  
قریانی های «مردگان» را خوردند.  
<sup>۲۹</sup> با رسوم خود او را به خشم آورند  
و بلا بی در میان ایشان طغیان کرد.

اعده: ۷:۸-۸

<sup>۳۰</sup> آنگاه فینحاس در مقام داور به پا خاست<sup>q</sup>،  
و بلا متوقف گردید.

<sup>۳۱</sup> این همچون عدالت برای او محسوب گشت،  
دوره به دوره، برای ابد.

تث: ۴:۲۱

<sup>۳۲</sup> ایشان او را در آبهای مریبه خشکیگین ساختند،  
و به سبب ایشان بلا بر موسی عارض گردید؛  
<sup>۳۳</sup> زیرا روح او<sup>r</sup> را تلخ ساختند،  
و لبانش بدون ملاحظه سخن گفتند<sup>s</sup>.

اش: ۶:۱۰

تث: ۲:۳۲

داور: ۱:۲۱-۳۳

<sup>۳۴</sup> قوم ها را هلاک نکردند،  
آنان را که یهوه به ایشان گفته بود؛

p. ک. اعد ۳:۲۵؛ توضیح هر ۹:۱۰. قربانی های (مردگان)؛ منظور خدایان دروغین است که موجوداتی فاقد حیات می باشند.

q. ر. ک. اعد ۱:۲۵-۱۱؛ بنی ۴۵:۴۳-۲۴-۲۳:۱-۱-مک ۲:۶-۲.

r. مشخص نیست منظور از «روح او»، روح خدا است یا روح موسی.

s. ر. ک. توضیح اعد ۲۰:۱۰.

داور:۳-۶

۳۵ با ملت‌ها در آمیختند،  
روشهای عمل کردن آنها را آموختند؛

داور:۲،۳

خروج:۳۳:۲۳

تیث:۱۶:۷

حک:۱۱:۱۴

پاد:۳:۱۶

۱۷:۱۷

۳۶ بتهایشان را خدمت کردند،

که برای ایشان دامی شدند.

۳۷ پسران خود را قربانی کردند

و دختران خود را برای دیوها؛

تیث:۳۲:۳۲  
۲۰:۱۰-۱

اش:۵:۵۷

ار:۱:۷

۴:۱۹

حزم:۲۰:۱۶

خروج:۱۶:۳۴

از:۸:۶

۳۰:۲۰

حزم:۲۰:

۳۸ خون بی گناه را ریختند،

خون پسران و دختران خود را،

که آنان را برای بتهای کنعان قربانی کردند،

زمین در اثر خون آلوده شد؛

۳۹ با کارهای خود خوبیشتن را ناپاک ساختند

و با اعمال خود روسپیگری کردند.

داور:۲

نج:۲۷:۹

۴۰ خشم یهوه بر قومش افروخته گردید،

از میراث خود نفرت کرد؛

۴۱ ایشان را به دستان ملت‌ها سپرد،

آنان که ایشان را نفرت می‌داشتند، بر ایشان سلطه یافتد؛

۴۲ دشمنانشان بر ایشان ستم راندند،

زیر دست آنان پست شدند.

داور:۲-۱۶:۱۷

۴۳ بارها ایشان را رهایی داد،

و ایشان بر تقدیر او شوریدند:

در خطای خود فرو رفتند.

۴۴ او بر پریشانی ایشان نگریست

و فریادشان را شنید؛

۴۵ عهد خود را با ایشان به یاد آورد،

متأثر شد، مطابق کثرت الطاف خود؛

۴۶ کاری کرد که ترحم یابند

نzd همه آنان که اسیرشان ساخته بودند.

لو:۱۶:۷

۱-باد:۸:۰

۱۲:۴۲

تث:۳:۳  
۲۷:۱-مک:۲

۳۵:۱۶-توا:۱

۴۷ ما را نجات بده، ای یهُوهُ، خدای ما،  
و ما را از میان ملت‌ها گردآور،  
تا نام مقدس تو را تمجید کنیم،  
و جلال خود را در ستایش تو بنیم.

لو:۶۸:۱

مک:۱۹:۴

۴۸ متبارک باد یهُوهُ، خدای اسرائیل،  
از همیشه و برای همیشه!  
و تمام قوم بگویند: آمين!  
هَلْلُواه!<sup>t</sup>

## كتاب پنجم

(۱۵۰-۱۰۷)

**مزמור ۱۰۷ (۱۰۶)**

۱:۱۰۶  
عزر:۱۱:۳  
۴۱:۱۶-توا:۱

۱ یهُوهُ را بستایید، زیرا که نیکو است<sup>u</sup>:  
ابدی است و فادری او!

۱۰:۱۰۶  
۴۷:۱۰۶  
اش:۱۲:۱۱  
۵:۴۳

۲ این را باخرید شدگان یهُوهُ بگویند،  
آنان که او از دستان خصم باخرید کرده است،  
۳ که از بین سرزینه‌ها گردآمده‌اند،  
از مشرق و غرب،  
از شمال و جنوب.<sup>v</sup>

حرق:۳۴:۶

۴ ایشان در بیابان سرگردان بودند، در صحراء،  
بی‌آنکه راه شهری قابل سکونت را بیابند؛

<sup>t</sup> این ستایش پایانی خاتمه بخش کتاب چهارم مزامیر می‌باشد.

<sup>u</sup> نیایش «قدرتانی»، ر.ک. «مقدمه».

<sup>v</sup> تحتاللفظی: «از شمال تا دریا» (= اش:۴۹:۱۲)؛ منظور با دریای مدیترانه است، یا ترجیحاً مطابق ترجمه آرامی، دریای سرخ.

اش ۱:۴۱

<sup>۵</sup>گرسنه بودند، تشهه بودند،  
روحشان در اندر و نشان ضعف می کرد.

۱۸:۳۴

<sup>۶</sup>در پریشانی خود به سوی یهوه فریاد برآوردند:  
ایشان را از تشویش هایشان رهایی داد.  
<sup>۷</sup>ایشان را در راه راست حرکت داد،  
تا به سوی شهری قابل سکونت بروند.

۹:۳۱

<sup>۸</sup>بادا که یهوه را به سبب وفاداری اش بستایند،  
به سبب شگفتی هایش در حق بنی آدم!  
<sup>۹</sup>زیرا گلوی خشک را سیراب ساخته،  
گلوی گرسنه را از مواهب پر کرده است.

۵۳:۱۴۶  
لو ۷:۱۴۶

اش ۱:۹

<sup>۱۰</sup>ایشان در ظلمات غلیظ ساکن بودند،

اسیر نگون بختی و آهنها،

<sup>۱۱</sup>زیرا بر سخنان خدا طغیان ورزیده بودند،

زیرا تقدیر حضرت اعلی را تحقیر کرده بودند.

<sup>۱۲</sup>دل ایشان را با درد و رنج خوار ساخته بود،

می لغزیدند، و کسی برای یاری نبود!

۱۲:۲۲

۴۴:۱۰۶:۶:۲۲

<sup>۱۳</sup>در پریشانی خود به سوی یهوه فریاد برآوردند:

ایشان را از تشویش هایشان نجات داد،

<sup>۱۴</sup>ایشان را از ظلمات غلیظ بیرون کشید

و بند هایشان را گسست.

اش ۲:۴۵

<sup>۱۵</sup>بادا که یهوه را به سبب وفاداری اش بستایند،

به سبب شگفتی هایش در حق بنی آدم!

<sup>۱۶</sup>زیرا لنگه های دروازه های مفرغی را خرد کرده،

و کشویی های آهنهن را از جا کنده است.

<sup>۱۷</sup>به سبب زندگی جرم آسود خود هلاک می شدند<sup>w</sup>

و به سبب خطاهای خویش مشوش بودند،

<sup>w</sup> قرائت یونانی و سریانی: «ایشان را کمک می کند و از زندگی جرم آسودشان بیرون می کشد».

۱۸ گلوی ایشان از هر خوراکی نفرت داشت  
و به دروازه‌های مرگ رسیده بودند.

۱۹ در پریشانی خود به سوی یهوه فریاد برآوردند:  
او ایشان را از تشویش هایشان نجات داد.  
۲۰ کلام خود را فرستاد و شفایشان بخشد،  
ایشان را از گودالشان<sup>x</sup> رهایی داد.

۲۱ بادا که یهوه را به سبب وفاداری اش بستایند،  
به سبب شگفتی هایش در حق بنی آدم!

۲۲ بادا که قربانی های ستایش تقدیم کنند،  
و اعمالش را با فریادهای شادی بازگو نمایند!

۲۳ آنان که بر کشتیها به دریا فرود می‌آیند  
تا بر آبهای عظیم سوداگری کنند،  
۲۴ هم ایشان اعمال یهوه را دیده اند  
و شگفتی هایش را در گرداد.

۲۵ او گفت و بادی از طوفان به پا نمود که موج هایش را بلند کرد؛  
۲۶ آنها به آسمانها بالا می‌رفتند، به ورطه ها فرود می‌آمدند،  
جان ایشان در اثر بلا آب می‌شد،  
۲۷ دور خود می‌چرخیدند، همچون آدم مست تلو تلو می‌خورند،  
و تمام حکمتشان بلعیده شده بود.

۲۸ در پریشانی خود به سوی یهوه فریاد برآوردند،  
و ایشان را از تشویش هایشان بیرون کشید.

۲۹ طوفان را به نسیمی ملایم تبدیل کرد  
و موج های دریا خاموش شدند.

۳۰ شاد شدند از اینکه دیدند آنها ساکت گردیده اند،  
و ایشان را به بندر مراد هدایت کرد.

۳۱ بادا که یهوه را به سبب وفاداری اش بستایند،  
به سبب شگفتی هایش در حق بنی آدم!

<sup>x</sup> قرائت ترجمه‌های قدیمی: «از هلاکتشان».

- ۳۲ بادا که او را در تجمع قوم بر افزارند،  
او را در محفل مشایخ بستایند!  
۲۶-۲۳:۲۲
- ۳۳ او رودها را به بیابان تبدیل می کند،  
چشمه های آب را به سرزمین تشنجی،  
۳۴ زمینی حاصل خیز را به نمکزار،  
به سبب شرارت ساکنانش.  
اث:۵:۰
- ۳۵ او بیابان را به برکه تبدیل می کند،  
زمین خشک را به چشمه های آب،  
۳۶ گرسنگان را در آن مستقر می سازد  
که شهری مسکونی را برقرار می دارند.  
۳۷ شترارها را بذرپاشی می کنند و تاکستانها می کارند  
که محصولی از میوه می دهد؛  
۱۵-۱۳:۹ عا
- ۳۸ او ایشان را برکت می دهد و ایشان بسیار کثیر می گردند،  
و نمی گذارد که احشامشان کم شوند.  
۳۹ ایشان کم شماره، فروپاشیده شده اند،  
در اثر فشار، تیره روزی، و محنت.  
تث:۱۳:۷
- ۴۰ خواری را بر سروران می ریزد  
و ایشان را در هرج و مرچی بدون راه سرگردان می سازد،  
۴۱ اما مستمند را از بینوایی حفظ می کند  
و خانواده ها را همانند گله ها می سازد.  
۶:۱۴۷؛ ۷:۱۱۳
- ۴۲ [اسان های] راست آن را می بینند و شاد می شوند،  
و هر بی انصافی دهان خود را می بندد.  
۴۳ آیا شخصی حکیم هست؟ باشد که به این توجه کند،  
و الطاف یهوه را در ک کند!  
ه:۹:۱۳؛ ار:۹:۱۱

## مزمور ۱۰۸ و ۱۰۷

<sup>۱</sup> سرود. مزمور. از داد.

<sup>۲</sup> دلم استوار است، ای خدا،

دلم استوار است،

می خواهم بسرايم، می خواهم بنوازم.

ای «جلال» من، بیدار شو،

<sup>۳</sup> بیدار شويد، ای چنگ و بربط؛

می خواهم پگاه را بیدار کنم.

<sup>۴</sup> ای يهُوهِ، در میان قوم‌ها تو را خواهم ستد،

در میان ملت‌ها برای تو خواهم نواخت؛

<sup>۵</sup> زيرا وفاداري تو تا به آسمانها عظيم است،

و امانت تو تا به ابرها!

<sup>۶</sup> ای خدا، بر فوق آسمانها بر افراسته شو؛

و جلالت بر تمامی زمین باشد!

<sup>۷</sup> برای آنکه محبوبانت رهابي یابند،

[ما را] با دست راست نجات ده، ما را اجابت فرما.

<sup>۸</sup> خدا در قدس خود سخن گفته است:

«و جد می نمایم، شکیم را تقسیم خواهم کرد

و دره سوکوت<sup>a</sup> را اندازه خواهم گرفت.

<sup>۹</sup> جلعاد از آن من، منسی از آن من است،

افرایيم برای سرم کلاهخود است،

يهودا عصای ریاست من است،

<sup>۱۰</sup> موآب حوضی است که در آن شستشو می کنم،

نعلین خود را بر ادوم می اندازم،

بر علیه فلسطین فریاد پیروزی بر می آورم.<sup>b</sup>

y این مزمور در آیات ۲-۶ تکراری است از مز ۷:۱۲، ۸:۱۴-۷:۱۴، و در آیات ۷-۱۴ از مز ۶:۱۴-۷:۱۴، با اندکی تفاوت.

Z قرائت عبری: «مرا اجابت فرما»؛ ترجمه ما با توجه به مز ۷:۶ صورت گرفته است.

a ر. ک. توضیحات مز ۶:۸.

b ابهامی که در ۱۰:۶ آمده (ر. ک. توضیح آن)، در اینجا حل شده است.

۱۱ چه کس مرا به شهر حصاردار هدایت خواهد کرد،  
چه کس مرا تا به ادوم راهنمایی خواهد نمود؟  
۱۲ مگر [تو] نیستی، ای خدا، که ما را رد کرده‌ای  
و دیگر با لشکرهای ما بیرون نمی‌آیی؟

۳:۶۰

۱۳ ما را در مقابل خصم امداد فرما؛  
زیرا کمک انسان عبث است.  
۱۴ با خدا دلیریها خواهیم کرد،  
هم او است که خصمان ما را پایمال خواهد نمود.

۸:۱۱۸

۹:۳۰:۱۸  
۹-۶:۴۴

## مزمور ۱۰۹ (۱۰۸)

<sup>۱</sup> به رهبر سرود، از داد. مزمور.

ای خدای ستایش من، خاموش نمان<sup>۲</sup>،  
زیرا بر علیه من دهانی شریر می‌گشایند،  
با زبانی دروغگو با من سخن می‌گویند،  
۳ مرا با سخنان کینه توزانه احاطه می‌کنند،  
بی سبب با من می‌جنگند؛

۱:۲۸

۵:۶۹

<sup>۴</sup> برای بهای محبتم، مرا متهم می‌سازند،  
و من [نیstem مگر] دعا!  
<sup>۵</sup> به عوض نیکی به من بدی می‌کنند،  
و به عوض محبتم، کینه.

۱۲:۳۵

<sup>۶</sup> شریری را بر علیه او بگمار،  
و باشد که متهم کننده‌ای بر دست راست او بایستد؛  
<sup>۷</sup> اگر داوری شود، بادا که از آن مجرم بیرون آید،  
دعایش گناه به شمار آید!

زک ۱:۳

<sup>۱</sup> در خصوص «نبایشهای انفرادی برای درخواست کمک»، ر. ک. «مقدمه». <sup>۲</sup> بخش مربوط به لعنت که در وجه مفرد است (آیات ۱۹-۶) زمانی قابل توجیه است که بپذیریم مزمور نگار به ذکر نکاتی می‌پردازد که دشمنانش بر علیه او بیان می‌دارند (آیات ۵-۲). او در آیه ۲۰ این لعنت را به خود ایشان بر می‌گرداند (ر. ک. ۵:۷، ۱۷)، مگر آنکه ترجمه یونانی را برای آیه ۲۰ برگزینیم (ر. ک. توضیح آیه ۲۰).

<sup>۸</sup> بادا که تعداد روزهایش اندک باشد،  
منصب او را دیگری بگیرد؛  
<sup>۹</sup> فرزندانش یتیم شوند،  
و همسرش بیوه باشد!  
<sup>۱۰</sup> بادا که پسرانش آواره شوند و گدایی کنند،  
از ویرانه هایشان بیرون افکنده شوند؛  
<sup>۱۱</sup> بادا که نزول خوار تمام دارایی اش را برباید،  
سود او را بیگانگان غارت کنند!  
<sup>۱۲</sup> بادا که کسی وفاداری را در حق او نگاه ندارد،  
کسی بر یتیمانش ترحم نکند؛  
<sup>۱۳</sup> بادا که اعقابش محو گردند،  
نامش <sup>g</sup> در یک نسل <sup>f</sup> زدوده شود!  
<sup>۱۴</sup> بادا که خطای پدرانش را به یاد آورند،  
و گناه مادرش زدوده نشود؛  
<sup>۱۵</sup> بادا که آنها دائماً در حضور یهوه باشند،  
و او خاطره وی را از زمین بر کنند!  
<sup>۱۶</sup> زیرا به این نیندیشید که وفاداری نشان دهد،  
بر مسکین و تنگdest ستم راند،  
و بر مرد دلشکسته، تا او را بکشد.  
<sup>۱۷</sup> لعنت را دوست داشته است: بادا که بر او بیاید!  
برکت را نخواست: بادا که از او دور شود!  
<sup>۱۸</sup> لعنت را همچون ردا بر تن کرده است:  
بادا که همچون آب به درون او داخل شود،  
و همچون روغن به استخوانهاش!  
<sup>۱۹</sup> آن برای او همچون جامه ای باشد که او را در بر می گیرد،  
کمربندی که دائماً او را می فشارد!  
<sup>۲۰</sup> چنین باد دستمزد متهم کنندگان من از جانب یهوه <sup>h</sup>،  
آنانی که در باره من بد می گویند.

e می توان این گونه نیز ترجمه کرد: «... گدایی کنند» یا «... تعاقب کرده شوند». ترجمه ما مبتنی است بر قرائت یونانی.  
f تحتاللفظی: «تا نسل بعدی». ترجمه ما مبتنی است بر قرائت های یونانی و سریانی.

g برخی نسخ خطی قرائت کرده اند: «نامشان».

h قرائت یونانی: «این است کار متهم کنندگان من نزد خداوند».

؛۹:۷۹  
؛۸:۱۰۶  
۷:۱۴

۲۱ اما تو ای یهُوه، ای خداوند،  
به خاطر نامت برای من عمل کن،  
وفاداری ات نیکوکارانه است:  
مرا رهای ده.

۱۸:۴۰

۲۲ زیرا مسکین و تنگدست هستم،  
و دلم در اندرون من می لرزد.  
۲۳ می روم، همچون سایه ای که پایین می آید،  
به سان ملخ تکان داده شده‌ام<sup>k</sup>:

۲۴ در اثر روزه، زانوهایم لغزان است،  
گوشتم لاغر شده، خشک می گردد.  
۲۵ و من، برای ایشان ننگ هستم،  
اگر مرا ببینند، سر خود را تکان می دهند.

۲:۷۰

۲۶ مرا امداد فرما، ای یهُوه، خدای من،  
بر حسب وفاداری ات مرا نجات ده.  
۲۷ تا بدانند که دست تو است،  
تو هستی، ای یهُوه، که این را انجام داده ای.

۷۳:۷۱:۲۶:۳۵

۲۸ بادا که ایشان لعنت کنند؛ اما تو برکت خواهی داد؛  
شرم باد بر مهاجمین من، شادی بر خدمتگزار؛  
۲۹ بادا که منهٔ کنندگانم با خجالت پوشیده شوند،  
با شرم خود همچون ردا.

۳۰ یهُوه را با دهان باز تجمید خواهم نمود،  
در میان انبوه جماعت او را خواهم ستود؛  
۳۱ زیرا او بر دست راست تنگدست می ایستد<sup>۱</sup>  
تا جانش را از داورانش نجات دهد.

<sup>۱</sup> قرائت‌های آکیلا، سیماک، وزروم: «... مجروح است». ترجمه ما مبتنی است بر قرائت‌های یونانی و سریانی.

ز تحت اللقطی: «مرا همچون سایه برده‌اند، مانند آن زمان که گستردۀ می شود»؛ ر.ک. ۱۲:۱۰۲.

<sup>k</sup> برای انداختن ملخ از روی لباس یا درخت، آنها را تکان می دهند (ر.ک. نج ۱۳:۵؛ مز ۱۵:۱۳۶).

<sup>۱</sup> شخص تنگدست به جای اینکه منهٔ کننده ای را بر دست راست خود داشته باشد (آیه ۶)، خود خداوند را همچون مدافعان دارد (ر.ک. ۸:۱۶؛ ۵:۱۱۰؛ ۵:۱۲۱).

## مزمور ۱۱۰ (۱۰۹)

۱/ از داده، مزمور.

و حی یهُوهِ به خداوند من<sup>m</sup>:

«بر دست راست من بنشین،

تا آن هنگام که دشمنانت را کرسی زیر پایت بسازم.»

۲ عصای سلطنت قوت تو را

یهُوهِ از صهیون خواهد گسترانید:  
در میان دشمنان خود سلطه بران.

۳ از آن تو است مقام شاهزادگی<sup>n</sup> در روز قوتت<sup>o</sup>

بر کوههای مقدس<sup>p</sup>:

پیش از پگاه، از رَحْمَ<sup>q</sup>,

تو را تولید نمودم<sup>r</sup>.

داور:۵

۴ یهُوهِ این را سوگند یاد کرده و از آن پشمیمان نخواهد شد:

«تو کاهن هستی برای ابد

بر اساس نظام ملکیصدق.»

عمر:۷

پید:۱۴

عمر:۶

۵ خداوند بر دست راست تو است:

پادشاهان را در روز غضبیش خُرد می سازد،

۶ ملت ها را داوری می کند، [همه] پر از جنازه [است]،

سرها را بر مکان های وسیع خرد می سازد.

۷ در راه از سیلاب می نوشد<sup>s</sup>،

از این رو، سر خود را بر می افرازد.

۸ این مزمور به مسیح موعود نسبت داده شده، و سپس به عیسی مسیح همچون پادشاه و کاهن. ر.ک. مر ۳۵:۱۲ و موازی ها: اع ۱۲:۵-۳۶-۳۴:۲ عرب:۱۳:۱ و توضیحات. در عهد جدید از این مزمور پیش از همه نقل قول شده است.

<sup>n</sup> قرائت عربی: «قوم تو خود را داوطلبانه تقدیم می کنند...»؛ ترجمه ما مبتنی است بر قرائت یونانی.

<sup>o</sup> یعنی «در روزی که قوت ظاهر می شود».

<sup>p</sup> برخی از نسخ عربی چنین قرائت کرده اند: «با شکوهی مقدس». ترجمه ما مبتنی است بر قرائت های سیماک و زروم. این ترجمه مبتنی است بر حدس و گمان. تحتاللفظی: «از بطن مکان پگاه (؟)». قرائت سریانی: «از رحم، در گذشته ها».

<sup>q</sup> ترجمه ما مبتنی است بر قرائت یونانی.

<sup>r</sup> معنی این مصطلع روش نیست. تحتاللفظی: «شبیم جوانی ات از آن تو است». قرائت سریانی: «تو را همچون فرزند تولید نمودم»؛ ترجمه ما مبتنی است بر قرائت یونانی و بعضی از نسخ عربی.

<sup>s</sup> منظور پادشاه است. این آیه شاید اشاره ای باشد به مراسم تاجگذاری که در کنار نهر آب برگزار می شد؛ ر.ک. ۱-۶:۱.

.۳۵-۳۳

## مزمور ۱۱۱ (۱۱۰)

۱ هلّواه!

یهُوهِ را با تمام دل تمجید خواهم نمود <sup>t</sup>	الف	۱:۱۳۸
در محفل [مردان] راست و در جماعت.	بت	۱:۱۴۹
۲ عظیم است اعمال یهُوه،	گیل	۶:۹۲
مورد کند و کاو جمیع آنان که آنها را دوست می دارند <sup>u</sup> !	دالت	۳:۱۵۷
۳ جبروت و کبیرایی است، عمل او!	هـ	
و عدالتش تا ابد پایدار می ماند.	واو	۳:۱۱۲ ۶:۵۱ اش
۴ او یادگار شگفتیهای خود را تنبیت کرده است <sup>v</sup> :	زین	
دلسوز و رحیم است، یهُوه!	حت	۸:۱۰۳
۵ به ترسندگان خود خوراک داده است <sup>w</sup> ,	تَ	
عهد خود را تا به ابد به یاد می آورد.	ید	۸:۱۰۵
۶ قدرت اعمال خود را بر قوم خویش آشکار ساخته است	کاف	۵:۲۷ ار
با دادن میراث ملت‌ها به او.	لامد	
۷ وفاداری و عدالت است اعمال دست او،	مـ	
یقین است جمیع فرایض او،	نون	۵:۹۳:۸:۱۹
۸ استوار برای همیشه و تا به ابد،	سامک	۸:۴۰ اش
برقرارشده در وفاداری و راستی <sup>x</sup> !	عین	۱۰:۱۹
۹ رهایی را برای قوم خود فرستاده،	ف	۶۸:۱ لو
عهد خود را برای ابد امر فرموده است.	صاده	۱۰:۱۰۵
مقدس و مهیب است نام او!	قوف	۴۹:۱ لو ۵۸:۲۸ ت
۱۰ اصل حکمت ترس یهُوه است:	رش	
بسیار دانایند همه آنان که آن <sup>y</sup> را به عمل می آورند.	شین	۱۶:۱ بنسی ۱۰:۹ ایوب ۲۸:۲۸ ایوب
طاو ستایش او تا به ابد پایدار است.	طاو	

<sup>t</sup> در خصوص «سرودها»، ر. ک. «مقدمه».

<sup>u</sup> یعنی همه آنانی که آنها را دوست می دارند، به مطالعه آنها می پردازند. قرائت یونانی: «با همه اراده‌های او انطباق یافته اند».

<sup>v</sup> در خصوص «یادگار»، ر. ک. توضیح خروج ۱۵:۳.

<sup>w</sup> به جای «خواراک»، می توان «غبیمت» نیز ترجمه کرد (ر. ک. ملا ۳:۳۱؛ امث ۱۵:۳۱؛ ایوب ۵:۲۴؛ مز ۲۵:۷۸).

<sup>x</sup> در خصوص آیات ۷ و ۸، ر. ک. مز ۱۹:۱۰-۸:۱۰. ۱۱۹:۱۰-۸:۱۰.

<sup>y</sup> تحت‌اللفظی: «... که آنها را به عمل می آورند» (منظور فرایض مذکور در آیه ۷ می باشد): ترجمه ما مبتنی است بر قرائت‌های سریانی و ژروم که در آنها، منظور «حکمت» مذکور در همین آیه ۱۰ است.

## مزمور ۱۱۲ (۱۱۱)

اَهْلَلِوْيَاَهْ!

۱۴:۳۴  
بنسی

خوشابه حال کسی که از يهُوه می ترسد<sup>Z</sup>،  
که تمام خوشی خود را در احکام او می نهد!

۱۳:۲۵  
۲۹:۱۰۲

۲ اعقابش بر زمین نیرومند خواهد بود،  
نسل [مردمان] راست مبارک خواهد بود.

۵:۳:۱۱۱  
۱۶:۳

۳ مال و ثروت در خانه اش می باشد،  
و عدالت‌ش تا به ابد پایدار می ماند.

۱۰:۵۸:۱  
۲۸:۲۲

۴ در ظلمات همچون نوری برای [مردمان] راست بر می خیزد،  
دلسوز و رحیم است شخص عادل<sup>a</sup>!

الف  
بِت

گیلِ  
دالَّت

هَ  
وَاو

رَزَّین  
حِت

تَت  
يَد

كَافِ  
لَامَد

مَمِ  
نُون

سَامِكِ  
عَيْنَ

فَ  
صَادِه

قوف  
پیشانی اش در جلال بر افراشته می شود.

رَشِ  
شَيْنِ

طاو  
آرزوی شریران گم خواهد شد.

۲۶:۳۷  
لو۶:۳۵

۵ خوشابه حال کسی که دل می سوزاند و قرض می دهد،  
که کارهای خود را مطابق حق به انجام می رساند:

۵:۱۵

۶ هرگز جنبش نخواهد خورد،  
عادل در یادگاری ابدی خواهد بود.<sup>b</sup>

۷ از خبر بد نمی ترسد<sup>c</sup>؛  
دلش استوار است و به يهُوه اعتماد دارد؛

۷:۱۱۸

۸ دلش مطمئن است، نمی ترسد،  
تا آن هنگام که به دشمنانش بنگرد.

۹:۹-۲

۹ با دستانی پر به تنگستان می دهد،  
عادالت‌ش تا به ابد پایدار می ماند،

۱۱:۹۲:۱۱:۷۵

۱۰ پیشانی اش در جلال بر افراشته می شود.

۱۶:۳۵

۱۰ آدم بدکار این را می بیند و بر افروخته می شود،  
دندان به هم می ساید، حل می شود؛

۱۱ آرزوی شریران گم خواهد شد.

Z در خصوص «مزامیر تعلیمی»، ر.ک. «مقدمه».

در این مزمور آنچه که در مزمور ۱۱ در مورد خداوند گفته شده بود، در آدم راست گفته می شود. برخی از نسخ یونانی a می افرایند: «يهُوه خدا (عادل است...): همچنین ابن عزرا.

b ر.ک. توضیح ۴:۱۱۱.

c این گونه نیز می توان ترجمه کرد: «از شایعات بد نمی ترسد»؛ یا «در مقابل خبر بد نمی ترسد» (ار ۲۳:۴۹).

## مزمور ۱۱۳<sup>d</sup> (۱۱۲)

هَلْلُوِيَّاه!

بستایید، ای خدمتگزاران یهُوهِ،

۱:۱۳۴  
۱:۱۳۵  
دان یونانی<sup>۳</sup>  
۸۵:۳

بستایید نام یهُوهِ را،

۲ متبارک باد نام یهُوهِ،

از کنون و تا به ابد!

۳ از محل طلوع خورشید تا به محل غروب آن<sup>e</sup>

ستوده باد نام یهُوهِ!

۴ رفعت یافته است یهُوهِ بر فراز جمیع ملت ها!

۶:۵۷  
۹:۹۷

بر فراز آسمانها است جلال او!

۱۰:۳۵

۵ الف کیست مانند یهُوهِ، خدای ما،

عبد در آسمان و بر روی زمین،

۶ ب او که برای جلوس کردن بر می خورد

۲۰:۱۰۲

۶ الف و برای نگریستان خم می شود؟

۷ مسکین را از خاک بلند می کند،

۱- سمو:۲  
۵۲:۱  
لو:۱

تندگدست را از تپاله بر می خیزاند،

۸ تا او را با سروزان بشناسند،

با سروزان قومش.

۹ زن عقیم را در خانه اش ساکن می گرداند،

اش:۱:۵۴

او را [که] مادر شادمان پسران [شده است].

هَلْلُوِيَّاه!

## مزمور ۱۱۴<sup>f</sup> (۸-۱:۱۱۳)

۱ چون اسرائیل از مصر بیرون آمد،

خروج ۱۷:۱۵-۱۲

خاندان یعقوب از میان قومی با زبانی نامفهوم،

d این «سرود» (ر.ک. «مقدمه») نخستین مزمور از دسته «هَلْلُوِيَّاه» است («سرود ستایش»، ۱۱۳-۱۱۸). هَلْلُ جایگاه خاصی در آیین نیایش سه عید بزرگ داشت (اعیاد گذر، پیطیکاست، و آلونکها).

e تحتاللفظی: «از طلوع خورشید تا غروب آن». معنای آن می تواند هم بر زمان دلالت داشته باشد (مانند قرائت ابن عزرا) و هم بر مکان، مانند ۱:۵۰ و ملا ۱۱:۱.

f این مزمور و مزمور بعدی در ترجمه های یونانی و ولگات تنها یک مزمور را تشکیل می دهند، یعنی مزمور ۱۱۳ را.

۲ یهودا مکان مقدس<sup>g</sup> او گردید،  
اسرائیل قلمرو<sup>i</sup> او.

۶:۲۹

۳ دریا این را دید و گریخت،  
(رود) اردن به عقب بر گشت،  
۴ کوهساران به سان قوچها به جست و خیز آمدند،  
تپه‌ها چون بره‌ها.

۵ تورا چه شد، ای دریا، که گریختی،  
ای اردن، که به عقب بر گشتی،  
۶ ای کوهساران، که به سان قوچها به جست و خیز آمدید،  
ای تپه‌ها، چون بره‌ها؟

۱:۹۹:۹:۹۶

۴۱:۱۰۵  
۳۵:۱۰۷  
۱۵:۸۷

۷ ای زمین، در حضور روی خداوند به لزه آی<sup>h</sup>،  
در حضور روی خدای یعقوب،  
که صخره را به برکه بدل می‌سازد،  
سنگ چخماق را به چشم‌آب.

## مزمور ۱۱۵ (۲۷-۹:۱۱۳)

۱۱:۴۸  
حرق: ۳۶

۱ به ما نه، ای یهُوه، به ما نه،  
بلکه به نام خود جلال ده،  
به سبب وفاداری ات، به سبب امانت!

۴:۴۲:۱۰:۷۹

۶:۱۳۵

۱۸-۱۵:۱۳۵  
اشپ: ۴۳  
۷-۶:۴۶۱۵:۱۵  
مکا: ۹

۲ چرا ملت‌ها بگویند:  
«پس خدایشان کجا است؟»  
۳ خدای ما در آسمانها است،  
هر آنچه بخواهد، می‌کند.

۴ بتهای ایشان نقره و طلا است،  
عمل دستان آدمی:

۵ دهان دارند و سخن نمی‌گویند،  
چشمها دارند و نمی‌بینند،

g فرات یونانی: «چیز مقدس». h ر.ک. مز ۶:۶۸:۹:۶ داور ۴:۵

عَوْشَهَا دَارِنَد وَ نَمَى شَنُونَد،

بَيْنَى دَارِنَد وَ نَمَى بُونَدَ،

<sup>٧</sup> دَسْتَهَا، وَ لَمْسَ نَمَى كَنَنَدَ،

پَايَهَا، وَ رَاهَ نَمَى رَونَدَ،

ازْ كَلُوبِشَان زَمْزَمَه اَيْ بَرْ نَمَى آَيَدَ.

<sup>٨</sup> هَمْچُونَ آَنَهَا باشِنَدَ آَنَانِي كَه آَنَهَا رَا مَى سَازَنَدَ،

هَر آَنَكَسَ كَه بَرَ آَهَا اعْتِمَادَ مَى كَنَدَ!

حَكَ ٨:١٤

اَيْ خَانَدَان اَسْرَائِيلَ، بَه يَهُوهَ اعْتِمَادَ كَنَ:

٧:١٣٠

- او اَمْدَادَ وَ سَپَرَ اِيشَانَ اَسَتَ.

٢٠:٣٣

<sup>٩</sup> اَيْ خَانَدَان هَارُونَ، بَه يَهُوهَ اعْتِمَادَ كَنَيدَ:

٢٠:١٨٦

- او اَمْدَادَ وَ سَپَرَ اِيشَانَ اَسَتَ.

٢٤:٢٢

<sup>١٠</sup> اَيْ شَمَا كَه اَزْ يَهُوهَ مَى تَرْسِيدَ، بَه يَهُوهَ اعْتِمَادَ كَنَيدَ:

٢٠:١٣٥

- او اَمْدَادَ وَ سَپَرَ اِيشَانَ اَسَتَ.

<sup>١١</sup> يَهُوهَ مَا رَا بَه يَادَ مَى آَورَدَ: بَرَكَتْ خَواهدَ دَادَ،

بَرَكَتْ خَواهدَ دَادَ خَانَدَان اَسْرَائِيلَ رَا،

بَرَكَتْ خَواهدَ دَادَ خَانَدَان هَارُونَ رَا.

ارَّ ٣٤:٣١

حَكَ ٧:٦

مَكَانَ ١٨:١١

<sup>١٢</sup> بَرَكَتْ خَواهدَ دَادَ آَنَانَ رَا كَه اَزْ يَهُوهَ مَى تَرْسِيدَ،

كَوْچَكَانَ وَ بَزْرَگَانَ رَا.

بَيْدَ ٣:١٣٤

بَيْدَ ١٩:١٣

<sup>١٣</sup> بَادَا كَه يَهُوهَ شَمَا رَا كَثِيرَ سَازَدَ،

شَمَا وَ سَرَانَتَانَ رَا!

٦:٦

<sup>١٤</sup> مَبَارِكَ يَهُوهَ باشِيدَ،

كَه آَسَمَانَ وَ زَمِينَ رَا سَاخْتَهَ اَسَتَ.

٢:١١٣

<sup>١٥</sup> آَسَمَانٌ آَسَمَانٌ يَهُوهَ اَسَتَ،

اما زَمِينَ رَا بَه بَنَى آَدَمَ دَادَه اَسَتَ.

<sup>١٦</sup> مَرْدَگَانَ نِيَسْتِندَ كَه يَاهَ رَا مَى سَتَائِيدَ،

نَه آَنَانَ كَه بَه سَرَزَمِينَ خَامُوشَيَ فَرُودَ مَى آَيَنَدَ؛

<sup>١٧</sup> اَما ما زَنْدَگَانِيمَ كَه يَاهَ رَا مَتَبَارِكَ مَى خَوانِيمَ،

ازْ كَنُونَ وَ تَا بَه اَبَدَ.

هَلَّلُويَاهَ!

<sup>١</sup> تحت اللفظى: «اَيْ اَسْرَائِيلَ، بَرَكَتْ يَهُوهَ اعْتِمَادَ كَنَ»: قرائتَهَايَ يُونَانِي وَ سَرِيَانِي: «خَانَدَان اَسْرَائِيلَ بَرَكَتْ يَهُوهَ اعْتِمَادَ مَى كَنَ».

جَرَكَ. تَوضِيح ١٧:٩٤ وَ تَوضِيح ٦:٦.

## مزمور ۱۱۶ (۱۱۵-۱۱۴)

۲:۱۸ ۱ یهُوه را دوست می دارم، زیرا که می شنود<sup>k</sup>  
آوای استغاثه های مرا<sup>۱</sup>،  
۲ زیرا که گوش خود را به سوی من فرا داشت،  
در روزی که فریاد بر آوردم<sup>m</sup>.

۵:۱۸ ۳ بندهای مرگ<sup>۳</sup> مرا در بر می گرفت،  
اضطراب های شئول به من رسیده بود،  
پریشانی و محنت پیدا کرده بودم:  
۴ نام یهُوه را خواندم:  
۵ یوں:۳ «آه، ای یهُوه، جان مرا رهایی ده!»

۵ یهُوه دلسوز و عادل است!  
و خدای ما رحمت می کند.  
۶ یهُوه مردمان ساده را نگاه می دارد:  
من ناتوان بودم، او مرا نجات داد.  
۷ ای جان من، به استراحت خود بر گرد،  
زیرا یهُوه به تو نیکی کرده است،

۸:۲۵ ۸ زیرا محفوظ نگاه داشته است جانم را از مرگ،  
چشم‌انم را از اشک،  
۱۴:۵۶ و پایهایم را از لغزیدن.  
۹ در حضور یهُوه سلوک خواهم نمود  
بر روی زمین زندگان.

۱۱۰ ایمان داشتم، حتی وقتی می گفتم<sup>۰</sup>:  
«من بسیار نگون بخت هستم!»

۱ در خصوص «نیاپشهای قدردانی»، ر. ک. «مقدمه».  
۱ تحتاللفظی: «دوست می دارم زیرا خداوند می شنود صدایم را استغاثه هایم را».  
۲ تحتاللفظی: «در روزهایم خواهم خواند». ترجمه ما مبتنی است بر قرائت سریانی، مانند ۱۰:۵۶.  
۳ در ترجمه های یونانی و وولگات، در اینجا مزمور جدیدی آغاز می شود، یعنی مزمور ۱۱۵.  
۴ قرائت یونانی: «ایمان آوردم، از این رو سخن گفتم» (ر. ک. ۲-۱۳:۴).

۱۱ من که در تلاطم خود می‌گفتم:  
«هر انسانی دروغگو است.»  
۱۲ چه توانم داد به یهُوهِ  
برای همه نیکویی هایش در حق من؟

۲۳:۳۱

روم ۴:۳

۶:۱۳

۱۳ جام نجات‌ها را بلند خواهم کرد  
و نام یهُوهِ را خواهم خواند;  
۱۴ نذرهای خود را برای یهُوهِ به جا خواهم آورد،  
آری، در حضور تمامی قوم او.

۱۴:۵۰

۱۵ گرانبها است در نظر یهُوهِ  
مرگ و فادرانش!  
۱۶ آه، ای یهُوهِ، من خدمتگزار تو هستم،  
من خدمتگزار تو هستم، پسر کنیزت:  
تو بندهای مرا گشودی.

۱۴:۷۲

۱۲۵:۱۱۹

۱۲:۱۴۳

۱۶:۸۶

حک ۵:۹

۱۷ قربانی ستایش به تو تقدیم خواهم داشت  
و نام یهُوهِ را خواهم خواند;  
۱۸ نذرهای خود را برای یهُوهِ به جا خواهم آورد،  
آری، در حضور تمامی قوم او،  
۱۹ در صحن‌های خانه یهُوهِ،  
در اندرون تو، ای اورشلیم.

۲۲:۱۰۷

۱:۱۰۵

۱۳:۵۶

یوش ۱۰:۲

هَلْلُویا!

## مزمور ۱۱۷ (۱۱۶)

۱ ای جمیع ملت‌ها، یهُوهِ را بستایید<sup>P</sup>،

روم ۱۱:۱۵

ای همه قوم‌ها، او را جلال دهید!

۲ زیرا که نیرومند است وفاداری او در حق ما<sup>q</sup>،

۱۱:۱۰۳

و امانت یهُوهِ تا به ابد [دوم می‌یابد].

۵:۱۰۰

۱۰-۱۰۶

۱۱۵:۱۱۳

۱۱۳:۱۱۶

۱۵۰-۱۴۶

هَلْلُویا!

p در خصوص «سرودها»، ر. ک. «مقدمه».

q قرائت عربی: «وفداداری او از ما فراتر می‌رود». ترجمه ما مبتنی است بر قرائت‌های یونانی و سریانی.

## مزمور ۱۱۸ (۱۱۷)

<sup>۱</sup> یهُوه را تمجید کنید، زیرا که نیکو است<sup>t</sup>:  
وفاداری اش ابدی است!

<sup>۲</sup> خاندان اسرائیل این را بگوید<sup>s</sup>:  
«وفاداری اش ابدی است!»

<sup>۳</sup> خاندان هارون این را بگوید:  
«وفاداری اش ابدی است!»

<sup>۴</sup> آنان که از یهُوه می ترسند این را بگویند:  
«وفاداری اش ابدی است!»

<sup>۵</sup> از بطن پریشانی ام یا هر را خواندم:  
او مرا اجابت فرمود، مرا در جای وسیع قرار داد.

<sup>۶</sup> یهُوه به جانب من است، ترسی ندارم:  
انسان به من چه تواند کرد<sup>t</sup>؟

<sup>۷</sup> یهُوه خود را مددکار من می سازد<sup>u</sup>،  
و من به آنان که مرا نفرت می دارند می نگرم.

<sup>۸</sup> پناه گرفتن در یهُوه بهتر است  
از اعتماد کردن به انسان:

<sup>۹</sup> پناه گرفتن در یهُوه بهتر است  
از اعتماد کردن به سروران<sup>v</sup>.

<sup>۱۰</sup> همه ملت ها مرا احاطه می کردند،  
با نام یهُوه آنها را با شمشیر دو نیم کردم؛  
<sup>۱۱</sup> مرا احاطه می کردند، آری، مرا احاطه می کردند،  
با نام یهُوه آنها را با شمشیر دو نیم کردم<sup>w</sup>؛

<sup>t</sup> در خصوص «نیایشهای گروهی برای قدردانی» ر.ک. «مقدمه».

<sup>s</sup> قرائت عبری: «اسرائیل بگوید»؛ ترجمه ما مبنی است بر ترجمه های قدیمی.

<sup>u</sup> این گونه نیز می توان ترجمه کرد: «انسان ها چه کاری برای من می توانند بکنند؟» (ر.ک. توضیح ۱۲:۵۶).

<sup>v</sup> این گونه نیز می توان ترجمه کرد: «مرا تقویت می کنند». (ر.ک. توضیح ۶:۵۴).

<sup>۷</sup> در ترجمه یونانی، در آیه ۸ دو بار «اعتماد کردن» ذکر شده (و نیز در قمران)، و در آیه ۹ دو بار «امید داشتن»؛ در ژروم چهار بار «امید داشتن» ذکر شده (ر.ک. قرائت سریانی). یکی از نسخ مزامیر متعلق به قمران می افزاید: «اعتماد کردن به یهُوه بهتر است از اعتماد کردن به هزاران انسان».

<sup>w</sup> ترجمه فاقد قطعیت است؛ معنی تحتالفظی آن احتمالاً این است: «آنها را ختنه می کنم». قرائت های یونانی و اکیلا: «آنها را رانده ام»؛ و ولگات و ژروم: «از آنها انتقام گرفته ام»؛ آرامی: «آنها را قلع و قمع می کنم»؛ سریانی: «آنها را قلع و قمع کرده ام».

۱۲ چون زنبوران مرا احاطه می کردند،  
به سان آتش خارها زبانه می کشیدند،  
با نام یهوه آنها را با شمشیر دو نیم کردم.

۱۳ مرا هُل دادند<sup>X</sup>، هل دادند تا مرا بیندازند،  
اما یهوه مرا یاری نمود.

۱۴ قوت و سرود من یاه است<sup>Y</sup>:

برای من نجات بوده است.

۱۵ هلهله های شادی و نجات  
در حیمه های عادلان:

«دست راست یهوه کارهای دلیرانه کرده است،

۱۶ دست راست یهوه بر افراشته شده،

دست راست یهوه کارهای دلیرانه کرده است!»

اش:۱۲

خروج:۶:۱۵  
۱:۹۸

۱۷ نخواهم مرد، بلکه نخواهم زیست  
و کارهای یاه<sup>Z</sup> را بازگو نخواهم کرد.

۱۸ یاه مرا به سختی مجازات کردد،

اما مرا به مرگ نسپرده است.

۲-قرن:۶

اش:۲۶

۱۹ دروازه های عدالت را برای من بگشایید،

از آنها داخل خواهم شد، یاه را تمجید خواهم نمود.

۲۰ اینک دروازه یهوه:

عادلان از آن داخل می شوند.

مکان:۱۴:۲۲

۲۱ تو را تمجید خواهم نمود، چرا که مرا اجابت فرموده ای  
و برای من نجات بوده ای.

۲۲ سنگی که بنا کنندگان رد کرده بودند

سرزاویه شده است.

۲۳ این کار یهوه است،

در نظر ما شگفت انگیز است.

اش:۱۶:۲۸

زک:۷:۴

مت:۴:۲۱

اع:۱۱:۴

پط:۷-۴:۳

۱-

X قرائت عبری: «مرا هل داده ای...» که منظور می تواند یا خدا باشد یا دشمن (راشی). ترجمه ما مبتنی است بر ترجمه های قدیمی.

Y ار. ک. توضیح خروج ۲:۱۵

Z ر. ک. توضیح آید ۱۴.

۲۴ این است روزی که یهوه ساخته،  
در آن وجد نماییم، شادمان باشیم.  
۲۵ آه، ای یهوه، خواهش می کنم نجات را ارزانی دار!  
آه، ای یهوه، خواهش می کنم، توفیق را ارزانی دار!

مت: ۹:۲۱  
۳:۳۹:۲۳  
۱۳:۱۲

یو: ۱۲

۸:۱۲۹

۳:۱۳۴

۲:۲۹:۱۸

اش

۲۶ مبارک باد آن کس که به نام یهوه می آید!  
شما را از خانه یهوه برکت می دهیم.  
۲۷ یهوه خدا است، بادا که ما را روش سازد!  
شاخه ها در دست<sup>c</sup>، موکب تشکیل دهید<sup>b</sup>  
تا به شاخه های قربانگاه.  
۲۸ خدای من تو هستی، تورا تمجید خواهم نمود،  
ای خدای من، تورا برخواهم افرشت.

۵:۹۹  
۱:۲۵

۲۹ یهوه را بستایید، زیرا که نیکو است:  
وفادرای اش ابدی است!

## مزمور ۱۱۹ (۱۱۸)

۱:۱۲۸  
۲۸:۱۱

الف ۱ خوشابه حال آنان که طریقشان کامل است<sup>d</sup>،  
آنان که مطابق شریعت یهوه سلوک می نمایند!  
۲ خوشابه حال آنان که اوامر او را نگاه می دارند،  
با تمام دل خود او را می طلبند،  
۳ مرتکب بی انصافی نمی گردند،  
در طریق های او سلوک می کنند!  
۴ تو خود فرایض خود را امر فرموده ای،  
تا آنها را با مراقبت رعایت کنیم.  
۵ کاش طریق های من استوار بماند  
تا فرامین تو را رعایت کنم!

a به زبان عبری: «هوشیاعنا»؛ این درخواست همچون هلله شادی به کار می رود (ر.ک. توضیح مت ۹:۲۱).

c این گونه نیز می توان ترجمه کرد: «با بندها»؛ قرائت یونانی: «نوار باریک»؛ سریانی و آرامی: «زنجرها».

b تحت الفظی: «عید را با بندها بیندید (؟)»؛ سریانی: «اعیاد را بیندید»؛ یونانی: «عیدی مقرر دارید»؛ ژروم: «عیدی برگزار کنید»؛ آرامی: «قربانی را برای عید بیندید».

d هر یک از بیست و دو قطعه این مزمور شامل ۸ بیت است که هر یک با یکی از حروف الفباء آغاز می شود. این مزمور تعمقی است طولانی درباره شریعت که در هر بیت با کلمات مختلف و هم معنی مورد اشاره قرار می گیرد. این مزمور به سبک «مزامیر تعلییمی» است (ر.ک. «مقدمه»).

۶ آنگاه هیچ خجل نخواهم شد  
آن هنگام که به سوی تمامی احکام تو بنگرم.  
۷ تورا با دلی راست تمجید خواهم کرد،  
زیرا از قواعد عدالت تو آموخته خواهم شد.  
۸ فرامین تورا رعایت خواهم کرد؛  
مرا به طور کامل رها مساز.

- |  |   |
|--|---|
| <p>۹ چگونه جوان راه خود را پاک سازد؟<br/>با رعایت کلام تو.</p> <p>۱۰ با تمام دل خود تورا می طلیم؛<br/>مرا دور از احکام خود سرگردان مساز.</p> <p>۱۱ سخنان تورا در دل خود پناه می دهم،<br/>تا در حق تو گناه نورزم.</p> <p>۱۲ متبارک باشی تو، ای یهوه!<br/>فرامین خود را به من تعلیم بده.</p> <p>۱۳ با لبان خود بر می شمارم<br/>تمامی قواعد دهان تورا.</p> <p>۱۴ از پیروی از اوامر تو شادی می کنم<br/>بیش از همه اموال.</p> <p>۱۵ می خواهم در باره فرایض تو بیندیشم<br/>وراههای تورا نظاره کنم.</p> <p>۱۶ لذت های خود را در شریعت تو می یابم،<br/>کلام تورا از یاد نمی برم.</p> | امش: ۴:۱<br>دان: ۲۸:۲<br>۵۱، ۱۹:۲<br>۲:۱<br>حک: ۱۱:۷<br>روم: ۲۲:۷ |
|--|---|

- ۱۷ گیمِل به خدمتگزارت نیکی نما،  
تا زنده بمانم و کلام تورا رعایت کنم.  
۱۸ چشمانم را بگشا، و خواهم نگریست  
به شگفتیهای شریعت تو.
- ۱۹ من بر روی زمین غریب هستم؛  
احکام خود را از من مخفی مساز.
- ۲۰ جان من در همه اوقات ساییده شده  
از اشتیاق برای قواعد تو.

۲۱ تو تهدید می کنی متکبران ملعون را  
که دور از احکام تو سرگردانند.

۲۲ ننگ و خواری را از من دور بران،  
زیرا اوامر تو را نگاه می دارم.

۲۳ آگر بزرگان بنشینند و بر ضد من سخن گویند،  
خدمتگزارت در باره فرامین تو می اندیشد.

۲۴ آری، اوامر تو لذت من است،  
(و) فرایض تو مشاورین من.

۲۵ دالت <sup>۲۶:۴۴</sup> جان من به خاک می چسبد،  
مرا بر حسب کلامت زنده ساز.

۲۶ طریق های خود را عرضه داشتم و تو مرا پاسخ گفتی؛  
فرامین خود را به من تعليم بد.

۲۷ طریق فرایض خود را به من بفهمان،  
و در باره شگفتیهای تو خواهم اندیشد.

۲۸ جان من از مشقت می گرید،  
مرا مطابق کلامت برخیزان.

۲۹ طریق دروغ را از من دور کن،  
و با شریعت خود به من التفات فرما.

۳۰ طریق صداقت را برگزیده ام،  
حریص قواعد تو هستم.

۳۱ به اوامر تو چسبیده ام،  
ای یهوه، مرا خجل مساز!

۳۲ در طریق احکام تو می دوم،  
زیرا دل مرا منبسط می سازی.

۳۳ ه ای یهوه، راه فرامین خود را به من بیاموز،  
می خواهم آن را تا به انتها نگاه دارم.<sup>۶</sup>

۳۴ ۲۳:۹ ار ۳۳:۳۱ مرا فهم بد، و شریعت تو را نگاه خواهم داشت  
و با تمامی دل خود آن را رعایت خواهم کرد.

۶ قرائت عبری: «و باداش من این خواهد بود که آتها را رعایت کنم». قرائت ابن عزرا: «آتها را با منفعت نگاه خواهم داشت»؛ یونانی: «پیوسته آنها را نگاه خواهم داشت»؛ ژروم و راشی: «قدم آنها را نگاه خواهم داشت»؛ ترجمه ما مبتنی است بر قرائت آرامی.

۳۵ مرا در راه احکام خود سالک گردان،  
زیرا خشنودی من در آن است.

۳۶ دل مرا به سوی اوامر خود مایل گردان،  
و نه به سوی سود.

۳۷ چشمانم را از سرایهای فریبینده برگردان،  
بر حسب طریق هایت مرا زنده ساز.

۳۸ به سخنان خود به خدمتگزاری جامه عمل بیوشان<sup>f</sup>،  
زیرا آنها به کسانی تعلق دارند که از تو می ترسند.

۳۹ ننگی را که از آن می ترسم از من برگردان،  
زیرا قواعد تو نیکوکارانه است.

۴۰ ببین؛ مشتاق فرایض تو هستم،  
بر حسب عدالت مرا زنده ساز.

اش ۱۵:۳۳

۴۱ ای یهوه، بادا که بر من فرا رسد الطاف تو<sup>g</sup>،  
نجات تو، بر حسب سخانت!

۴۲ آنگاه به هر که مرا اهانت کند پاسخ خواهم داشت،  
زیرا به کلامت اعتماد دارم.

۴۳ کلام امانت را از دهانم بر مدار،  
زیرا به قواعد تو امید بسته ام.

۴۴ می خواهم دائمًا شریعت تورا رعایت کنم،  
برای ابد و همیشه.

۴۵ بدینسان در وسعت سلوک خواهم نمود،  
زیرا در طلب فرایض تو هستم.

۴۶ در باره همه اوامر تو سخن خواهم گفت  
در حضور پادشاهان، و بدون خجالت.

مت ۱۰:۱۹

۴۷ احکام تورا لذت های خود خواهم ساخت: آنها را دوست می دارم!  
۴۸ دستان خود را به سوی احکامت [که دوست می دارم] برخواهم افراشت،

و در باره فرامین تو خواهم اندیشید.

یو ۴:۳۴

۵:۲۸:۲:۶۳

۴۹ زین کلام خود را به خدمتگزاری به یاد آور،  
که مرا به آن امیدوار ساخته ای.

۴۲:۱۰۵

<sup>f</sup> یا «تأیید کن». <sup>g</sup> ر. ک. توضیحات ۸۹:۲-۳.

۱:۱۲-مک  
۲:۱۵ روم

<sup>۵۰</sup> تسلای من در نگون بختی ام این است  
که سخنانت مرا زنده سازد.

<sup>۵۱</sup> متکبران تا آنجا که می خواهند مرا استهzae می کنند،  
از شریعت تو منحرف نمی شوم.

<sup>۵۲</sup> قواعد گذشته تو را به خاطر می آورم،  
ای یهوه، و خود را تسلی می دهم.

<sup>۵۳</sup> خشم مرا فرو گرفت

به سبب شریرانی که شریعت تو را ترک می گویند.

<sup>۵۴</sup> فرامین تو موضوع سرودهای من است

در خانه عمر در حال گذر من.

<sup>۵۵</sup> ای یهوه، شبانگاه نام تو را به یاد می آورم،  
و می خواهم شریعت تو را رعایت کنم.

<sup>۵۶</sup> بر من است که فرایض تو را نگاه دارم.

۱۱:۲-پط

۷:۶۳  
۱:۱۳۴

۱۳:۱۲-جا

<sup>۵۷</sup> قسمت من، ای یهوه، می گویم

رعایت سخنان تو است.

<sup>۵۸</sup> روی تو را با تمامی دل آرام می سازم،  
بر حسب سخنانت بر من ترجم فرما.

<sup>۵۹</sup> در باره طریق های خود تأمل می کنم،  
و می خواهم قدم های خود را به سوی اوامر تو باز گردانم.

<sup>۶۰</sup> می شتابم، و بدون آنکه تأخیر روا دارم،  
تا احکام تو را رعایت کنم.

<sup>۶۱</sup> بندهای شریران مرا در بر می گیرد؛

شریعت تو را فراموش نمی کنم.

۹:۴۲

<sup>۶۲</sup> در میانه شب بر می خیزم تا تو را تمجید نمایم  
به سبب قواعد عدالت.

<sup>۶۳</sup> من یار جمله آنانی هستم که از تو می ترسند  
و آنان که فرایض تو را رعایت می کنند.

<sup>۶۴</sup> ای یهوه، زمین از وفاداری تو پر است،  
فرامین خود را به من تعلیم ده.

ح

۵:۱۶

قرائت آرامی: «به یاد آوردم».

- ۶۴ تو به خدمتگزارت نیکویی کرده ای  
ای یهُوه، مطابق کلامت.  
۶۵ داوری نیکو<sup>۱</sup> و علم را به من تعلیم ده،  
زیرا به احکامت ایمان دارم.  
۶۶ پیش از آنکه خوار شوم، گمراه می شدم،  
اما اکنون سخنانست را رعایت می کنم.  
۶۷ تو نیک و نیکوکار هستی:  
فرایض خود را به من بیاموز.  
۶۸ متکبران مرا با دروغ می پوشانند،  
من با تمامی دل خود فرایض تورا نگاه می دارم.  
۶۹ دل ایشان همچون پیه ضخیم است،  
اما لذت های من شریعت تو است.  
۷۰ برای من نیکو بود که خوار شدم،  
تا فرایض تورا بیاموزم.  
۷۱ برای من شریعت دهان تو بهتر است  
از هزاران [سکه] طلا و نقره.  
۷۲
- ۷۳ دستان تو مرا ساخته اند، برقرار داشته اند؛  
مرا فهم بد، و احکام تورا خواهم آموخت.  
۷۴ آنان که از تو می ترسند، با دیدن من شادی خواهند کرد،  
زیرا به کلام تو امید بسته ام.  
۷۵ ای یهُوه، می دانم که قواعد تو درست است،  
و با صداقت بوده که مرا خوار ساختی.  
۷۶ بادا که وفاداری تو تسلای من گردد،  
مطابق سخنانست<sup>۲</sup> به خدمتگزارت.  
۷۷ بادا که رحمت تو بر من بیاید و خواهم زیست،  
زیرا شریعت تو لذت های من است.  
۷۸ شرم باد بر متکبران، زیرا به اشتباه با من بدرفتاری می کنند،  
من بر فرایض تو تأمل می کنم.

<sup>۱</sup> این گونه نیز می توان ترجمه کرد: «آنچه را که در داوری نیکو است...»؛ قرائت های یونانی و سریانی: «نیکویی و تأدیب و علم را به من تعلیم ده». <sup>۲</sup> یعنی «مطابق آچه برای خدمتگزارت امر کرده ای».

<sup>۷۹</sup> بادا که آنان که از تو می ترسند به سوی من برگردند  
و اوامر تو را بشناسند.<sup>k</sup>

<sup>۸۰</sup> بادا که دلم تمامًا با فرامین تو باشد<sup>۱</sup>،  
تا شرمسار نگردم.

<sup>۸۱</sup> کاف جان من برای نجات تو تحلیل می رود،  
به کلام تو امید بسته ام.

<sup>۸۲</sup> چشمانم برای سخنان تو کم سو می گردد،  
می گوییم: کی مرا تسلی خواهی داد؟

<sup>۸۳</sup> گرچه مانند مشکی باشم که در معرض دود قرار گرفته<sup>m</sup>،  
فرامین تو را فراموش نخواهم کرد.

<sup>۸۴</sup> چه مقدار است روزهای خدمتگزار تو؟  
کی آزارکنندگانم را جزا خواهی داد؟

<sup>۸۵</sup> متکبران برایم گودالها حفر می کنند،  
بدون توجه به شریعت تو.

۲:۱۰۱

۲:۷

۷:۵۷

۴:۳۳  
۸-۷:۱۱۱

<sup>۸۶</sup> تمامی احکام تو صداقت است،  
به خطای مرا تعاقب می کنند: مرا امداد فرما.

<sup>۸۷</sup> نزدیک بود مرا در سرزمین از میان بر دارند،

اما من فرایض تو را ترک نکرده ام.

<sup>۸۸</sup> مطابق وفاداری ات مرا زنده ساز،  
و حکم دهان تو را رعایت خواهم کرد.

<sup>۸۹</sup> لامد ای یهوه، کلام تو ابدی است!

۸:۴۰

آن در آسمانها بر پا می شود.

<sup>۹۰</sup> صداقت تو از دوره به دوره است!

۵:۱۰۴

۲۵:۳۳

تو زمین را برقرار داشته ای: آن پایدار می ماند.

<sup>۹۱</sup> همه چیز تا به امروز مطابق قواعد تو استوار است،

زیرا که عالم هستی در خدمت تو است.

<sup>۹۲</sup> اگر شریعت تو لذت های من نمی بود،

آنگاه در سیه روزی خود هلاک می شدم.

قرائت متن نوشته شده: «اوامر تو را خواهند شناخت»؛ ترجمه ما مبتنی است بر قراءت متن خوانده شده و ترجمه های قدیمی.

<sup>۱</sup> تحت الفظی: «بادا که دلم به واسطه فرامین تو کامل باشد».

<sup>m</sup> یعنی مشکی که سفت شده باشد.

- ۹۳ فرایض تو را هرگز از یاد نخواهم برد،  
زیرا با آنها است که مرا زنده می سازی.  
۹۴ من از آن تو هستم: مرا نجات ده،  
زیرا فرایض تو را طالب هستم.  
۹۵ شریران منتظر من اند تا هلاکم سازند،  
به اوامر تو هشیار می مانم.  
۹۶ برای هر کمالی محدوده هایی دیدم،  
بی نهایت گسترده است حکم تو.  
بنسی ۲۹:۲۴
- ۹۷ شریعت تو را چقدر دوست می دارم!  
آن تمامی روز تفکر من است.  
۹۸ حکم تو مرا از دشمنانم حکیم تر می سازد،  
زیرا آن تا به ابد از آن من است.  
۹۹ از جمیع معلمان خود داناتر هستم،  
زیرا اوامر تو تفکر من است.  
۱۰۰ بیش از سالخوردنگان می فهمم،  
زیرا فرایض تو را نگاه می دارم.  
۱۰۱ پایهای خود را از هر راه بد دور می سازم،  
تا کلام تو را رعایت کنم.  
۱۰۲ از قواعد تو دور نمی شوم،  
زیرا مرا تو تعلیم داده ای.  
۱۰۳ چه شیرین است به کام من سخنان تو،  
بیش از عسل، به دهانم!  
۱۰۴ در اثر فرایض تو هوشمند هستم؛  
از این رو، از هر راه دروغ نفرت می دارم.  
بنسی ۲۰:۲۴؛ ۱۱:۱۹
- ۱۰۵ کلام تو برای پایهایم چراغ است،  
نوون و برای راهم، نور!  
۱۰۶ سوگند یاد کرده ام - و قول خود را نگاه خواهم داشت -  
که قواعد عدالت تو را رعایت کنم.  
۱۰۷ من تا به نهایت خوار شده ام،  
ای یهوه، مطابق کلامت مرا زنده ساز.  
امث ۲۳:۶

ار ۱۵:۶

<sup>n</sup> ۱۰۸ ای یهوه، لطف کرده، هدایای دهانم را مقبول دار،  
و قواعد خود را به من تعلیم ده.

۱۰۹ ازندگی ام پیوسته در معرض خطر است،  
اما شریعت تو را فراموش نمی کنم.

۱۱۰ شریران برایم دامی گسترده اند،  
اما از فرایض تو گمراه نشده ام.

۱۱۱ اوامر تو تا به ابد میراث من است،  
زیرا آنها شادی دل من می باشند.

۱۱۲ دل خود را متمایل می سازم تا فرامین تو را به عمل آورم  
تا به ابد، تا به انتها.<sup>p</sup>

بنسی ۲:۱۲

سامِک <sup>۱۱۳</sup> [دلهای] دور و را نفرت می دارم،  
و آنچه دوست می دارم، شریعت تو است.

۱۱۴ تو پناهگاه و سپر من هستی،  
به کلام تو امید بسته ام.

۱۱۵ ای بدکاران، از من دور شوید،  
می خواهم احکام خدایم را نگاه دارم.

۱۱۶ مرا مطابق سخنان حمایت فرما و خواهم زیست،  
مرا از امیدم خجل مساز.

۱۱۷ تکیه گاه من باش و نجات خواهم یافت،  
و فرامین تو را دائمًا نظاره گر خواهم بود.

۱۱۸ تو جمیع آنان را که از فرامین تو دور و گمراه می شوند خوار می شماری،  
زیرا فکرهای آنان نیست جز فریبکاری.

۱۱۹ همه شریران زمین را درد فلزات به شمار می آوری،  
از این رو است که اوامر تو را دوست می دارم.

۱۲۰ از ترس تو گوشت من به لرزه می آید،  
و از قواعد تو هراسنم.

<sup>n</sup> تحت اللفظی: «هدایای سخاوتمندانه (یا خودجوش) دهانم را مقبول دار».

<sup>o</sup> تحت اللفظی: «جانم پیوسته بر کف دستانم می باشد»، ر.ک. ایوب ۱۳:۴؛ برخی از نسخ یونانی و سریانی آورده اند: «جانم در دستان تو است»، ر.ک. ۳۱:۶.

<sup>p</sup> قرائت عبری: «تا ابد اجر من می باشد». برخی نسخ یونانی: «تا به ابد به سبب اجر»؛ سیماک و زروم: «به منظور اجر ابدی»، ترجمه ما مبتنتی است بر قرائت آرامی.

- عَيْنٌ ۱۲۱ انصاف<sup>۹</sup> و عدالت را به جا آورده ام،  
مرا به ستم کنندگانم رها مساز.
- ۱۲۲ برای خدمتگزارت به جهت نیکی ضامن باش،  
بادا که متکبران بر من ستم نرانند.
- ۱۲۳ چشممان برای نجات تو کم سو می شود  
و برای سخنان عدالت تو.
- ۱۲۴ با خدمتگزارت مطابق وفاداری ات عمل نما،  
و فرامین خود را به من تعليم ده.
- ۱۲۵ من خدمتگزار تو هستم: مرا فهم بد و اوامر تو را خواهم شناخت.
- ۱۲۶ وقت آن است که یهوده عمل کند<sup>۱۰</sup>:  
شروعت تو را مورد تجاوز قرار می دهند.
- ۱۲۷ به این سبب است که احکام تو را دوست می دارم  
بیش از طلا و زر ناب.
- ۱۲۸ به این سبب است که از پی جمیع فرایضت مستقیم سلوک می کنم<sup>۱۱</sup>،  
از هر راه دروغ نفرت می دارم.

۱۶:۱۱۶  
۱۲:۱۳۳  
۱۴:۱۰۲:۱۴:۶۹

- ف ۱۲۹ اوامر تو شگفت انگیز است!  
به این سبب است که جانم آنها را نگاه می دارد.
- ۱۳۰ شرح کلام تو تنویر می بخشد،  
به مردمان ساده هوشمندی می دهد.
- ۱۳۱ دهان می گشایم و نفس می کشم،  
زیرا حریص احکام تو هستم.
- ۱۳۲ به سوی من برگرد و بر من ترحم فرما،  
مطابق آنچه که برای دوستداران نامت انصاف است.
- ۱۳۳ قدم هایم را مطابق سخنانست استوار ساز،  
مگنار هیچ بی انصافی بر من مسلط شود.
- ۱۳۴ مرا از ستم انسان آزاد ساز  
و فرایض تو را نگاه خواهم داشت.

۹:۱۹

اش ۷۴:۱  
لوا ۱۴:۵

<sup>۹</sup> این کلمه در آیه قبلی و در تمام مزامیر، «قواعد» ترجمه شده است.  
<sup>۱۰</sup> این جمله می تواند معنایی دو پهلو داشته باشد: «وقت آن است که برای یهوده عمل کنیم» (قرائت سریانی و نوشته های ربی ها همین معنی را ثبت کرده اند): یا مانند ترجمه ما، «وقت آن است که یهوده عمل کند» (مطابق قرائت وولگات).  
<sup>۱۱</sup> قرائت عبری: «به این سبب است که همه فرایض را در همه نکاتش درست می یابم»؛ ترجمه ما مبتنی است بر قرائت یونانی.

۱۷:۳۱ ۱۳۵ روی خود را برای خدمتگزارت درخشنان فرما  
و فرامین خود را به من تعلیم ده.  
۱۷:۱۳ ۱۳۶ چشمانم ذوب شده، نهرها می‌شود،  
زیرا شریعت تو را نگاه نمی‌دارند.

تیث:۴:۳۲ ای یهُوهُ، تو عادلی،  
مکاف:۷:۶ و در قواعد خود، راست.  
۲:۱۹ ۱۳۷ اوامر خود را امر فرموده ای بر حسب عدالت  
و صداقتی کامل.  
۱۰:۶۹ ۱۳۸ غیرتمن مرا از میان می برد،  
زیرا مخالفانم سخنان تو را فراموش می‌کنند.  
۱۴۰ سخنان تو آزموده شده می باشند<sup>t</sup>، تمامًا!  
و خدمتگزارت آنها را دوست می دارد.  
۱۴۱ من ناچیز و تحقیرشده هستم؛  
فرایض تو را از یاد نخواهم برد.  
۱۴۲ عدالت تو عدالت است تا به ابد،  
و شریعت تو، وفاداری.  
۱۴۳ پریشانی و اضطراب به من رسیده،  
احکام تو لذت های من هستند.  
۱۴۴ اوامر تو راست است تا به ابد!  
مرا فهم بده و خواهم زیست.

حک:۸ ۱۴۵ با تمامی دل می خوانم، مرا پاسخ ده، ای یهُوهُ؛  
۹:۵۷ ۱۴۶ می خواهم فرامین تو را نگاه دارم.  
۱۴۶ تو را می خوانم، مرا نجات ده،  
و اوامر تو را نگاه خواهم داشت.  
۱۴۷ بر پیگاه پیشی می گیرم و استغاثه می کنم،  
به کلام تو امید بسته ام.  
۱۴۸ چشمانم بر پاسهای شب پیشی می گیرد<sup>u</sup>،  
تا بر سخنان تو بیندیشم.

<sup>t</sup> تحتاللفظی: «کلام تو کاملاً در آتش تصفیه شده است» (ر. ک. ۷:۱۲).

<sup>u</sup> یعنی «چشمان خود را پیش از پیگاه می گشایم».

۱۴۹ مطابق وفاداری ات صدای مرا بشنو،  
ای یهُوهُ، مطابق قواعدت مرا زنده ساز.  
۱۵۰ آزار کنندگان بدنام نزدیک می شوند،

از شریعت تو دور می شوند.

۱۵۱ تو نزدیک هستی، ای یهُوهُ،  
و همه احکامت وفاداری است.

۱۵۲ از دیرباز از اوامر تو می دانم،  
که آنها را تا به ابد بنیان گذاردۀ ای.

۷:۴

۱۸:۵

۱۵۳ رِش نگون بختی مرا بین و مرا رهایی ده،  
زیرا شریعت تو را فراموش نمی کنم.

۱۵۴ از امر من دفاع کن و انتقام مرا بگیر،  
بر حسب سخنانت مرا زنده ساز.

۱۵۵ دور است از شریران، نجات!  
زیرا طالب فرامین تو نیستند.

۱۵۶ رحمت تو عظیم است، ای یهُوهُ،  
بر حسب قواعدت مرا زنده ساز.

۱۵۷ بسیار ند آزار کنندگان و مخالفان!  
از اوامر تو منحرف نمی شوم.

۱۷:۶۹

۱۰:۹۵

۱۵۸ با دیدن خیانت پیشگان احساس انژار می کنم،  
زیرا سخنان تو را رعایت نمی کنند.

۱۵۹ ببین چقدر دوست می دارم فرایض تو را؛  
ای یهُوهُ، مطابق وفاداری ات مرا زنده ساز.

۱۶۰ خلاصه کلام تو وفاداری است،  
ابدی است هر قاعده عدالت تو!

۱۷:۱۷

۱۶۱ شین بزرگان مرا بی علت آزار می دهند،  
اما دل من نمی لرزد جز از سخنان تو.

۱۶۲ من به سبب سخنان تو است که شادی می کنم،  
همچون کسی که غنیمتی بزرگ یافته باشد.

اشی: ۴۳:۹

۱۶۳ دروغ را نفرت می دارم، از آن میزجم،  
آنچه دوست می دارم، شریعت تو است.

۱۶۴ هفت بار در روز تورا می ستایم،  
به سبب قواعد عدالت تو.

۱۶۵ آرامش عظیمی است برای آنان که شریعت تورا دوست می دارند!  
هیچ چیز ایشان را نمی لغزاند.

۱۶۶ به نجات تو امید بسته ام، ای یهُوهِ،  
و احکام تورا به جا می آورم.

۱۶۷ جان من اوامر تورا رعایت می کند،  
و آنها را بی نهایت دوست می دارم.

۱۶۸ فرایض و اوامر تورا رعایت می کنم،  
زیرا همه طریق های من در حضور تو است.

۱۰:۲-یو

۱۶۹ باشد که فریادم به حضور تو نزدیک آید، ای یهُوهِ،  
مطابق کلامت مرا فهم بدہ.

۱۷۰ باشد که استغاثه من به حضور تو برسد،  
مطابق سخنانت مرا رهابی ۵.

۱۷۱ باشد که لبانم ستایش تورا بیان کند،  
زیرا فرامین خود را به من تعلیم می دهی.

۱۷۲ باشد که زبانم سخنان تورا بسراید،  
زیرا همه احکام تو عدالت است.

۱۷۳ باشد که دست تو مرا امدادگر باشد،  
زیرا فرایض تورا اختیار کرده ام.

۱۷۴ مشتاق نجات تو هستم، ای یهُوهِ،  
و شریعت تو لذت های من است.

۱۷۵ باشد که جانم زنده بماند و تورا بستاید،  
و قواعد تو مرا یاری دهد!

۱۷۶ همچون گوسفندی گمشده سرگردان؛ خدمتگزار خود را جستجو نما،  
زیرا احکام تورا از یاد نخواهم برد.

۱۲:۷-یو

اش:۶:۵-۶؛  
حق:۳:۳-۴؛  
لود:۱:۱-۲؛  
پط:۲:۲-۱

## مزمور ۱۲۰ (۱۱۹) <sup>v</sup>

<sup>۱</sup> سرود برآمدنها <sup>w</sup>.

در پریشانی ام فریاد بر می آورم <sup>x</sup>  
به سوی یهوه؛ او مرا پاسخ می دهد:  
ای یهوه، جان مرا از لب دروغگو رهایی ده،  
از زبان فریبکار. <sup>۳:۵؛ ۱۱۸:۷:۸۶</sup>  
<sup>۲:۵؛ ۱۹:۳۱</sup>  
<sup>بنسی.</sup>

۳ تو را چه خواهد داد، به تو چه خواهد افزود <sup>y</sup>،  
به تو، ای زبان فریبکار؟  
۴ تیرهای تیز مرد جنگی  
با اخگرهای گل طاووسی. <sup>۲:۱۰۹</sup>

۵ وای بر من که در ماشک اقامت گزینم،  
که در میان خیمه های قیدار <sup>z</sup> ساکن شوم!  
۶ جان من بس طولانی ساکن شده <sup>۵:۱۰۹</sup>  
در میان آنان که آرامش را نفرت می دارند.  
۷ من کاملاً به جانب آرامش هستم، اما چون سخن می گویم <sup>a</sup>،  
ایشان برای جنگ می باشند.

## مزمور ۱۲۱ (۱۲۰)

<sup>۱</sup> سرود برای برآمدنها.

چشمان خود را به سوی کوهساران بلند می کنم <sup>b</sup>:  
امداد من از کجا خواهد آمد <sup>c</sup>? <sup>۳:۱۳۳:۱:۱۲۳</sup>

۷ به نظر برخی از دانشمندان، «هلل بزرگ» («سرود بزرگ ستایش») که عمدتاً «اگر نگوییم انحصاراً - شامل مزمور ۱۳۶ می گردد، از همین مزمور ۱۲۰ آغاز می شود. <sup>w</sup> پانزده مزمور (۱۳۴-۱۲۰) از این عنوان برخوردارند. احتمالاً اینها مزامیر زیارتی هستند که در طول «برآمدن» به اورشليم (ر.ک. اشک ۳:۶؛ ار ۳:۳؛ مز ۸۴) سروده می شدند، خصوصاً برای سه عید بزرگ (خروج ۲۳:۱۷-۱۴). بعضی نیز بر این عقیده اند که منظور برآمدن از بابل است (ر.ک. عنوان سریانی و عز ۷:۴). قرائت های یونانی و زروم: «پله ها» یا «درجات»، و میشنا نیز همین گویه قرائت کرده است (سوکا ۵:۴)، و این تداعی کننده پانزده پله ای است که می بایست از آنها بالا رفت تا به صحن اسرائیل در معبد رسید.

<sup>x</sup> در خصوص «نبایشهای انفرادی برای درخواست کمک»، ر.ک. «مقدمه».

<sup>y</sup> فاعل این افعال غیر شخصی است و متنظر می تواند با «یهوه» باشد یا «زبان دروغگو».

<sup>z</sup> «ماشک»، ر.ک. توضیح پید ۱۰:۲؛ قرائت های یونانی و سریانی: «اقامت طویل شده است». «قیدار» قبیله ای بیانگرد در صحرای عربستان می باشد؛ ر.ک. توضیح پید ۱۳:۲۵.

<sup>a</sup> ترجیه احتمالی دیگر همراه با زروم: «من آز آرامش سخن می گویم».

<sup>b</sup> در خصوص «مزامیر اعتماد»، ر.ک. «مقدمه».

<sup>c</sup> قرائت یونانی: «چشمان خود را به سوی کوهها بلند می کنم که امداد من از آنجا می آید».

۳:۲۰:۵:۳  
۳:۱۳۴:۸:۱۲۴

۲ امداد من از یهُوه می‌آید،  
که آسمان و زمین را ساخته است.

۹:۶۶  
۱-پاد:۱۸۷

۳ او نمی‌گذارد پایت تلوتلو بخورد،  
محافظ تو خواب آلد نمی‌شود!  
۴ نه، او نه دچار خواب آلدگی می‌شود و نه می‌خوابد،  
آن محافظ اسرائیل.

:۴:۲۵ اش:۱:۹۱  
۳۵:۱ لپ:۱۰۹:۸:۱۶

۵ یهُوه محافظ تو است،  
یهُوه سایبان تو است،  
به دست راست تو [می‌ایستد].

۱۰:۹۷:۳:۴۱  
۶:۲۸ تث  
۳:۱۳۱:۲:۱۲۵

۶ در طول روز، آفتاب تورا نخواهد زد،  
نه ما در طول شب.  
۷ یهُوه تورا از هر بدی نگاه خواهد داشت،  
او جان تورا نگاه خواهد داشت.  
۸ یهُوه خروج و دخولت را نگاه خواهد داشت،  
از کنون و تا به ابد.

## مزمور ۱۲۲ (۱۲۱)

۱ سرود برآمدنها. از داود.  
در شادی بودم آنگاه که مرا گفتند<sup>d</sup>:  
«به خانه یهُوه برویم!»

۲ پایهای ما متوقف می‌شود  
بر دروازه‌های تو، ای اورشلیم،  
۳ اورشلیم که همچون شهری بنا شده  
که در آن همه چیز با هم استوار است.<sup>e</sup>

<sup>d</sup> در خصوص «سرودهای صهیون»، ر.ک. «مقدمه».

<sup>e</sup> قرائت‌های عبری و ترجمه‌های قدیمی مبهم هستند. در ضمن، بر اساس قرائت‌های یونانی و وولگات می‌توان استبطاط کرد که منظور بیشتر استواری مردمان است (ر.ک. دنبال مزمور واع ۴:۲) تا استواری بنها.

<sup>۴</sup> در آنجا است که قبیله‌ها بر می‌آیند،  
قبیله‌های یا ه؛  
<sup>f</sup> این حکمی است برای اسرائیل  
که نام یهوه را تمجید کنند.  
<sup>۵</sup> در آنجا است که کرسیها برای داوری برقرار شده،  
کرسیها ی برای خاندان داد.

لو:۴۲:۲  
۱-پاد:۷:۸  
۲-نو:۱۹:۸

<sup>۶</sup> برای اورشلیم آرامش بطلبید،  
آسوده باشند آنان که تورا دوست می‌دارند!  
<sup>۷</sup> آرامش در دیوارهای تو باشد،  
آسودگی در قصرهای تو!

<sup>۸</sup> به سبب برادرانم و دوستانم،  
می‌خواهم بگویم: آرامش برای تو!  
<sup>۹</sup> به سبب خانه یهوه، خدای ما،  
می‌خواهم برایت سعادت بطلبم.

۸:۲۶

## مزمور ۱۲۲ (۱۲۳)

۱ سرود برآمدنها.

به سوی تو چشمان خود را بلند می‌کنم،<sup>g</sup>  
تو که در آسمانها جلوس فرموده‌ای.  
<sup>۲</sup> آری، چون چشمان بردگان  
به سوی دست اربابانشان،  
چون چشمان کنیز  
به سوی دست خاتونش،  
به همان سان چشمان ما [بلند می‌شود] به سوی یهوه، خدای ما،  
تا آن گاه که بر ما ترحم فرماید.

۲:۱۲۱  
۲-مک:۳:۳۹  
۵:۳۴:۶:۹  
۱۴:۱:۱۵  
۱۴:۱۵:۱

<sup>۳</sup> بر ما ترحم فرما، ای یهوه، بر ما ترحم فرما:  
زیرا بیش از حد از تحقیر سیراب شده‌ایم،

۱۴:۱۷-۱۴:۱۷

<sup>f</sup> قرائت یکی از کتاب‌های مزامیر قمران (ر.ک. سیماک): جماعت اسرائیل.  
<sup>g</sup> در خصوص «نیایشهای گروهی برای درخواست کمک»، ر.ک. «مقدمه».

امث:۱۶

<sup>۴</sup> جان ما بسیار سیراب شده  
از استهزای خشنودان،  
از تحقیر متکبران.<sup>h</sup>

### (۱۲۳) ۱۲۴ مزمور

<sup>۱</sup> سرود برآمدنها. از داود.

اگر یهُوه<sup>i</sup> به جانب ما نبود<sup>j</sup>

- اسرائیل این را بگوید-<sup>k</sup>

۱۲ اگر یهُوه به جانب ما نبود،

آن هنگام که مردمان بر علیه ما به پا خاستند،

۱۳ آنگاه ما را زنده می بلعیدند،

در شدت خشم خود بر علیه ما؛

۱۴ آنگاه آبها ما را فرو می برد،

سلابی بر روی گلوی ما می گذشت؛

۱۵ آنگاه بر روی گلوی ما می گذشت

همچون آبهای جوشان.

۱۷:۹۴

۱:۱۲۹

۲۵:۳۵

۳۴:۵۱

۱۲:۱

۶:۳۲

۸:۴۲

۳-۲:۶۹

۸-۷:۸

اش

<sup>۶</sup> متبار ک باد یهُوه که ما را نسپرده

همچون طعمه ای به دندانهای ایشان!

۷ جان ما به سان گنجشکی رهایی یافته

از دام شکارچیان پرندگان؛

دام پاره شده،

ما رهایی یافته ایم.

۲۱:۳۳:۸:۲۰

امث:۱۸

۱۵:۱۱۵

۲:۱۲۱

۶:۱۴۶

<sup>۸</sup> امداد ما در نام یهُوه است<sup>l</sup>

که آسمان و زمین را ساخته است.

h ترجمه ما قطعی نیست. قرائت عبری: «سیرشدگان چیزی جز یک مزاح نیستند! تحقیر از آن متکبران است!» قرائت یونانی:

«خجالت از آن سیرشدگان است، تحقیر از آن متکبران». ترجمه ما مبتنی است بر سایر ترجمه های قدیمی.

i در خصوص «نیاشهای گروهی قدردانی»، ر. ک. «قدمه».

j قرائت های یونانی و ژروم: «در میان ما نبود» (اینجا و در آیه ۲).

k ر. ک. ۲:۱۱۸.

l قرائت عبری: «امداد ما نام یهُوه است»؛ ترجمه ما مبتنی است بر قرائت یونانی.

## مزمور ۱۲۵ (۱۲۴)

۱ سرود برآمدنها.

آنان که به یهُوه اعتماد دارند،  
همچون کوه صهیون می باشند،<sup>m</sup>  
که جنبش ناپذیر است،<sup>n</sup>  
تا به ابد می ماند.

۲ ای اورشلیم، کوهها تو را احاطه کرده اند،  
یهُوه نیز قوم خود را احاطه کرده  
از کنون و تا به ابد.

زک:۲

۸:۱۲۱

۳ نه، چوبیدست آدم شریر قرار نخواهد گرفت  
بر نصیب عادلان،  
تا عادلان دست نیازند به سوی بی انصافی.

اش:۵

۴ ای یهُوه، به نیکان نیکویی کن  
به آنان که دلی راست دارند.

۲۷-۲۵:۱۸

مت:۲۳

۵ اما برای آنان که به راههای کج خود منحرف می شوند،  
بادا که یهُوه ایشان را بکشد با آنان که بدی می کنند!

آرامش بر اسرائیل باد!

۶:۱۲۸

غلا:۱۶

## مزمور ۱۲۶ (۱۲۵)

۱ سرود برآمدنها.

وقتی یهُوه اسیران صهیون را باز آورد<sup>۰</sup>,

:۷:۱۴

:۷:۵۳

گویی خواب می دیدیم<sup>P</sup>:

۲:۸۵

۲ آنگاه دهانمان پر از خنده بود،

ایوب:۸

زبانمان پر از فریادهای شادی:

۲۱:۸

m در خصوص «مزامیر اعتماد»، ر.ک. «مقدمه».

n قرائت نسخه ای متعلق به قیران (نیز ر.ک. ترجم): «صهیون جنبش ناپذیر است».

o قرائت عبری: «به هنگام بازگشت یهُوه، با بازگشت صهیون». ترجمه ما میتوانی ا است بر قرائت های یونانی، سریانی، و ژروم (ر.ک. توضیح ار ۱۴:۲۹).

p تحتاللغی: «مانند کسانی بودیم که خواب می بینند». ترجمه ای دیگر با توجه به قرائت آرامی: «مانند شفای افسنگان»؛ یونانی: «مانند کسانی که تسلی یافته اند»؛ سریانی: «مانند کسانی که شادی می کنند».

آنگاه در میان ملت‌ها می‌گفتند:  
«یهوه برای ایشان چیزهای عظیم انجام داده است!»

<sup>۳</sup> یهوه برای ما چیزهای عظیم انجام داده است:  
در شادمانی به سر می‌بردیم.  
<sup>۴</sup> ای یهوه، اسیران ما را باز آور<sup>۹</sup>،  
همچون سیلابهای نگب<sup>۱۰</sup>.

<sup>۵</sup> آنان که با اشکها می‌کارند،  
با فربادهای شادمانی درو می‌کنند؛  
<sup>۶</sup> می‌روند، تمامًا<sup>۱۱</sup> گریان می‌روند،  
بذر را می‌برند و می‌افکنند<sup>۱۲</sup>؛  
باز می‌گردند، باز می‌گردند با فربادهای شادی،  
(و) بافه‌ها حمل می‌کنند.

۲۳:۴ بار

## مزمور ۱۲۷ (۱۲۶)

<sup>۱</sup> سرود برآمدنها. از سلیمان.

اگر یهوه<sup>t</sup> خانه را بنا نکند<sup>۱۳</sup>،  
بیهوده است که بنایان رحمت کشند؛  
اگر یهوه شهر را نگاه ندارد،  
بیهوده است که پاسبانان نگهبانی دهند.

۱۹:۳ پید

<sup>۲</sup> بیهوده است که صبح زود بر می‌خیزید،  
استراحت خود را به تأخیر می‌اندازید،  
و نان کار پرمشقت خود را می‌خورید،  
وقتی او به محبوب خود که خفته است نان می‌دهد<sup>v</sup>.

<sup>q</sup> می‌توان این گونه نیز ترجمه کرد: «ای یهوه، با اسیران ما باز گرد». <sup>r</sup>

سیلابهای صحرا به ناگاه حاصل خیزی را به همراه می‌آورند.

<sup>s</sup> تحت اللظی: «مسیری طولانی از بذر را حمل می‌کنند».

<sup>t</sup> در خصوص «مزامیر تعلیمی»، ر. ک. «مقدمه».

<sup>u</sup> شاید منظور معبد باشد (ر. ک. عنوان مزمور).

<sup>v</sup> ترجمه قطعی نیست. قرائت ترجمه‌های قدیمی: «حال آنکه به دوست خود خواب می‌دهد».

آری، پسران میراثی از یهُوهِ هستند،  
پاداش، ثمره احشاء.  
به سان تیرهایی در دست جنگاور،  
چنین هستند پسران جوانی؛

خوشابه حال آن مرد که ترکش خود را از آنان پر کرده است!  
هیچ شرم‌ساری برای وی نخواهد بود وقتی مرافعه می‌کند  
بر دروازه با دشمنان خود.

ایوب ۱۰-۵:۲۹

## مزمور ۱۲۸ (۱۲۷)

۱ سرود برآمدنها.

خوشابه حال هر آن کس که از یهُوهِ می‌ترسد،  
که در طریق‌ها او سلوک می‌کند!

۱:۱۱۲

از دسترنج خود، آری، خوارک خواهی خورد؛  
سعادتمند خواهی بود و کامیاب!  
زوجه ات همچون تاکی بارور خواهد بود  
در اندرون خانه ات،  
پسرانت همچون نهال درخت زیتون  
گردآگرد سفره ات.

۱۲:۱۴۴

اینچنین مبارک خواهد بود  
آن کس که از یهُوهِ می‌ترسد.

یهُوه تورا از صهیون برکت دهد،  
و بتوانی کامیابی اورشلیم را ببینی  
تمامی روزهای عمرت!  
و بتوانی پسران پسرانت را ببینی!

۳:۱۳۴

آرامش بر اسرائیل باد!

۵:۱۲۵

## مزمور ۱۲۸ (۱۲۹)

<sup>۱</sup> سرود برآمدنها.

از جوانی ام بارها بر من فشار وارد آورده اند<sup>w</sup>

- اسرائیل این را بگوید-<sup>x</sup>

از جوانی ام بارها بر من فشار وارد آورده اند،

اما بر من چیره نشده اند.

<sup>۳</sup> شخم کنندگان<sup>y</sup> پشت مرا شخم زده اند،

و شیارهای طویل کشیده اند.

<sup>۴</sup> یهوه عادل است:

او طنابهای شریران را قطع کرده است.

<sup>۵</sup> بادا که خجل شوند و عقب بروند

همه آنان که صهیون را نفرت می دارند.

<sup>۶</sup> بادا که همچون علف بامها باشند،

که پیش از بر کدن آن<sup>z</sup>، خشک می شود؛

<sup>۷</sup> در و کننده دست خود را از آن پر نمی کند،

نه دسته بند بافه ها دامن خود را؛

<sup>۸</sup> و عبور کنندگان نخواهند گفت:

«برکت یهوه بر شما باد!»

«شما را به نام یهوه برکت می دهیم.»

۲۶:۱۱۸

## مزمور ۱۳۰ (۱۲۹)

<sup>۱</sup> سرود برآمدنها.

از عمق ها تورا می خوانم، ای یهوه<sup>a</sup>:

<sup>۲</sup> ای خداوند، صدای مرا بشنو!

<sup>w</sup> در خصوص «مزامیر اعتماد»، ر.ک. «مقدمه».

<sup>x</sup> ر.ک. ۲:۱۱۸

<sup>y</sup> قرائت قمران و یونانی: «بی ایمانان».

<sup>Z</sup> ترجمه فاقد قطعیت است؛ قرائت عبری: «پیش از آنکه رشد کند»؛ ژروم و آرامی: «پیش از شکوفا شدن»؛ ترجمه ما مبتنى

است بر قرائت یونانی.

<sup>a</sup> این مزمور را باید جزو «نیایشهای انفرادی برای درخواست کمک» به شمار آورد؛ ر.ک. «مقدمه».

گوشاییت متوجه باشد  
به صدای استغاثه های من!

<sup>۳</sup>اگر به خطاهای توجه کنی، ای یاه،  
چه کس قاب خواهد آورد، ای خداوند؟  
<sup>۴</sup>اما نزد تو بخشایش هست،  
تا تو را تکریم کنند.<sup>c</sup>

<sup>۵</sup>یهُوه را انتظار می کشم، جان من انتظار می کشد،  
و به کلام او امید بسته ام.

<sup>۶</sup>جان من خداوند [را انتظار می کشد]،  
بیش از منتظران صبح،  
آری، بیش از منتظران صبح.

<sup>۷</sup>اسرائیل به یهُوه امید بیندد،<sup>d</sup>  
زیرا وفاداری نزد یهُوه می باشد،  
باخرید فراوان است نزد او.  
<sup>۸</sup>او است که اسرائیل را آزادی خواهد بخشید  
از جمیع خطاهایش.

:۲۲:۲۵  
مت:۱:۲۱  
تیط:۱۴:۲

## مزمور ۱۳۱ (۱۳۰)

<sup>۱</sup>مزمور برآمدنها. از دادود.

ای یهُوه، دل من بر افراشته نمی شود<sup>e</sup>  
و نگاههایم متکبرانه نیست.  
راهی از بزرگیها را در پیش نگرفتم،  
نه شگفتیهایی که از من فراتر می رود.

b چون خدا پر از مهربانی و رحمت است به این دلیل مخلوقاتش او را احترام داشته و محبت می نمایند.  
c تحتاللطفی: «طوری که مورد ترس قرار می گیری» (منظور ترسی است الهام یافته از احترام و نه وحشت).  
d قرائت قمران: «ای جان من، به خداوند امید بیند، بیش از نگهبان به صبح. ای اسرائیل، بیش از نگهبانی که به صبح امید  
می بیند، به خداوند امید بیند».  
e در خصوص «مزامیر اعتماد»، ر.ک. «مقدمه».

<sup>۲</sup>نه، جان خود را صاف و در خاموشی نگاه می‌دارم،  
چون کودکی گرفته شده از شیر، بر روی مادرش؛  
جان من همچون کودکی گرفته شده از شیر در من است.<sup>f</sup>

<sup>۳</sup>اسرائیل به یهوه امید بیند،  
از کنون و تا به ابد!

### مزمور ۱۳۲ (۱۳۱)

<sup>۱</sup>سرود برآمد نها.

ای یهوه، داود را یاد بدار<sup>g</sup>،  
برای تمامی تلاطماتش<sup>h</sup>،  
<sup>۲</sup>برای سوگندی که برای یهوه یاد کرد،  
برای نذر او برای «قدرتمند» یعقوب:<sup>i</sup>  
<sup>۳</sup>(نه، وارد خیمه ای که در آن ساکن نخواهم شد،  
بر بستری که بر آن می‌خوابم بر نخواهم آمد،  
<sup>۴</sup>نه خواب به چشمانم راه نخواهم داد،  
نه خواب آلودگی به پلکانم،  
<sup>۵</sup>تا زمانی که مکانی برای یهوه پیدا کنم،  
مسکنی برای «قدرتمند یعقوب!»

<sup>۶</sup>اینک در افراته در باره آن<sup>j</sup> با ما سخن گفته اند،  
آن را در صحرای یعاریم یافته ایم.  
<sup>۷</sup>به مسکن او داخل شویم،  
به سوی کرسی زیر پایش سجده کنیم.  
<sup>۸</sup>بر خیز ای یهوه، برای مکان استراحتت،  
تو و صندوق قوت!

۵:۹۹  
۴۲-۴۱-۲-تواعدها

<sup>f</sup> این تصویری است از کودکی که مادرش او را بر پشت خود می‌بنند.  
<sup>g</sup> این مزمور را که به نظر می‌رسد مربوط به روایت مذکور در ۲-سمو ۷ باشد، باید جز «مزامیر سلطنتی» و «سرودهای صهیون» به شمار آورده: ر. ک. «مقدمه».

<sup>h</sup> قرائت یونانی: «شیرینی اش».  
<sup>i</sup> ر. ک. پید ۲۴:۴۹؛ اش ۲۶:۴۹؛ ۱۶:۶۰.

<sup>j</sup> منظور صندوق عهد است که پس از بازگشت از نزد فلسطینیان، در تربیت-یعاریم ماند (ر. ک. ۱-سمو ۷:۲). افراته نام قدیمی بیت‌لحم، موطن داود است، اما در ضمن، تاحیه ای در افراییم نیز می‌باشد (۱-سمو ۱:۱).

۹ کاهنانت خود را با عدالت پیوشانند،  
و وفادارانت فریاد شادمانی سر دهند!  
۱۰ به سبب خدمتگزارت، داود،  
روی مسح شده خود را رد مکن!<sup>k</sup>

۱۱ یهُوه برای داود سوگند یاد کرده،  
حقیقتی که آن را ترک خواهد گفت:  
از شمره احشایت<sup>۱</sup>  
بر تخت سلطنت قرار خواهم داد.  
۱۲ اگر پسرانت عهد مرا نگاه دارند،  
اوامری را که به ایشان تعلیم خواهم داد،  
پسرانشان خود برای ابد  
بر تخت سلطنت تو خواهند نشست.»

۱۳-۱۴:۲۰-۲۱-۲۲-۲۳:۸۹  
۱۵-۱۶-۱۷:۱۱-۱۲-۱۳:۱۶  
۱۸-۱۹:۲۰-۲۱-۲۲-۲۳:۱۴  
۲۰:۲۱-۲۲-۲۳-۲۴:۱۴  
۲۵-۲۶:۲۷-۲۸-۲۹-۳۰:۱۴

۱۳ زیرا یهُوه صهیون را بر گزیده،  
برای سکونت مشتاق آن بوده است:  
۱۴ «این مکان استراحت من است برای ابد،  
در آنجا سکونت خواهم گزید، زیرا به آن اشتیاق داشته ام.

۱۵ آذوقه اش را وسیعاً برکت خواهم دارد،  
تنگدستانش را با نان سیر خواهم ساخت؛  
۱۶ کاهنانت را با نجات خواهم پوشانید،  
و وفادارانش فریادهای شادمانی سر خواهند داد.

۱۷ در آنجا قوت داود را بزرگ خواهم ساخت،  
برای مسح شده خود چراغی مهیا خواهم کرد!<sup>m</sup>  
۱۸ دشمنانش را با شرمساری خواهم پوشانید،  
و دیهیم او<sup>n</sup> بر او شکوفه خواهد زد.»

<sup>k</sup> یعنی «مسح شده خود را مرخص مفرما».  
۱ منظور کسی است که از او پدید خواهد آمد.

<sup>m</sup> تحتاللفظی: «شاخ». این اصطلاح دو تصویر را در هم ترکیب می کند: تصویر شاخ، نماد قدرت، و تصویر نهالی که از درخت

یسأ، پدر داود، پدید می آید (ر.ک. اش ۱:۱۱).  
<sup>n</sup> چراغ در اینجا نماد نسل داود است (ر.ک. ۱-پاد ۳۶:۱۱). به شکلی کلیتر، چراغ نشانه حیاتی است که تداوم می یابد (ر.ک. امث ۱:۱۳ و ۲۰:۲۴).

۰ قرائت های یونانی و سریانی: «تقدیس من» (ر.ک. ۴۰:۸۹).

## مزمور ۱۳۳ (۱۳۲)

<sup>۱</sup> سرود برآمدنها. از داود.

آه، چه نیکو است، چه لذت بخش است  
که برادران با یکدیگر ساکن شوند! <sup>P</sup>

<sup>۲</sup> همچون روغن گرانها است [که] بر سر [ریخته می شود]<sup>q</sup>،  
و بر روی ریش فرود می آید،

ریش هارون،  
<sup>۳۰:۳۰</sup> خروج و بر کناره جامه هایش فرود می آید؛

<sup>۳</sup> همچون شبنم حرمون است

که بر کوههای صهیون فرود می آید.

زیرا در آنجا است که یهُوه برکت را مقرر داشته،  
حیات را تا به ابد.

## مزمور ۱۳۴ (۱۳۳)

<sup>۱</sup> مزمور برآمدنها.

آری، یهُوه را متبارک خوانید،  
<sup>۲-۱:۱۳۵</sup> ای همه شما، خدمتگزاران یهُوه،  
که در خانه یهُوه می ایستید،  
در صحن های خانه خدای ما،  
در طول شب.

<sup>۲</sup> دستهای خود را به سوی [مکان] مقدس بلند کنید  
و یهُوه را متبارک بخوانید.

<sup>۳</sup> یهُوه تو را از صهیون برکت دهد،  
<sup>۵:۱۲۸</sup> او که آسمان و زمین را ساخته است.

p تحتاللغظی: «که برادران با یکدیگر بنشینند».

q تحتاللغظی: «همچون روغن معطر بر سر».

r این عبارت در متن عبری نیست و در ترجمه یونانی اضافه شده است (ر.ک. ۲:۱۳۵).

## مزمور ۱۳۵ (۱۳۴)

<sup>۱</sup> هلّویا!

نام یهُوه را بستایید<sup>۵</sup>،

۱:۱۱۳

بستایید، ای خدمتگزاران یهُوه،

۱:۱۳۴

۲ شما که در خانه یهُوه می ایستاید،

در صحن های خانه خدای ما.

۳ یاه را بستایید، زیرا که نیکو است یهُوه؛

برای نام او بنوارید، زیرا که دلپذیر است.

۴ زیرا یاه یعقوب را برای خود بر گزیده،

اسرائیل را دارایی خاص خود<sup>۶</sup> [ساخته است].

۵ آری، من می دانم که یهُوه بزرگ است

خروج ۱۸:۹

و خداوند ما فراتر است از همه خدایان.

۶ یهُوه هر آنچه را که بخواهد انجام می دهد،

۳:۱۱۵

در آسمان و بر روی زمین،

در دریاها و جمیع ورطه ها.

۷ او ابرها را از اقصا نقاط زمین بر می آورد،

۱۶:۵۱

آذرخشها برای باران پیدید می آورد،

باد را از منبع هایش بر می کشد.

۸ او بود که نخست زادگان مصر را زد،

خرج ۱۲:۱۰

از انسان گرفته تا احشام؛

۹ نشانه ها و عجایب فرستاد

در میان تو، ای مصر،

بر علیه فرعون و بر علیه همه خدمتگزارانش.

۱۰ او بود که ملت های بسیار را زد

۲۲-۱۷:۱۳۶

و پادشاهان قدرتمند را کشت.

<sup>۵</sup> در خصوص «سرودها»، ر.ک. «مقدمه».

<sup>۶</sup> ترجمه دقیق تر: «سهم شخصی خود»؛ ر.ک. توضیح خروج ۱۹:۵.

۱۱ سیحون، پادشاه اموریان،

و عوج، پادشاه باشان،

و همه ممالک کنعان را:

۱۲ سرزمین ایشان را به میراث داد،

به میراث به قومش، اسرائیل.

۱۳ ای یهُوه، نام تو تا به ابد پایدار است،

ای یهُوه، یاد تو دوره به دوره [دوم دارد].

۱۴ آری، یهُوه قوم خود را داد می دهد

و بر خدمتگزارانش ترحم می فرماید.

۱۵ بتهای ملت‌ها نقره و طلا هستند،

عمل دستان انسان:

۱۶ دهان دارند و سخن نمی گویند،

چشمها دارند و نمی بینند،

۱۷ گوشها دارند و نمی شنوند،

حتی نفسی نیز در دهانشان نیست<sup>۷</sup>.

۱۸ همچون آنها باشند آنان که آنها را می سازند،

هر آن کس که به آنها اعتماد می کند!

۱۹ ای خاندان اسرائیل، یهُوه را متبارک خوانید!

ای خاندان هارون، یهُوه را متبارک خوانید!

۲۰ ای خاندان لاوی، یهُوه را متبارک خوانید!

ای شما که از یهُوه می ترسید<sup>۸</sup>، یهُوه را متبارک خوانید!

۲۱ متبارک باد یهُوه، از صهیون<sup>۹</sup>،

او که در اورشلیم ساکن است!

هلّل‌یاه!

<sup>۶</sup> شاید بتوان مانند قرائت آرامی چنین ترجمه کرد: «بینی دارند و در دهانشان نفسی نیست» (ر.ک. ۱۱:۶).

<sup>7</sup> احتمالاً منظور کسانی است که به کیش یهود گرویده بودند، و مانند ۱۱-۹:۱۱-۹، بعد از اسرائیلیان خالص و کاهنان ذکر شده‌اند.

<sup>8</sup> قرائت قمران: «یهُوه تو را از صهیون برکت دهد».

## مزمور ۱۳۶<sup>x</sup> (۱۳۵)

۱ یهُوه را تمجید کنید، زیرا که نیکو است؛  
ابدی است وفاداری او!  
۲ توا:۷-۳

۳ خدای خدایان را تمجید کنید؛  
ابدی است وفاداری او!  
۴ خداوند خداوندان را تمجید کنید؛  
ابدی است وفاداری او!

تث:۱۰:۱۷

۵ اورا که به تنہایی شگفتیهای عظیم انجام داده است؛  
ابدی است وفاداری او!  
۶ اورا که آسمانها را با هوشمندی ساخته است؛  
ابدی است وفاداری او!  
۷ اورا که زمین را برآبها گسترانیده است؛  
ابدی است وفاداری او!  
۸ اورا که اختران عظیم را ساخته است؛  
ابدی است وفاداری او!  
۹ خورشید را برای ریاست بر روز؛  
ابدی است وفاداری او!  
۱۰ ماه و ستارگان را برای ریاست بر شب؛  
ابدی است وفاداری او!

۱۸:۷۲

پید:۱:۱۶

۱۱ اورا که مصر را در نخست زادگانش زد؛  
ابدی است وفاداری او!  
۱۲ اورا که اسرائیل را از میان ایشان بیرون آورد؛  
ابدی است وفاداری او!  
۱۳ با دستی نیرومند و بازویی دراز شده<sup>z</sup>؛  
ابدی است وفاداری او!

۱۰:۷۸  
۱۳:۸؛  
۱۲:۲۹

۱۲:۱۱:۵۱

X این مزמור در سنت یهود، «هلل بزرگ» («سرود ستایش») نامیده شده است. بندگردان آن را احتمالاً تمام قوم می سرودند (ر.ک. ۲-توا ۷:۳).

Y قرائت عبری: «نورها»؛ قرائت ما مبتنی است بر نسخ قمران و ترجمه سریانی، مانند پید ۱:۱۶. Z این اصطلاحی است متداول برای اشاره به مداخلت خدا به منظور رهایی قوم خود (ر.ک. تث ۴:۳۴ و ۵:۱۵).

۱۴ خروج او را که آبهای دریای نیزار را به دو (نیم) شکافت<sup>a</sup>؛  
ابدی است وفاداری او!  
۱۴ که اسرائیل را میان آن عبور داد؛  
ابدی است وفاداری او!  
۱۵ که فرعون و لشکر او را در دریای نیزار واژگون ساخت؛  
ابدی است وفاداری او!

۱۶ اورا که قوم خود را در بیابان هدایت کرد؛  
ابدی است وفاداری او!  
۱۷ که پادشاهان بزرگ را زد؛  
ابدی است وفاداری او!  
۱۸ و پادشاهان شکوهمند را کشت؛  
ابدی است وفاداری او!  
۱۹ سیحون، پادشاه اموریان را؛  
ابدی است وفاداری او!  
۲۰ و عوج، پادشاه باشان را؛  
ابدی است وفاداری او!  
۲۱ و سرزمین ایشان را به میراث داد؛  
ابدی است وفاداری او!  
۲۲ به میراث به خدمتگزارش، اسرائیل؛  
ابدی است وفاداری او!  
۲۳ او بود که ما را در پستی مان به یاد آورد؛  
ابدی است وفاداری او!  
۲۴ ما را از دشمنانمان بر کند؛  
ابدی است وفاداری او!

۲۵ به هر موجود زنده ای خوراک می دهد؛  
ابدی است وفاداری او!  
۲۶ خدای آسمان را تمجید کنید؛  
ابدی است وفاداری او!

<sup>a</sup> ر. ک. توضیح خروج ۱۸:۱۳.

## مزمور ۱۳۶ (۱۳۷)

<sup>۱</sup> نزد رودهای بابل،  
در آنجا نشسته بودیم و می‌گریستیم  
آن گاه که صهیون را به یاد می‌آوردیم.  
<sup>۲</sup> به بیدهایی که در آنجا یافت می‌شد،  
بربطهای خود را آویخته بودیم.

۵۱-۴۸:۳۱

<sup>۳</sup> آنجا بود که زندانیان ما  
از ما سخنان سروdi را می‌خواستند،  
و ریاندگان<sup>b</sup> ما، شادمانی:  
[می‌گفتند]: «سروdi از صهیون برای ما بسراید.»

<sup>۴</sup> چگونه می‌توانستیم بسرایم  
سرود یهوه را  
بر روی زمینی بیگانه؟  
<sup>۵</sup> ای اورشلیم، اگر روزی تو را فراموش کنم،  
دست راستم بخشکد<sup>c</sup>؛  
زبانم به کامم بچسبد،  
اگر تو را یاد نکنم،  
اگر اورشلیم را بر نیفرازم  
بر قله شادمانی ام!<sup>d</sup>

۵۰:۵۱

<sup>۶</sup> ای یهوه، بر علیه بنی ادوم به یاد آور  
روز اورشلیم را،  
آن هنگام که می‌گفتند: ریشه کن کنید، ریشه کن کنید  
تا به بنیادهایش.<sup>e</sup>

حزن: ۱۴-۱۲:۲۵  
۳۵: ۲۱:۴

<sup>b</sup> این کلمه عبری در جای دیگری به کار نرفته و ناشناخته است و ترجمه‌ها حالتی فرضی دارد. قرائت‌های یونانی و سریانی: «آنانی که ما را می‌بردند»؛ ترجمه: «آنانی که ما را از میان می‌پردد»؛ آرامی: «کسی که ما را غارت می‌کند».

<sup>c</sup> قرائت عبری: «دست راستم فراموش کند»، که منظور احتمالاً چنین جیزی است: «دست راست من نیز نواختن را فراموش کند»؛ قرائت سریانی: «دست راستم مرا فراموش کند»؛ یونانی و ترجمه: «... فراموش شود»؛ آرامی: «دست راست خود را فراموش خواهم کرد»؛ ترجمه‌ها با تغییر جای دو حرف در کلمه صورت گرفته است.

<sup>d</sup> یعنی «اورشلیم را پیش از هر شادی خود قرار ندهم».

<sup>e</sup> منظور روزی است که اورشلیم به دست نبوکدنصر سقوط کرد. یهودیان ادومیان را به این دلیل سرزنش می‌کردند که به هنگام غارت شهر به بابلی‌ها پیوسته بودند (ر. ک. عو ۱۱).

ای دختر بابل<sup>f</sup>، ای ویرانگر،  
خوشابه حال آن کس که به تو پس بدهد  
آن [بدی را] که تو بر ما روا داشتی؛  
<sup>g</sup> خوشابه حال آن کس که بگیرد و خرد سازد  
فرزندان کوچکت را بر روی صخره<sup>h</sup>!

### مزمور ۱۳۸ (۱۳۷)

<sup>۱</sup> ازدواد.

ای یهُوه<sup>h</sup>، تورا با تمامی دل تمجید خواهم کرد،  
زیرا به سخنان دهانم گوش فرا داشته ای<sup>i</sup>؛  
در حضور خدایان<sup>j</sup>، برای تو خواهم نواخت،  
<sup>k</sup> به سوی معبد مقدس سجده خواهم کرد،  
به سبب وفاداری و امانت نام تورا تمجید خواهم نمود،  
زیرا کلامت را بزرگتر از آوازه ات ساخته ای<sup>k</sup>.

<sup>۳</sup> در روزی که فریاد برآوردم، مرا اجابت فرمودی،  
قوت را در جانم منبسط نمودی<sup>l</sup>.  
<sup>۴</sup> ای یهُوه، همه پادشاهان زمین تورا تمجید خواهند نمود،  
آن هنگام که از سخنان دهانت آگاهی یابند؛  
<sup>۵</sup> طریق های یهُوه را خواهند سرود:  
«عظمی است جلال یهُوه!»  
<sup>۶</sup> آری، یهُوه رفیع است، اما به شخص فروتن می نگرد  
و آدم متکبر را از دور می شناسد.

<sup>f</sup> قرائت آرامی افزوده است: «مردمان بابل».

<sup>g</sup> این جنبه ای متداول از صحنه غارت شهرهای پس از تصرف آنها بود (ر.ک. اش ۱۶:۱۳؛ هو ۱:۱۴؛ نا ۱۰:۳). به این شکل، دیگر امیدی به تداوم نسل باقی نمی ماند. «صخره» ممکن است اشاره ای به شهر «پترا» (یعنی «صخره»)، پایتخت ادویمان باشد.

<sup>h</sup> نام «یهُوه» در همه نسخ عبری نیامده، بلکه فقط در تعدادی از آنها و در ترجمه های قدیمی اضافه شده است. - در خصوص «نیایشهای قدردانی»، ر.ک. «مقامه».

<sup>i</sup> این عبارت در قرائت یونانی اضافه شده و در متن عبری نیست.  
<sup>j</sup> منظور «خدایان» ملت ها است: ترجیه های قدیمی این اصطلاح را به شکل های مختلف برداشت کرده اند: یونانی: «فرشتگان»؛ آرامی: «داوران»؛ سریانی: «پادشاهان»؛ ژروم: «خدایان».

<sup>k</sup> تحتاللفظی: «تو وعده هایت را بزرگتر از تمامی نامت ساخته ای». <sup>l</sup> یعنی «قوت مرا افزون ساخته ای».

<sup>۷</sup> وقتی در بطن پریشانی راه می‌سپارم،

تو مرا زنده می‌سازی؛

<sup>m</sup> بر ضد خشم دشمنانم

دست خود را دراز می‌کنی

و دست راستت مرا نجات می‌دهد.

<sup>۸</sup> یهُوه به پایان خواهد رسانید [آنچه را که] برای من [کرده است]،

ای یهُوه، وفاداری تو ابدی است:

عمل دستان خود را ترک مکن!<sup>n</sup>

۱:۱۳۶

## مزمور ۱۳۹ (۱۳۸)

<sup>۱</sup> به رهبر سرود. ازدواد. مزمور.

ای یهُوه، تو مرا کند و کاو می‌کنی و می‌شناسی<sup>o</sup>،

۳:۱۲

۲ می‌دانی کی می‌نشینم و کی بر می‌خیزم،

۲۷:۱۹-۲

تفکر<sup>p</sup> مرا از دور تشخیص می‌دهی؛

۳ چه در سفر باشم و چه خواهیده، تو مرا ملاحظه می‌کنی

و همه راههایی برای تو آشنا است.

<sup>۴</sup> زیرا سخن هنوز بر زبانم نیست

که تو، ای یهُوه، آن را تماماً می‌دانی.

<sup>r</sup> از پس و از پیش<sup>q</sup> مرا در بر می‌گیری<sup>r</sup>

و دست خود را بر من می‌نهی.

<sup>s</sup> علم تو برای من بسیار شگفت‌انگیز است،

بسیار رفیع: به آن نمی‌توانم برسم.

<sup>۷</sup> از روح تو به کجا بروم،

از روی تو به کجا بگریزم؟

<sup>m</sup> تحت اللقطی: «بر روی بینی دشمنانم»؛ ترجمه ما مبتنی است بر قرائت‌های یونانی، سریانی، و زروم.  
<sup>n</sup> یعنی «رها مساز».

<sup>o</sup> در خصوص «مزامیر تعليمی»، ر. ک. «مقدمه».

<sup>p</sup> قرائت عبری: «طرح‌های مرا»؛ سیماک: «اراده مرا»؛ آرامی: «شراکت مرا (در جماعت خود)»؛ ژروم: «درد مرا»؛ ترجمه ما مبتنی است بر قرائت‌های یونانی و سریانی.

<sup>q</sup> ترجمه‌های قدیمی، به جز آرامی، این کلمات را به آیه قبلی متصل کرده‌اند: «آنچه را که در پس و در پیش من است می‌دانی» (یعنی گذشته و آینده را).

<sup>r</sup> ترجمه‌های قدیمی، به جز آرامی: «مرا آفریده‌ای».

۱۸ اگر به آسمان بالا روم، تو آنجا هستی،  
اگر بستر خود را در شئول بگسترانم، اینک تو آنجا هستی!  
۱۹ اگر بالهای پگاه را بگیرم،  
اگر در دورترین نقطه دریا ساکن شوم<sup>۸</sup>،  
۲۰ در آنجا نیز دست تو مرا هدایت می کند،  
دست راست تو مرا می گیرد.

۱۱ اگر بگویم: لا اقل ظلمات مرا بپوشاند  
وروشنایی گردآگرد من شب شود،  
۱۲ حتی ظلمات نیز چیزی ظلمانی برای تو ندارد  
و شب مانند روز می درخشد.

۱۳ زیرا تو هستی که گرده های مرا آفریدی،  
که مرا در بطن مادرم تبیدی لا.  
ایوب ۱۰:۹-۱۱:۱۲  
۱۴ تو را به سبب شگفتیهای مهیبت تمجید خواهم نمود<sup>۹</sup>:  
چه شگفتیهایی هستند اعمال تو!  
جانم را به خوبی می شناسی،

۱۵ استخوانهایم از تو مخفی نبود  
آن هنگام که در نهان ساخته شدم،  
و در اعماق زمین<sup>۷</sup> قلاب دوزی گردیدم.  
۱۶ همه روزهایم<sup>۸</sup> را چشمانست می دید  
و بر دفترت همگی ثبت می شد،  
روزهایم شکل می گرفت  
پیش از آنکه کسی پدید آید<sup>۹</sup>.

<sup>۸</sup> می توان این گونه نیز ترجمه کرد: «در اقصا نقاط مغرب».  
۹ قرائت عبری: «مرا جای می دادی»؛ زرور: «مرا تهیه کردی» (ر.ک. ایوب ۱۱:۱۰)؛ آرامی: «مرا بنیان گذاشتی»؛ یونانی و سریانی: «مرا گرفتی».

۷ تحتاللفظی: «تو را سپاس می گویم به این خاطر که شگفتی هراس انگیزی ساخته شده ام»؛ زرور: «مرا به شکلی مهیب، عظیم ساخته ای»؛ قمران: «تو به گونه ای شگفت انگیز مهیب هستی»؛ سریانی: «به سبب شگفتی ای که ساخته ای»؛ ترجمه ما می‌بینی است بر قرائت یونانی.

۸ اعماق زمین تصویری است از رحم مادر (ر.ک. آیه ۱۳؛ ایوب ۲۱:۱؛ بنی ۱:۴۰).  
۹ کلمه ای که در عبری در اینجا به کار رفته در کتاب مقدس منحصر به فرد است و ترجمه ما فاقد قطعیت است.

۶:۴۰

۱۷ اما برای من اندیشه‌های تو چه دشوار است<sup>y</sup>، ای خدا،

کل آنها<sup>Z</sup> چه عظیم است!

۱۸ می خواستم آنها را بشمارم، از ریگ افروختراست،

آن را تمام کردم، اما هنوز با تو هستم.

۱۹ الوآه، اگر می خواستی آدم شریر را بکُشی،

اگر مردمان خونی از من دور می شدند،

۲۰ آنان که در باره تو با زیرکی سخن می گویند،

و بر علیه تو بیهوده بلند می شوند<sup>a</sup>!

۲۱ ای یهُوه، آیا نباید نفرت کنم از آنان که تو را نفرت می دارند و چیزی جز انجار نداشته باشم برای آنان که بر ضد تو بر می خیزند؟

۲۲ با نفرتی کامل آنان را نفرت می دارم؛

ایشان دشمنان من هستند.

۲:۲۶

۲۳ مرا کند و کاو فرما، ای خدا، و دل مرا بشناس،

مرا تفتیش نما و نگرانیهایم را بشناس.

۲۴ بیگر که آیا بر راهی شوم<sup>b</sup> هستم،

و مرا بر راه کهن<sup>c</sup> هدایت فرما.

y قرائت ترجمه‌های قدیمی: «دوستان تو برای من چه گرانها هستند». Z یا: «اصول آنها» که این شاید معنی آرامی و سریانی و احتمالاً یونانی باشد («بزرگان ایشان»؛ یعنی آنانی که بر آنها ریاست می کنند).

a متن عبری قابل درک نیست و ترجمه ما فاقد قطعیت است. قرائت آرامی: «آنایی که برای فربد دادن به نام تو سوگد باد می کنند، دشمنانت به بیث قسم می خورند»؛ سریانی: «زیرا در باره تو سخن گفته اند و شهر را به عیث گرفته اند»؛ یونانی: «از آنجا که با تفکر سخن می گویی، ایشان به عیث شهر را خواهد گرفت»؛ ترجمه ما مبتنی است بر قرائت سیماک و ژروم.

b تحت اللطفی: «پرژحمت». یا شاید: «راه بتها»، مانند ژروم؛ ر.ک. سریانی: «راه دروغ».

c مزمور نگار با وجود وجود آسوده اش، از یهود می خواهد که مطمئن شود که او در توهم زندگی نمی کند، و اگر چنین باشد، او را در «راه کهن» قرار دهد، یعنی در راه استوار و ماندگاری که به هلاکت نمی رود، مانند راه شریران (ر.ک. مز ۱:۶). این یکی از زیباترین دعاهاي عهدتعیق است.

## مزمور ۱۴۰ (۱۳۹)

<sup>۱</sup> به رهبر سرود. مزمور. از داد.

ای بِهْوَهُ، مرا از آدم بد رهایی ده<sup>d</sup>،  
از شخص ستمگر مرا محافظت فرما،  
از آنان که در دل خود شرارت‌ها می‌اندیشند<sup>e</sup>،  
(و) هر روز جنگها را بر می‌انگیزند،  
که زبان خود را همچون مار تیز می‌کنند،  
زهر افعی<sup>f</sup> زیر لبان ایشان (است). سلا.

روم:۳

ای بِهْوَهُ، مرا از دستان آدم شریر نگاه دار،  
مرا از شخص ستمگر محافظت فرما؛  
زیرا به این می‌اندیشند که قدم‌هایم را بلغزانند<sup>g</sup>.  
متکبران برایم دامی پنهان کرده‌اند،  
طناب‌ها همچون تور برایم گسترده‌اند،  
در کنار جاده برایم تله‌ها گذارده‌اند. سلا.

۱۵:۳۱

به بِهْوَهُ گفته‌ام: تو خدای من هستی!<sup>h</sup>  
ای بِهْوَهُ، گوش فرا ده به صدای استغاثه‌های من،  
ای بِهْوَهُ، خداوند من، ای نجات توانمند من،  
در روز نبرد از سرم محافظت می‌کنی.

ای بِهْوَهُ، آرزوهای شخص شریر را به انجام مرسان،  
تدبیر او را کامیاب مساز. سلا.

باشد که آنان که دور مرا می‌گیرند سر خود را بلند نکنند،  
و نگون بختی ای که از لبان ایشان بیان شده ایشان را بپوشاند<sup>i</sup>؛

d در خصوص «نیاپشهای انفرادی برای درخواست کمک»، ر. ک. «مقدمه».

e منظور کسانی است که نقشه‌های شریرانه را از پیش طرح ریزی می‌کنند.

f معنی این کلمه مشخص نیست. ترجمه‌ها مبتنی است بر قرائت‌های یونانی، سریانی، و زروم. قرائت‌های قمران و آرامی: «عنکبوت».

g تحت اللفظی: «قدم‌های مرا هُل دهند».

h تحت اللفظی: «سر محاصره کنندگان من، باشد که جنایت لبان ایشان آن را بپوشاند».

۲۴:۱۹

۱۱ بادا که او<sup>۱</sup> بر ایشان ذغالها بباراند،  
ایشان را در آتش از میان ببرد،  
در ورطه هایی که از آنها دیگر بر نخیزند!

۱۲ بادا که افتراز ننده<sup>۲</sup> در سرزمین نایستد،  
سیه روزی با ضربات مضاعف بر شخص ستمگر هجوم آورد!<sup>k</sup>  
۱۳ می دانم که یهُوه داد مسکین را خواهد گرفت،  
اصاف را برای تَنگستان به جا خواهد آورد.  
۱۴ آری، عادلان نام تو را تمجید خواهند نمود،  
مردمان راست با روی تو ساکن خواهند شد.

## مزمور ۱۴۱ (۱۴۰)

۱ مزمور. از داد.

۱ ای یهُوه، تو را می خوانم؛ پس به سوی من بشتا<sup>۱</sup>،  
آن گاه که به سوی تو فریاد بر می آورم، به صدایم گوش فرا ده.  
۲ باشد که دعایم همچون بخور در حضور تو قرار گیرد،  
دستانم همچون هدیه آردی شامگاه بر افراشته شود.

۴:۸:۵

۳ ای یهُوه، نگهبانی بر دهانم قرار ده،  
از دروازه لبانب مراقبت فرما.  
۴ دل مرا به بدی متمایل مگردان<sup>m</sup>،  
به ارتکاب اعمال جنایت کارانه  
با مردمان بد کار؛  
از خوراکهای لطیف<sup>n</sup> ایشان نخورم.

<sup>۱</sup> منظور ممکن است یا خدا باشد یا سیه روزی. قرائت های یونانی و زروم: «تو (خدا) ایشان را پرتاب خواهی کرد». <sup>۲</sup> تحتاللفظی: «مرد زبان».

ترجمه فاقد قطعیت است. بعضی این گونه ترجمه می کنند: «آدم ستمگر و شریر را بدون مجال تعاقب خواهند کرد»؛ قرائت آرامی: «... را به جهنم خواهند راند»؛ یونانی و زروم: «... را برای هلاکت تعاقب خواهند کرد». <sup>k</sup>

<sup>1</sup> در خصوص «نیایشهای افسرادي برای درخواست کمک»، ر. ک. «مقدمه».

<sup>m</sup> تحتاللفظی: «... به چیز (یا سخن) بد متمایل مگردان». <sup>n</sup> معنی این اصطلاح روشن نیست. قرائت آرامی: «در بیان سرودها در تالار ضیافت ایشان شام نخواهم خورد»؛ سریانی: «با ایشان در نمک سهم نخواهم شد»؛ یونانی: «با نجیگان ایشان شریک نخواهم شد».

<sup>۵</sup> مرد عادل مرا بزند، مرد متقی مرا سرزنش کند،  
اما روغن آدم شریر هرگز سر مرا زینت نبخشد؛  
زیرا پیوسته در مخالفت با شرارت‌های ایشان دعا می‌کنم.

<sup>۶</sup> داوران ایشان بر پهلوهای صخره افکنده خواهند شد،  
و به سخنان من گوش خواهند سپرد، زیرا آنها دلپذیرند.  
<sup>۷</sup> همچون زمانی که زمین را می‌شکافند و شخم می‌زنند،  
استخوانهای ایشان بر پوزه شئول پراکنده خواهد شد.

<sup>۸</sup> آری، به سوی تو است، ای خداوند یهوه، که چشمان من [برگشته‌اند]،  
در تو پناه می‌گیرم: جان مرا عربان مساز.  
<sup>۹</sup> مرا از دامی که برایم می‌گستراند حفظ فرما،  
از تله‌های آنان که بدی را به جا می‌آورند.  
<sup>۱۰</sup> بادا که شریران همگی با هم در دامهای خود بیفتند،  
حال آنکه من عبور خواهم کرد.

:۸:۳۵:۱۶:۷  
امث: ۲۷:۲۶

## مزمور ۱۴۲ (۱۴۱)

<sup>۱</sup> شعر. از داود، آن‌گاه که در غار بود. نیایش.

<sup>۲</sup> با صدای خود به سوی یهوه فریاد بر می‌آورم،  
با صدای خود از یهوه درخواست می‌کنم؛  
<sup>۳</sup> در حضور او شکایت خود را می‌ریزم،  
در حضور او پریشانی خود را می‌گویم.

<sup>۴</sup> آن‌گاه که روحمن در من ضعف می‌کند،  
(تنهای) تو از راه من آگاهی:  
در جاده‌ای که ره می‌سپارم،  
دامی برایم پنهان کرده‌اند.

<sup>۵</sup>-۷ متن آیات ۵-۷ بسیار مبهم است و ترجمه آن نیز قطعی نیست. به نظر می‌رسد که مزمور نگار سرودی را به یاد می‌آورد که بی‌دینان از او خواسته بودند (ر. ک. ۱:۳۷)، سرودی که تداعی کننده مصائب قومش بود و در باره استخوانهایی سخن می‌گفت که بر روی زمین پخش شده بود (ر. ک. حرق ۳۷:۱۱).

<sup>۸</sup> ر. ک. ۱-سو۴ (داود در غار عین-جدی با شانوں برخورده می‌کند) و مز ۱:۵۷.

<sup>۹</sup> در خصوص «نیایشهای انفرادی برای درخواست کمک»، ر. ک. «مقدمه».

<sup>۵</sup> به طرف راست بنگر و ببین:  
کسی نیست که مرا باز شناسد،  
هیچ ملجایی برایم نیست،  
کسی به فکر جان من نیست.

<sup>۶</sup> ای بُهُوهُ، به سوی تو فرباد بر می آورم،  
می گویم: پناهگاه من تو هستی،  
قسمت من بر روی زمین زندگان.

۹:۹۱  
۵:۱۶

<sup>۷</sup> به فربادم توجه فرما،  
زیرا ناتوانی من بی نهایت است!  
مرا از آزار کنندگانم رهایی ده،  
چرا که از من نیرومندترند.

<sup>۸</sup> جانم را از زندان ببرون آور،  
تا نام تو را تمجید کنم.  
عادلان گردآگرد من حلقه خواهند زد،  
زیرا به من نیکوبی خواهی کرد.

## مزمور ۱۴۳ (۱۴۲)

<sup>۱</sup> مزمور. از داود.

ای بُهُوهُ، به نیایش من گوش بسپار<sup>۸</sup>،  
به استغاثه های من گوش فرا ده،  
و در صداقت خود مرا پاسخ گو،  
در عدالت خود.

<sup>۲</sup> با خدمتگرارت وارد داوری مشو،  
زیرا هیچ آدم زنده ای در حضور تو عادل نیست.

روم ۲۰:۳  
غلام ۱۶:۲

<sup>۳</sup> آری، دشمن مرا تعاقب می کند،  
حیات مرا بر زمین له می کند؛

<sup>۱</sup> قرائت قمران: «به طرف راست نگریسته، خواهم دید»؛ یونانی، آرامی، و سریانی: «به طرف راست نگریسته و دیده ام».  
<sup>۸</sup> در خصوص «نیایشهای انفرادی برای درخواست کمک»، ر. ک. «مقدمه».

مرا در ظلمات ساکن می‌گرداند،  
مانند آنان که دیرزمانی است مرده‌اند.<sup>۴</sup>

۶:۷۷

۱۳:۷۷

<sup>۴</sup> روح در من ضعف می‌کند،  
دل در بطنم حیران است.  
<sup>۵</sup> روزهای کهن را به یاد می‌آورم،  
بر هر عمل تو تأمل می‌کنم،  
بر عمل دستان تو می‌اندیشم.  
<sup>۶</sup> دستانم را به سوی تو دراز می‌کنم،  
همچون زمینی خشک، جانم برای تو [تشنه است]. سلا.

۱۸:۶۹

۱:۲۸

<sup>۷</sup> بشتاب، مرا پاسخ‌گو، ای یهوه،  
روح تحلیل می‌رود؛  
روی خود را از من بنهان مساز،  
زیرا ممکن است به آنانی بمانم که به گودال فرو می‌روند.

۴:۸۶

<sup>۸</sup> بامدادان وفاداری خود را به من بشنوان،  
زیرا به تو اعتماد می‌کنم؛  
راهی را که باید دنبال کنم به من بشناسان،  
زیرا جان خود را به سوی تو بر می‌افرازم.

<sup>۹</sup> ای یهوه، مرا از دشمنانم رهایی ده؛  
نzd تو در پناه هستم.<sup>۱۰</sup>  
<sup>۱۰</sup> مرا تعلیم ده تا اراده‌ات را به جا آورم،  
زیرا خدای من تو هستی؛  
روح<sup>۷</sup> نیکوی تو مرا هدایت کند  
در جاده‌ای تسطیح شده.

<sup>۱۱</sup> ای یهوه، به سبب نامت مرا زنده خواهی ساخت،  
در عدالت خود جانم را از پریشانی برخواهی کشید،

ترجمه ما می‌تنی است بر قرائت ژروم. اما مانند قرائت سریانی، این گونه نیز می‌توان ترجمه کرد: «آنانی که برای همیشه مرده‌اند».

<sup>۱۱</sup> قرائت یونانی: «پناهنده شده‌ام»؛ ژروم: «محافظت شده‌ام».

<sup>۷</sup> این کلمه در عبری برای «دم» نیز به کار می‌رود.

۱۲ در وفاداری خود دشمنانم را نابود خواهی ساخت،  
همه خصمان جانم را هلاک خواهی کرد،  
زیرا که من خدمتگزار تو هستم!

### مزمور (۱۴۳) ۱۴۴

<sup>۱</sup> از داد.

متبارک باد يهوه، صخره من<sup>W</sup>،  
که دستانم را برای نبرد تمرین می دهد،  
انگشتانم<sup>X</sup> را برای رزم،  
قوت<sup>Y</sup> من و دژ من،  
قلعه من و رهاننده من،  
سپر من که در او پناه می گیرم،  
او که قوم ها<sup>Z</sup> را زیر من بر زمین می زند.

۳ ای يهوه، انسان چیست که او را بشناسی،  
پسر آدم فانی، که به او فکر کنی؟  
۴ انسان به دمی می ماند،  
روزهایش چون سایه ای است که می گذرد.

۵ ای يهوه، از آسمانها خم شو و فرود آی،  
کوهها را لمس کن و باشد که دود کنند،  
۶ آذخش را درخشناساز و آنها را پراکنده کن،  
تیرهایت را بفرست و آنها را گریزان ساز<sup>a</sup>،  
۷ دستها را از آن بالا پیش آور،  
مرا نجات دهد، مرا رهایی ده از آبهای عظیم،  
از دست بیگانگان،

W در خصوص «مزامیر سلطنتی»، ر. ک. «مقدمه».  
X شاید منظور مشت دست باشد.

Y تحت اللطفی: «وفداداری من» (یعنی «عهد من»).

Z قرائت عبری: «قوم را تحت قدرت من مرتب می سازد». ترجمه ما مبتنی است بر برخی نسخ عربی، و قرائت های آکیلا، ژروم، سریانی، آرامی، و قسran.

a مفعول فعل در این آیه، «دشمنان» است (ر. ک. ترجمه های قدیمی).

<sup>۸</sup> که دهانشان ناراستی را می‌گوید  
و دست راستشان دست راست دروغ است.

<sup>۹</sup> ای خدا، می خواهم سرودی تازه برایت بسرایم،  
می خواهم بر چنگ ده تار برایت بنوازم،  
<sup>۱۰</sup> تو که به پادشاهان پیروزی می دهی،  
که خدمتگزارت داود را نجات می بخشی.  
از شمشیر بلا  
<sup>۱۱</sup> مرا نجات ده،  
از دست بیگانگان مرا رهایی بخش،  
که دهانشان ناراستی را می‌گوید  
و دست راستشان دست راست دروغ است.

<sup>b۱۲</sup> پسران ما همچون نهالهایی باشند که از سن جوانی بزرگ شده‌اند،  
دختران ما همچون ستونهای زاویه که طبق الگوی کاخ تراشیده شده باشند<sup>c</sup>؛

<sup>۱۳</sup> انبارهای ما پر باشند، آکنده از هر نوع موهبتی،  
گوسفندان ما هزاران بار تکثیر شوند،  
کرورها بار در صحراء‌های ما،

<sup>d۱۴</sup> گاوان ما سنگین باشند؛  
نه رخنه‌ای، نه گریزی،  
نه فریاد اخطار در میدانهای ما.

<sup>۱۵</sup> خوشابه حال قومی که از چنین سرنوشتی بهره مند باشد!  
خوشابه حال قومی که یهُوه خدای ایشان است!

<sup>b</sup> ابتدای این آیه چندان روش نیست.

<sup>c</sup> احتمالاً منظور نوعی مجسمه زنانه است.

<sup>d</sup> یعنی یا باردارند یا فربه (مانند یونانی و ژروم)؛ قرائت سریانی: «گاوهای ما فربه هستند و هیچیک نازا نمی باشند». می توان این گونه نیز ترجمه کرد: «متهدین ما بار را حمل می کنند».

## مزمور ۱۴۵ (۱۴۶)

<sup>۱</sup> ستایش، از داد.

تو را بر می افرازم، ای خدای من، ای پادشاه<sup>۶</sup>  
می خواهم نام تو را متبارک بخوانم، تا به ابد و همیشه<sup>f</sup>:  
۲ می خواهم هر روز تو را متبارک بخوانم،  
نام تو را بستایم تا به ابد و همیشه.  
گیل<sup>۳</sup> عظیم است یهوه، بسیار شایسته ستایش،  
و کاوش ناپذیر است عظمت او. ۲:۴۸

۴ بادا که دوره ای به دوره ای دیگر به اعمال تو فخر بفروشد، دالت  
اعمال عظیم تو را انتشار دهند.  
۵ بادا که از شکوه پر جلال تو سخن بگویند، ه  
شگفتیهای تو را تکرار کنند<sup>۹</sup>:  
۶ بادا که قوت مهیب تو را بگویند، واو  
بزرگیهای تو را بازگو کنند؛  
۷ بادا که خاطره نیکوبی عظیم تو را به یاد آورند، زین  
عدالت تو را هلهله کنند!

۸ یهوه دلسوز و رحیم است، حیت  
دیر خشم و پر از وفاداری!<sup>۱۰</sup> ۴:۱۱  
۹ یهوه برای همگان نیکو است، ت  
و رحمت او بر جمیع اعمالش [گسترده است].<sup>۱۱</sup> ۴:۱۱۲  
۱۰ بادا که همه اعمالت تو را تمجید کنند، ای یهوه،  
و وفادارانت تو را متبارک خوانند.  
۱۱ جلال سلطنت تو را بگویند، کاف  
و از قوت تو سخن گویند،

<sup>e</sup> مزمیر ۱۴۵-۱۵۰ «سرود» هستند؛ ر. ک. «مقدمه».  
<sup>f</sup> در متن قمران، این مزمور حاوی بندگردانی است که بعد از هر آیه تکرار می شود؛ «متبارک است یهوه و نامش تا به ابد متبارک است» (ر. ک. مز ۱۳۶).

g قرائت قمران: «جلال درخشان شکوه تو را خواهند گفت و من روایت معجزات تو را تکرار خواهم کرد»؛ یونانی: «شکوه جلال قدوسیت را خواهند گفت و معجزات تو را بازگو خواهند کرد»؛ سریانی: «قوت جبروت تو را خواهند گفت و بزرگیهای تو را بازگو خواهند کرد»؛ اما قرائت های آرامی و ژروم مطابق هستند با متن سنتی عربی.

دان:۴

۸:۱۴۶

۲۸-۲۷:۱۰۴

لامد	۱۲ تا کارهای عظیم تو را به بنی آدم بشناساند، شکوه پر جلال سلطنت تو را!
مِم	۱۳ سلطنت تو سلطنتی است برای همه اعصار، سیطره تو دوره به دوره [گستردۀ است].
نون	یهود در تمامی سخنان خود وفادار است، نیکخواه در همه اعمال خویش. <sup>h</sup>
سِمِک	۱۴ یهود از همه آنان که می‌افتد حمایت می‌کند، جمله آنان را که خم شده‌اند راست می‌سازد.
عَین	۱۵ چشمان همه به تو امید بسته، و تو خوراک ایشان را در وقتیش به ایشان می‌دهی؛
ف	۱۶ دست خود را می‌گشایی و هر موجود زنده‌ای را به دلخواه ایشان سیر می‌سازی. <sup>i</sup>
صاده	۱۷ یهود در همه طریق‌های خود عادل است، وفدادار در همه اعمال خویش.
قوف	۱۸ یهود به همه آنان که او را می‌خوانند نزدیک است، به همه آنان که او را با امانت می‌خوانند.
رش	۱۹ او اراده آنان را که از او می‌ترسند انجام می‌دهد، فریاد ایشان را می‌شود و نجاتشان می‌دهد.
شین	۲۰ یهود همه آنان را که دوستش می‌دارند حفظ می‌کند، اما همه بدکاران را نابود می‌سازد.
طاؤ	۲۱ بادا که دهانم ستایش یهود را بگوید، و هر موجود زنده‌ای نام مقدس او را متبارک خواند، تا به ابد و همیشه! <sup>k</sup>

h مصروع‌های سوم و چهارم آیه ۱۳ در متن سنتی عبری از قلم افتاده، اما در متن قمران و ترجمه‌های قدیمی حفظ شده است.  
i قرائت‌های عبری و یونانی: «و همه موجودات زنده را که دوست می‌داری سیر می‌سازی»؛ آرامی: «همه زندگان را از لذت ایشان سیر می‌سازی (یعنی از آنچه که مورد خشنودی ایشان است)»؛ سریانی: «تو اراده هر موجود زنده‌ای را سیر می‌سازی» (ر.ک. آیه ۱۹)؛ وولگات: «هر موجود زنده‌ای را از برکت پر می‌سازی» (ژروم: «از تسلي»).  
j می‌توان این گونه نیز ترجمه کرد: «لطف خود را در حق آنان که از او می‌ترسند به عمل می‌آورد».  
k این کلمات آخر احتمالاً از بندگرانی که در توضیح آیه ۱ ذکر کردیم باقی مانده است.

## مزمور ۱۴۶ (۱۴۵)

۱ هلّلویا!

ای جان من، یهُوه را ستایش کن!  
۲ می خواهم یهُوه را در طول حیاتم بستایم،  
تا زمانی که وجود دارم برای خدایم بنوازم.

۳۳:۱۰۴

۳ به سَروران اعتماد مکنید،  
به بنی بشری که در نجات دادن ناتوان است!<sup>۱</sup>  
۴ نفسش بیرون می آید، به گل و لای خود باز می گردد<sup>m</sup>،  
در همان روز تدبیرهایش از میان می رود.  
۵ خوشابه حال آن کس که مددکارش خدای یعقوب است،  
که امیدش به یهُوه، خدایش می باشد،

۶۳:۲

۱-مک

۶ به او که آسمان و زمین را ساخته است،

۸:۱۲۱

۸:۱۲۴

دریا و هر آنچه را که در آنها است،  
که وفاداری را تا به ابد نگاه می دارد،  
۷ ستمکشان را دادرسی می کند،  
به گرسنگان نان می دهد.

یهُوه اسیران را آزاد می سازد،

۱۴:۱۴۵

۸ یهُوه بینایی را به کوران باز می گرداند،

یهُوه آنان را که خم شده اند راست می سازد،

یهُوه عادلان را دوست می دارد،

۹ یهُوه بیگانگان را محافظت می کند،

از یتیم و بیوه زن حمایت به عمل می آورد،

اما راه شریران را منحرف می سازد.

۱۰ یهُوه تا به ابد سلطنت می کند،

خدای تو، ای صهیون، دوره به دوره.

هلّلویا!

۱ تحتاللفظی: «آنانی که نجات ندارند».

تحتاللفظی: «به زمین خود»، یعنی به خاکی که انسان از آن گرفته شده است (ر.ک. پید ۷:۲). m

## مزمور ۱۴۶ (۱۴۷+۱۴۶)

<sup>۱</sup> هلّویا!

یاه را بستایید، چرا که نیکو است،  
برای خدای ما بنوازید، زیرا که دلپذیر است،  
ستایش سزاوار [او] است.

<sup>۲</sup> یهُوه اورشلیم را بنا می کند،  
تبعیدشدگان اسرائیل را گرد می آورد.

<sup>۳</sup> دلشکستگان را شفا می بخشد،  
جراحاتشان را زخم بندی می کند.

<sup>۴</sup> تعداد ستارگان را می شمارد،  
همه آنها را به نامشان می خواند.

<sup>۵</sup> بزرگ است خداوند ما، عظیم است قدرتش،  
غیر قابل محاسبه است هوشمندی او.

<sup>۶</sup> یهُوه فروتنان را حمایت می کند،  
شریران را تا به زمین پایین می آورد.

<sup>۷</sup> برای یهُوه سرود ستایش سردهید،  
با بربط برای خدای ما بنوازید!

<sup>۸</sup> او است که آسمان را با ابرها می پوشاند،  
باران را برای زمین مهیا می سازد،

علف را بر کوهساران می رویاند،  
گیاهان را برای کار انسان؛

<sup>۹</sup> خوراک حیوانات را به آنها می دهد،  
به بچه های کلاع، آن هنگام که فرباد بر می آورند.

<sup>۱۰</sup> آنچه او مقبول می دارد قوت اسب نیست،

و آنچه او را خشنود می سازد زانوهای <sup>۱۱</sup> انسان نیست،

<sup>۱۱</sup> آنچه مورد پسند یهُوه است، آنانی هستند که از او می ترسند،  
آنان که به وفاداری او امید بسته اند.

<sup>۱۱</sup> منظور «پاهای» است.

۱۲ ای اورشلیم، یهوه را جلال بده،  
ای صهیون، خدایت را بستا!

۱۳ زیرا او کشویی های دروازه هایت را مستحکم ساخته،  
در اندر و نت پسانت را برکت داده است.

۱۴ قلمرو تو را در آرامش قرار می دهد،  
از مغز گندم تو را سیر می سازد.

۱۵ اوامر خود را به زمین می فرستد،  
کلامش سریع می دود.

۱۶ برف را همچون پشم پخش می کند،  
شینم منجمد را همچون خاکستر می پاشد؛  
۱۷ یخ خود را مانند تکه ها می اندازد،

کیست که در برابر یخندان او تاب آورد؟

۱۸ کلام خود را می فرستد و آنها را آب می کند،  
باد خود <sup>P</sup> را می وزاند، آبهای جاری می شود.

۱۹ او کلام خود را بر یعقوب مکشوف ساخته،  
فرامین و قواعد خود را بر اسرائیل.

۲۰ او چنین کاری برای دیگر ملت ها نکرده،  
قواعد خود را به آنان نشناشانیده است.

هلّلویا!

## ۱۴۸ مزمور

<sup>۱</sup> هلّلویا.

یهوه را از فراز آسمانها بستایید،  
او را در ارتفاعات بستایید؛

۲ او را بستایید، ای همه فرشتگان او<sup>۹</sup>،  
او را بستایید، ای همه لشکرهای او<sup>۱۰</sup>؛

۲۱-۲۰:۱۰۳

۰ در قرائت های یونانی و وولگات، مزمور ۱۴۷ از اینجا آغاز می شود.  
<sup>P</sup> می توان «روح خود» نیز ترجمه کرد.

<sup>q</sup> با «همه پیام آوران او».

۱ قرائت متن نوشته شده: «تمام لشکر او»: ترجمه ما مبتنی است بر متن خوانده شده و ترجمه های قدیمی.

<sup>۳</sup> او را بستایید، ای خورشید و ماه،  
او را بستایید، ای همه ستارگان نور؛  
<sup>۴</sup> او را بستایید، ای آسمانهای آسمانها،  
و آبهایی که بالای آسمانها هستید!

<sup>۵</sup> بادا که نام یهوه را بستایند،  
زیرا او امر کرد و آنها آفریده شدند،  
<sup>۶</sup> آنها را برای همیشه و تا ابد برقرار فرمود،  
قانونی قرار داد تا تجاوز نکنند.<sup>۷</sup>

۳۱:۳۵-۳۶

<sup>۷</sup> یهوه را از زمین بستایید،  
ای هیولاها دریابی، همه ورطه‌ها،  
<sup>۸</sup> ای آتش و تگرگ، برف و مه،  
باد طوفان، که کلام او را به عمل می‌آورید،  
<sup>۹</sup> ای کوهها و همه تپه‌ها،  
درختان میوه و همه سدرها،  
<sup>۱۰</sup> ای حیوانات وحشی و همه احشام،  
خرندهان و بالداران،  
<sup>۱۱</sup> ای پادشاهان زمین و جمیع قوم‌ها،  
بزرگان و همه داوران زمین،  
<sup>۱۲</sup> پسران و دختران جوان،  
کهنسالان با کودکان.

۱۳:۲ افس

<sup>۱۳</sup> بادا که نام یهوه را بستایند،  
زیرا که عالی است نام او، تنها او،  
جبوت او بر آسمان و زمین مسلط است.  
<sup>۱۴</sup> او قوت<sup>t</sup> قوم خود را رفعت بخشیده:  
این موضوع ستایش است برای جمیع وفاداران او،  
برای بنی اسرائیل، قومی که به او نزدیک می‌شوند.<sup>۱۵</sup>

هلّلویا!

<sup>s</sup> می‌توان این گونه نیز برداشت کرد: «او از آنها تجاوز نخواهد کرد».<sup>t</sup> تحتاللفظی: «شاخ».<sup>۱۶</sup> قرائت عبری: «قومی که به او نزدیک است»؛ ترجمه ما مبتنی است بر قرائت‌های یونانی و ژروم.

## مزمور ۱۴۹

<sup>۱</sup> هلّلویا!

برای یهُوه سروdi تازه بسراييد،  
ستايش او را در جماعت وفاداران.  
<sup>۲</sup> بادا که اسرائيل در «او» که ايشان را ساخته شادي کنند،  
بادا که پسران صهيون در پادشاه خود به وجود آيند!

<sup>۳</sup> نام او را با رقص بستايind،  
برای او دف و بربط بنوازندا!  
<sup>۴</sup> زيرا يهُوه از قوم خود خشنود است،  
فروتنان را به نجات می آراید.

<sup>۵</sup> بادا که وفاداران در جلال شادي کنند،  
بر بسترهاي <sup>۷</sup> خود فرياد شادمانی سر دهنند،  
<sup>۶</sup> مدح خدا بر لبانشان،  
و در دستشان شمشير دودم،  
<sup>۷</sup> برای اجرای انتقام در ميان ملت ها،  
کيفرها در ميان قوم ها،  
<sup>۸</sup> برای بستن پادشاهان با زنجيرها  
و اشرف ايشان با پابندهاي آهنين،  
<sup>۹</sup> برای اجرای داوری مكتوب در حق آنان؛  
اینچنین است افتخار همه وفاداران او.

۲۷:۱۵-۲

هلّلویا!

## مزمور ۱۵۰

<sup>۱</sup> هلّلویا!

خدا را در [مکان] مقدسش بستاييد،  
او را در فلك قوتش بستاييد<sup>W</sup>!

<sup>۷</sup> تصور معمولاً بر اين است که منظور چنین مفاهيمي است: «حتى وقتی بیمارند» یا «حتی به هنگام شب». اما شاید هم منظور استفاده از قالیچه یا حصیری باشد برای نماز (ر.ک. ۵:۴).  
<sup>W</sup> بعضی ترجمه می کنند: «او را در دژ مستحکم فلك او بستاييد».

۲ او را برای کارهای عظیمش بستایید،  
او را بر حسب بزرگی عظمتاش بستایید!

۳ او را با صدای کرنا بستایید،  
او را با چنگ و بربط بستایید،  
۴ او را با دف و رقص بستایید،  
او را با سازهای زهی و نی بستایید،  
۵ او را با سنجهای پر صدا بستایید،  
او را با سنجهای طین دار بستایید!

۶ هر چه نفس می کشد یاه را بستاید!

هلّل یاه!

١٥٥٨